



علوم و فنون مرزی

فصلنامه علمی

فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی، سال یازدهم، شماره دوم (۴۱)، تابستان ۱۴۰۱

شاپا چاپی: ۴۰۹۰-۲۵۳۸
شاپا الکترونیکی: ۴۱۰۱-۲۵۳۸

راه کارهای تثبیت صلح در مرزهای شمال غرب جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بحران قره باغ ۱-۲۶
جواد کیانی، مهدی ذاکریان، حمید احمدی

مقابله با جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت در قلمرو موازین حقوق بین الملل با نگاهی به الزامات پلیس ایران برای تأمین امنیت مرزی ۲۷-۵۰
نجات امیری، پیمان نمایان

آسیب شناسی خدمتی سربازان وظیفه در یگان های مرزبانی ناجا ۵۱-۸۶
مهدی یکتائی، بهمن سهرابی، مهدی کاظمی کلور، محمد میرزایی

بررسی سناریوهای زیست پذیری شهری با رویکرد آینده پژوهی مطالعه موردی: شهر مرزی مهاباد ۸۷-۱۱۶
شادی امینی، حسن احمدزاده، حسن هوشیار، رضا ولیزاده

چرخه توسعه نیافتگی، قاچاق و تشدید امنیت مرزی در استان سیستان و بلوچستان ۱۱۷-۱۵۴
یاشار ذکی، جواد غلامی، محمد یوسفی شاتوری

طراحی الگوی مدیریت امنیت پایدار مرزی در استان اردبیل ۱۵۵-۱۸۸
احد نوروززاده

تحلیلی بر تغییرات ساختار فضایی شهر مرزی خوی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ ۱۸۹-۲۲۸
آرام خضولو، اکبر عبداللّه زاده طرف، آرش ثقفی اصل، محمدرضا پاکدل فرد



دانشکده علوم و فنون مرز
فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی
سال یازدهم، شماره ۲ (۴۱)، تابستان ۱۴۰۱

صاحب‌امتیاز: دانشگاه علوم انتظامی امین - دانشکده علوم و فنون مرز

مدیرمسئول: رضا کاظمی

سر دبیر: دکتر محمد اخباری

جانشین سر دبیر: دکتر روح‌الله سالار

مدیر داخلی: محمد اسدی فرد

مدیر اجرایی: جواد کیانی

کارشناس فصلنامه: محمد ویسیان

ویراستار علمی و ادبی: دکتر محمد نایب پور، محمد ویسیان

ویراستار انگلیسی: علی محمدی در آباد

مجوز انتشار سازمانی: ۱۰/۹۰/۹۰۱۷۱۰۷

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۴۰۹۰ شاپا الکترونیکی: ۲۵۳۸-۴۱۰۱

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: راه فردا

فصلنامه علوم و فنون مرزی طبق مجوز شماره ۳/۲۲۵۲۲۰ مورخ ۱۳۹۱/۱۱/۱۸
کمیسیون بررسی نشریات علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دارای اعتبار علمی
است. شماره مجوز ارشاد ۸۹/۲۲۴۸۷

نشانی: تهران، منطقه ۲۲ شهرداری، انتهای بزرگراه شهید همت، ابتدای بزرگراه شهید خرازی،
بعد از تقاطع غیر هم‌سطح شهید خرازی و آزادگان، دانشگاه علوم انتظامی امین، دانشکده علوم
و فنون مرز، معاونت پژوهش، دفتر فصلنامه

کد پستی: ۱۴۹۸۶۱۹۹۹۱ - صندوق پستی: ۱۴۵۱۵/۱۳۹۷

تلفن: ۴۸۹۳۱۶۸۰ و ۴۸۹۳۱۵۲۴ (۰۲۱) - دورنگار: ۴۸۹۳۱۶۸۰ (۰۲۱)

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

سید علی عبادی نژاد	دانشیار	جغرافیا دانشگاه علوم انتظامی امین
مجتبی مقصودی	دانشیار	علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی
محمد اخباری	دانشیار	جغرافیای سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی
محمد امیر شیخ نوری	استاد	تاریخ و تمدن دانشگاه الزهرا
محمدحسین ذوالفقاری	دانشیار	امنیت داخلی دانشگاه علوم انتظامی امین
سید محمد کاظم سجادی پور	استاد	روابط بین الملل دانشکده روابط بین الملل
محمد نایب پور	دانشیار	تاریخ دانشگاه علوم انتظامی امین

داوران این شماره (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر ناصر بیات	دانشیار جغرافیای دانشگاه علوم انتظامی امین
دکتر قدیر بخشی	استادیار جامعه‌شناسی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی
دکتر رضا پارسای	استادیار علوم سیاسی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی
دکتر زهرا تردست	استادیار جغرافیا دانشگاه اسلامی واحد تهران مرکز
دکتر علیرضا جزینی	دانشیار پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین
دکتر محمد امین خراسانی	استادیار جغرافیا دانشگاه تهران
دکتر ابراهیم داودی	استادیار مدیریت پیشگیری از جرم دانشگاه علوم انتظامی امین
دکتر سید هادی زرقانی	دانشیار جغرافیای دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر اکرم علیمردانی	استادیار مدیریت برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه علوم انتظامی امین
دکتر سیدعلی عبادی نژاد	دانشیار جغرافیا دانشگاه علوم انتظامی امین
دکتر جواد کیانی	استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین
دکتر مجتبی مقصودی	دانشیار علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر حافظ مهدنژاد	استادیار جغرافیای دانشگاه سید جمال الدین اسد آبادی
دکتر احسان یاری	استادیار جغرافیای دانشگاه شیراز

فصلنامه علوم و فنون مرزی در پایگاه‌های زیر نمایه می‌شود

سامانه یکپارچه نشریات ناجا	http://journals.police.ir
پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)	www.isc.gov.ir
بانک اطلاعات نشریات کشور	www.magiran.com
پایگاه مجلات تخصصی نور	www.noormags.ir
پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی	www.sid.ir

راهنمای تدوین مقالات فصلنامه علوم و فنون مرزی

برای جلوگیری از تأخیر در داوری و انتشار به موقع مقاله، لطفاً به این نکات توجه فرمایید

-مقاله باید حاصل کار پژوهشی و علمی باشد و قبلاً در نشریه دیگری - اعم از داخلی یا خارجی - و یا مجموعه مقالات سمینارها و مجامع علمی چاپ نشده و یا هم‌زمان برای نشریه دیگری ارسال نشده باشد.

-مقاله باید دارای ساختار زیر باشد:

مقدمه، مبانی نظری، پیشینه پژوهش، منطقه مورد مطالعه، روش پژوهش، بحث و یافته‌ها، نتیجه‌گیری، سپاس‌گزاری، منابع.

(عنوان مقاله به صورت وسط چین با قلم بی نازنین ۱۳pt. پرننگ)

----- یک سطر فاصله (بی نازنین ۱۳pt. پرننگ) -----

نام و نام خانوادگی نویسنده‌گان، درجه علمی و رشته تخصصی (یا سمت کاری) (بی نازنین ۱۰ pt. پرننگ،

وسط چین)

آدرس پست الکترونیک نویسنده‌گان (Times New Roman 10 pt.)

چکیده

چکیده مقاله با قلم بی نازنین اندازه 10pt. با یک خط فاصله، طول چکیده در مقاله کامل کمتر از ۱۵۰ کلمه و بیشتر از ۳۰۰ کلمه نباشد.

واژه‌های کلیدی: حداقل ۳ و حداکثر ۵ واژه که با ویرگول (،) از هم جدا شده باشند.

مقدمه: شامل (۱) طرح مسئله؛ (۲) اهمیت و ضرورت؛ (۳) اهداف؛ (۴) سؤالات پژوهش باشد.

مبانی نظری: شامل دیدگاه‌های و نظریات ارائه شده درباره موضوع تحقیق می‌باشد.

پیشینه پژوهش: ارائه یافته‌های پژوهشی و تحقیقات صورت گرفته توسط سایر پژوهشگران

روش پژوهش: دربرگیرنده: روش تحقیق و مراحل آن، جامعه آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه و روش تعیین آن، ابزار گردآوری داده‌ها و اعتبارسنجی، معرفی متغیرها و شاخص‌ها، کاربرد روش‌ها و فنون می‌باشد.

محدوده مورد مطالعه: به معرفی قلمرو مکانی و زمانی محدوده مورد مطالعه اشاره می‌شود.

بحث و یافته‌ها: ارائه نتایج دقیق یافته‌های مهم با رعایت اصول علمی و با استفاده از جداول و نمودارهای لازم.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها: شامل آثار و اهمیت یافته‌های پژوهش مقایسه با یافته‌های پژوهش‌های مشابه دیگر با تأکید بر مغایرت‌ها و علل آن، توضیح قابلیت تعمیم‌پذیری و کاربرد علمی یافته‌ها، نتیجه‌گیری و توصیه‌ها و پیشنهادها احتمالی.

۱) واژه‌های خارجی در متن فارسی: در مورد نام‌های خارجی غامض، معادل لاتین آن به صورت پاورقی و با قلم Times New Roman قید نمایید.

۲) جدول‌ها: هر جدول باید دارای شماره و عنوان (توضیح) باشد، که در بالای جدول با قلم بی نازنین پرننگ و اندازه ۱۰ pt. تایپ و به ترتیب از ۱ شماره‌گذاری می‌شود.

۳) شکل‌ها و نمودارها: هر شکل و نمودار (هر دو با عنوان شکل) باید دارای شماره و عنوان (توضیح) باشد که در زیر آن با قلم بی نازنین پرننگ و اندازه ۱۰ pt. تایپ و به ترتیب از ۱ شماره‌گذاری می‌شود.

۴- مراجع:

برای یک نفر: (نظریان، ۱۳۸۷: ۲۲) - (Ruuskanen, 2009: ۴۶)

برای دو نفر: (نظریان و رحیمی، ۱۳۹۲: ۱۲۵) - (Cassidy & Narayan, ۲۰۱۰: ۶۴)

برای سه نفر و بیشتر از: (نظریان و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۵) - (Sheehan et al, ۱۰۹۰: ۲۰۱۳)

همچنین شیوه نگارش مشخصات منابع و مراجع در انتهای مقاله بر اساس حروف الفبا بایستی به صورت نمونه‌های زیر باشد:

کتاب: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان) یا مترجم، (سال انتشار)، عنوان کتاب، تعداد چاپ، محل انتشار، ناشر مربوطه.

۱- نایب پور، محمد و بریری، ماهرخ (۱۳۹۰) روش‌های تحقیق، پایان‌نامه نویسی و مقاله‌نویسی، چاپ اول، تهران: انتشارات روانشناسی و هنر.

۲- پل. دی ویلیامز (۱۳۹۲) درآمدی بر بررسی‌های امنیت، ترجمه علیرضا طیب، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مجله: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان)، (سال انتشار)، عنوان مقاله، نام مجله، سال انتشار، شماره مجله، صفحات مقاله

۱- هاشمی، فاطمه (۱۳۹۰) امنیت پایدار در خلیج فارس: موانع و سازوکارها، فصلنامه ژئوپلیتیک، بهار ۱۳۹۰، سال ۷، شماره ۱، صص ۱۶۷-۱۳۶.

۲- نایب پور، محمد؛ ویسیان، محمد؛ اصغری، آزاد؛ سارانی، سمانه (۱۳۹۲) برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری در استان‌های مرزی با روش SWOT مورد مطالعه: استان کردستان، فصلنامه علوم و فنون مرزی، پاییز ۱۳۹۲، سال ۴، شماره ۳، صص ۳۰-۷.

1-Safari Aliakbari, Masoud. (2013) Relationship between Security and Development of Rural Tourism (Case Study: Kermanshah Province Border Area Avramanat), Journal of Basic and Applied Scientific Research, Vol 3, No1, pp.865-871.

2-Ahmad Shah, Shamim. & Ahmad Wani, Muzafar. (2013) Impact of Conflict on Tourist Flow and Spatial Distribution of Tourists in Kashmir Valley, World Applied Sciences Journal, Vol 31, No 6, pp.1160-1167.

پایان‌نامه: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان)، (سال انتشار)، عنوان اثر، مقطع و رشته تحصیلی
۱- مولودی، جمشید (۱۳۸۸) سنجش کیفیت محیط شهری در شهرهای جدید مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، به راهنمایی مجتبی رفیعیان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.

همایش و سمینارها: نام خانوادگی، نام نویسنده (نویسندگان)، (سال انتشار)، عنوان اثر، دوره و عنوان همایش، محل همایش، صفحات مقاله

۱- سلیقه، محمد؛ اصغری، آزاد؛ ویسیان، محمد (۱۳۸۹) بررسی چالش‌های زیست‌محیطی در راستای توسعه پایدار شهری مطالعه موردی: شهر دهگلان، اولین همایش توسعه شهری پایدار، ۲ آذرماه ۱۳۸۹، دانشگاه تهران، ۱۳-۱.

مقالات برگرفته از پایان‌نامه و رساله دانشجویان بانام استاد راهنما، مشاوران و دانشجو به صورت توأم و با مسئولیت استاد راهنما منتشر می‌شود.

ارسال مقالات صرفاً از طریق پایگاه اینترنتی <http://bst.jrl.police.ir> انجام می‌پذیرد.

منشور و موازین اخلاق انتشاراتی مجلات علمی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران

این منشور یا تعهدنامه ای است که برخی حدود اخلاقی و مسئولیتهای مربوط به انجام فعالیت‌های علمی پژوهشی و چاپ آن در مجلات ناجا را ترسیم می‌کند تا از بروز تخلفات پژوهشی آگاهانه یا ناآگاهانه توسط نویسندگان مقالات پیشگیری نماید.

این منشور بر گرفته از «منشور و موازین اخلاق پژوهش» مصوب معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری ایران، موازین انتشاراتی پذیرفته شده بین المللی و تجربیات موجود در مجلات علمی ناجا و برخی از مجلات علمی پژوهشی دیگر است.

مقدمه

نویسنده‌گان، داوران، هیئت تحریریه و سردبیر مجله موظف هستند تمام اصول اخلاق پژوهشی و مسئولیت‌های مرتبط در زمینه چاپ را دانسته و به آن متعهد باشد. ارسال مقاله توسط نویسنده‌گان، داوری مقاله توسط داوران و تصمیم‌گیری در مورد قبول یا رد مقاله توسط هیئت تحریریه و سردبیر، به منزله دانستن و تبعیت از این حقوق است و در صورت احراز عدم پایبندی نویسنده و نویسندگان به این اصول، مجله هرگونه اقدام قانونی را حق خود می‌داند. منشور و موازین اخلاق پژوهش مصوب معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، بایستی راهنمای نویسندگان و دست‌اندرکاران داوری و انتشار نشریات باشد.

وظایف و تعهدات نویسندگان

مقالات ارسالی باید در زمینه تخصصی مجله بوده و به صورت علمی و منسجم، مطابق استاندارد مجله آماده شده باشد.

مقالات ارائه شده بایستی پژوهش اصیل نویسنده (نویسندگان) ارائه‌کننده مقاله باشد و هرگونه استفاده از تحقیقات سایر افراد با ذکر منبع در مقاله آورده شود. پژوهش باید با دقت و عینی انجام شود و داده‌ها به صورت صحیح گزارش شده باشد.

مسئولیت صحت و دقت محتوای مقالات بر عهده نویسندگان است و نویسندگان موظف هستند از صحت و دقت محتوای مقالات اطمینان حاصل کنند. چاپ مقاله به معنی تأیید مطالب آن توسط مجله نیست.

نویسنده (نویسندگان) حق ارسال مجدد یک مقاله را ندارند. به عبارت دیگر، مقاله یا بخشی از آن نباید در هیچ مجله دیگری در داخل یا خارج از کشور چاپ شده یا در جریان داوری و چاپ باشد.

نویسنده (نویسندگان) مجاز به انتشار همپوشان نیستند. منظور از انتشار همپوشان، چاپ داده‌ها و یافته‌های مقالات پیشین خود با کمی تغییر در مقاله‌ای به عنوان جدید است.

نویسنده (نویسندگان) موظف است در صورت نیاز به استفاده از مطالب دیگران، آنها را با ارجاع‌دهی دقیق و در صورت نیاز پس از کسب اجازه کتبی و صریح، از منابع مورد نیاز استفاده نماید. هنگامی که عین نوشته‌های پژوهشگر دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد، باید از روش‌ها و علائم نقل قول مستقیم، نظیر گذاشتن آن داخل گیومه («»)، استفاده شود.

نویسنده مسئول مقاله می‌بایست نسبت به وجود نام و اطلاعات تمامی نویسندگان و عدم وجود نامی غیر از پژوهشگران درگیر در انجام پژوهش و تهیه مقاله اطمینان حاصل کند. به عبارت دیگر بایستی از اضافه کردن «مولف افتخاری» و حذف «مولف واقعی» خودداری شود.

نویسنده مسئول مقاله موظف است از اینکه همه نویسندگان مقاله، آنرا مطالعه و نسبت به ارائه آن و جایگاه خود در مقاله به توافق رسیده اند، اطمینان حاصل کند.

ارسال مقاله به منزله آن است که نویسندگان رضایت کلیه پشتیبان های مالی یا مکانی مقاله را جلب کرده و تمامی پشتیبان های مالی یا مکانی مقاله را معرفی نموده‌اند.

نویسنده (نویسندگان) موظفند در هر زمانی که متوجه هر گونه خطا و بی دقتی در مقاله خود شدند مجله را در جریان آن قرار داده، نسبت به اصلاح آن اقدام و یا مقاله را بازپس گیرد.

هر گونه خطراتی که به واسطه تحقیق، متوجه انسان ها و یا محیط زیست می شود، بایستی به صورت شفاف در مقاله ذکر شده باشد.

رفتار غیراخلاقی انتشاراتی و پژوهشی

اگر در هر یک از مراحل ارسال، داوری، ویرایش، یا چاپ مقاله در مجلات ناچا، یا پس از آن، از وقوع یکی از موارد ذیل اطمینان حاصل شود، رفتار غیراخلاقی انتشاراتی و پژوهشی محسوب می شود و مجله حق برخورد قانونی با آن را دارد.

جعل داده‌ها: عبارت است از گزارش مطالب غیر واقعی و ارائه داده ها یا نتیجه های ساختگی به عنوان نتایج آزمایشگاهی، مطالعات تجربی و یا یافته های شخصی. ثبت غیرواقعی آنچه روی نداده است یا جابجایی نتایج مطالعات مختلف مثالهایی از این تخلف است.

تحریف داده ها: عبارت است از ثبت و ارائه نتایج پژوهش به نحوی که جزئیات اجرای پژوهش یا فرایند جمع اوری داده‌ها دستکاری شود، یا داده هایی حذف یا تغییر یابد، یا برخی نتایج کوچک به منظور پنهان کردن واقعیات بزرگتر بزرگنمایی شود تا نتایج پژوهش در راستای اهداف خاص دنبال گردد یا نتایج ارائه شده مورد تردید قرار نگیرد.

سرقت علمی: شامل اقتباس نزدیک افکار و عبارات نویسندگان دیگر، کپی برداری در بیان اندیشه ها، شباهت های ساختاری در نوشتار یا انتساب ایده ها و نتایج دیگران بدون ارجاع مناسب، یا معرفی آن به عنوان یک پژوهش اصیل علمی است.

اجاره علمی: منظور آن است که نویسنده (نویسندگان) فرد دیگری را برای انجام پژوهش به کار گیرد و پس از پایان پژوهش، با دخل و تصرف اندکی آن را به نام خود به چاپ رساند.

انتساب غیر واقعی: منظور انتساب غیر واقعی نویسنده (نویسندگان) به موسسه، مرکز یا گروه آموزشی یا پژوهشی است که نقشی در اصل پژوهش مربوطه نداشته‌اند.

ارسال مجدد یک مقاله، انتشار همپوشان، اضافه کردن «مولف افتخاری» یا حذف «مولف واقعی»

مشاهده موارد غیر اخلاقی

مجلات علمی ناجا حق خود در توقف مراحل داوری قبل از چاپ و یا حذف مقاله بعد از آن را در صورت مشاهده موارد غیر اخلاقی، محفوظ می‌داند. این موارد بعد از بررسی در هیأت تحریریه به مولفین اعلام و بر اساس آنها اقدام لازم انجام خواهد شد.

صفحه	عنوان
۱-۲۶	راه کارهای تثبیت صلح در مرزهای شمال غرب جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بحران قره باغ جواد کیانی، مهدی ذاکریان، حمید احمدی
۲۷-۵۰	مقابله با جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت در قلمرو موازین حقوق بین الملل با نگاهی به الزامات پلیس ایران برای تأمین امنیت مرزی نجات امیری، پیمان نمایان
۵۱-۸۶	آسیب شناسی خدمتی سربازان وظیفه در یگان های مرزبانی ناجا مهدی یکتائی، بهمن سهرابی، مهدی کاظمی کلور، محمد میرزایی
۸۷-۱۱۶	بررسی سناریوهای زیست پذیری شهری با رویکرد آینده پژوهی مطالعه موردی: شهر مرزی مهلباد شادی امینی، حسن احمدزاده، حسن هوشیار، رضا ولیزاده
۱۱۷-۱۵۴	چرخه توسعه نیافتگی، قاچاق و تشدید امنیت مرزی در استان سیستان و بلوچستان یاشار ذکی، جواد غلامی، محمد یوسفی شاتوری
۱۵۵-۱۸۸	طراحی الگوی مدیریت امنیت پایدار مرزی در استان اردبیل احد نوروززاده
۱۸۹-۲۲۸	تحلیلی بر تغییرات ساختار فضایی شهر مرزی خوی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ آرام خضولو، اکبر عبدالله زاده طرف، آرش ثقفی اصل، محمدرضا پاکدل فرد

Peace Stabilization Solutions in the Northwestern Borders of the Islamic Republic of Iran with an Emphasis on the Karabakh Crisis

Javad Kiani, PhD student in International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research branch, IslamicAzad University, Tehran, Iran.

Mahdi Zakerian¹, Associate Professor, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Hamid Ahmadi, Professor, Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran.

Received: 18, June, 2022

Accepted: 20, August, 2022

Abstract

One of the influential components in the international system and relations between political units is having peace and respecting territorial integrity on the part of these units. The borders of any country are the first areas that are invaded and attacked in case of violation of the territorial integrity of that country, which causes instability and insecurity for the residents of these areas. Keeping this issue in mind, the present study seeks to provide the necessary solutions to stabilize peace in the northwestern borders of Iran, emphasizing the Nagorno-Karabakh crisis. In terms of its objectives the current research is of an applied research type and qualitative in nature. The data of the research has been collected in the way of interviews with elites who are familiar with the subject of the research. The statistical population is 30 people, which was selected based on the theoretical saturation approach. The obtained findings have been analyzed using single-level thematic analysis and coding technique. In this research, after conducting the interview, implementing and coding the themes, three macro and strategic solutions as the general dimensions of the research were extracted as the most important research solutions in the form of the propositions, including the adoption of active diplomacy by the country's diplomatic system, the creation of dependent economic platforms and the use of scientific, cultural and ethnic capacities in the countries adjacent to the northwestern borders of the country. The obtained results showed that in order to prevent the spread of the security consequences of the Nagorno-Karabakh crisis to the border regions of Iran, as well as to establish peace and create sustainable security in the international borders of northwestern Iran, there is a need for written planning in the form of active diplomacy with the coordinated support of military power, the expansion and promotion of scientific relations, cultural and ethnic through public policies on both sides of the border, as well as creating dependent economic platforms among the neighboring countries in the northwestern borders of Iran, on behalf of the policy-makers and the country's officials, in order to witness stable peace and security in the borders of the studied area.

Key words: Peace, Security, Northwest borders, Iran, Karabakh crisis.

¹- Corresponding Author (m_zakerian@srbiau.ac.ir). Copyright © 2022 Journal of Border Science and Technology. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution- noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

راه کارهای تثبیت صلح در مرزهای شمال غرب جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر بحران قره باغ

جواد کیانی - دانشجوی دکتری رشته روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه

آزاد اسلامی، تهران، ایران^۱

مهدی ذاکریان - دانشیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات،

دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران^۲

حمید احمدی - استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

چکیده

یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار در نظام بین الملل و روابط بین واحدهای سیاسی داشتن صلح و احترام به تمامیت ارضی از طرف این واحدها می باشد. مرزهای هر کشور اولین مناطقی هستند که در صورت نقض تمامیت ارضی آن کشور مورد تجاوز و تعرض قرار گرفته و باعث بی ثباتی و ناامنی برای ساکنین این مناطق می شود. با در نظر داشتن این موضوع، پژوهش حاضر به دنبال ارائه راهکارهای لازم برای تثبیت صلح در مرزهای شمال غرب ایران با تأکید بر بحران قره باغ است. پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و ماهیت آن از نوع کیفی است. داده‌های پژوهش به شیوه مصاحبه با نخبگان مسلط با موضوع پژوهش انجام گرفته است. جامعه آماری به تعداد ۳۰ نفر می باشد که بر اساس رویکرد اشباع نظری و به صورت هدفمند انتخاب شده است. یافته‌های به دست آمده با استفاده از تحلیل مضمون تک سطحی و با تکنیک کدگذاری مورد تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش بعد از انجام مصاحبه، پیاده سازی و کدگذاری مضامین، سه راهکار کلان و راهبردی به عنوان ابعاد کلی پژوهش در قالب گزاره‌های؛ اتخاذ دیپلماسی فعال از طرف دستگاه دیپلماسی کشور، ایجاد بسترهای اقتصادی وابسته و استفاده از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و قومی در کشورهای مجاور مرزهای شمال غرب کشور به عنوان مهم ترین راهکارهای پژوهش استخراج گردید. نتایج به دست آمده نشان داد برای پیشگیری از سرایت تبعات امنیتی بحران قره باغ به مناطق مرزی ایران و همچنین برقراری صلح و ایجاد امنیت پایدار در مرزهای بین المللی شمال غرب ایران، نیاز است برنامه ریزی مدونی در قالب دیپلماسی فعال با پشتیبانی هماهنگ قدرت نظامی، گسترش و ارتقاء روابط علمی، فرهنگی و قومی از طریق سیاست گذاری عمومی در دو سوی مرز و همچنین ایجاد بسترهای اقتصادی وابسته در بین کشورهای هم جوار در مرزهای شمال غرب ایران، از طرف سیاست گذران و مسئولین کشور صورت پذیرد تا شاهد صلح و امنیت پایدار در مرزهای محدوده مورد مطالعه باشیم.

واژگان کلیدی: صلح، امنیت، مرزهای شمال غرب، ایران، بحران قره باغ.

۱. آدرس ایمیل: (kiani.javad2014@gmail.com)

۲. آدرس ایمیل (نویسنده مسئول): (m_zakerian@srbiau.ac.ir)

۳. آدرس ایمیل (Hahmadi@ut.ac.ir)

مقدمه

یکی از مفاهیم با اهمیت، پیچیده و جدید در دنیای امروز و در بسیاری از مباحث سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موضوع و مفهوم امنیت است (کمانگر و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۸). امروزه با گسترده و پیچیده شدن جوامع، موضوع امنیت ابعاد گسترده و پیچیده‌ای به خود گرفته است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۵: ۵۶). مهم‌ترین نیاز جامعه، تأمین امنیت آن‌ها توسط دولت‌ها است (جلالیان و یسیان، ۱۳۹۷: ۱۲۸). یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی که در مناطق مرزی پیش روی مسئولان امور قرار دارد مسئله امنیت مناطق مرزی است. مسئله حفظ و گسترش امنیت مناطق مرزی، به ویژه در کشورهایی که دارای مرز مشترک طولانی با همسایگان خود هستند همواره مورد توجه و حساسیت مسئولان امور بوده است (نظافتی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۴). با نگاهی ژئوپلیتیکی به مسائل مرزی، مشخص می‌شود هر اقدامی در مناطق مرزی ارتباط مستقیمی به حوزه نفوذ آن‌سوی مرز دارند. توسعه مناطق مرزی به‌عنوان مناطقی که حدود قانونی و قلمرو قدرت کشورها را مشخص می‌سازد از اهمیت بالایی برخوردار است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵).

از آنجایی که مرزها به‌عنوان آخرین حد قلمرو یک دولت و کشور محسوب می‌شود، معمولاً تحت تأثیر تحولات دو سوی مرز قرار می‌گیرند از این‌رو مرزها معمولاً خط مقدم تحولات و تغییرات ایجادشده یا در حال تحول کشورهای مقابل می‌باشند. چنانچه اگر در آن‌سوی مرزها، کشورهای مجاور از بی‌ثباتی، هرج و مرج و وضعیت اقتصادی نامناسب و یا هرگونه بحران برخوردار باشند تأثیر آن متعاقباً به این‌سوی مرز نیز سرایت می‌کنند. با توجه به این موضوع، یکی از تحولاتی که طی سال‌های گذشته در منطقه قفقاز جنوبی و در مجاورت مرزهای بین‌المللی شمال غرب ایران باعث ایجاد تنش و امنیتی شدن نوار مرز شمال غرب ایران شده است، بحران قره‌باغ بین کشورهای جمهوری آذربایجان و جمهوری ارمنستان بوده است. تحولاتی که با دخالت کشورهای منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای باعث سلب صلح و ثبات و به وجود آمدن فجایعی انسانی بسیاری در منطقه قره‌باغ کوهستانی شد. همان‌طور که گفته شد قرار گرفتن بحران قره‌باغ در مجاورت مرزهای بین‌المللی ایران باعث امنیتی شدن مرزهای شمال غرب کشور گردیده و امنیت ساکنین این مناطق را در مقاطع مختلف با چالش‌هایی روبرو ساخته است در این‌بین خساراتی که در جنگ دوم

قره‌باغ متوجه مرزنشینان جمهوری اسلامی ایران گردید، نشان از نقض تمامیت ارضی و بی‌احترامی به مرزهای بین‌المللی ایران بود. جمهوری آذربایجان با حمایت‌های کشور ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ که در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ میلادی رخ داد، بر ارتش ارمنستان غلبه کرد و اراضی را که بین سال‌های ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ از دست داده بود، پس گرفت. این کشور در پی پیروزی در این جنگ ادعاهایی را در خصوص کریدور زنگه‌زور واقع در جنوب ارمنستان که به طول ۴۸ کیلومتر می‌باشد، مطرح کرد که این موضوع با توجه به موقعیت ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک کریدور زنگه‌زور برای جمهوری اسلامی ایران با عکس‌العمل این کشور مواجه شد که در قالب انجام رزمایش نظامی با عنوان فاتحان خیبر در مرزهای شمال غرب کشور هرگونه تغییر ژئوپلیتیکی در این مناطق را غیرقابل قبول دانست. با در نظر داشتن تحولات صورت گرفته در دو سوی مرزهای شمال غرب کشور در آن مقطع تاریخی، صلح و ثبات در این مناطق می‌رفت تا با چالش‌هایی امنیتی شدیدی بین کشورهای جمهوری اسلامی ایران، جمهور آذربایجان و ترکیه شود که با خویشتن‌داری طرفین و همچنین کوتاه آمدن آذربایجان از ادعای خود البته به صورت فعلی، امنیت نسبی در این مناطق حاکم گردد. با در نظر داشتن این موضوع و با توجه به اینکه داشتن صلح و امنیت در مرزهای بین‌المللی یکی از دغدغه‌های مهم مسئولان کشوری و لشگری می‌باشد، لذا پرداختن به این موضوع که بحران قره‌باغ به عنوان یک بحران پیوسته بوده که هنوز هم به طور کامل مرتفع نگردیده است و احتمال شعله‌ور شدن جنگ در مجاورت مرزهای بین‌المللی شمال غرب کشور در آینده، مخصوصاً بر سر کریدور زنگه‌زور وجود دارد، به اهمیت پرداختن به این موضوع می‌افزاید و نیاز است تدابیر لازم برای تثبیت صلح و امنیت پایدار در مرزهای بین‌المللی شمال غرب کشور اندیشیده شود. این پژوهش با درک این موضوع به دنبال پاسخ به این سؤال است که راهکارهای لازم برای تثبیت صلح و ایجاد امنیت پایدار در مرزهای بین‌المللی شمال غرب کشور کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

خاقانی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان «موفقیت یا عدم موفقیت شورای امنیت سازمان ملل متحد در حل مناقشات سرزمینی با نگاهی بر مناقشه قره‌باغ» به این موضوع پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که با توجه به خلاصه شدن تلاش‌های

شورای امنیت سازمان ملل، در راستای حل مناقشات سرزمینی در منطقه قره‌باغ در صدور ۱ قطعنامه و محول ساختن ادامه پیگیری‌ها و مذاکرات به سازمان‌های منطقه‌ای از جمله سازمان امنیت و همکاری اروپا (گروه مینسک)، و تداوم و تشدید بحران از سال ۱۹۹۴ تا کنون و ایجاد جنگ‌های پیاپی، تلاش‌های شورای امنیت سازمان ملل و گروه مینسک در حل مناقشه قره‌باغ موفقیت‌آمیز نبوده است. سلطانی و همکاران (۱۳۹۹) در تحقیقی تحت عنوان «ارزیابی ارتقاء روابط جمهوری آذربایجان و ناتو تأثیرات آن بر ناامنی مرزهای ایران (مطالعه موردی: ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۰)» به این موضوع پرداخته‌اند. در این پژوهش به اعتقاد نویسندگان از جمله مهم‌ترین نفوذهای ناتو در آسیای مرکزی، کشور جمهوری آذربایجان بوده است که با توجه به اختلافات فرهنگی-سیاسی و ایدئولوژیکی میان ایران و جمهوری آذربایجان، افزایش نفوذ ناتو در این کشور تهدیدهای امنیت ملی ایران را دوچندان خواهد کرد. نتایج تحقیق نشان داد در بعد امنیت ملی، نفوذهای ناتو در جمهوری آذربایجان پیامدهای امنیتی - نظامی، ژئوکالچر و ژئواستراتژیک را برای جمهوری اسلامی ایران در پی خواهد داشت. جعفری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان «ارزیابی عملکرد سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا در قبال مناقشه قره‌باغ» به موضوع فوق پرداخته‌اند. نویسندگان در این پژوهش معتقدند که بحران قره‌باغ یکی از برجسته‌ترین بحران‌های امنیتی قرن حاضر در حوزه قفقاز می‌باشد که توجه بسیاری از محققین امنیت و هم‌چنین رهبران کشورهای منطقه و فرا منطقه را به خود جلب نموده است و اگرچه تلاش‌های زیادی برای حل آن صورت پذیرفته است اما این بحران همچنان به‌عنوان یکی از معضلات امنیتی قرن بیست‌ویک باقی مانده است. از تلاش‌های اساسی صورت پذیرفته در رابطه با مسئله قره‌باغ ورود سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است که در این زمینه نقش سازمان امنیت و همکاری اروپا و سازمان ملل متحد قابل توجه است. سازمان ملل متحد و هم‌چنین سازمان امنیت و همکاری اروپا طرح‌ها و برنامه‌های مختلفی را برای حل و فصل مسئله قره‌باغ به کار برده‌اند اما با وجود این هیچ‌یک از این طرح‌ها نتوانسته است زمینه را برای ایجاد صلح و امنیت در این منطقه فراهم سازد. نادری و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان «دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی» به موضوع فوق پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از این تحقیق نشان می‌دهد؛ موقعیت پیش آمده

از فروپاشی در قفقاز برای جمهوری اسلامی ایران، در کنار ایجاد فرصت‌های نوین، تهدیدات و چالش‌هایی را نیز پیش روی آن قرار داده است. حضور دولت‌هایی چون آمریکا، ترکیه و روسیه بانگیزه‌های مختلف و رقابت‌ها و همکاری‌هایی که میان مجموعه دولت‌هایی درگیر در منطقه جریان دارد، به بازی بزرگی تعبیر می‌شود که در سده نوزدهم میان روسیه، عثمانی، بریتانیا و ایران به وقوع پیوسته است. همچنین به جنگ قره‌باغ و بحران اوستیای جنوبی و آبخازیا در منطقه می‌توان اشاره کرد و علاوه بر آن می‌توان به مسئله رژیم حقوقی دریای خزر و فرایند نظامی شدن خزر توسط آذربایجان اشاره نمود. تنش‌زدایی و اعتمادسازی، ائتلاف دو چندجانبه منطقه‌ای و مشارکت در امنیت و ثبات سازی منطقه‌ای، مؤلفه‌های کلیدی دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز است. ریسز (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان (جنگ در ناگورنو قره‌باغ یک استراتژی دوجانبه برای اتحادیه اروپا) به این نتیجه رسیده است که اتحادیه اروپا با اتخاذ استراتژی دوجانبه میانجیگری بین ایروان و باکو هم‌زمان مذاکره با کشور ترکیه را که آذربایجان را در این بحران حمایت می‌کند، می‌تواند به حل و فصل این بحران کمک کند. نویسنده معتقد است از بین کشورهای اروپایی فرانسه و آلمان با توجه به شرایط ارتباطی که از طریق شرکت‌های داخلی و خارجی خود در اروپا و سایر کشورهای دنیا دارد که در این بین کشورهای مورد مناقشه نیز به دلیل نیازهای اقتصادی از این اصل مستثنی نیستند، می‌تواند نقش پررنگی را در ایجاد صلح در منطقه قره‌باغ داشته باشند. ولت و بوون (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان «آذربایجان و ارمنستان: مناقشه ناگورنو-قره‌باغ» به این موضوع پرداختند که در تحلیل این موضوع اشاره شده است که عواقب محلی و منطقه‌ای جنگ پاییز ۲۰۲۰ همچنان ادامه دارد. بسیاری از آرامنه تازه آواره شده‌اند، از جمله بسیاری از آن‌ها مجبور به بازگشت هستند اما مطمئن نیستند که آیا می‌توانند با خیال راحت این کار را انجام دهند. در آذربایجان، دولت در حال بررسی بازگشت صدها هزار نفر از آذربایجانی‌ها در دهه ۱۹۹۰ از منطقه درگیری آواره شدند. با این حال جنگ، وضعیت سیاسی قره‌باغ کوهستانی را حل نکرد و چارچوب طولانی‌مدت حل اختلافات گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا را از بین برد. این جنگ منجر به آشفته‌گی سیاسی در ارمنستان شده و موجب تقویت دولت آذربایجان گردیده و نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای

مثل روسیه و ترکیه را در این منطقه افزایش داده است. امین و فاتح (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «روابط ایران با آذربایجان و ارمنستان رویکردی تطبیقی به سیاست‌های عمل‌گرایانه» به این موضوع پرداختند که نتایج به‌دست آمده نشان داده است که رویکرد ایران در یک دهه گذشته در روابط خود با جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر مبنای عمل‌گرایی بوده و مسائلی نظیر اشتراکات قومی و دینی با آذربایجان در اتخاذ سیاست‌های همسو با ارمنستان تأثیر زیادی نداشته است. تأمین منافع ملی و تأمین امنیت در برقراری ارتباط با ارمنستان از رویکردهای عمل‌گرایی بوده است که ایران در دهه‌های گذشته در ارتباط با این دو کشور اتخاذ کرده است. گرایش‌ها غربی در جمهوری آذربایجان و ایجاد ارتباط قوی با کشور اسرائیل از دغدغه‌ها و نگرانی‌های ایران با جمهوری آذربایجان در یک دهه اخیر بوده است که این موضوع را می‌توان به‌عنوان مباحث و اگرایی در رابطه این دو کشور مورد تبیین و تحلیل قرارداد. بیونیس (۲۰۲۲) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی چندبعدی از جنگ دوم قره‌باغ» به این موضوع پرداخته است. این مقاله حاوی ارزیابی آخرین جنگ در قفقاز جنوبی است که از آن به‌عنوان جنگ دوم قره‌باغ کوهستانی یاد می‌کند. نویسنده در این مقاله به ارزیابی ظرفیت‌های نظامی ایجادشده قبل از تشدید عمده این جنگ ویژگی‌های عملیاتی شناسایی شده در طول درگیری متمرکز شده است. در این ارزیابی از اطلاعات دسته‌بندی و تحلیلی پردازش شده‌ای که بازیگران مستقل در طول چرخه‌های تصمیم‌گیری و اجرای عملیات‌های نظامی اتخاذ کردند، استفاده شده است. از مهم‌ترین ابعاد مورد تحلیل در رابطه با این جنگ ابعاد استراتژیکی و نظامی آن است. یافته‌های کلیدی این مقاله نشان می‌دهد علاوه بر ابعاد فوق‌الذکر، می‌توان از ابعاد دیگری نیز در این تحقیق که در مورد شرایط پیچیده جنگ وجود دارد، استفاده کرد که ممکن است حتی در خارج از قفقاز جنوبی نیز تأثیر مستمری داشته باشد. بررسی ابتکارات در بعد استراتژیکی نشان می‌دهد که ایجاد دو بخش سیاست امنیتی رقبا در جنوب قفقاز یک عامل تأثیرگذار بود. ارزیابی ابعاد نظامی این جنگ، شناختی را در مورد تاکتیک‌های انتخاب‌شده هر دو طرف را ارائه کرد. این ارزیابی تفاوت‌های قابل توجهی را در نحوه اجرای کمپین در هر دو طرف نشان داد. انتظار می‌رود تنش‌های پیچیده‌تر در منطقه وجود داشته باشد، زیرا تصمیم‌های سیاسی ملی منجر به انتخاب‌های استراتژیکی و توسعه قابلیت‌های نظامی خواهد شد. با توجه به این

واقعیت که هر دو کشور از توافق صلح مبتنی بر اجماع کوتاهی کردند و روسیه نیروهای حافظ صلح را اعزام کرد، باید انتظار تحولات بیشتر در ابعاد سیاسی و استراتژیک را داشت.

پژوهش‌های صورت گرفته، به زمینه‌های مختلف؛ شکل‌گیری بحران قره‌باغ، کشورها و سازمان‌های تأثیرگذار در طولانی شدن این بحران و یا مسائل سیاسی مرتبط با این بحران پرداخته‌اند. در تحقیقات انجام گرفته به تأثیر جنگ دوم قره‌باغ (پاییز ۱۳۹۹) بر صلح و امنیت کشورهای قفقاز جنوبی یا جمهوری اسلامی ایران که می‌توانست باعث شکل‌گیری بحران جدیدی شود، اشاره نشده است. در این تحقیق با پیش‌بینی این موضوع که بحران قره‌باغ در قفقاز جنوبی، آستان تحولات دیگری در آینده‌نه‌چندان دور خواهد شد، می‌توان با مدنظر قرار دادن راهکارهای ارائه شده در این پژوهش به تثبیت صلح و امنیت پایدار در مرزهای بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در مصون ماندن از تبعات امنیتی تحولات پیش رو کمک کرد.

مبانی نظری

آرمان وحدت منطقه‌ای از دیرباز الهام‌بخش ایده‌آلیست‌ها و جنبش‌های فکری وابسته به آن بوده است. از روزگاران قدیم فلاسفه با تکیه بر نظریه‌های اجتماعی منبعث از قانون طبیعت و تعلیمات مذهبی تشکیل جوامع بزرگ را برای نیل به وحدت نوع بشری ضروری می‌دانستند. افلاطون، طبیعت ناتوان انسان را موجد تشکیل جامعه، به‌منظور همکاری و رفع نیازهای بشری تلقی می‌کرد. ابن‌خلدون نیز معتقد بود، که بدون همکاری و همبستگی و تعاون، بقای جامعه امکان‌پذیر نخواهد بود. یعنی بشر محکوم به همیاری در جامعه است. این اندیشمند انگیزه‌گرایش انسان به اجتماع را بعد از تأمین نیازهای اولیه مادی، نیاز به امنیت و مصون بودن از آسیب و خطرات و تهدیدات محیط و سلطه‌گران می‌داند. ژان ژاک روسو^۱ در رساله قرارداد اجتماعی خود، اندیشه خیر مشترک را برای افراد جامعه مطرح می‌کند که جهت نیل به آن، همگان باید در کنار یکدیگر و باهم تلاش کنند (کاظمی، ۱۳۹۳: ۲۹). در فلسفه سیاسی معاصر نیز طیف وسیعی از این نظریه‌پردازان قرار گرفته‌اند که در مباحث بعدی به این نظریات اشاره می‌شود. طبق این نظریه دولت‌ها داوطلبانه و خودخواسته بخشی

از اقتدار خود را، در جهت رسیدن به اهداف مشترک و منافع بهتر، به یک نهاد فوق ملی واگذار می کنند. در واقع یکی از اهداف محوری در مطالعات بین المللی، تشخیص و تحلیل نیروهایی است که در ایجاد تفاهم، همبستگی وحدت ملت ها و جوامع سیاسی به ایفای نقش می پردازند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۹).

ارنست هاس^۱ همگرایی را چنین تعریف می کند: «فرآیندی که به وسیله آن رهبران سیاسی چند کشور مختلف متقاعد می شوند که وفاداری، انتظارات و فعالیت های سیاسی آن ها به سمت مرکز جدیدی که در نهادهايش دارای اقتدار قانونی یا خواهان اختیارات قانونی دولت ملت ها باشد سوق دهند» (سیف زاده، ۱۳۸۸: ۱۹۲). همگرایی ممکن است هم به صورت یک فرایند و هم به صورت یک هدف مورد مطالعه قرار گیرد. به عنوان یک فرایند، حرکتی است در راستای افزایش همکاری میان دولت ها و انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فوق ملی. همچنین به عنوان یک هدف اقدامی است، در راستای همگون سازی تدریجی ارزش ها و در نهایت ظهور یک جامعه مدنی جهانی. البته اگر همگرایی از طریق زور و اجبار باشد، جنبه امپریالیستی پیدا می کند، بنابراین همگرایی باید با خواست و اراده دولت ها باشد. بدین ترتیب همگرایی میان دولت ها، یک نوع پیکربندی جمعی از لحاظ تصمیم گیری را به وجود می آورد، که ما با روابط فرا دولتی سروکار داریم تا میان دولتی، طبق این اجتماع ایجاد شده، خود را برای توزیع کالاها و خدمات میان واحدهای متشکله مسئول می داند (قوام، ۱۴۰۰: ۴۳). برخی همگرایی را دارای دو بعد مثبت و منفی می دانند، به گونه ای که همگرایی منفی، به سیاست های رفع تبعیض و عوارض گمرکی و همگرایی مثبت به تدوین و اجرای سیاست های هماهنگ مربوط می شود. در جنبه مثبت کشورهای که تولید داخلی ضعیفی دارند بیشتر متضرر می شوند تا کشورهایی که دارای اقتصاد قوی و پیشرفته هستند. رابرت کوهین و جوزف نای^۲ طی مقاله ای در سال ۱۹۷۵ مفهوم وابستگی متقابل بین المللی و همگرایی را بسط دادند (کیانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۰ به نقل از عسگرخانی، ۱۳۸۱: ۱۸۸).

1. Ernest hass

2. Rabert kohen & zhofez nai

از لحاظ سطح تحلیل سه سطح را می‌بایست برای مطالعات همگرایی در روابط بین‌الملل در نظر گرفت.

سطح اول: همگرایی در سطح نظام، که اشاره به فرایندی دارد که طی آن دولت‌ها بخشی از اقتدار و قدرت تصمیم‌گیری خود را به نهادهای فوق ملی در مقیاس جهانی انتقال می‌دهند، که باعث بالا بردن کارایی تصمیم‌گیری بر پایه رفتارهای جمعی می‌شود. برای مثال می‌توان سازمان ملل را در این سطح قرارداد؛

سطح دوم: سطح همگرایی منطقه‌ای است که به موجب آن، تعدادی از دولت‌هایی که در مجاورت با یکدیگر قرار دارند گرد هم آمده و یک اتحادیه سیاسی و اقتصادی فدرال را مانند اتحادیه اروپا به وجود می‌آورند؛

سطح سوم: ویژگی‌های ساختاری دولت‌ها بستگی دارد. هر چه واحدهای سیاسی از درجه بالای توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... برخوردار باشد، بر میزان همگرایی آن‌ها افزوده می‌شود (دوئرتی و فالترز گراف، ۱۳۹۰: ۴۵-۴۴). اندیشمندان پیرامون نحوه جابجایی و سپردن نهادهای تصمیم‌گیری مستقل دولتی به یک نهاد منطقه‌ای و فراملی اختلاف نظر دارند. این تفاوت دیدگاه‌ها شامل دو مفهومی است که از همگرایی برداشت می‌شود، چراکه بعضی از اندیشمندان به همگرایی به عنوان یک فرایند می‌نگرند و برخی آن را یک وضعیت تلقی می‌کنند. ولی با وجود چنین اختلافاتی، اکثر کارشناسان بر این مسئله اشتراک نظر دارند که همگرایی را می‌توان فرایندی تلقی نمود که واحدهای سیاسی جدا و مستقل از یکدیگر به طور داوطلبانه، در مراحل اولیه بخشی از اقتدار خود و در نهایت از تمام اقتدار خود در جهت رسیدن به هدف‌های مشترک و کسب منافع، صرف نظر می‌کنند، تا از یک نهاد فوق ملی و منطقه‌ای پیروی نمایند. ارنست هاس همگرایی را یک فراگرد می‌داند که حول محور آن بازیگران سیاسی و دولت‌های مستقل هر کشوری به این درک می‌رسند که منافع آن‌ها در وحدت و تأسیس مرکز جدیدی است که جایگزین دولت‌های ملی شود (Reinicke, 1994: 16). بنابراین همگرایی متغیری وابسته است که از طریق مجموعه‌ای از علل و شرایط به وجود می‌آید و کشورها را از حالت خودمحوری (دولت‌محوری) به حالت تجمل‌گرایی (نهادمحوری منطقه‌ای) سوق می‌دهد. این فرایندی یکپارچه و پویا

می‌باشد و مرحله به مرحله طی می‌شود. همگرایی انواع مختلفی دارد که به آن‌ها اشاره می‌شود.

الف: همگرایی سیاسی: به هماهنگی در زمینه سیاست‌ها و تصمیم‌گیری واحدهای مختلف اطلاق می‌شود.

ب: همگرایی اجتماعی: این نوع از همگرایی پیش‌زمینه و تسهیل‌کننده همگرایی‌های سیاسی و اقتصادی می‌باشد. نظریه پردازانی چون کوهن و نای^۱، برای توسعه ارتباطات اجتماعی، بیش از عوامل دیگر در تحقق همگرایی اهمیت قائل‌اند. اندیشمندانی چون کارل دویچ^۲، توسعه مبادلات اجتماعی را در ایجاد هویت نزدیک، تصور منافع مشترک و پیوند جامعه موثر می‌دانند. در واقع از نظر دویچ همگرایی اجتماعی بیشتر به ارتباطات فردی شامل توریسم، ارتباطات فرهنگی، تجارت و... اشاره می‌کند.

ج: همگرایی اقتصادی: این برداشت از همگرایی، بیشتر به مسائل اقتصادی، در چارچوب ایجاد اتحادیه‌های گمرکی وضع تعرفه‌های خاص در روابط کشورهای عضو یک اتحادیه اقتصادی مربوط می‌شود و از این مدل به عنوان عاملی برای رشد اقتصادی جوامع یاد می‌شود و به افزایش روابط اقتصادی و تجاری بین کشورها مثل جریان آزاد سرمایه و نیروی کار تأکید دارند.

مفروضه‌های همگرایی: نخستین مفروض همگرایی اصل تسری است؛ یعنی نوعی منطق تدریج‌گرایی فزاینده بر رفتار بشر حاکم است. توجه واقع‌گرایانه این نظریه به ناتوانی انسان در رفع نیازهای اجتماعی و تلفیق آن با آرمان‌گرایی در این نظریه، موجب پیدایش این ایده می‌شود که به تدریج جوامع ملی را فرامی‌گیرد و دامنه فعالیت مشترک اعضا افزایش می‌یابد که در نتیجه باعث تأمین منافع اعضا می‌شود. دومین مفروضه همگرایی منطقه‌ای پیوند مسائل فنی و اقتصادی با مسائل سیاسی است. یعنی همگرایی با مسائل غیرسیاسی و فنی شروع می‌شود، مثل بازرگانی و سپس به حوزه‌های دیگر کشیده می‌شود. در بین نظریه پردازان همگرایی، فقط میترانی تفاوتی بین مسائل فنی و سیاسی قائل نیست، در حالی که دیگر نظریه‌پردازان نو کارکردگرا به تفکیک این مسائل از یکدیگرند و

امیدوارند که همکاری فنی سرانجام زمینه را برای همکاری سیاسی و همگرایی فراهم کند. سومین فرض این است که همگرایی منطقه‌ای از اهمیت جغرافیایی ناشی می‌شود. این دسته از نظریه پردازان میان مناطق جغرافیایی، فرهنگی با گرایش به همگرایی نوعی پیوند قائل‌اند. به نظر این دسته از اندیشمندان، زمانی که تجانس‌های جغرافیایی، فرهنگی با مشترکات کارکردی و فنی عجین شود زمینه را برای همگرایی فراهم می‌کند (سیف زاده، ۱۳۸۸: ۴۰۳).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ ماهیت از نوع کیفی می‌باشد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه نیمه ساختاریافته در قالب یک سؤال کلی با عنوان؛ راهکارهای تثبیت صلح در مرزهای بین‌المللی ایران با تأکید بر بحران قره‌باغ کدام‌اند؟، بوده است. روایی آن به صورت صوری و با بهره‌گیری از نظرات متخصصین و استاد راهنما و مشاور رساله صورت گرفت و پایایی آن با استفاده از روش بازبینی مجدد توسط جامعه آماری موردسنجش قرار گرفت. جامعه آماری در این پژوهش شامل پژوهشگران و اساتید دانشگاهی با رتبه استادیار به بالا و دارای تخصص در رشته‌های روابط بین‌الملل، علوم سیاسی، مطالعات منطقه‌ای و جغرافیای سیاسی بوده است. انتخاب حجم نمونه در این پژوهش به صورت هدفمند و با لحاظ کردن رویکرد اشباع نظری انجام گرفته است. تجزیه و تحلیل یافته‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون تک سطحی (استخراج ابعاد کلی) و با تکنیک کدگذاری انجام گرفته است. به‌طور کلی تحلیل‌های نظری مقاله حاضر، حاصل مطالعات بر روی منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده و تحلیل‌های ارائه‌شده در بخش یافته‌های تحلیلی، حاصل مصاحبه با اساتید دانشگاهی مرتبط با موضوع بوده است. در تحقیق حاضر بعد از جمع‌آوری و تحلیل نظرات اساتید مرتبط با موضوع پژوهش، راهکارهای لازم در خصوص تثبیت صلح در مرزهای بین‌المللی شمال غرب جمهوری اسلامی ایران در قالب یافته‌های تحلیلی ارائه گردید.

بحث و یافته‌ها

جدول شماره ۱. اطلاعات جمعیت شناختی مصاحبه‌شونده‌ها

ردیف	جنس (زن / مرد)	تحصیلات	رتبه	رشته	سن	مدت مصاحبه/دقیقه
۱	مرد	دکتری	استادیار	روابط بین‌الملل	۴۴	۳۵
۲	مرد	دکتری	استادیار	روابط بین‌الملل	۴۲	۳۰
۳	مرد	دکتری	استادیار	روابط بین‌الملل	۴۸	۴۰
۴	مرد	دکتری	استادیار	روابط بین‌الملل	۳۹	۳۶
۵	مرد	دکتری	دانشیار	روابط بین‌الملل	۵۸	۳۸
۶	مرد	دکتری	استادیار	روابط بین‌الملل	۴۶	۳۵
۷	مرد	دکتری	استادیار	روابط بین‌الملل	۴۵	۴۰
۸	مرد	دکتری	دانشیار	روابط بین‌الملل	۵۴	۴۵
۹	زن	دکتری	استادیار	روابط بین‌الملل	۳۹	۵۰
۱۰	زن	دکتری	استادیار	روابط بین‌الملل	۴۰	۴۳
۱۱	زن	دکتری	استادیار	روابط بین‌الملل	۴۵	۵۰
۱۲	مرد	دکتری	دانشیار	علوم سیاسی	۵۶	۴۰
۱۳	مرد	دکتری	استادیار	علوم سیاسی	۴۳	۳۳
۱۴	مرد	دکتری	استادیار	علوم سیاسی	۴۴	۳۵
۱۵	مرد	دکتری	استادیار	علوم سیاسی	۴۱	۳۰
۱۶	مرد	دکتری	استادیار	علوم سیاسی	۴۰	۴۰
۱۷	مرد	دکتری	استادیار	جغرافیای سیاسی	۳۹	۳۶
۱۸	مرد	دکتری	دانشیار	جغرافیای سیاسی	۶۰	۳۸
۱۹	مرد	دکتری	استادیار	جغرافیای سیاسی	۴۶	۳۵
۲۰	مرد	دکتری	استادیار	جغرافیای سیاسی	۴۸	۴۰
۲۱	مرد	دکتری	دانشیار	جغرافیای سیاسی	۵۴	۴۵
۲۲	مرد	دکتری	استادیار	جغرافیای سیاسی	۴۳	۵۰
۲۳	زن	دکتری	استادیار	جغرافیای سیاسی	۴۵	۴۳
۲۴	زن	دکتری	دانشیار	جغرافیای سیاسی	۵۳	۵۰
۲۵	زن	دکتری	استادیار	مطالعات منطقه‌ای	۴۵	۴۰
۲۶	زن	دکتری	استادیار	مطالعات منطقه‌ای	۴۳	۳۳
۲۷	مرد	دکتری	دانشیار	مطالعات منطقه‌ای	۵۵	۳۵
۲۸	مرد	دکتری	استادیار	مطالعات منطقه‌ای	۳۹	۳۰
۲۹	مرد	دکتری	استادیار	مطالعات منطقه‌ای	۴۰	۴۰
۳۰	مرد	دکتری	استادیار	مطالعات منطقه‌ای	۴۵	۳۶

اتخاذ دیپلماسی فعال در منطقه قفقاز جنوبی به‌ویژه در حوزه تحولات قره‌باغ

دیپلماسی ابزاری است که به‌واسطه آن کشورها از طریق نمایندگان رسمی و غیررسمی به مدیریت، هماهنگی و صیانت منافع ویژه و یا به‌طور کلی همه منافع خود می‌پردازند. در عصر گسترش فناوری و انتقال اطلاعات و جهانی شدن ما شاهد ادغام هویت‌های بازیگران فرو ملی، ملی و فراملی و تلفیق سطوح تحلیل محلی، ملی و جهانی هستیم، آن‌چنان‌که تغییراتی از قبیل، افزایش ارتباطات فرامرزی میان بازیگران غیردولتی، افزایش قوانین و مقررات فرا کشوری، گسترش جامعه مدنی جهانی به‌علاوه تشدید آگاهی جهانی همراه با وابستگی متقابل و گردش پرشتاب کالاها، خدمات، انسان‌ها و اطلاعات (موجب فرسایش حاکمیت‌ها، کاهش نقش دولت‌های ملی، کمرنگ شدن مرزها و قلمرو زدایی) شده است. در چنین شرایطی اشکال جدید دیپلماسی مانند دیپلماسی شهری، دیپلماسی عمومی، دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی اقتصادی، دیپلماسی رسانه‌ای و ... موجب هم‌افزایی و هم‌تکمیلی کارکردهای دیپلماسی رسمی، (دولت-دولت) خواهد شد. (خسروی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۹۵). با توجه به کارکرد و اهمیت دیپلماسی در نظام بین‌الملل، در هر کشوری نهاد مشخصی به نام وزارت امور خارجه مأموریت انجام دیپلماسی با سایر کشورها را بر عهده دارد و هرگونه روابط بین واحدهای سیاسی در روابط بین‌الملل از کانال این وزارتخانه صورت می‌گیرد. وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران نیز بر حسب وظایف قانونی خود به تسهیل روابط این کشور با سایر کشورهای دنیا می‌پردازد. در واقع معجری سیاست خارجی کشور، دستگاه دیپلماسی بوده که موظف است برابر رویکردها و راهبردهای کلان کشور در راستای تأمین منافع ملی با کشورهای دنیا ارتباط برقرار کند. هرگونه انفعال به هر دلیلی در این دستگاه باعث منزوی شدن کشور و عدم دستیابی به اهداف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و... در ارتباط با سایر کشورها خواهد شد.

یکی از تحولاتی که در مجاورت مرزهای شمال غرب کشور به وقع پیوست و تبعات امنیتی برای این مرزها در پی داشت، جنگ دوم قره‌باغ در پاییز ۱۳۹۹ بود که این بحران علی‌رغم نزدیکی به مرزهای جمهوری اسلامی ایران از طریق کشورهای روسیه و ترکیه و در راستای دستیابی به منافع ملی خود و در غیاب ایران مدیریت گردید و با ادعای آذربایجان و ترکیه در خصوص برقراری کریدور زنگه‌زور و اتصال آذربایجان به ایالت

خودمختار نخجوان که در این صورت یکی از دروازه‌های مهم صادرات و واردات ایران به کشورهای اروپایی بسته می‌شد، منجر گردید. در تحلیل عدم حضور ایران در مدیریت این بحران، اولین مؤلفه که از نظر مصاحبه‌شوندگان مطرح گردید، انفعال دستگاه دیپلماسی کشور مبنی بر نداشتن برنامه مشخص و راهبرد کلان در حوزه قفقاز جنوبی است که این انفعال در قالب دو دلیل عمده؛ الف) به گروگان گرفته شدن سیاست خارجی کشور در غرب آسیا و منطقه شامات ب) قرار گرفتن برنامه هسته‌ای و مذاکره با کشورهای غربی در کانون توجهات دستگاه دیپلماسی که موجب به حاشیه رفتن انجام تعاملات با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز، مطرح گردید. با مدنظر قرار دادن این موضوع که بحران قره‌باغ هنوز به طور کامل مرتفع نشده و با توجه پیوستگی این بحران که می‌تواند منطقه قفقاز جنوبی را آبتن تحولات جدیدی نماید، لذا نیاز است دستگاه دیپلماسی از غفلت گذشته تجربه کسب کرده و راهبردهای مشخصی را در راستای تأمین منافع ملی و تثبیت صلح و امنیت در مرزهای شمال غرب کشور تدوین نماید. در این راستا راهکارهای از طرف مصاحبه‌شوندگان به شرح زیر مطرح گردید است؛

جمهوری اسلامی ایران به دلیل داشتن مرزهای گسترده به طول ۸۰۰ کیلومتر در شمال غرب کشور می‌تواند نسبت به سایر قدرت‌های دخیل در این بحران از جمله ترکیه، بیشترین کنشگری را در رابطه با تحولات قفقاز جنوبی داشته باشد. در تشریح این موضوع می‌توان به واکنش ایران در قالب رزمایش نظامی با عنوان فاتحان خیبر در نوار مرزهای شمال غرب کشور اشاره کرد که بعد از این رزمایش، ادعاهای بازگشایی کریدور زنگه زور و منزوی شدن ایران و ارمنستان از دستور کار کشورهای مدعی خارج شد. دستگاه دیپلماسی می‌تواند از این پتانسیل قدرت نظامی در پیشبرد اهداف خود بر سر میز مذاکره و حضور در مناسبات سیاسی و تحولات منطقه قفقاز استفاده نماید چه بسا یکی از اصول استراتژی مذاکره و ابتکار عمل دیپلماتیکی داشتن پشتوانه قدرت نظامی و استفاده از رویکرد سخت‌افزاری است. به عنوان مثال روسیه از کشورهایی است که در پیاده‌سازی این استراتژی بیشترین بهره را در تحولات قره‌باغ با اعزام ۲۰۰۰ نیروی صلح به منطقه، کسب کرد. لذا یکی از راهکارها برای ایجاد صلح و امنیت پایدار در مرزهای شمال غرب کشور از طرف دستگاه دیپلماسی، استفاده از موقعیت ژئوپلیتیکی این مرزها و همچنین پتانسیل قدرت

بازدارندگی نظامی کشور نظیر انجام رزمایش‌های نظامی در مناسبات سیاسی و تحولات قفقاز جنوبی است.

در طی سی سال گذشته که بحران قره‌باغ آتش زیر خاکستری برای کشورهای منطقه قفقاز جنوبی و همچنین کشورهای مجاور نظیر ایران بوده است، هیچ راهکار مطلوبی از طرف ایران که هم بتواند تأمین‌کننده منافع ملی کشور و هم به حل این بحران کمک کند، ارائه نگردیده است و طبیعتاً این موضوع باعث حضور پررنگ سایر قدرت‌ها نظیر روسیه، ترکیه، اسرائیل و کشورهای اروپایی در مجاورت مرزهای بین‌المللی شمال غرب ایران گردد. با مدنظر قرار دادن این واقعیت که نمی‌توان حضور این کشورها مخصوصاً روسیه و ترکیه را در این منطقه نادیده گرفت، لذا نیاز است برنامه راهبردی نظیر موافقت‌نامه‌های سیاسی - امنیتی با این کشورها بسته شود تا از امنیتی شدن مرزهای شمال غرب کشور نظیر حضور تروریست‌های تکفیری در جدار این مرزهای از طرف کشورهای نظیر ترکیه جلوگیری شود.

افزایش ظرفیت‌های اقتصادی در بین کشورهای دخیل در تحولات قفقاز جنوبی از طریق دیپلماسی اقتصادی

در دنیای امروزی یکی از سیاست‌های که به توسعه صلح و امنیت و همچنین همگرایی کمک کرده و در عین حال به پیشگیری از واگرایی و ایجاد تنش در بین بازیگران نظام بین‌الملل کمک می‌کند، اتخاذ سیاست‌های اقتصادی و ایجاد وابستگی اقتصادی بین واحدهای سیاسی می‌باشد که اگر این وابستگی در سطوح بالا اتفاق بیفتد منجر به اتحادیه‌های قوی اقتصادی شده و در نتیجه موجب توسعه امنیت و رفاه در کشورهای مذکور می‌شود. در راستای این موضوع طی سال‌های گذشته اصطلاحی با عنوان دیپلماسی اقتصادی در بین کشورها مطرح گردیده که به دنبال اجرای سیاست‌های اقتصادی کشورها در روابط خود با سایر بازیگران نظام بین‌الملل می‌باشد.

دیپلماسی اقتصادی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ارزشمند و مناسب برای فهم توان، ضعف‌ها و مقاصد یک دولت توسعه‌یافته یا در حال توسعه است. هدف عمده دیپلماسی اقتصادی، کمک به توسعه اقتصاد ملی و کارکرد اصلی آن جستجوی اهداف اقتصادی با معیارهای دیپلماتیکی است؛ خواه ابزارهای اقتصادی باشد یا غیراقتصادی (موسوی شفیعی و

ایمانی، ۱۳۹۶: ۱۵۳-۱۵۲). با در نظر داشتن این موضوع که نقش اقتصاد و توسعه اقتصادی در روابط بین کشورها یکی از راهکارهایی است که می‌تواند از هرگونه تنش سیاسی و نظامی جلوگیری نماید، لذا در رابطه با تثبیت صلح در مرزهای شمال غرب کشور و پیشگیری از سرایت تبعات بحران قره‌باغ به مرزهای شمال غرب، اتخاذ یک راهبرد اقتصادی با مدنظر قرار دادن ظرفیت‌های بالای این منطقه، راهکاری بود که از اکثر مصاحبه‌شوندگان برای پیگیری آن از طرف دستگاه دیپلماسی کشور و نهادهای مرتبط، اجماع نظر داشتند.

در تحلیل این موضوع باید به این نکات اشاره کرد که منطقه شمال غرب ایران با مزیت‌های فراوان طبیعی، گردشگری، تجاری و صنعتی می‌تواند با سرمایه‌گذاری‌های بیشتر و تقویت روابط با کشورهای همسایه به محور دیپلماسی اقتصادی کشور تبدیل شود. قرار گرفتن در مسیر اروپا موقعیت سوق‌الجیشی ویژه‌ای به این منطقه داده و هم‌مرز بودن با کشورهای ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان بر اهمیت و جایگاه شمال غرب در توسعه روابط اقتصادی با کشورهای همسایه افزوده است که استفاده بهینه از چنین موقعیت جغرافیایی در کنار مزیت‌های بالای تجاری، بازرگانی و صنعتی می‌تواند در تحکیم روابط خارجی جمهوری اسلامی ایران با کشورهای اطراف و همچنین در پیشگیری از هرگونه شکل‌گیری بی‌ثباتی و ناامنی در این منطقه، نقش‌آفرین باشد. با توجه به نیازمندی‌های کشورهای همسایه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، علمی و فناوری اعم از انرژی، ارتباطات و مخابرات، صنعت و بازرگانی، کشاورزی و دانشگاهی به ایران، منطقه شمال غرب به لحاظ نزدیکی جغرافیایی با کشورهای همسایه وجود اشتراکات فراوان فرهنگی، زبانی، قومی و دینی بین مردمان دو طرف باید بیش از گذشته در تعیین سرنوشت اقتصادی و سیاسی کشور تأثیرگذار باشد. تقویت همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه بین استان‌های آذربایجان با کشورهای منطقه نه تنها به نفع این مناطق بلکه به نفع کشورهای موردنظر و البته استان‌های هم‌مرز در دو سوی مرزهای ایران با ترکیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان نیز خواهد بود، چراکه با تحقق همکاری‌های اقتصادی، تجاری و فرهنگی نزدیک‌ترین راه برای توسعه این مناطق برداشته خواهد شد. اقدامات مشترک استان‌های شمال غرب برای گسترش روابط سیاسی و به تبع آن همکاری‌های اقتصادی با کشورهای هم‌مرز باید جزو اولویت‌های اصلی

مدیریت‌های این چهار استان قرار بگیرد تا با تشریک‌مساعی بیشتر، زمینه‌های سرمایه‌گذاری‌های دوجانبه و چندجانبه و همچنین فراهم آوردن بازارهای مصرف هدف برای کالاها و خدمات تولیدی در این مناطق ایجاد شود.

بازار مصرف منطقه شرق ترکیه با حداقل ۴۰ میلیون جمعیت، جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان با حدود ۱۴ میلیون نفر یکی از بهترین و مناسب‌ترین فرصت‌های صادراتی جمهوری اسلامی ایران و به ویژه منطقه شمال غرب کشور است که استفاده از چنین امکاناتی می‌تواند مسیر رشد و ترقی اقتصادی این منطقه را بسیار سریع‌تر فراهم ساخته و موجب سرمایه‌گذاری‌های خارجی شود. منطقه شمال غرب ایران و مدیریت‌های کلان استان‌های آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل باید از فرصت‌های موجود در این منطقه برای بسط و توسعه همکاری‌های مشترک با کشورهای همسایه نهایت بهره‌برداری را بکنند چراکه غفلت از چنین فرصت‌هایی، می‌تواند آینده اقتصادی و امنیتی این منطقه را با چالش‌های جدی مواجه سازد.

با مدنظر قرار دادن مطالب ارائه‌شده در بالا و با توجه به اینکه مرزهای شمال غرب به‌عنوان کریدور شمال به جنوب و شرق به غرب نقش بسزایی را در اتصال و انتقال، انرژی، کالا و خدمات کشورهای مختلف اروپایی و شرق آسیا دارد، انجام اقدامات دیپلماتیکی و اقتصادی در بهره‌برداری و سوق دادن این کشورها به استفاده از این کریدور برای ایجاد صلح و امنیت در این مناطق ضروری بوده، چراکه بهره‌برداری از این کریدورها ناخواسته امنیت و صلح را به این منطقه به ارمغان خواهد آورد.

توسعه روابط فرهنگی و علمی با کشورهای قفقاز جنوبی از طریق دیپلماسی علمی و فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی رویکردی است مبتنی بر نقش و جایگاه عوامل پیوندگر «فرهنگ» در روابط میان کشورها و ملت‌ها. هدف نهایی این گونه از دیپلماسی - در یک فضای صمیمانه، همگرا و به‌دوراز تشنج، ارائه یک تصویر مطلوب از روابط همه‌جانبه، بر اساس اشتراکات تمدنی - فرهنگی و هویتی میان کشورهاست (زرقانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱). در کنار این رویکرد، مفهوم دیگری که به توسعه روابط بین کشورها اشاره دارد، دیپلماسی علمی است. دیپلماسی علمی، مفهومی است که به واسطه پیشرفته‌ای فناورانه در حوزه‌های مختلف دانش

بشری طرح شده و مورد توجه قرار گرفته است. به طور کلی، رسیدگی و حل و فصل چالش‌های مشترک، امروزه دیپلماسی علمی به عنوان ابزار مناسب به منظور پل زدن میان ملت‌ها و دستیابی به منافع مشترک مورد توجه قرار می‌گیرد. بسیاری از چالش‌های جهان امروز تنها در صورتی با موفقیت حل و فصل می‌شوند که دانشمندان، مهندسان و مبتکران در تدوین و اجرای راه‌حل‌ها حضور داشته باشند (کولایی و عزیز، ۱۳۹۶: ۱۰۴۶).

منطقه قفقاز جنوبی یکی از مناطق مهم و استراتژیک برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود که هم‌زمان با فروپاشی شوروی، جایگاه محوری خویش را در عرصه سیاست خارجی ایران به دست آورد. در این میان با تغییر در کانون قدرت از جنبه سخت‌افزاری به نرم‌افزاری و تأکید بر بهره‌گیری از شیوه‌های نوین دیپلماسی، لزوم اعمال کارآمد دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی که در آن بسترهای مناسب این امر مهیاست، احساس می‌گردد. وجود پشتوانه تاریخی و اشتراکات فرهنگی، تاریخی - تمدنی و مذهبی و احساس تعلق خاطر به وجود قطبی به نام ایران فرهنگی در منطقه، از جمله این فرصت‌هاست. اما وجود موانع داخلی و خارجی در این روند وقفه ایجاد نموده است. در کنار موانع داخلی مرتبط با مشکلات قانون‌گذاری و به ویژه اجرایی، موانع خارجی نیز نقش بسزایی در میزان موفقیت ایران در این عرصه داشته‌اند که شاید مهم‌ترین آن‌ها وجود بازیگران قدرتمندی است که هر یک با ایفای نقش مؤثر خود در معادلات فرهنگی منطقه، به نحوی فرصت‌های موجود برای دیپلماسی فرهنگی ج.ایران را به چالش کشیده‌اند؛ در اصل کنشگری شایسته‌تر رقبای جمهوری اسلامی ایران در عرصه فرهنگی کشورهای قفقاز جنوبی یکی از دلایل به حاشیه رانده شدن جمهوری اسلامی ایران در این عرصه بوده است؛ به نحوی که هم‌اینک روسیه در ارمنستان، آمریکا در گرجستان و ترکیه در آذربایجان به عنوان مهم‌ترین بازیگران فرهنگی شناخته شده‌اند. البته وجود بسترهای مناسب فرهنگی در منطقه برای جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای است که موانع موجود نتوانسته‌اند به طور کامل ایران را از مدار فرهنگی منطقه دور سازند و بر این اساس می‌توان ایران را به ویژه در کشوری مانند آذربایجان در کنار ترکیه دارای جایگاهی شبه پیرامونی دانست (بصیری و خوانساری فرد، ۱۳۹۵: ۹۹).

با در نظر داشتن مطالب اشاره شده در بالا و با توجه به تحولات صورت گرفته در منطقه قفقاز جنوبی (شعله‌ور شدن جنگ بین آذربایجان و ارمنستان بر سر منطقه قره‌باغ کوهستانی)، یکی از راهکارهایی که از طرف مصاحبه‌شوندگان در راستای تثبیت صلح و ثبات در مرزهای شمال غرب کشور ارائه گردید، توسعه روابط فرهنگی و علمی از طرف ایران در کشورهای منطقه مذکور با در نظر داشتن ظرفیت‌های موجود در این حوزه می‌باشد. در تشریح این موضوع باید به اشتراکات فرهنگی، قومی و زبانی موجود در کشورهای نظیر آذربایجان اشاره کرد. در طی جنگ دوم قره‌باغ در پاییز ۱۳۹۹ جمهوری آذربایجان با استفاده از همین اشتراکات قومی و فرهنگی دو سوی مرز به تحریک افکار قومی در استان‌های شمال غرب کشور اقدام نمود و باعث ایجاد فضای امنیتی در بین مردم این استان‌ها مبنی بر عدم حمایت ایران از ارمنستان در جنگ قره‌باغ شد. در رابطه با این موضوع ایران نیز می‌تواند در دستیابی به امنیت پایدار در مرزهای شمال غرب از این ظرفیت‌های فرهنگی استفاده نموده و از طرح ادعاهایی نظیر بازگشایی کریدور زنگه‌زور که موجب بسته شدن دروازه اصلی ایران به غرب می‌شود، جلوگیری نماید. در کنار این موضوع باید به این نکته توجه کرد که؛ در طی سی سال گذشته جمهوری آذربایجان برای مرتفع نمودن بحران قره‌باغ، اقدام به استفاده از ظرفیت‌های کشورهای فرا منطقه‌ای نظیر اسرائیل کرده است که این کشور با انجام همکاری‌های گسترده در بخش‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی، علمی، فرهنگی و حتی کشاورزی در مجاورت مرزهای ایران نفوذ کرده و با انجام اقدامات اطلاعاتی-امنیتی، تحرکات قومی، واگرایی‌های فرهنگی، موجب ایجاد تنش و خصومت در برهه‌هایی مختلف تاریخی بین ایران و جمهوری آذربایجان شده است.

در رابطه با استفاده از ظرفیت‌های علمی، فرهنگی و سایر اشتراکات دو سوی مرز در راستای ایجاد صلح و ثبات در مرزهای شمال غرب، یکی از مهم‌ترین راهکاری که مدنظر است، سیاست‌گذاری عمومی و آگاهی بخشی به اقوام دو سوی مرز از طریق رسانه‌های محلی، انجمن‌های علمی و دانشگاهی و همچنین مجامع و نشست‌های قومی در خصوص تبعات امنیتی حضور کشورهای نظیر اسرائیل و ترکیه می‌باشد. آگاهی بخشی به مقامات محلی در استان‌های شمال غرب کشور در خصوص عدم هرگونه اظهارنظرهای غیر

کارشناسی که موجب کشیده شدن مسائل سیاسی به کف خیابان و اعتراضات مدنی می‌شود، راهکار دیگری است که می‌تواند در ایجاد فضای سازنده در ارتباط با مدیریت هرگونه تنش با کشورهای هم‌جوار تأثیرگذار باشد. به‌طور کلی استفاده از رویکرد قدرت نرم در کشورهای منطقه قفقاز جنوبی به‌ویژه جمهوری آذربایجان به دلیل نزدیکی ویژگی‌های ژئوکالچری، ژئواکونومیکی و ژئوپلتیکی به جمهوری اسلامی ایران، می‌تواند در تثبیت صلح و ثبات در مرزهای شمال غرب کشور کارساز باشد.

نتیجه‌گیری

هر کشوری برای برقراری صلح و امنیت پایدار در مرزهای خود از تمام ظرفیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و ... استفاده می‌کند تا به این امر مهم دست یابد. در این بین اگر این کشور با بحران مزمن تاریخی در مجاورت مرزهای خود روبرو باشد، نیاز به برنامه‌ریزی و تلاش مضاعف برای مصون ماندن از تبعات امنیتی این بحران، در زمان به اوج رسیدن آن است. با توجه به این موضوع در این مقاله سعی شد به تبیین بحران قره‌باغ در منطقه قفقاز جنوبی، بین کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان و راهکارهای لازم در خصوص پیشگیری از سرایت تبعات امنیتی این بحران به مرزهای بین‌المللی شمال غرب جمهوری اسلامی ایران پرداخته شود. برای تحلیل این موضوع و ارائه راهکارهای مطلوب و مناسب، مصاحبه‌ای با پژوهشگران و اساتید دانشگاهی مرتبط با موضوع مقاله صورت گرفت که نتایج به‌دست آمده نشان داد که برای تثبیت صلح و ایجاد امنیت پایدار در مرزهای محدوده مورد مطالعه، استفاده از سه راهبرد؛ الف) اتخاذ دیپلماسی فعال در زمینه‌های سیاسی و امنیتی با کشورهای دخیل در این بحران. ب) اتخاذ سیاست‌های اقتصادی وابسته در این منطقه با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی اقتصادی کشور. ج) توسعه ظرفیت‌های فرهنگی و علمی در کشورهای قفقاز جنوبی با استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی فرهنگی و علمی کشور، ضروری به نظر می‌رسد. در پیاده‌سازی این راهکارها مهم‌ترین نهادی که می‌تواند نقش پررنگی را ایفا نماید، وزارت امور خارجه خواهد بود که برای پیشگیری از هرگونه آسیب و ضرر در تأمین منافع ملی در مرزهای شمال غرب کشور، انتظار می‌رود اقدامات فعالانه در این خصوص از طرف این وزارت خانه صورت پذیرد تا تجربه غفلت و کمای استراتژیکی در تحولات جنگ دوم قره‌باغ تکرار نشود. البته

داشتن هرگونه تعاملات سازنده در راستای تأمین منافع ملی کشور با سایر کشورها، مختص این وزارت خانه نبوده و نیاز به اجماع جمعی در کارگزاران نظام بوده و در این راستا برای پیاده‌سازی سیاست‌های کلان نظام نیاز است تمامی دستگاهی کشور اقدامات لازم را در حمایت و پشتیبانی از این وزارت خانه به عمل آورند.

تقدیر و تشکر

مقاله حاضر مستخرج از رساله دکتری می‌باشد. محققان این پژوهش از تمامی شرکت کنندگان در سیر تحقیق که با صبر، حوصله و دقت نظر یاریگر ما بوده‌اند، صمیمانه سپاسگزاری می‌نمایند.

منابع

- ۱) احمدی، مظهر؛ علیپوری، احسان؛ علیپور، عباس (۱۳۹۷) تحلیل ملاحظات امنیتی آمایش سرزمین در مناطق مرزی و نقش آن در توسعه یافتگی (مورد مطالعه استان مرزی ایلام)، فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره ۹، شماره ۳، صص. ۶۴-۳۵.
- ۲) بصیری، محمدعلی و خوانساری فرد، فهیمه (۱۳۹۵) تبیین جایگاه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال ۱۲، شماره ۳۵، صص. ۱۰۴-۷۹.
- ۳) جعفری، سجاد؛ شیخ‌الاسلامی، محمدحسن؛ رحمانی، منصور (۱۳۹۸) ارزیابی عملکرد سازمان ملل متحد و سازمان امنیت و همکاری اروپا در قبال مناقشه قره‌باغ، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.
- ۴) جلالیان، سید اسحاق و ویسیان، محمد (۱۳۹۷) بررسی امنیت پایدار در شهر مرزی سردشت از دیدگاه کارشناسان امنیتی، پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۶، شماره ۱، صص. ۱۴۵-۱۲۷.
- ۵) خاقانی، محمدرضا؛ مکرمی، علی محمد؛ رفیعی، فریده (۱۴۰۰) موفقیت یا عدم موفقیت شورای امنیت سازمان ملل متحد در حل مناقشات سرزمینی با نگاهی بر مناقشه قره‌باغ، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، گرایش حقوق بین‌الملل، موسسه آموزش عالی رضویه ساوه.
- ۶) خسروی، افسانه؛ احمدی، حمید؛ ذاکریان، مهدی؛ موسوی زاده، علیرضا (۱۳۹۸) هم‌افزایی دیپلماسی شهری با دیپلماسی عمومی در حوزه تعاملات فرهنگی و اقتصادی، دو فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، شماره ۱۵، صفحه ۱۸۹-۲۱۴.

- ۷) دوئرتی، جیمز، فالترگراف، رابرات (۱۳۹۰) نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و حید بزرگی، انتشارات قومس.
- ۸) زرقانی، سید هادی؛ احمدی، ابراهیم؛ حکیمی خرم، علی (۱۳۹۹) اهمیت نقش و جایگاه دیپلماسی فرهنگی در بسط روابط ایران و ازبکستان، فصلنامه علمی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ۱۰، شماره ۲، صص. ۵۶-۳۱.
- ۹) سلطانی، قباد؛ حمزه، فرهاد؛ لطفی حیدر (۱۳۹۹) ارزیابی ارتقاء روابط جمهوری آذربایجان و ناتو تأثیرات آن بر ناامنی مرزهای ایران (مطالعه موردی: ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۰)، پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته جغرافیای سیاسی، موسسه آموزش عالی فرهنگ - لاریجان، گروه جغرافیای سیاسی.
- ۱۰) سیف‌زاده، حسین، (۱۳۸۸) نظریه‌ها و تئوری‌های مختلف در روابط بین‌الملل فردی و جهانی شده: مناسبت و کارآمدی، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ۱۱) عسگرخانی، ابو محمد (۱۳۸۱) نظریه رژیم‌های بین‌المللی، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، دوره ۵۷، شماره ۵۰۸، صص. ۱۹-۸.
- ۱۲) قوام، سید عبدالعلی (۱۴۰۰) روابط بین‌الملل: نظریه‌ها و رویکردها، چاپ سیزدهم، انتشارات سمت.
- ۱۳) کاظمی، سید علی اصغر (۱۳۹۳) روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، چاپ ششم، انتشارات قومس.
- ۱۴) کمانگر، سارا؛ ویسیان، محمد؛ اصغری، مریم (۱۳۹۴) بررسی و سنجش احساس امنیت اجتماعی شهروندان شهر مرزی سرخس، فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره ۴، شماره ۱، صص. ۱۷۰-۱۴۷.
- ۱۵) کولائی، الهه و عزیز، حمیدرضا (۱۳۹۶) دیپلماسی علمی ایران در روابط با گرجستان، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۷، شماره ۴، صص. ۱۰۶۴-۱۰۴۵.
- ۱۶) کیانی، جواد؛ عبدالعلی‌پور، قادر؛ بیرانوند، رضا (۱۳۹۷) شناسایی عوامل همگرایی و اگریایی در روابط ایران با جمهوری آذربایجان، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، سال ششم، شماره ۳، صص. ۷۸-۵۵.
- ۱۷) موسوی شفیعی، مسعود؛ ایمانی، همت (۱۳۹۶) دیپلماسی اقتصادی؛ رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران، فصلنامه راهبرد، سال ۲۶، شماره ۸۴، صص. ۱۷۴-۱۴۹.

- ۱۸) موسوی، میر نجف؛ کپکی، فاطمه سادات؛ ویسیان، محمد (۱۳۹۵) تبیین کارکرد مرز در تأمین امنیت استان آذربایجان غربی، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال ۷، شماره ۱، صص. ۹۱-۱۱۸.
- ۱۹) نادری، وحید؛ نورمحمدی، مرتضی؛ آدمی، علی (۱۳۹۷) دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی - مطالعات منطقه‌ای - مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی.
- ۲۰) نظافتی، عباس؛ سلطانی، مسعود؛ ویسیان، محمد؛ اکبری، مهناز (۱۳۹۳) بررسی عوامل مؤثر بر توسعه امنیت پایدار در مناطق مرزی مطالعه موردی: استان کردستان، پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۲، شماره ۴، صص. ۲۳-۴۶.
- 21) Reinicke, wolfagan. (1994) cooperative security and the political economy at nonproliferation, Washington, the negie endowment publication
- 22) Andrius Bivainis(2022) Multi-dimensional assessment of the Second Nagorno-Karabakh War, Quarterly Security Defence, s 2/2022, Vol. 38, <http://doi.org/10.35467/sdq/146180>
- 23) Mehmet, Emin. & Mehmet Fatih. (2019)Iranian relations with Azarbaijan and Armenia: a comparative approach in the case of pragmatist politics, baibu sosyal bilimler enstitusu dergisi, 2019, Cilt: 19, Sayı: 1/Bahar: 157-176.
- 24) Rácz, András. (2020) ar in Nagorno Karabakh A Two-Track Strategy for the EU, Publisher: Deutsche Gesellschaft für Auswärtige Politik e.V11.No,30.
- 25) Welt, Cory S. & Bowen, Andrew. (2021) erbaijan and Armenia: The Nagorno Karabakh Conflict, Congressional Research Service R46651, version 1, New.
- 26) Ahmadi, Mazhar; Alipuri, Ehsan; Alipour, Abbas (2017) Analysis of security considerations of land use in border areas and its role in development (case study of border province of Ilam), Border Science and Technology Quarterly, Vol 9, No 3, pp. 64-35 [In Persian].
- 27) Basiri, Mohammad Ali and Khansari Fard, Fahima (2015) Explaining the position of cultural diplomacy of the Islamic Republic of Iran in the South Caucasus, Political Science Quarterly, Vol 12, No 35, pp. 104-79 [In Persian].
- 28) Jafari, Sajjad; Sheikh al-Islami, Mohammad Hassan; Rahmani, Mansour (2018) Evaluation of the performance of the United Nations and the Organization for Security and Cooperation in

- Europe regarding the Nagorno-Karabakh conflict, Master's degree thesis, Faculty of International Relations of the Ministry of Foreign Affairs [In Persian].
- 29) Jalalian, Seyyed Ishaq and Visian, Mohammad (2017) Investigating sustainable security in the border city of Sardasht from the perspective of security experts, *Border Studies Journal*, Vol 6, No 1, pp. 127-145 [In Persian].
- 30) Khaghani, Mohammad Reza; Makrami, Ali Mohammad; Rafiei, Farideh (1400) The success or failure of the United Nations Security Council in resolving territorial disputes with a view on the Nagorno-Karabakh conflict, Master's thesis, international law, Razavieh Saveh Institute of Higher Education [In Persian].
- 31) F. Khosravi, Afsana; Ahmadi, Hamid; Zakarian, Mehdi; Mousavizadeh, Alireza (2018) Synergy of urban diplomacy with public diplomacy in the field of cultural and economic interactions, two quarterly journals of political sociology of the Islamic world, vol 7, No 15, pages 189-214 [In Persian].
- 32) Doherty, James, Faltzgraf, Robert (1390) *Conflicting Theories in International Relations*, translated by Alireza Tayyab Vahid Zohri, Qoms Publications [In Persian].
- 33) Zarkani, Seyed Hadi; Ahmadi, Ibrahim; Hakimi-Khorram, Ali (2019) The importance of the role and position of cultural diplomacy in the development of Iran-Uzbekistan relations, *Islamic World Political Research Quarterly*, Vol 10, No 2, pp. 56-31 [In Persian].
- 34) Soltani, Qabad; Hamza, Farhad; Lotfi Haider (2019) Evaluation of the improvement of relations between the Republic of Azerbaijan and NATO and its effects on the insecurity of Iran's borders (case study: 2018 to 2020), master's thesis in the field of political geography, Farahmand-Larijan Institute of Higher Education, Department of Political Geography [In Persian].
- 35) Seifzadeh, Hossein, (2008) Different theories and theories in individualized and globalized international relations: appropriateness and efficiency, Office of Political and International Studies of the Ministry of Foreign Affairs [In Persian].
- 36) Asgarkhani, Abu Mohammad (1381) *Theory of International Regimes*, Faculty of Law and Political Science Quarterly (Tehran University), Vol 57, No 508, p. 19-8 [In Persian].
- 37) Qawam, Seyyed Abdul Ali (1400) *International Relations: Theories and Approaches*, 13th edition, Samt Publications [In Persian].

- 38) Kazemi, Seyyed Ali Asghar (2013) International relations in theory and practice, 6th edition, Qoms Publications [In Persian].
- 39) Kamangar, Sara; Visian, Mohammad; Asghari, Maryam (2014) Investigation and measurement of the social security feeling of the citizens of the border town of Sarkhoz, Border Science and Technology Quarterly, Vol 4, No 1, pp. 147-170 [In Persian].
- 40) Kolai, Elaha and Azizi, Hamidreza (2016) Iran's scientific diplomacy in relations with Georgia, Politics Quarterly, Journal of Faculty of Law and Political Sciences, Vol 47, No 4, pp. 1064-1045 [In Persian].
- 41) Kiani, Javad; Abdul Alipour, Qadir; Biranvand, Reza (2017) Identification of factors of convergence and divergence in the relations between Iran and the Republic of Azerbaijan, Research Journal of Border Studies, Vol 6, No 3, pp. 55-78 [In Persian].
- 42) Mousavi Shafaei, Massoud; Imani, Hemet (2016) Economic Diplomacy; An approach to increase Iran's national power, Strategy Quarterly, Vol 26, No 84, pp. 149-174 [In Persian].
- 43) Mousavi, Mir Najaf; Kohki, Fatemeh Sadat; Visian, Mohammad (2016) Explaining the function of the border in securing the security of West Azarbaijan Province, Border Science and Technology Quarterly, Vol 7, No 1, pp. 91-118 [In Persian].
- 44) Naderi, Vahid; Noormohammadi, Morteza; Aadmi, Ali (2017) Defense Diplomacy of the Islamic Republic of Iran in the South Caucasus Region, Master's Thesis in Political Science - Regional Studies - Central Asia and Caucasus Studies, Allameh Tabatabai University, Faculty of Law and Political Sciences [In Persian].
- 45) Nazafati, Abbas; Soltani, Massoud; Visian, Mohammad; Akbari, Mahnaz (2013) Investigating factors affecting the development of sustainable security in border areas, a case study: Kurdistan Province, Research Journal of Border Studies, Vol 2, No 4, pp. 23-46 [In Persian].

Countering Terrorist Crimes Due to Immigration in the Realm of International Law Looking at the Requirements of the Iranian Police to Ensure Border Security

Nejat Amiri, Faculty Member in Information Science and Law Enforcement, Amin Police University, Tehran, Iran

Peyman Namamian¹, Assistant Professor Department of Law Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran

Received: 07, May, 2022

Accepted: 11, July, 2022

Abstract

Immigration has various economic, social, cultural, political and security consequences that are addressed in the international legal system and international conventions. Due to the passage of immigrants and the context of terrorist crimes in the border areas of Iran, the link between immigration and terrorism has been further strengthened. The purpose of this study is to examine the considerations of international law regarding the relationship between immigration and terrorism and the resulting police requirements in ensuring Iran's border security. In terms of its objectives the present study is of an applied research type and in terms of methodology it is considered as a descriptive-analytical study. Findings indicate that the police requirements of the Islamic Republic of Iran in providing border security to deal with terrorist crimes caused by immigration are mainly based on measures and control mechanisms, counter-disciplinary measures, intelligence and intelligence dominance on immigrants. International law has also adopted stricter and more restrictive policies on immigration and its consequences. The aftermath of 9/11 and other similar events have reinforced the EU's international policy on the links between immigration and terrorism. The results of the study show that in addition to the international achievements and the international law approach based on the basic links between terrorist crimes resulting from immigration, the police necessities and security requirements and mechanisms to prevent it, seem to be the necessary. Accordingly, the required policies to ensure border security are formulated on the basis of control measures, confrontations and information, and require the joint cooperation of specialized police and executive bodies in charge in this field.

Keywords: Terrorism, Border security, Immigration, Counterterrorism mechanisms, Police requirements.

¹- Corresponding Author (p-namamian@araku.ac.ir).

مقابله با جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت در قلمرو موازین حقوق بین الملل با نگاهی به الزامات پلیس ایران برای تأمین امنیت مرزی

نجات امیری - عضو هیأت علمی علوم اطلاعات و امنیت انتظامی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

پیمان نمایان^۱ - استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

چکیده

مهاجرت دارای پیامدهای مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی می‌باشد که در نظام حقوق بین‌الملل و کنوانسیون‌های بین‌المللی به آن پرداخته شده است. به دلیل عبور و مرور مهاجران و زمینه جرایم تروریستی در مناطق مرزی ایران، ارتباط بین مهاجرت و تروریسم را بیش از پیش تقویت شده است. هدف پژوهش بررسی ملاحظات حقوق بین‌الملل مبنی بر ارتباط مهاجرت و تروریسم و الزامات پلیسی ناشی از آن در تأمین امنیت مرزی ایران است. پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، توصیفی - تحلیلی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که الزامات پلیسی جمهوری اسلامی ایران در تأمین امنیت مرزی برای مقابله با جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت، به‌طور عمده بر محور تدابیر و سازوکارهای کنترلی، اقدامات مقابله‌ای - انتظامی، اطلاعاتی و اشراف اطلاعاتی بر مهاجران متکی است. از طرفی از منظر حقوق بین‌الملل نیز سیاست‌های سخت‌گیرانه و محدود کننده‌تری نسبت به مهاجرت و پیامدهای ناشی از آن اتخاذ گردیده است. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و سایر حوادث مشابه، سیاست‌گذاری‌های بین‌المللی از سوی اتحادیه اروپا مبنی بر پیوندهای بین مهاجرت و تروریسم این مهم را تقویت کرده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در کنار دستاوردهای بین‌المللی و رویکرد حقوق بین‌الملل مبنی بر پیوندهای اساسی بین جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت، الزامات و سازوکارهای پلیسی و امنیتی لازم‌الاجرا برای پیشگیری از آن ضروری به نظر می‌رسد، بر این اساس، سیاست‌گذاری‌های لازم در تأمین امنیت مرزی بر محور تدابیر کنترلی، مقابله‌ای و اطلاعاتی صورت‌بندی شده و نیازمند همکاری مشترک پلیس‌های تخصصی و دستگاه‌های اجرایی متولی در این زمینه است.

واژگان کلیدی: تروریسم، امنیت مرزی، مهاجرت، سازوکارهای مقابله‌ای، الزامات پلیسی.

مقدمه

در سال‌های اخیر موضوع مهاجرت و تصمیم‌های مربوط به آن در اتحادیه اروپا از حوزه‌های اجتماعی وارد حوزه‌های سیاسی-امنیتی شده است و همین امر منجر به بروز یکسری چالش‌ها برای دولت‌های اروپایی و مهاجران از یک سو و تقویت احزاب راست افراطی و نیز ایجاد جنبش‌هایی نظیر نقض حقوق مهاجران از سوی دیگر شده است. ارتباط مهاجرت با جنایت و تروریسم در حوزه بین‌الملل اغلب برای مقاصد و اهداف سیاسی به کاررفته است. با این وجود، واقعیت این است که افزایش مهاجرت و تحرک بین‌المللی باعث گسترش جرایم سازمان‌یافته فراملی شده است. انواع خاصی از جنایات، مانند قاچاق انسان، جابه‌جایی بین مرزی افراد را تسهیل کرده است. به‌طور کلی، ناامنی تجربه‌شده توسط افرادی که در کشورهای با میزان جرم و جنایت بالا زندگی می‌کنند ممکن است عامل مهمی برای مهاجرت باشد. به‌طور مشابه، تروریست‌ها در اداره سازمان‌های خود و انجام مأموریت‌ها به‌صورت بین‌المللی سفر می‌کنند، علاوه بر این، ممکن است از مرزهای بین‌المللی در جریان مهاجران عبور کنند و می‌توانند در جوامع مهاجر مخفی شوند.

جرایم تروریستی نیز ممکن است دلایلی برای مهاجرت ایجاد کند. به همین ترتیب، برخی از کشورهایایی که برای مهاجران با مهارت بالا رقابت می‌کنند، به فقدان حملات تروریستی و امنیت نسبی آن‌ها به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های استخدام خود اشاره کرده‌اند. لذا این رویکردها باعث شده که حقوق بین‌الملل با مهاجرت و امنیت مرتبط باشد، با عنایت به اینکه پدیده مهاجرت از کشوری به کشور دیگر و در بسیاری از موارد از قاره‌ای به قاره دیگر صورت می‌پذیرد، این موضوع از جنبه صرف یک پدیده ملی فراتر رفته و شکلی بین‌المللی به خود می‌گیرد. لذا در صورت عدم توجه به این موضوع پیامدهای آن، متوجه جامعه بین‌المللی خواهد شد.

در سال ۱۹۹۹ و بعد از تصویب پیمان آمستردام و اجرایی شدن پیمان شنگن توسط ۱۵ کشور عضو اتحادیه، اتحادیه اروپا اقدام به ایجاد منطقه آزادی، عدالت و صلح نمود و شورای وزیران کشور، دادگستری دولت‌های عضو مسئولیت تدوین و پیشبرد سیاست‌های

مهاجرتی اتحادیه را عهده‌دار شد. این شورا با رویکردی سیاسی و نگاه امنیت محور و تلقی مهاجرت به مثابه تهدیدی امنیتی به طراحی و توسعه راهکارهای واکنشی و محدودساز در عرصه سیاست مشترک مهاجرتی پرداخت. اساساً ذهنیت امنیت محور اروپائیان در امور داخلی اتحادیه حاصل این دیدگاه قوی است که اروپایی که از داخل امن باشد می‌تواند به ایجاد جهان امن کمک کند (پرویزی، ۱۳۹۴: ۴۷).

از سال ۲۰۰۰ به بعد به‌طور عمده دو عامل کلیدی باعث تغییر در شیوه‌های کنترل مهاجرت و امنیتی شدن آن شد، یکی تأثیر ناشی از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و جنگ جهانی علیه ترور بر امنیتی شدن مهاجرت و دیگری تأثیر جهانی شدن بر تشدید جریان حرکت جمعیت بود. اتحادیه اروپا، در دنیای امنیت محور بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ویژگی‌های جدیدی را به کنترل مهاجرت بخشیده است. از جمله این ویژگی‌ها تمرکز مجدد بر سازوکارهای نوین فرامرزی و افزایش حرکت از کنترل مهاجرت به سوی نظارت بر جنبش مهاجرت است. در این سازوکار، امنیت مرزی جدید، بازدارندگی و راهبرد فرامرزی کنترل مهاجرت مرکزیت می‌یابد و به‌طور فزاینده‌ای با تعیین و شناسایی هویت‌ها پیوند می‌خورد (رحیم لی، ۱۳۹۶: ۲۶).

در سال‌های اخیر، به دلیل تحولات منطقه‌ای و وجود مرزهای طولانی کشور، تعداد بی‌شماری از اتباع کشورهای همسایه به صورت قاچاق، از جمله اتباع کشورهای عراق، افغانستان، پاکستان، بنگلادش، آذربایجان و... بدون رعایت مقررات قانونی وارد کشور شدند. کشور ایران به دلیل وسعت قلمرو مرزی خود دارای همسایگان متعددی است که هر کدام در وضعیت خاصی قرار دارند و بعضاً با تغییرات حاکمیتی روبرو بوده‌اند. وضعیت کشورهایی مانند عراق و افغانستان در دو دهه اخیر و ورود آوارگان این دو کشور به ایران، کشور ما را با چالش‌های جدی از بعد امنیت مرزها و ابعاد حقوقی، اجتماعی و سیاسی و اقتصادی روبرو ساخته که باید برای تبعات منفی آن سیاست‌گذاری‌های اساسی صورت پذیرد. مرزهای شرق کشور به دلیل حضور و فعالیت گروه‌های مسلح تروریستی همچون طالبان و القاعده و کارتل‌های مواد مخدر در افغانستان، گروه‌های معاند،

قاچاقچیان و اشرا و... یکی از مناطق بحران‌خیز و آسیب‌پذیر مرزی کشور محسوب می‌شود، که باعث ایجاد زمینه‌های تردهای غیرقانونی و مهاجرت و در مراتب بعدی باعث ایجاد بحران‌های اقتصادی و ناامنی در سطوح بالاتر می‌شود. از طرفی با توجه به اینکه مرزها به‌عنوان یکی از نواحی حساس و مهم در اکثر کشورها می‌باشد، بحث تحولات جمعیتی و مهاجرت در آن‌ها به دلیل نقش پررنگ جمعیت مهاجرین و جمعیت پایدار آن‌ها در کاهش یا افزایش امنیت مرزی دارای اهمیت خاصی است (رستمعلی زاده و حسینی، ۱۳۹۹: ۱۸۰ به نقل از موسوی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۵). یکی از مهم‌ترین مسائلی که کشور ایران را در طی دهه‌های اخیر در نواحی مرزی درگیر ساخته است ورود بی‌رویه مهاجران و اتباع بیگانه به‌ویژه افغان‌ها به کشور بوده و متعاقب این پدیده، کشور شاهد پذیرای سه موج بزرگ مهاجرت از طرف مرزهای شرقی کشور بوده است. موج نخست بعد از تجاوز شوروی به افغانستان در سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۵، موج دوم پس از درگرفتن جنگ داخلی میان گروه‌های مختلف مجاهدین در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۵ و سومی بعد از ظهور طالبان در ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۱ و حتی تا به امروز حاکم بوده است که اقدامات تروریستی متعددی نیز به‌واسطه این مهاجرت در قلمرو مرزهای جمهوری اسلامی رخ داده است (علی‌پور، ۱۳۹۲: ۷). وجود مرز مشترک طولانی با کشورهای افغانستان و پاکستان، وضعیت نابسامان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی آن کشورها، عدم انسداد کامل مرزها، وجود جاذبه در ایران در مقایسه با افغانستان و پاکستان (از قبیل فرصت‌های شغلی و امکانات مناسب زندگی و...) از همه مهم‌تر وجود امنیت پایدار در جمهوری اسلامی ایران موجبات ورود بی‌رویه و غیرمجاز اتباع افغانستان و پاکستان (به‌ویژه اتباع افغان‌ها) به کشور را فراهم ساخته است که از دیدگاه اطلاعاتی - امنیتی کنترل مهاجران مزبور و رصد و اشراف اطلاعاتی نسبت به آنان در بدو ورود و در نواحی مرزی به‌منظور پیشگیری از اقدامات تروریستی و سلبی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین توجه و تمرکز اساسی به امنیت مرزها از حیث انتظامی - امنیتی و کنترل و مقابله با جرایم تروریستی ناشی از مهاجران در مرزهای کشور دارای اهمیت فزاینده‌ای است که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود. لذا مسئله اساسی این تحقیق

درصدد پاسخ به این سؤال است که اقدامات مقابله‌ای در پی حوادث تروریستی ناشی از مهاجرت در مرزها به چه شکل می‌باشد؟ الزامات پلیس در تأمین امنیت مرزی شامل چه مواردی است؟ رویکرد حقوق بین‌الملل و اسناد بین‌الملل نسبت به پدیده مهاجرت و تروریسم چیست؟

پیشینه پژوهش

اختیاری امیری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مهاجران خاورمیانه‌ای و امنیت اروپا» بیان می‌دارند که سونامی مهاجران به منطقه اروپا، شاخص‌های امنیتی کشورهای این حوزه جغرافیایی را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورد تهدید قرار داده است؛ به عبارتی، هجوم مهاجران خاورمیانه‌ای به اروپا، منجر به افزایش تهدیدات تروریستی، برهم خوردن ترکیب قومی و متعاقباً یکپارچگی ملی، تقابل فرهنگی و چند فرهنگ گرایی، قدرت گرفتن احزاب راست افراطی و تضعیف ثبات سیاسی کشورها در اروپا شده است. همچنین، ورود مهاجران، علاوه بر تحمیل هزینه‌های مالی بر کشورها، روند تقویت همگرایی اتحادیه اروپا را به‌عنوان یک‌نهاد بین‌المللی با چالش مواجه ساخته است.

ذوالفقاری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «تأثیر مهاجرت غیرقانونی بر امنیت مرزهای جنوب شرق کشور» اذعان می‌دارد که مهاجرت غیرقانونی از جهات مختلف تأثیر امنیتی؛ سیاسی؛ اجتماعی؛ اقتصادی؛ فرهنگی بر اقتصاد، تمامیت ارضی، رفاه و توسعه اجتماعی، رعایت حقوق بشر و استانداردهای بین‌المللی، بهداشت و امنیت ملی، توسعه همکاری‌های بین‌المللی و بخصوص تأثیر زیادی بر امنیت مرزها دارد. رحیم لی (۱۳۹۶) نیز در مقاله خود با عنوان «امنیتی کردن مهاجرت؛ عملکرد اتحادیه اروپا در قبال مهاجرین سوری» به این نتیجه رسیده است که در سال‌های اخیر مهاجرت بین‌المللی به خط مقدم دولت‌ها به‌ویژه در اروپا و آمریکای شمالی راه یافته است. آگاهی از مهاجرت به‌عنوان یک تهدید برای امنیت در کنار افزایش سریع تعداد مهاجران در سراسر جهان توسعه پیدا کرده است. رویکرد سنتی به امنیت بین‌الملل عمدتاً بر نگرانی‌های نظامی متمرکز شده است؛ با این حال

مطالعات امنیتی در دوران پس از جنگ سرد بر رویکرد دولتی متمرکز شده است و تعریف امنیتی را گسترش داده و شامل تعدادی از تهدیدات بالقوه است. بحران مهاجرت اروپا یکی از پیچیده‌ترین بحران‌هایی بوده که اروپا از پایان جنگ جهانی دوم تا کنون با آن روبرو شده است. منابع این بحران، بیشتر در بیرون از خاک اروپا و به‌ویژه در کشورهای دچار جنگ و بحران خاورمیانه و آفریقا قرار دارند.

مؤذن‌زادگان و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «اقدامات پلیسی - حقوقی مؤثر در مقابله با فعالیت‌های تروریستی» بیان می‌دارند که به ترتیب اقدامات پلیس با مشارکت شهروندان و مرز نشینان؛ اقدامات اجرایی (پلیسی)؛ اقدامات قضایی و اقدامات تقنینی در حوزه استان مرزی خراسان رضوی مؤثرترین اقدامات مقابله با تروریسم بوده که «اقدامات پلیس با مشارکت شهروندان و مرز نشینان» مهم‌ترین عامل مؤثر در مقابله با فعالیت‌های تروریستی است.

دیدیه بیگو و ال‌سپت گیلد^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «حقوق بین‌الملل و سیاست مهاجرت اروپا: خطر تروریسم» به بررسی چگونگی برخورد حقوق بین‌الملل در قالب معاهدات بین مهاجرت و تروریسم می‌پردازد. سه فرضیه که حقوق بین‌الملل در قالب معاهدات به آن پرداخته است، عمدتاً برای تعامل با امنیت ملی هنگام برخورد با مهاجرت، این امر را به قوانین ملی واگذار نموده است و به‌جای، تلاقی امنیت ملی - معمولاً به شکل نگرانی مربوطه به اینکه خشونت علیه افرادی که طبقه‌بندی شده یا مشکوک به تروریسم هستند در گفتمان‌های سیاسی اتفاق می‌افتد، که به‌عنوان مختلف بر نقش دولت تأکید کرده، از طرفی یک سیاست‌گذاری دیگری وجود دارد که مهاجرت خارج از قوانین بین‌المللی صورت می‌گیرد.

النائینو آلبا^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان «آیا رابطه‌ای بین مهاجرت و تروریسم وجود دارد؟ تحلیل انتقادی از دیدگاه حقوق بشر اروپا: امنیت برای یا علیه آوارگان؟» را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس اعلام کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل متحد در

1 . Didier Bigo & Elspeth Guild

2 . Elena Niño Alba

سال ۲۰۱۸ تعداد پناهندگان در جهان هر سال افزایش یافته و از رقم ۶۸ میلیون نفر فراتر رفته است و نشان دهنده اینکه بحران تا چه حد بر افکار عمومی تأثیر گذار بوده و ممکن است منجر به درگیری و انجام جرایم تروریستی در کشورها شود. مهاجران مذکور با ارتکاب جرایم تروریستی به طور عمده در سوریه، عراق یا افغانستان باعث ایجاد حس وحشت و ناامنی در بین مردم شده که در نتیجه بر سیاست های اروپا نیز تأثیر گذاشته است. لذا ارتباط مؤثری بین مهاجرت و تروریسم ایجاد شده و اقدامات سیاسی و حقوقی انجام شده توسط اتحادیه اروپا و به طور خاص، توسط بلژیک، فرانسه، اسپانیا و آلمان به دلیل نقش مرتبگی که آنها در بحران مهاجرت بازی کرده اند و برای اقدامات ضد تروریستی سیاست گذاری کرده اند.

الکس پی اشמיד^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی که به صورت اکتشافی با عنوان «پیوندهای بین تروریسم و مهاجرت» انجام داده است، معتقد است ارتباط بین تروریسم از یک سو و مهاجرت از سوی دیگر به نقش تروریسم غیردولتی در ایجاد مهاجرت نقش داشته باشد اردوگاه های پناهندگان ممکن است هدفی برای افراط گرایی قرار گیرد. یکی از یافته های مقاله این است که، کنترل مهاجرت می تواند برای کنترل تروریسم به طور گسترده مورد استفاده قرار گیرد، با این حال ممکن است مهاجران با حسن نیت و در قالب ابعاد قانونی نیز بر تروریسم تأثیر گذار باشند.

مارک هلبلینگ و دانیل میریکس^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان «تروریسم و مهاجرت: بررسی اجمالی» به این موضوع پرداخته است. یافته های پژوهش مبنی بر اینکه آیا و چگونه الف- مهاجرت ممکن است عامل تروریسم باشد؛ ب- تروریسم ممکن است بر نگرش بومیان نسبت به مهاجرت و ترجیحات انتخاباتی آنها تأثیر بگذارد؛ ج- تروریسم ممکن است منجر به سیاست های مهاجرتی محدودتر شود، نشان داد که الف- شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه مهاجرت بیشتر، بدون قید و شرط به فعالیت های تروریستی بیشتر منجر می شود، به ویژه در کشورهای غربی، ب- تروریسم دارای پیامدهای انتخاباتی و سیاسی

1. Alex P. Schmid

2. Marc Helbling & Daniel Meierrieks

کوتاه‌مدت است، به‌عنوان مثال، تروریسم باعث افزایش نارضایتی ضد مهاجران و ج- اثربخشی سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرت می‌شود.

کلارک^۱ (۲۰۰۶) در تحقیق خود با عنوان «تدابیر و پاسخ‌های پلیسی در قبال سیاست ضد تروریسم در کشورهای آمریکا و کانادا» معتقد است قانون‌گذاری ضد تروریسم که منتج به افزایش اختیارات پلیسی و در کنار آن علاوه بر وظایف روزمره آن به افزایش تکالیف جدید پلیسی در قبال اجرای سیاست‌های ابلاغی ضد تروریسم منتج شده است و به این نتیجه رسیده است که لازمه پاسخ‌دهی متناسب به تروریسم عبارت است از: سرمایه‌گذاری با تأکید بر لزوم احصاء اولویت‌های سیاست‌های مقابله با تروریسم، اختیارات تقنینی و آموزش در حوزه پلیسی و افزایش همکاری‌های مرزی و منطقه‌ای.

تحقیقات متعددی راجع به اقدامات مقابله‌ای با تروریسم در قلمروهای مرزی کشورها به‌ویژه در ایران انجام شده است که به برخی از آن‌ها در پیشینه تحقیق اشاره شد و لیکن نوآوری و وجه افتراق این پژوهش با تحقیقات دیگران این است که این تحقیق به دنبال بررسی جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت از منظر حقوق بین‌الملل و با تأکید بر الزامات پلیس در تأمین امنیت مرزهای جمهوری اسلامی با رویکرد تطبیقی مورد بررسی قرار می‌گیرد. بنابراین با مروری بر تحقیقات انجام‌شده ملاحظه می‌گردد که هیچ‌کدام از تحقیقات داخلی، به رابطه بین مهاجرت و تروریسم نپرداخته است از همین رو نسبتاً می‌توان ادعا کرد که موضوع پژوهش حاضر فاقد پیشینه موضوعی در داخل کشور است.

مبانی نظری

الف- مهاجرت غیرقانونی در قلمرو مرزهای ایران

در ایران افرادی که تابعیت غیرایرانی داشته باشند و به‌عنوان مهاجر یا عناوین دیگر بدون داشتن مجوز قانونی وارد کشور جمهوری اسلامی ایران می‌شوند متجاوز مرزی تلقی می‌گردند. همچنین افرادی که از کشور به همین صورت خارج می‌شوند مترددین غیرمجاز اطلاق می‌گردند و از طریق مراجع کنترل از ورود و خروج آنان

1. Clark

جلوگیری می‌شود. مهاجرین غیرقانونی مسافت‌های زیادی را طی نموده و از کشورهای زیادی عبور می‌کنند و صرف ورود و خروج غیرقانونی آن‌ها از یک کشور کافی است تا آن‌ها را مشمول وضعیت «مهاجر غیرقانونی» نماید. از طرف دیگر به دنبال مشکلات اقتصادی در کشور، مخصوصاً بیکاری در بین قشر جوان، ادامه تحصیل، نارضایتی سیاسی و... به‌تازگی موج جدیدی از مهاجرت یا فرار افراد از ایران به وجود آورده است که این افراد عموماً نه اغراض سیاسی دارند و نه افراد بی‌بندوباری هستند، بلکه خواهان یافتن شغل در خارج از کشور می‌باشند (عصار، ۱۳۸۶: ۱۶۰).

آمار مهاجران کشورهای دیگر که مقیم ایران شده‌اند و برخی نیز اقدام به رفتارهای جنایی از قبیل سرقت، قتل، آدم‌ربایی، تجاوز به عنف و قاچاق می‌نمایند، بسیار زیاد و بعضاً به میلیون‌ها نفر می‌رسد که عموم آن‌ها افغانی هستند ولی از سایر ملت‌ها مانند عراق، سودان و کشورهای تازه استقلال یافته نیز در آن‌ها یافت می‌شود. در این بین اتباع بیگانه بی‌شماری وجود دارند که نه در چارچوب قانون ۱۳۱۰ ورود و اقامت اتباع بیگانه و نه در چارچوب کنوانسیون ۱۹۵۱ قرار دارند. حضور گسترده مهاجران و اتباع خارجی غیرمجاز به‌ویژه اتباع افغان در سطح کشور و به‌ویژه در مرزها همواره یکی از دغدغه‌های اصلی فرماندهی انتظامی و مقامات امنیتی - انتظامی می‌باشد که حضور گسترده آنان در سطح جامعه دارای پیامدها و تهدیدات مختلف در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی است. با توجه به وسعت حضور این قبیل مهاجران و اتباع که تقریباً در سراسر کشور گسترش دارند، تهدیدات متصور از سوی آنان برای کشور قابل تأمل است؛ فلذا به‌طور معمول حضور اتباع بیگانه به دلیل پیامدهای جانبی آن شامل تغییر ترکیب جمعیتی، شیوع حاشیه‌نشینی، ارتکاب جرایم گوناگون به‌ویژه جرایم تروریستی در مرزهای

۱. بر اساس کنوانسیون مربوط به وضع پناهندگان مصوب ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ و پروتکل الحاقی در ۳۱ ژانویه ۱۹۶۷ به‌عنوان مهم‌ترین منبع بین‌المللی در رابطه با حقوق پناهندگان تلقی می‌شود، حمایت از پناهندگان یکی از تعهدات بین‌المللی کشورهای عضو این کنوانسیون که ایران هم آن را پذیرفته است (مصوبه ۱۳۵۵/۳/۲۵) می‌باشد. کنوانسیون مقرر می‌دارد که کشورهای عضو باید رفتاری بدون تبعیض و حداقل همان رفتاری که با خارجیان پذیرفته‌اند نسبت به پناهندگان روا دارند.

ایران، قاچاق انسان، جعل، ازدواج با زنان ایرانی و تولد فرزندان بی‌هویت و در مواقعی رهاسازی آنان، فعالیت‌های اطلاعاتی و جاسوسی به نفع دشمن باهدف تسهیل تروریسم و اقدامات تروریستی، گسترش وهابیت، سلفیت و تفکر تکفیری، استفاده از امکانات و خدمات یارانه‌ای دولتی، بروز انواع آسیب‌های اجتماعی تکدی‌گری، فساد و فحشاء و ... همواره برای مراجع امنیتی و انتظامی کشور بسیار مهم بوده و اولویت اساسی مراجع انتظامی - امنیتی کنترل و رصد اطلاعاتی اتباع و مهاجران به‌منظور پیشگیری و خنثی‌سازی اقدامات تروریستی می‌باشد (پیرای و لطفی، ۱۳۹۹: ۸۲).

ب- آثار و پیامدهای مهاجرت در ارتکاب جرایم تروریستی در مرزها

امروزه بازخوردها و حواشی سیاسی و امنیتی حوادث تروریستی ناشی از مهاجرت در کشورهای مرزی همسایه همچون ترکیه، افغانستان، پاکستان، عراق و حتی سوریه و تهدیدات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر کسی پوشیده نیست چرا که ماهیت و ابعاد چندگانه ملی و بین‌المللی تروریسم همواره کشورها را با تهدیدات و خطرات بالقوه و بالفعلی مواجه نموده است. و از آنجایی که منشأ تحقق آن؛ عوامل مختلف سیاسی، مذهبی، فرهنگی، اقتصادی و مهاجرتی و.. است، بنابراین چالش‌هایی از قبیل: ماهیت چندگانه تروریسم، ابهامات موجود در تعیین یک معیار معین در تشخیص تروریسم، عدم اجماع همسایگان مرزی و منطقه‌ای و حتی جامعه بین‌المللی در تعریف تروریسم، مرز مشترک میان تروریسم و برخی از جرایم خشن و عدم همکاری برخی از کشورها با اینترپل در تعقیب تروریست‌ها؛ حمایت مادی و معنوی برخی دولت‌ها از تروریسم؛ نیروهای امنیتی و پلیسی را در اجرای تکالیف ذاتی خود در مقابله با تروریسم با چالش‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری متعددی روبرو ساخته است (مؤذن زادگان و همکاران، ۱۳۹۶: ۵۶).

یکی از اقدامات مقابله‌ای برای حوادث تروریستی ناشی از مهاجرت تقویت الزامات پلیسی به‌منظور پیشگیری از ناامنی در مرزها می‌باشد. لذا پیامدهای امنیتی در مرزها ناشی از مهاجرت به‌ویژه مادامی که با موضوع جرایم سازمان‌یافته مرتبط باشد، به شکل تهدیدی

بر امنیت ملی جلوه گر شده، قاچاقچیان و مهاجرین، زاویه دیگری را بر پدیده مهاجرت غیرقانونی باز می کنند.

ج- مقابله با جرایم تروریستی و اجرای محدودیت ها در مهاجرت بین المللی

در سال ۲۰۰۳، سازمان بین المللی مهاجرت گزارشی درباره تروریسم و مهاجرت بین المللی منتشر کرد که در آن رابطه بین این دو پدیده مورد بحث قرار گرفت و به برخی از اقدامات برجسته در مناطقی اشاره کرد که حاکی از وجود پیوندهای متقابل بین این دو زمینه بود. از آن زمان، دولت های ملی و ائتلاف های بین المللی، سازمان ها و دولت هایی که در سطح منطقه ای و جهانی کار می کردند، پیشرفت های مهمی در تعدادی از زمینه های کلیدی از جمله استراتژی های توسعه یافته در رابطه با کنترل مرزها، تحریم های حامل، رویه های استرداد و غیره در رابطه با مبارزه با تروریسم مورد توجه قرار گرفته بود.

دونالد ترامپ، رئیس جمهور وقت ایالات متحده آمریکا، چند روز پس از تحلیف خود، در ۲۷ ژانویه ۲۰۱۷، فرمان اجرایی ۱۳۷۶۹ را با عنوان «حفاظت از ملت در برابر ورود تروریست های خارجی به ایالات متحده» موسوم به «فرمان ممنوعیت سفر مسلمانان» صادر کرد. ترامپ صراحتاً با اشاره به حملات تروریستی در نیویورک و واشنگتن در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به عنوان انگیزه اقدامات خود، دستور داد محدودیت هایی در مورد مهاجرت شهروندان این کشور به ایالات متحده اعمال شود (Natter et al, 2018: 88).

اقدامات ترامپ به سه نکته مهم اشاره داشت؛ نخست، تروریسم می تواند آثار سیاسی مهمی را در پی داشته باشد. دوم، یک مسأله مرتبط با تروریسم وجود دارد که منجر به اثرات بلندمدت تروریسم بر سیاست گذاری می شود. به عنوان مثال، حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ کماکان برای تصمیم گیری های سیاسی در سال های بعدی نیز تاثیر داشت. سوم، فرمان اجرایی ترامپ به امنیتی شدن مهاجرت اشاره می کند؛ به این معنی که مسائل غیرامنیتی نظیر مهاجرت با نگرانی های امنیتی مرتبط است (Messina, 2014:541).

در این راستا نظرسنجی گالوپ طی سال ۲۰۱۶ در چهارده کشور اروپایی نیز نشان داد که ۶۶ درصد از پاسخ دهندگان معتقد بودند تروریسم توسط افراد غیرمقیم و مهاجران به عنوان

یک چالش جدی مطرح است؛ درحالی‌که در همان زمان، ۵۵ درصد از پاسخ‌دهندگان گمان می‌کردند که مهاجرت یک موضوع جدی مشابه است.^۱

د- مدیریت و کنترل مرزها در حقوق بین‌الملل برای مقابله با جرایم تروریستی

تبادل اطلاعات و همکاری بین‌المللی برای پیشگیری از جرایم تروریستی اغلب از طریق نهادهای چندجانبه و نیز توافق‌های دوجانبه صورت می‌گیرد. بخش قابل ملاحظه‌ای از سازمان‌های بین‌المللی، فراملی و منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف، از همکاری در اجرای قانون گرفته تا قانون مبارزه با تروریسم و همکاری در امنیت مرزها را مورد بررسی قرار دادند. که در این راستا اقدامات حقوقی - بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی برای مقابله با جرائم تروریستی و تأمین امنیت مرزی به شرح ذیل مورد مذاقه و بررسی قرار می‌گیرد:

۱. «کمیته مبارزه با تروریسم سازمان ملل متحد» با صدور قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد (۲۰۰۱) تأسیس شد. این قطعنامه ضمن تأکید بر قطعنامه‌های ۱۲۶۹ و ۱۳۶۸، هر اقدام تروریستی صورت پذیرفته را تهدیدی بر ضد صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد نموده است. به علاوه کلیه دولت‌های عضو را مکلف می‌کند تا از هرگونه سازماندهی، ایجاد، کمک یا مشارکت در جرایم تروریستی در دیگر کشورها و همچنین ممانعت از ارتکاب فعالیت‌های سازماندهی شده که هدف آنها ارتکاب این‌گونه اقدامات در خارج از سرزمین آنها است، پرهیز کنند. البته از دولت‌ها می‌خواهد که اطلاعات مربوط به جرایم تروریستی را مبادله کنند، برای پیشگیری از ارتکاب اقدامات تروریستی همکاری‌های موثر حقوقی و بین‌المللی ایفا نمایند و اسناد بین‌المللی مرتبط با جرایم تروریستی را احصاء نمایند. برای این منظور، فهرستی از بهترین شیوه‌های سازمان‌دهی شده برای مطابقت با تعهدات مندرج در قطعنامه ارائه کردند. کمیته مبارزه با تروریسم گزارش‌های منظمی را که در آن پیشرفت کشورهای عضو سازمان ملل متحد در زمینه‌های اصلی قانون مبارزه با جرایم تروریستی، مقابله با تأمین مالی تروریسم، کنترل مرزها، امنیت

1 . <https://news.gallup.com/poll/212405/terrorism-migration-trouble-europe.aspx>.

داخلی و اجرای قانون و همکاری بین‌المللی را توضیح می‌دهد را منتشر ساخت. (کمیته مبارزه با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد^۱، ۲۰۰۴)

۲. «اینترپل» از سازمان‌هایی است که با دولت‌ها و همچنین سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در حوزه مقابله با تروریسم همکاری می‌کند. این سازمان با هدف شناسایی افراد مظنون به ارائه اطلاعاتی که برای نیروهای پلیس کشورها نیاز است، نقش کلیدی ایفا می‌کند. به‌طور اساسی، اینترپل اطلاعات و داده‌های حیاتی در مورد افراد تحت تعقیب یا مظنون و اسناد مسافرتی که به سرقت رفته یا مفقود شده‌اند، را در زمان مورد نیاز ارائه می‌دهد. به‌منظور انجام این وظایف دو گانه، اینترپل نظام ارتباطات پلیس جهانی به نام I-24/7 را توسعه داده است. این نظام امکان پیگیری در زمان واقعی در مورد افراد تحت تعقیب و تبادل اطلاعات سریع و ایمن بین مقامات مجری قانون را فراهم می‌کند. (کمیسون بین‌المللی پلیس جنایی^۲، ۱۹۸۹).

۳. «یوروپل»^۳ که بر اساس «معاهده ماستریخت»^۴ در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد، یک سازوکار حمایتی برای اجرای قانون مبارزه با تروریسم در سراسر اتحادیه اروپا است که بر اطلاعات دولت‌های عضو در مورد مواد مخدر، جنایات سازمان‌یافته، جرایم تروریستی و قاچاق انسان تأکید دارد. این معاهده ضمن حمایت از دولت‌های عضو در پیشگیری و مقابله با جرم، امکان سنجش مناسب تهدیدات را فراهم کرده و از تحقیقات و عملیات مشترک پشتیبانی می‌کند (معاهده ماستریخت، ۱۹۹۲).

۴. «سامانه اطلاعات شینگن»^۵ در پاسخ به لغو محدودیت‌های مرزی داخلی اتحادیه اروپا راه‌اندازی شد. این سامانه به دولت‌های عضو اجازه می‌دهد تا به داده‌های مربوط به افراد خاص و کالاهای مفقودی و سرقتی، دسترسی داشته باشند. پلیس مرزی، افسران گمرک و مقامات مهاجرت می‌توانند به پایگاه داده سامانه اطلاعات شینگن دسترسی داشته باشند.

1. The Security Council. From the Cold War to the 21st Century. David Malone. Rienne Publishers. 2004.

2. INTERNATIONAL CRIMINAL POLICE ORGANIZATION.

3. The European Union Agency for Law Enforcement Cooperation.

4. Gemeente Maastricht.

5. Schengen Information System (SIS).

از اینرو، سامانه اطلاعات شینگن با هدف حفاظت از یکپارچگی نظام مهاجرت در اتحادیه اروپا و پیشگیری از وقوع جرائم تروریستی نقش مهمی ایفا می‌کند. در عین حال، این سامانه برای محافظت از حق رفت و آمد اتباع کشورهای ثالث و مقیم قانونی در اتحادیه اروپا طراحی شده است. سامانه اطلاعات شینگن شامل داده‌های ارائه شده توسط همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. از آنجایی که به مهاجرت و حفاظت از مرز مربوط می‌شود، از این داده‌ها برای مواردی نظیر «دستگیری برای اهداف استرداد»، «شناسایی اتباع خارجی که برای آن‌ها هشدار به منظور امتناع از ورود صادر شده است»، «اشخاصی که به منظور تعقیب جرایم یا پیشگیری از تهدیدات علیه امنیت عمومی تحت نظارت قرار می‌گیرند» استفاده می‌شود.^۱

۵. «آژانس گارد مرزی و ساحلی اروپا» موسوم به «فرانتکس»^۲ در سال ۲۰۰۴ با هدف هماهنگی‌های عملیاتی بین دولت‌های عضو اتحادیه اروپا در زمینه مدیریت مرزهای خارجی اتحادیه اروپا تأسیس شد. سایر وظایف شامل کمک به کشورهای عضو در آموزش مرزبانان ملی، انجام تجزیه و تحلیل خطر و پیگیری تحقیقات مربوط به کنترل و نظارت بر مرزهای خارجی است. آژانس همچنین به دولت‌های عضو کمک‌های فنی و عملیاتی در زمینه‌های مربوط به امنیت مرزی ارائه می‌دهد.^۳

۶. «سازمان امنیت و همکاری اروپا»^۴ ابزار جداگانه‌ای برای هماهنگی و تسهیل ابتکارات سازمان امنیت و همکاری اروپا باهدف پیشگیری از تروریسم ایجاد شده است. «واحد اقدام علیه تروریسم»^۵ که در سال ۲۰۰۲ تأسیس شد، وظیفه دارد از دولت‌های شرکت‌کننده

1. European Commission, Questions and Answers: Schengen Information System (SIS II), Brussels, 9 April 2013, https://ec.europa.eu/commission/presscorner/detail/fr/MEMO_13_309.

2. Council Regulation No 200772004 of 26 October 2004 establishing a European Agency for the Management of Operational Cooperation at the External Borders of the Member States of the European Union.

3. European Commission, European Border and Coast Guard Agency (Frontex), https://ec.europa.eu/home-affairs/pages/glossary/european-border-and-coast-guard-agency-frontex_en.

4. Organization for Security and Co-operation in Europe (OSCE).

5. Action against Terrorism Unit (ATU).

شرکت کننده با کمک های فنی در پروژه های ضد تروریسم حمایت کند. علاوه بر این، با شرکای خارجی ارتباط برقرار می کند و به عنوان منبع اطلاعاتی ضد تروریسم برای دولت های شرکت کننده و همچنین سایر سازمان ها عمل می کند و به کشورهای شرکت کننده در تصویب و اجرای کنوانسیون ها و پروتکل های سازمان ملل مرتبط با تروریسم کمک می کند و به طور کلی برای ارتقای همکاری حقوقی در امور جنایی مرتبط با جرایم تروریستی فعالیت می کند. در رابطه با امنیت اسناد مسافرتی، ظرفیت های مدیریت مرزی را در شناسایی اسناد مسافرتی جعلی افزایش می دهد.^۱

۷. در «اتحادیه آفریقا»^۲ بنیاد مبارزه با تروریسم توسط اتحادیه ۵۳ عضوی تشکیل شده است. «کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا در مورد پیشگیری و مبارزه با تروریسم»^۳ که در سال ۱۹۹۹ تصویب شد و در سال ۲۰۰۲ لازم الاجرا شد. برنامه اقدام مربوطه، که در سال ۲۰۰۲ در الجزیره به تصویب رسید، از دولت های عضو می خواهد قابلیت کنترل مرزی خود از جمله صدور اسناد سفر امن تر و به روزرسانی و هماهنگ سازی سیستم های حقوقی خود برای مقابله با تأمین مالی تروریسم را افزایش دهند. از آنجایی که تروریسم اغلب به عنوان یک مشکل بین المللی شناخته می شود که بر دولت های آن سوی مرزها تأثیر می گذارد، بیشتر دولت ها متوجه می شوند که همکاری با دیگران و کمک به کشورهای که ابزار و منابع مالی محدودتری برای امنیت مرزها و اقدامات ضد تروریسم در دسترس دارند، می تواند برای دو طرف سودمند باشد. در سال ۲۰۰۴، مرکز آفریقایی مطالعات و تحقیقات تروریسم در الجزیره تأسیس شد. وظیفه آن ارائه حمایت و آموزش به کشورهای عضو در تلاش برای ارتقای توانایی های مبارزه با تروریسم است.

۸ «سازمان کشورهای آمریکایی»^۴ در سال ۱۹۹۸ یک «کمیته بین آمریکایی علیه تروریسم»^۵ برای همکاری بیشتر جهت مبارزه با تروریسم ایجاد کرد. اهداف کمیته مشتمل

1. See OSCE's website at <http://www.osce.org/atu/>.

2. African Union (AU).

3. Organization of African Unity (OAU) Convention on the Prevention and Combating of Terrorism.

4. Organization of American States (OAS).

5. Inter-American Committee against Terrorism (CICTE).

مشمول بر افزایش تبادل اطلاعات؛ تدوین پیشنهادهایی برای کمک به کشورهای عضو در تهیه پیش‌نویس قانون مبارزه با تروریسم؛ ترویج پایبندی جهانی به کنوانسیون‌های بین‌المللی مبارزه با تروریسم؛ افزایش همکاری مرزی و اقدامات امنیتی اسناد سفر و توسعه برنامه‌های آموزشی و مدیریت بحران را شامل می‌شود. در سال‌های اخیر، کمیته بر اساس اصول تعیین شده در کنوانسیون بین‌آمریکایی علیه تروریسم که در نشست مجمع عمومی سازمان کشورهای آمریکایی در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید، در مورد مسائل مبارزه با تروریسم، بحث شده است. در رابطه با حفاظت از کنترل مرزها و نظام‌های مهاجرت در برابر فعالیت‌های تروریست‌ها، اهداف کلیدی کمیته شامل، افزایش تبادل اطلاعات بین مقامات مربوطه در کشورهای عضو کمیته بین‌آمریکایی علیه تروریسم، ایجاد پایگاه داده بین‌آمریکایی در مورد مسائل تروریسم، توسعه برنامه‌های ظرفیت‌سازی برای کمک به اعضا در پیش‌نویس اصلاحات مربوطه برای قوانین داخلی، تسهیل شبکه‌ای از معاهدات منطقه‌ای و فرعی بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی که اقدامات ضدتروریستی را در زمینه‌های کلیدی (نظیر مهاجرت و کنترل مرزها) پیشنهاد کرده است و توسعه قابلیت‌های بهتر برای نظارت بر جابجایی‌های نامنظم افراد و پیشگیری از استفاده‌های غیرقانونی از هویت جعلی و اسناد سفر مورد تاکید قرار گرفته است.^۱

روش پژوهش

پژوهش حاضر بلحاظ هدف کاربردی، بلحاظ ماهیت از نوع کیفی می‌باشد که با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است. این پژوهش با رویکرد اسنادی و تطبیقی، پیرامون جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت از منظر حقوق بین‌الملل با تأکید بر الزامات پلیس در تأمین امنیت مرزی با استفاده از مطالعات پژوهشی و اسناد بین‌المللی صورت گرفته است.

1. <https://www.cfr.org/background/organization-american-states>

بحث و یافته‌ها

الف- ارتقای تدابیر و سازوکارهای کنترلی مهاجرت توسط پلیس ایران در مرزها

اقدامات کنترلی پلیس نسبت به مهاجران و اتباع خارجی غیرمجاز در سطح کشور یکی از برنامه‌های اصلی فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (فراجا) به‌ویژه فرماندهی مرزبانی و پلیس مهاجرت و گذرنامه است که با بهره‌مندی از تدابیر پلیسی و فنی با استفاده از ظرفیت‌ها و امکانات سازمانی، نسبت به شناسایی، دستگیری اتباع خارجی غیرمجاز بر اساس قانون اقدام می‌نماید. مقابله قانونی و پلیسی با مهاجران غیرمجاز موجبات بازدارندگی را فراهم نمی‌آورد و نیاز به یک تدبیر ملی و همکاری مشترک همه نهادها و سازمان‌های متولی است تا از تبعات ناشی از ورود مهاجران غیرمجاز برای انجام اقدامات تروریستی پیشگیری کرد. وفق این امر، اقدامات و الزامات کنترلی پلیس در مرزها با به‌کارگیری و ارتقاء طرح‌های آمایش مرزی و ساماندهی اتباع بیگانه غیرمجاز امکانپذیر بوده و به‌موجب آن شناسایی و کنترل اطلاعاتی مهاجران و اتباع خارجی غیرمجاز در راستای پیشگیری از جرایم تروریستی تسهیل می‌شود. از طرفی تعدد دستگاه‌های تصمیم‌گیر در امور مرتبط با اتباع خارجی با رویکرد مختلف، عدم اعمال جدی قوانین و مقررات در دستگاه‌های اجرایی کشور، کنترل پلیسی مهاجران را در مرزهای کشور تا حدودی با مشکل مواجه ساخته با این توضیح که اقدام پلیسی در برخورد با اتباع خارجی غیرمجاز توسط سازمان‌های امنیتی و انتظامی بدون در نظر گرفتن تصمیمات مقامات سیاسی کشور مبنی بر پیشگیری از ورود و اقامت اتباع غیرمجاز، دارای پیچیدگی‌های خاص خود بوده و می‌تواند سرمنشأ بسیاری از چالش‌های سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی برای امنیت ملی باشد (پیرای و لطفی، ۱۳۹۹: ۹۹). با اینحال به نظر می‌رسد انجام اقدامات پلیسی و کنترل‌های اطلاعاتی لازم با وجود ناهماهنگی در دستگاه‌های اجرایی در پیشگیری از جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت مؤثر واقع می‌گردد.

۱. اقدامات پیشگیرانه در مرزهای کشور؛ از مهم‌ترین این اقدامات توسط پلیس در مرزها که در پیشگیری از جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت تأثیرگذار است، طرح «جلوگیری از ورود اتباع غیرمجاز خارجی» در سال ۱۳۹۴ است که به‌موجب آن مقرر

گردیده به منظور پیشگیری از اقدامات خرابکارانه تروریستی ناشی از مهاجرت و ورود اتباع خارجی غیرمجاز ساختار تقابلی «شبکه منطقه‌ای مهاجرت غیرقانونی» ترسیم شده و شبکه قاچاق انسان را در چهار کشور منطقه‌ای ترکیه، پاکستان، افغانستان و ایران در چهار بخش: الف- معابر ورودی؛ ب- جابجایی و انتقال؛ ج- خروج از کشور؛ د- راهکارهای مقابله‌ای مؤثر نیز مورد بررسی قرار دهند.

از دیگر اقدامات جدی و پیشگیرانه پلیس که قابلیت و ضمانت اجرایی لازم را دارد و جزء وظایف قانونی و مأموریت سازمانی پلیس در پیشگیری از ورود بی‌رویه مهاجران و اتباع خارجی غیرمجاز می‌باشد و به‌طور عمده دارای بازدارندگی لازم و با رویکرد پیشگیری از جرایم تروریستی سیاست‌گذاری شده است، می‌توان به طراحی، پیاده‌سازی و استقرار ایستگاه‌های ایست و بازرسی انتظامی و اردوگاه‌های مرزی و گشت‌های مرزی-انتظامی در قلمرو مرزهای زمینی، دریایی و استفاده از پهبادها به‌منظور گشت هوایی در راستای مقابله با ورود مهاجران و پیامدهای ناشی از آن ضروری به نظر می‌رسد.

۲. اقدامات اطلاعاتی و اشراف اطلاعاتی؛ پلیس مهاجرت و گذرنامه و فرماندهی مرزبانی به نمایندگی از حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، به استناد قوانین، موظف به انجام اقدامات اطلاعاتی و فنی لازم در چارچوب قوانین و اشراف اطلاعاتی و تأمین امنیت مرزی و کنترل اتباع خارجی از بدو ورود، حین حضور تا هنگام خروج از کشور و نیز ارائه خدمات در این رابطه به اتباع ایرانی و خارجی بوده و همچنین کنترل‌های اطلاعاتی و پلیسی لازم به منظور پیشگیری از هرگونه اقدام تروریستی از سوی مهاجران و اتباع با بهره‌گیری از اصل اشراف اطلاعاتی نقش عمده‌ایی در تأمین امنیت مرزها ایفا می‌نمایند. لذا در راستای تحقق این مهم فراجا بر اساس مصوبات ابلاغی شورای عالی امنیت ملی موظف است نسبت به تشکیل بانک اطلاعات اتباع خارجی اقدام و امکان بهره‌برداری از آن را برای سایر ارگان‌ها و نهادهای متولی و ذی‌ربط فراهم نماید.

پلیس مهاجرت و گذرنامه به‌عنوان متولی امر، اقدام به تشکیل بانک مذکور و ارائه شناسه فراگیر به اتباع خارجی نموده است و همچنین ارتقای ضریب امنیتی مرزها با بهره‌برداری از

منابع انسانی و تجهیزات فنی و زیرساخت‌های لازم و به‌روز از جمله الکترونیکی کردن کنترل‌های مرزی و استفاده از ابزار و تجهیزات نوین از جمله ایجاد سامانه‌های پلیس تصویری و مانیتورینگ مرزی در کنار استفاده روش‌های سنتی کنترل مرزها در ارتقاء اشراف اطلاعاتی و افزایش امنیت پایدار در مرزها و باهدف پیشگیری از جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت ضروری به نظر می‌رسد.

ب- ظرفیت حقوق بین‌الملل در تأمین امنیت مرزها

مرزها در مواقع بحرانی همیشه کارکردی نمادین و سیاسی داشته‌اند. کنترل مهاجرت به عنوان یک نماد قدرتمند از حاکمیت دولت، یک راه معمولی برای دولت‌ها فراهم می‌کند تا به شهروندان خود اطمینان داده و حس تعلق ملی را تقویت کنند، از لحاظ تاریخی، مفهوم حقوقی مرز دستخوش دگرگونی‌های مستمری شده است که به واسطه اهداف نوسانی مرتبط با آن و تغییرات تجربه شده توسط نهادهای مختلف اجتماعی-سیاسی تعیین شده است. بنابراین، اظهار وجود تاریخ واحد و واحد مرز در حقوق بین‌الملل گمراه‌کننده خواهد بود. (ریکاردی و ناتولی، ۲۰۱۹: ۴-۵).

با این همه، آنچه به عنوان مسأله چالش برانگیز به ذهن متبادر می‌شود، پاسخ به پرسشی است که امکان‌سنجی مواجهه با جرایم تروریستی را در زمان مهاجرت برای تأمین امنیت مرزها فراهم می‌آورد. از این رو، «چه ارتباطی میان حقوق بین‌الملل با مهاجرت و امنیت برای مقابله با جرایم تروریستی وجود دارد؟»

در پاسخ باید اذعان داشت که راجع به ارتباط میان حقوق بین‌الملل پیرامون مهاجرت و مقابله با جرایم تروریستی، اسناد بین‌المللی قابل ملاحظه‌ای در چارچوب سازمان ملل متحد در دسترس نیست و فقط پس از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، حقوق بین‌الملل به‌صراحت مهاجرت و تهدید تروریسم را به هم مرتبط کرده و دولت‌ها را ملزم کرده است که از حرکت تروریست‌ها در مرزهای ملی پیشگیری کنند. این در حالی است که تاکنون هیچ دولتی امکانی برای مقابله با وضعیت مهاجرت در برخورد با جرایم تروریستی نداشته است.

به هر روی، ورود مهاجران به خودی خود منجر به سطح پایین تری از حملات تروریستی می‌شود. این امر درک ما از جرایم تروریستی را در سطوح بین‌المللی و داخلی را به میزان قابل توجهی بهبود می‌بخشد و پیامدهای قابل ملاحظه‌ای را برای سیاست‌های مهاجرتی کشورها در سراسر جهان در پی دارد.

نتیجه‌گیری

پدیده مهاجرت از حیث ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، امنیتی تأثیر زیادی بر امنیت مرزها می‌گذارد. لذا مقابله هوشمندانه و مدیریت شده با پیامدها و حوادث تروریستی ناشی از مهاجرت نیازمند اتخاذ تدابیر و سیاست‌های کنترلی یکپارچه، منسجم و هماهنگ می‌باشد. کنترل مرزها، و اخذ مجوز کار برای اتباع خارجی، شفاف‌سازی مقررات مهاجرت قانونی، تقویت و کنترل مرزها، اعمال سیاست و تدابیر پلیسی در برخورد با قاچاقچیان مهاجر و همکاری‌های بین‌المللی از مهم‌ترین اقداماتی است که برای مقابله با این موضوع از منظر مقررات بین‌المللی و سیاست‌گذاری‌های پلیسی باید در دستور کار قرار گیرد. از اینرو، یافته‌های تحقیق حاضر نیز تأثیر مهاجرت را بر امنیت مرزی مورد تأیید قرار داده و علاوه بر آن ارتباط آن را با تروریسم نیز می‌سنجد. بنابراین مهاجران غیر مجاز به‌طور فزاینده‌ای با جنایاتی مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، پول‌شویی و حمایت از تروریسم مرتبط بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که پلیس ایران در تأمین امنیت مرزی بایستی اقدامات متعدد و اساسی از جمله تقویت سازوکارهای کنترلی نسبت به مهاجران و اتباع خارجی غیرمجاز و طرد آنان اقدام نموده و همچنین اقدامات جدی و پیشگیرانه مرزی - انتظامی از جمله تقویت مرزها و انسداد مرزی برای مهاجران غیرمجاز و ایجاد ایستگاه‌های ایست و بازرسی و گلوگاه‌های امنیتی، طراحی، پیاده‌سازی و ارتقاء گشت‌های انتظامی لازم‌الاجرا با هدف شناسایی مهاجران را در دستور کار قرار دهد. فرماندهی مرزبانی جمهوری اسلامی ایران در کنار بهره‌گیری از دستاوردهای بین‌المللی و رویکرد حقوق بین‌الملل مبنی بر پیوندهای اساسی بین جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت، بایستی الزامات امنیتی لازم‌الاجرا را به

منظور پیشگیری از حوادث تروریستی محور برنامه‌ریزی‌های راهبردی و اجرایی خود قرار داده و سیاست‌گذاری‌های لازم در تأمین امنیت مرز بر اساس تدابیر کنترلی، مقابله‌ای و اطلاعاتی صورت‌بندی و عملیاتی نماید. تدابیر اطلاعاتی و هوشمندسازی مرزها با استفاده از زیرساخت‌های فنی، الکترونیکی و استفاده از پهبادها به منظور اشراف اطلاعاتی و گشت‌های مرزی در راستای پیشگیری از جرایم تروریستی ناشی از مهاجرت و پیامدهای آن مفید به نظر می‌رسد. برخی از اقدامات حقوقی و بین‌المللی و رعایت اصول و قواعد لازم‌فی‌مابین کشورهای مجاور مرزی به منظور انجام اقدامات و همکاری‌های مشترک در تأمین امنیت مرزها نیز ضروری بوده است؛ چرا که ترکیب و یکپارچگی مرزی ناشی از هجوم مهاجران و اتباع ممکن است منجر به ناامنی مرزی گردد.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) اختیاری‌امیری، رضا؛ رفیع، حسین؛ عارفی، عصمت (۱۳۹۷) مهاجران خاورمیانه‌ای و امنیت اروپا، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال ۱۱، شماره ۴۲، صص. ۱۰۱-۷۳.
- ۲) بوزان، باری (۱۳۹۶) مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۳) توسلی‌نائینی، منوچهر (۱۳۹۱) تبعات ورود و اقامت غیرمجاز اتباع بیگانه در ایران، مجموعه مقالات همایش ملی مرزها، چاپ اول، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی.
- ۴) پرویزی، جمشید (۱۳۹۴) سیاست مهاجرت و پناهندگی اتحادیه اروپا و مسأله حقوق بشر، تهران: وزارت خارجه.
- ۵) پیرای، مصطفی و لطفی، روح‌اله (۱۳۹۹) آسیب‌شناسی تهدیدات حضور اتباع خارجی غیرمجاز و ارائه راهکار کاهش آسیب‌ها و تهدیدات، فصلنامه مطالعات اطلاعات و امنیت انتظامی، سال ۴، شماره ۸، صص. ۱۰۴-۷۹.
- ۶) رستم‌علی‌زاده، ولی‌الله و حسینی، قربان (۱۳۹۹) بررسی وضعیت مهاجرت در مناطق روستایی شهرستان‌های مرزی ایران، فصلنامه علوم و فنون مرزی، سال ۹، شماره ۱، صص. ۲۰۷-۱۷۷.

- ۷) رحیم لی، شهریار (۱۳۹۶) امنیتی کردن مهاجرت؛ عملکرد اتحادیه اروپا در قبال مهاجرین سوری، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۲۴، شماره ۲، صص. ۴۵-۲۵.
- ۸) ذوالفقاری، حسین (۱۳۹۶) تأثیر مهاجرت غیرقانونی بر امنیت مرزهای (مطالعه موردی مرزهای جنوب شرق کشور)، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات مرزی، سال ۵، شماره ۳، صص. ۱۶۲-۱۲۷.
- ۹) موذن‌زادگان، حسسنعلی؛ رضوی‌فرد، بهزاد؛ کوشکی، غلامحسین؛ هاشمی، حمید (۱۳۹۶) اقدامات پلیسی - حقوقی مؤثر در مقابله با فعالیت‌های تروریستی (مورد مطالعه: استان مرزی خراسان رضوی)، فصلنامه پژوهشنامه مطالعات مرزی، دوره ۵، شماره ۳، صص. ۲۷-۱.
- 10) Buzan, Bari. (2017) People, governments and fear. Translation Institute for Strategic Studies, Tehran: Institute for Strategic Studies. [In Persian].
- 11) Coleen Margaret, Clarke. (2006) A thesis submitted in conformity with the requirements for the degree of Doctor of Education Department of Theory and Policies Studies Ontario Institute for Studies in Education of the University of Toronto.
- 12) Didier, Bigo. & Elspeth, Guild. (2019) International Law and European Migration Policy: Where Is the Terrorism Risk?, *Laws* 2019, Vol. 8, No. 4, pp.9-30.
- 13) Moazenadegan, Hassan Ali. & Razavifard, Behzad. & Kushki, Gholam Hossein. & Hashemi, Hamid. (2017) Effective police-legal measures against terrorist activities (Case study: Khorasan Razavi border province), *Journal of Border Studies*, Vol. 5, No. 3, pp. 1-27. [In Persian].
- 14) Helbling, M. & Meierrieks, D. (2020) Transnational terrorism and restrictive immigration policies, *Journal of Peace Research* Vol. 7, No. 5, pp. 564-580.
- 15) Natter, Katharina. & Czaika, Mathias. & Haas, Hein de. (2018) The determinants of migration policies. Does the political orientation of governments Matter?, IMI Working Paper Series 117.
- 16) Elena Niño, Alba. (2018) Is there any relationship between immigration and terrorism? Critical analysis from Human Rights perspective. Europe: security for or against the displaced? European Master's Degree in Human Rights and Democratisation Academic
- 17) Ekhtiari Amiri, Reza. & Rafi, Hossein. & Arefi, Esmat. (2018) Middle Eastern immigrants and European security, *Journal of International Relations Studies*, Vol. 11, No. 42, pp. 101-73. [In Persian].
- 18) Parvizi, Jamshid. (2015) EU Immigration and Asylum Policy and the issue of human rights, Tehran: Publication Office of the Ministry of Foreign Affairs. [In Persian].

- 19) Piry, Mostafa. & Lotfi, Ruhollah. (2020) Pathology of threats of the presence of illegal foreign nationals and providing a solution to reduce injuries and threats, *Journal of Information Studies and Law Enforcement*, Vol. 8, No. 4, pp. 104-79. [In Persian].
- 20) Helbling, Marc. & Daniel, Meierrieks. (2020) Terrorism and Migration: An Overview, *British Journal of Political Science*, Vol. 8, No. 3, pp. 1-20.
- 21) Messina, Anthony M. (2014) Securitizing immigration in the age of terror, *World Politics*, Vol. 66, No.3, pp. 530-559.
- 22) Tavassoli Naeini, Manouchehr. (2012) Consequences of Illegal Entry and Residence of Foreign Nationals in Iran, from the Proceedings of the National Conference on Borders, *Research Institute of Humanities and Social Studies*. [In Persian].
- 23) Rostamalizadeh, Valiullah. & Hosseini, Ghorban. (2020) Investigating the migration situation in rural areas of border cities of Iran, *Journal of Border Science and Technology*, Vol.9, No.1, pp. 177-207. [In Persian].
- 24) Rahim Lee, Shahriar. (2017) Securing immigration; EU Performance Towards Syrian Immigrants, *Journal of Nations Research*, Vol. 24, No. 2, pp. 445-25. [In Persian].
- 25) Riccardi, Alice & Tommaso Natoli. (2019) Borders and International Law: Setting the Stage, *Borders, Legal Spaces and Territories in Contemporary International Law: Within and Beyond*, Springer Nature Switzerland AG and G. Giappichelli Editore, pp. 1-20.
- 26) Zolfaghari, Hussein. (2017) The Impact of Illegal Migration on Border Security (Case Study of Southeastern Borders), *Journal of Border Studies*, Vol. 5, No. 3, pp. 127-162. [In Persian].

Pathology of serving Conscripts in I.R.I. Border Guard Units

Mehdi Yektai¹, PhD Candidate in Strategic Knowledge Management, Higher National Defense University and Research Institute, Tehran, Iran.

Bahman Sohrabi, MA in Intelligence and Law Enforcement Security Management, Tehran, Iran.

Mehdi Kazemi Kalor, PhD Candidate in Political Thought, Islamic Azad University, Karaj branch, Tehran, Iran.

Mohammad Mirzaei, Assistant Professor of Criminal Law and Criminology, Amin Police University, Tehran, Iran.

Received: 17, April, 2022

Accepted: 06, August, 2022

Abstract

The basic pillar of the armed forces is made up of human resources, especially soldiers. As a part of the armed forces, I. R. I. Border Guard is not exempted from this and its service conditions can be a factor in the occurrence of numerous crimes. Therefore, the main question of the current research is "What are the contexts and bases of common crimes committed by soldiers of the Border Guard Command?" In terms of its objectives the present study is of an applied research type and in terms of its content it is considered as a qualitative study. The necessary data has been collected using a semi-structured interview tool, the validity of which has been confirmed by experts, and its reliability has been confirmed using test-retest method. The statistical population of the current research is 28 conscripts serving in the border guard command, subject to theoretical saturation, with the characteristics of having a criminal record, those without a record, as well as employees related to the said conscripts. The data obtained were analyzed at three levels of concepts, categories and major categories during open, central and selective coding stages using Atlas T software. In the findings section, 48 concepts related to the contexts of committing common crimes of soldiers in the form of 11 abstract categories were extracted and then the categories were categorized and finally the core category was selected and based on the relationship of the categories with each other, a basic theory was developed. The result of the present research is indicative of the fact that insufficient attention to religious factors as causal conditions, insufficient attention to service provision and the development of supervision as intervening factors, as well as laying a foundation by external contaminating people and the existence of opportunities for crime and the continuation of crime as underlying conditions have an effective role in the occurrence of common crimes in in-service bord.

Keywords: Pathology, Military service, Crime, Desertion, Border guard.

1 - Corresponding Author (mehdi_norsaba@yahoo.com). Copyright © 2022 Journal of Border Science and Technology. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution- noncommercial 4.0 International License which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages provided the original work is properly cited.

فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره یازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱

صص ۵۱-۸۶

<http://dor.net/dor/20.1001.1.25384090.1401.11.2.4.8>

آسیب‌شناسی خدمتی سربازان وظیفه در یگان‌های مرزبانی ناجا^۱

مهدی یکتائی^۲ - دانشجوی دکتری مدیریت دانش راهبردی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران

بهمن سهرابی - کارشناس ارشد مدیریت اطلاعات و امنیت انتظامی، تهران، ایران

مهدی کاظمی کلور - دانشجوی دکتری اندیشه سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، تهران، ایران

محمد میرزایی - استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۸

چکیده

رکن اساسی نیروهای مسلح را نیروی انسانی به‌ویژه سربازان تشکیل می‌دهد. مرزبانی ناجا به‌عنوان جزئی از نیروهای مسلح از این امر مستثنی نبوده و شرایط خدمت در آن می‌تواند عاملی برای بروز جرائم متعدد باشد. بنابراین پرسش اصلی پژوهش حاضر «زمینه‌ها و بسترهای ارتکاب جرائم شایع سربازان وظیفه فرماندهی مرزبانی کدام‌اند؟» می‌باشد. پژوهش حاضر بلحاظ هدف کاربردی و بلحاظ محتوا از نوع کیفی بوده که با استفاده از ابزار مصاحبه نیمه ساختاریافته، داده‌های لازم گردآوری گردیده است که روایی آن از طرف خبرگان و کارشناسان مورد تأیید قرار گرفت و پایایی آن با استفاده از فرآیند بازمینی مجدد از طرف تعدادی از جامعه آماری تأیید شد. جامعه آماری تحقیق حاضر سربازان وظیفه حاضر به خدمت در فرماندهی مرزبانی به تعداد ۲۸ نفر به شرط اشباع نظری با مشخصات دارای سابقه جرم، فاقد سابقه و همچنین کارکنان پایور مرتبط با سربازان وظیفه مذکور بوده‌اند. داده‌های بدست آمده با استفاده از نرم‌افزار اطلس تی در سه سطح مفاهیم، مقوله و مقوله عمده در جریان مراحل کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش یافته‌ها، ۴۸ مفاهیم مرتبط با زمینه‌های ارتکاب جرائم شایع سربازان در قالب ۱۱ مقوله انتزاعی احصاء و سپس مقوله‌ها مورد دسته‌بندی و در انتها مقوله هسته انتخاب و بر اساس ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر، نظریه زمینه‌ای تدوین گردید. نتیجه تحقیق حاضر گویای این واقعیت است که، کم‌توجهی به عوامل اعتقادی به‌عنوان شرایط علی، توجه ناکافی به امور خدمات‌رسانی و توسعه نظارت‌ها به‌عنوان عوامل مداخله‌گر و همچنین بسترسازی از سوی افراد آلوده‌کننده بیرونی و وجود فرصت‌های جرم و استمرار جرم به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در بروز جرائم شایع کارکنان وظیفه مرزی نقش مؤثری دارند.

واژگان کلیدی: آسیب‌شناسی، خدمت سربازی، جرم، فرار از خدمت، مرزبانی.

۱- برای استفاده از این مقاله به دفتر نشریه مراجعه شود.

<http://dor.net/dor/20.1001.1.25384090.1401.11.1.3.5>

**Investigating Urban Livability Scenarios with Future Developmental Approach
Case Study: The border city of Mahabad**

Shadi Amini, PhD student in Geography and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Hassan Ahmadzadeh*, Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Hassan Hooshyar, Assistant Professor, Department of Geography, Payame Noor University, Tehran, Iran

Reza Valizadeh, Assistant Professor, Department of Geography and Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Received: 31 March 2022

Accepted: 12 August 2022

Abstract

The purpose of this research is to explain the possible future of livability in Mahabad. In terms of objectives, the present study is of an applied research type and in terms of method it is considered as a survey study at exploratory level method based on futurology approaches. Due to the nature of this research, using a differential snowball method, 24 professionals and executives of government agencies related to environmental affairs that should be involved in the discussion were selected and then the Delphi method and documentary studies for determining the initial factors was used. Also, MIC MAC software has been used to analyze the indicators and has been used in the wizard scenario software to extract scenarios in the future horizon. The results of the research have shown that 8 indicators have been identified as key factors, two of their indexes in the control group and 6 other indicators were in the two-level group. Also, the results of the wizard scenario represent 11 scenarios in a consistent condition, which has three (desirable / static / critical situations), with the probability coefficient of realizing the critical situation for the future of the city of Mahabad, more than other situations.

Keywords: Urban livability, future studies, cross effects analysis, border city of Mahabad.

* Corresponding author (h_ahmadzadeh@iaut.ac.ir)

بررسی سناریوهای زیست‌پذیری شهری با رویکرد آینده‌پژوهی مطالعه موردی: شهر مرزی مهاباد^۱

شادی امینی - دانشجوی دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

حسن احمدزاده^۲ - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

حسن هوشیار - استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

رضا ولیزاده - استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۱

چکیده

هدف این پژوهش تبیین آینده‌های احتمالی زیست‌پذیری در شهر مرزی مهاباد است. پژوهش حاضر بر حسب هدف کاربرد، از حیث روش پیمایشی در سطح اکتشافی و مبتنی بر رویکرد آینده‌پژوهی صورت گرفته است. با توجه به ماهیت این تحقیق، نخست با استفاده از روش گلوله برفی افتراقی تعداد ۲۴ نفر از متخصصان و مسئولان اجرایی سازمان‌های دولتی مرتبط با امور زیست‌محیطی که بایستی در بحث مشارکت داشته باشند را شناسایی و انتخاب نموده و سپس از روش دلفی و مطالعات اسنادی برای تعیین عوامل اولیه اثرگذار استفاده گردید. همچنین از نرم‌افزار Mic Mac جهت تحلیل شاخص‌ها استفاده شده است و از محیط نرم‌افزار سناریو ویزارد برای استخراج سناریوها در افق آینده بهره‌برده شده است. نتایج تحقیق نشان داده‌اند که ۸ شاخص به‌عنوان عوامل کلیدی شناسایی شده‌اند که ۲ شاخص آن‌ها در گروه کنترل‌کننده و ۶ شاخص دیگر آن در گروه دووجهی بوده‌اند. همچنین نتایج حاصل از سناریو ویزارد بیانگر ۱۱ سناریو در وضعیت سازگار بوده است که دارای سه وضعیت (مطلوب/ایستا/بحرانی) بوده‌اند که ضریب احتمال تحقق وضعیت بحرانی برای آینده زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد بیشتر از دیگر وضعیت‌ها بوده است.

واژگان کلیدی: زیست‌پذیری شهری، آینده‌پژوهی، تحلیل اثرات متقاطع، شهر مرزی مهاباد.

۱. مقاله حاضر مستخرج از رساله با همین عنوان در دانشگاه تبریز است.

مقدمه

یکی از پیامدهای منفی و یا مثبت افزایش جمعیت، افزایش شهرنشینی می باشد که از مهم ترین روندهای جمعیت شناختی و جریانی جهانی قرن حاضر می باشد؛ و پیش بینی می شود که در قرن جدید بیش از نیمی از جمعیت جهان در محیط های شهری زندگی کنند. این گسترش شهرنشینی در جهان و ایران سبب افزایش استفاده از نهادهای طبیعی در مکان های جغرافیایی شهری از یک طرف و افزایش تولید آلاینده های زیست محیطی از طرف دیگر در شهرها شده است. به گونه ای که هم منابع در دسترس با محدودیت مواجه هستند و هم کیفیت محیط زیست در شهرها رو به قهقرا گذاشته است (رهنما و همکاران، ۱۳۹۸: ۲). رشد روزافزون جمعیت در سطح شهرها مشکلاتی را در ابعاد مختلف برای شهرها فراهم کرده است. این امر زمینه ساز نابرابری های اقتصادی اجتماعی، افزایش سکونتگاه های غیررسمی و تخریب محیط زیست را به همراه داشته است. این چالش ها در کنار سایر مشکلات موجود در سطح شهرها، زیست پذیری شهری را به چالشی اساسی برای مدیران و برنامه ریزان مبدل کرده است (حکمت نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۰). امروزه مسائل شهر و شهروندی به مهم ترین مسائل مؤثر بر ابعاد کمی و کیفی زندگی انسان تبدیل شده است. در گذشته شهر در مفهوم عام آن اهمیت داشت، اما در دوران معاصر این اهمیت هم از نظر مردم و هم از دیدگاه متخصصان شهری مفهوم عامیانه خود را ازدست داده است. از این رو پرداختن به تئوری های جدید شهر که هر یک باهدف حل مشکلات شهری، بهبود وضعیت کیفی و کمی زندگی شهروندان در شهرها، ارتقاء کیفیت محیط شهر، مدیریت شهر، پیشبرد شهر به سوی مطلوبیت و... مطرح شده اند، بیش از پیش مهم است (علوی زاده و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴۴). در این میان مقوله زیست پذیری شهری جایگاهی ویژه در ادبیات برنامه ریزی شهری یافته است. هرچند زیست پذیری مفهومی پیچیده بوده و معنای آن بسته به منافع افراد و دیدگاه های آن ها متفاوت است اما به طور کلی برخی عوامل مشترک میان دیدگاه های فوق وجود دارد که می توان به اشتراک گذاشت (طالشی انبوهی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰). امروزه مسائل شهری، شهرسازی، شهروندی مهم ترین مسائل مؤثر بر ابعاد کمی و کیفی زندگی انسان است. از سوی دیگر مردم نیز استانداردها و توقعات و

انتظارات بالاتری از محیط و شهر خود دارند. به همین دلیل، توجه به زیست‌پذیری کلید حل بسیاری از معضلات بسیار مهم شهرها است (مهره‌کش و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۱۲). این در حالی است که با توجه به مطالب مطرح شده در حوزه زیست‌پذیری با بررسی شهرهای ایران وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهند. رشد جمعیت و توسعه قارچ‌گونه شهرهای ایران در چند دهه گذشته، محیط‌های شهری کشور را با مشکلات اقتصادی، اجتماعی، زیرساخت‌ها و زیست‌محیطی روبه‌رو کرده است (حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳). زیست‌پذیری به معنای توان و قابلیت یک مکان برای تأمین نیازهای زیستی ساکنان اعم از مادی و غیرمادی در جهت ارتقای کیفیت زندگی و ایجاد بستر شکوفایی توانمندی‌های عموم شهروندان است. زیست‌پذیری با اصول کلیدی خود شامل برابری، عدالت، امنیت، مشارکت، تفرج و قدرت بخشیدن به دنبال دستیابی به سلامت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و روانی همه ساکنان در یک سیستم شهری است (موسوی نور، ۱۳۹۴: ۲۴۵). اما مسئله قابل توجه در این خصوص، که برنامه‌ها و سیاست‌های موجود را به چالش کشیده و برچسب عدم کارایی را بر آن زده؛ دید مقطعی به مسئله است. در چند دهه گذشته رویکرد غالب برنامه‌ریزی خطی بوده است، به طوری که آینده با کشف رابطه علی بین متغیرها با احتمال زیاد قابل تصور بود. اما در این برهه زمانی به دلیل پا گذاشتن بر عرصه عدم قطعیت و ظهور بازیگران زیاد در عرصه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری، دیگر امکان چنین پیش‌بینی‌های دقیقی وجود ندارد. چرا که با ظهور بازیگردان و ذی‌نفعان باید منتظر آینده‌های مختلفی باشیم که امکان تحقق مختلف دارند. برای حل این مشکل و برنامه‌ریزی دقیق، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان از رویکرد جدیدی با عنوان آینده‌نگاری پرده برداشته‌اند. شهر مرزی مهاباد در استان آذربایجان غربی از جمله شهرهای متوسط اندام و پرجمعیتی محسوب می‌شود که در اثر شدت مهاجرت‌پذیری از نقاط روستایی همانند اکثر شهرهای کشور با مسائلی همچون ساخت‌وسازهای غیرمجاز، رشد فیزیکی ناموزون، تشدید روند پدیده اسکان غیررسمی و بافت‌های فرسوده، وجود انواع آلودگی‌های زیست‌محیطی و ... مواجه می‌باشد. بر اساس اطلاعات وضع موجود در حدود یک‌سوم جمعیت شهر در سکونتگاه‌های غیررسمی سکونت دارند که قسمت عمده این مناطق در داخل محدوده

قانونی شهر قرار گرفته‌اند. جدایی‌گزینی طبقات شهری و توزیع ناعادلانه خدمات شهری و عدم برنامه‌ریزی راهبردی، شهر مرزی مهاباد را در آینده نه‌چندان دور به شهری تبدیل خواهد کرد که شاخص‌ها و مؤلفه‌های زیست‌پذیری آن دچار مشکل خواهد بود. بنابراین، در این پژوهش از یک طرف سعی بر آن است که شاخص‌ها و پیشران‌های زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد را مورد شناسایی و ارزیابی قرار دهد تا ضمن رتبه‌بندی متغیرها به بررسی ارتباط بین آن‌ها نیز بپردازد و از طرف دیگر با توجه به پیشران‌های کلیدی شناسایی شده بر اساس رویکرد آینده‌نگاری، سناریوهای احتمالی تحقق‌پذیری و توسعه آتی شاخص‌های زیست‌پذیری نیز ارائه گردد. لذا هدف و سؤال پژوهش حاضر پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین پیشران‌های کلیدی و سناریوهای احتمالی تحقق‌پذیری و توسعه آتی شاخص‌های زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

دالوند و همکاران (۱۴۰۰) به مدل‌سازی تأثیر زیست‌پذیری بر کیفیت زندگی مبتنی بر نظرسنجی عمومی مطالعه موردی: شهر دورود پرداخته‌اند، نتیجه پژوهش حاکی از آن است که عامل آموزشی، با ضریب رگرسیونی ۰/۷۲ بیشترین اثر را بر زیست‌پذیری و عامل زیست‌محیطی با وزن عاملی ۰/۸۲ بیشترین اثر را بر کیفیت زندگی در شهر دورود داشته‌اند. در نهایت زیست‌پذیری با ضریب رگرسیونی ۰/۹۸ تأثیر بسیار زیادی بر کیفیت زندگی در شهر دورود داشته است. رستمی و همکاران (۱۴۰۰) به تبیین عوامل مؤثر بر میزان زیست‌پذیری شهری مطالعه موردی: شهر ایلام پرداخته‌اند. نتایج و یافته‌های تحقیق حاکی از این است که میانگین رضایت از زیست‌پذیری اقتصادی (۴۹/۱۰)، میانگین رضایت از زیست‌پذیری اجتماعی (۵۵/۰۰) و میانگین رضایت از زیست‌پذیری زیست‌محیطی (۳۲/۶۶) بوده است. همچنین در یافته‌های کاربرد روش تحلیل مسیر نتایج نشان می‌دهد که در بیشترین و قوی‌ترین اثرات بر زیست‌پذیری، می‌توان به اثر مستقیم رویکرد به فضای فرهنگی بر زیست‌پذیری اجتماعی (۰/۳۴۲)، رویکرد به عملکرد مدیریت شهر بر زیست‌پذیری اقتصادی (۰/۳۵۶) و احساس امنیت شهری بر زیست‌پذیری زیست‌محیطی (۰/۲۳۷) اشاره کرد. آسیابانی پور و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود به سنجش و

ارزیابی بُعد عینی زیست‌پذیری شهری در مناطق ده‌گانه کلان‌شهر تبریز پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد به‌طور کلی زیست‌پذیری شهر تبریز از حد متوسط پایین‌تر بوده است که مناطق ۳ و ۲ به ترتیب با میانگین رتبه‌ای ۷۲/۱۰ و ۶۹/۳۳ زیست‌پذیرترین و منطقه ۷ با میانگین رتبه‌ای ۱۰/۱۰ در رتبه آخر زیست‌پذیری در بین مناطق ده‌گانه قرار گرفته است. همچنین، از نظر شاخص‌های خدمات و زیرساخت‌های شهری، محیط شهری، اقتصاد شهری، مدیریت شهری، تاریخ شهری و اجتماع شهری به ترتیب مناطق ۲، ۶، ۲، ۵، ۸ و ۵ در اولویت اول رتبه‌بندی قرار گرفته‌اند. با توجه به نتایج آزمون کروسکال والیس، در سطح معنی‌داری ۹۹ درصد مشخص شد بین مناطق ده‌گانه شهر تبریز از لحاظ مطلوبیت شاخص‌های زیست‌پذیری تفاوت معناداری وجود داشته است. چشمی و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی شاخص‌های زیست‌پذیری در بافت‌های فرسوده و تاریخی محلات شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلان‌شهر تهران پرداخته و نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که منطقه ۱۲ به‌طور کلی به لحاظ شاخص‌های زیست‌پذیری در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارد. در بین محلات محله بهارستان در وضعیت مطلوب در مقابل محله‌های بازار و پامنار در وضعیت نامطلوبی به لحاظ شاخص‌های زیست‌پذیری قرار دارند. با توجه به یافته‌های پژوهش، مؤلفه‌های امکانات زیرساختی و حمل‌ونقل به ترتیب با بیشترین میزان مطلوبیت، اثرگذارترین مؤلفه‌ها در زیست‌پذیری منطقه ۱۲ بوده و مؤلفه‌های امنیت اجتماعی و فردی، هویت و حس مکان با کمترین میزان مطلوبیت، کم‌اثرترین مؤلفه‌ها در زیست‌پذیری منطقه بوده‌اند. دویران (۱۳۹۹) به سنجش زیست‌پذیری بافت‌های شهری با تأکید بر پایداری اجتماعی (مطالعه موردی: محلات اسکان غیررسمی شهر همدان) پرداخته و نتایج نشان می‌دهد با وجود تفاوت‌های مکانی محلات، وضعیت پایداری اجتماعی در محلات مزبور مشابه هم است. اختلاف میانگین شاخص‌های موردبررسی مشارکت و امنیت اجتماعی نسبت به هم اندک ولی اختلاف شاخص کیفیت زندگی با سایر شاخص‌ها نسبتاً زیاد است. نتایج آزمون تی زوجی و پیرسون نشان می‌دهد شاخص‌های با یکدیگر در ارتباط بوده و بر همدیگر اثرگذار می‌باشند. خراسانی و اکبری‌ان رونیزی (۱۳۹۹) به ارزیابی زیست‌پذیری در نواحی روستایی پیراشهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز) پرداخته‌اند.

نتایج به دست آمده نشان می دهد که وضعیت زیست پذیری در روستاهای پیراشهری مورد مطالعه با مقدار میانگین برابر ۱۸۵/۲۶ بالاتر از حد متوسط (برابر ۱۷۷) قرار گرفته است. همچنین نتایج نشان داد که سطح زیست پذیری در شاخص های عمده متفاوت است. از دیگر نتایج پژوهش، وجود تفاوت معنادار در وضعیت زیست پذیری روستاها بر اساس موقعیت طبیعی آنها بود و مشخص گردید روستاهای دشتی در مقایسه با دیگر روستاها از وضعیت زیست پذیری مناسب تری برخوردارند. موقعیت طبیعی روستاها می تواند با توجه به شرایط متفاوت دسترسی به امکانات و تسهیلات خدماتی و شغلی در شهر، زیست پذیری متفاوتی در روستاها ایجاد نماید. برزگر و همکاران (۱۳۹۸) به تحلیل سکونتگاه های غیررسمی با رویکرد زیست پذیری (مورد مطالعه: محلات غیررسمی شهر زنجان) پرداخته اند. نتایج پژوهش، نشان می دهد که از بین ابعاد مختلف زیست پذیری محلات غیررسمی، بعد کالبدی با ضریب معنی داری ۵/۶۱ به میزان بیشتری وضعیت حاکم بر زیست پذیری محلات غیررسمی شهر زنجان را رقم می زند. همچنین بعد اقتصادی با ضریب تأثیر ۰/۹۴؛ در رتبه دوم تأثیر زیست پذیری محلات غیررسمی شهر زنجان داشته است. بعد زیست محیطی با ضریب تأثیر ۰/۸۱ و بعد اجتماعی با ضریب تأثیر ۰/۴۱ به ترتیب در رتبه سوم و چهارم تأثیر گذاری زیست پذیری و وضعیت حاکم بر آن را در محلات غیررسمی تبیین می نماید. احدنژاد روشتی و همکاران (۱۳۹۷) به بررسی جایگاه مفهوم زیست پذیری شهری در طرح توسعه شهری نمونه مطالعاتی: طرح جامع شهر زنجان پرداخته اند. طبق نتایج به دست آمده از تحلیل رگرسیونی، میزان ارتباط و همبستگی زیست پذیری با طرح های توسعه شهری ۵۶۱۲۲ است. با توجه به سطح معنی داری ۵۶۵۵۵ و پایین بودن آن از ۵۶۵۰ $P <$ فرضیه صفر رد می شود و می توان گفت که رابطه دو متغیر زیست پذیری با طرح های توسعه شهری معنادار است. به عبارتی، اجرای طرح های توسعه شهری ۳۷ درصد از زیست پذیری شهر زنجان را تبیین می کند. علاوه بر این، بیشترین مقدار همبستگی اجرای طرح های توسعه شهری با شاخص اجتماعی ۵۶۳۱۰ و کمترین مقدار نیز متعلق به اقتصادی با ۵۶۱۱۷ است.

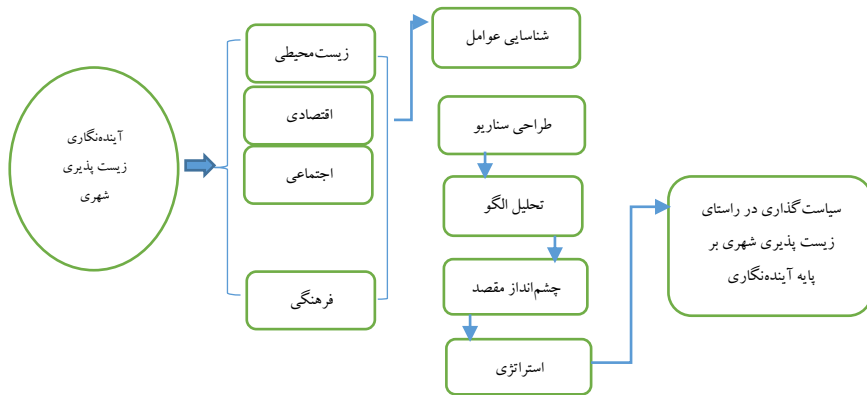
مبانی نظری

آنچه در این تحقیق به عنوان زیست‌پذیری مطرح می‌شود، ترجمه فارسی انتخاب‌شده برای عبارت انگلیسی *livability* است، در نتیجه شهر زیست‌پذیر معادل عبارت *city livable* آورده شده است. در برخی متون فارسی معادل عبارت فوق را سرزندگی شهری آورده‌اند در صورتی که آنچه به عنوان سرزندگی از نظر لینچ در کتاب شکل خوب شهر به عنوان معیار بیان‌شده است، در ترجمه *vitality* آورده شده است. در فرهنگ انگلیسی آکسفورد *livability* به معنای دارای ارزش زندگی و *vitality* به معنای فعال و پرنرژی بودن یا همان سرزنده تعریف شده است. زیست‌پذیری و توسعه پایدار مفاهیم و رویکردهای هستند که در نهایت، شهری به‌دوراز انواع مشکلات زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی را برای شهروندان به ارمغان می‌آورد. اصطلاح زیست‌پذیری اشاره به درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت‌های افراد آن جامعه دارد. یک جامعه غیر زیست‌پذیر به نیازهای افراد آن جامعه بی‌اعتنا است و به خواسته‌های آن‌ها احترام نمی‌گذارد (آروین و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). زیست‌پذیری به‌عنوان یک مفهوم می‌تواند با توجه به بستر و زمینه‌ای که در آن تعریف می‌شود بسیار گسترده و یا محدود باشد. با این وجود، کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز توجه این مفهوم قرار داشته و شامل نماگرهای قابل اندازه‌گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل‌ونقل، امنیت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می‌دهد. زیست‌پذیری به معنای توان و قابلیت یک مکان برای تأمین نیاز زیستی ساکنان اعم از مادی و غیرمادی در جهت ارتقاء کیفیت زندگی و ایجاد بستر شکوفایی توانمندی‌های عموم شهروندان مطرح می‌شود (سالاری مقدم و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۳). زیست‌پذیری در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی است و در واقع همان دستیابی به کیفیت برنامه‌ریزی شهری خوب یا مکان پایدار است. همچنین زیست‌پذیری زیرمجموعه‌ای از پایداری است که مستقیماً بر ابعاد فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و روانی زندگی مردم تأثیر می‌گذارد و دربرگیرنده مجموعه‌ای از ویژگی‌های اکتسابی محیط است که آن را به مکانی مطلوب، مناسب و جذاب برای زندگی، کار و بازدید همه مردم تبدیل می‌کند. این ویژگی‌ها به دو دسته عینی

دسترسی به زیرساخت‌های شهری، امنیت، گزینه‌های مختلف جابه‌جایی و حمل‌ونقل، مسکن، سلامت و امکانات بهداشتی، تفریح، فضاهای عمومی جذاب و فرصت‌های اقتصادی) و ذهنی - روانی (حس تعلق به مکان، هویت محلی، سرمایه اجتماعی، همبستگی، عدالت، صمیمیت و راحتی) طبقه‌بندی می‌شود. زیست‌پذیری از طرفی نیز به معنای کیفیت زندگی، استانداردهای زندگی یا خوشبختی عمومی جمعیتی که در یک مکان مثل شهر زندگی می‌کنند، تعریف می‌شود (سلیمانی مهرنجانی، ۱۳۹۵: ۳۸). شهر زیست‌پذیر قابلیت آن را دارد که نیازهای متفاوتی را برای تعامل شهروندان برآورده کند: فرصت برای جلسات و فعالیت‌های روزانه در فضاهای عمومی شهر یا نواحی مسکونی و فرصت برای دیدن، شنیدن و تجربه کردن عملکرد مردم در موقعیت‌های مختلف؛ چنین شهری شهر تواناست که هم موردعلاقه ساکنان و گردشگران و هم قابل زیست و لذت‌بخش است و جوهره آن نیز شهر و جامعه خوب است (رخشانی نشب و نیری، ۱۳۹۷: ۵۸). محیط شهری زیست‌پذیر مکانی مطلوب برای زندگی، کار، تفریح می‌باشد، مکانی که نیازها، انتظارات افرادی که آنجا زندگی می‌کنند را برآورده می‌سازد. جهت اندازه‌گیری زیست‌پذیری شهرهای جهان که نهایتاً به انتخابات شهرها به‌منظور سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی منجر می‌گردد؛ سازمان‌های ایجادشده‌اند که زیست‌پذیری را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (قاسمی، ۱۳۹۷: ۵۷). انسان برای ادامه حیات، با طبیعت از یکسو و با جامعه از سوی دیگر در ارتباط همیشگی است؛ به‌طوری که بی‌نیاز از این دو، سرگردان و بی‌هدف سپری خواهد کرد. این تعامل در شرایطی که سازنده باشد و به آنچه مثل گذشته تا امروز قرار است در اختیار نسل‌های آینده قرار گیرد آسیب نرساند و از توانایی‌های آن‌ها نکاهد، آنگاه می‌توان بر آن «زیستن» یا «زندگی انسانی» نام نهاد. صفت زیست‌پذیر که از بحث‌های نوین شهرسازی امروز است، به تعبیری به شهری اطلاق می‌شود که مانند یک موجود زنده سالم و طبیعی، فرمانروا و فرمان‌پذیر است، می‌آموزد، ارزش‌ها را حس می‌کند و ارج می‌گذارد، اجزای آن باهم در ارتباط کامل‌اند، دارای اندام‌های تنفسی است و سرزنده است. پس کاربرد زیست‌پذیری با سرزندگی در مباحث امروزی متفاوت است (حسین‌خانی و همکاران، ۱۳۹۵). در یک شهر زیست‌پذیر، اصول اجتماعی

همان قدر دارای اهمیت اند که اصول طراحی دارای اهمیت می‌باشد. تغییر و دگرگونی در شهرها بنا بر سیاست‌های نوین مدیریت شهری و شهرسازی اجتناب‌ناپذیر است. تغییر شکل شهرها همچنین با فعالیت‌های نوین، اقتصاد شهری و ارزش‌های فرهنگی یک جامعه مرتبط‌اند. بستر طبیعی و الگوی تاریخی از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر این دگرگونی‌ها هستند. هر یک از دو مقوله اصول اجتماعی و اصول طراحی، زیرمجموعه‌های متعددی دارند که اگر هماهنگ و متوازن به آن‌ها پرداخته شود، دستیابی به بالاترین کیفیت زندگی یا زیست‌پذیری ممکن‌تر است. زیست‌پذیری و کیفیت زندگی، دو اصطلاحی هستند که به‌رغم کاربرد گسترده‌شان در سال‌های اخیر، هر یک تعریف واحدی که مورد توافق متخصصان قرار گرفته باشد، ندارند. کیفیت زندگی می‌تواند عبارت باشد از اثرات زیست‌پذیری جامعه بر ساکنانش. یک شهر زیست‌پذیر به کودک، جوان و سالمند، به افراد سالم و افراد معلول به یک اندازه می‌اندیشد و اهمیتی که برای جایگاه هر یک قائل است به یک میزان است. روشن است که به‌این ترتیب، هرچه شهرها کم‌جمعیت باشند و دارای وسعت، دور از فقر باشند و بهره‌مند از موهبت‌های طبیعی، برقراری معیارهای زیست‌پذیری در آن‌ها به واقعیت نزدیک‌تر خواهد بود (قاسمی، ۱۳۹۷: ۵۸). با توجه به بررسی‌ها و مطالعه منابع و پژوهش‌هایی که در رابطه با سنجش شاخص‌های مؤثر برنامه‌ریزی شهری در زیست‌پذیری و به‌طور اخص زیست‌پذیری شهری انجام شده، شاخص‌های زیادی به این منظور در نظر گرفته شد. ولی با توجه به اطلاعات موجود و در دسترس، همچنین با استخراج شاخص‌های موجود در مطالعات انجام شده و دسته‌بندی آن‌ها، در نهایت چهار مؤلفه کالبدی، اقتصادی، زیست‌محیطی و اجتماعی انتخاب شدند. هر یک از این شاخص‌های تصمیم‌گیری نیز به معیارهای تعیین‌کننده دیگری تقسیم شدند. برای مثال شاخص اجتماعی به معیارهای آموزش عمومی، تفریحات و اوقات فراغت، مراقبت‌های پزشکی، امنیت فردی و اجتماعی، پیوستگی و تعلق مکانی و مشارکت تقسیم شده است. همچنین از طرفی دیگر شاخص‌های مؤثر برنامه‌ریزی شهری با شاخص‌های دو متغیر دیگر پژوهش (زیست‌پذیری و توسعه پایدار) دارای یک هم‌پوشانی می‌باشند که بهبود هر یک از شاخص‌های فوق به بهبود زیست‌پذیری منجر می‌گردد (حسن‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۲). با توجه به اینکه آینده‌نگاری

به معنای دقیق خود عملاً از میانه قرن بیستم ظهور نمود. مطالعه قاعده‌مند، تحلیلی و روشمند آینده، هم‌زمان با ظهور پارادایم دوم آینده‌پژوهی که پس از جنگ جهانی دوم جایگزین «تفکر پیشگویی» شده بود، متولد شد. از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۶۰ نوعی «تفکر مدیریتی» بر آینده‌نگاری و به‌طور کلی بر آینده-پژوهی، مستولی بود؛ تفکری که مفهوم کارایی (کارایی به معنای استفاده مناسب و بهینه از منابع و رسیدن به اهداف تعیین شده، با بهره‌گیری از حداقل منابع است) و کنترل و حذف کارکردهای زائد را مورد تأکید قرار می‌داد (رسولی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴۹). اولین تعریف از آینده‌نگاری که تقریباً مورد پذیرش عمومی قرار گرفته است از بن مارتین به‌عنوان پیشرو بحث آینده‌نگاری است که در ۱۹۹۵ و سپس با تغییرات اندک در سال ۲۰۰۰ بیان می‌دارد «آینده‌نگاری تلاش نظام‌مند برای نگاه به آینده بلندمدت علم، تکنولوژی، محیط‌زیست، اقتصاد و اجتماع می‌باشد که باهدف شناسایی تکنولوژی‌های عام نوظهور و تقویت حوزه‌های تحقیقات راهبردی است که احتمالاً بیشترین منافع اقتصادی و اجتماعی را به همراه دارند» (ملک‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۹).



شکل شماره ۱. روابط مفهومی آینده‌نگاری با رویکرد زیست پذیری شهری

فرایند آینده‌نگاری بر آینده علم، فناوری، اقتصاد و جامعه تمرکز دارد. هدف این نوع برنامه‌ریزی تعیین حوزه‌های تحقیقات راهبردی و فناوری‌های نوظهور برای منافع اجتماعی

و اقتصادی است (شیدائی و همکاران، ۱۳۹۶: ۹۲۹). این رویکرد در اصل به عنوان یک استراتژی تجاری در دهه ۱۹۷۰ مورد استفاده قرار گرفت. سناریوها، آینده معقول و منطقی را ارائه می دهند که ممکن است با فرض خاصی اتفاق بیفتد و عدم قطعیت ها را به جای تمرکز بروی پیش بینی های صرف مدنظر دارند. این ابزار نه تنها برای توسعه سازمان ها، بلکه در سایر زمینه های توسعه همچون مسائل شهر از جمله زیست پذیری شهر نیز به عنوان یک ابزار استراتژیک مورد استفاده قرار گرفته است. بنابراین امروزه آینده نگاری به عنوان رویکردی نوین در عرصه های مختلف برنامه ریزی شهری به کار گرفته شده و با شناسایی عوامل کلیدی مؤثر بر آینده سیستم، برنامه ریز را از غافلگیری در مقابل امواج پرشتاب تغییر و تحولات امروزی مصون نگه می دارد. در این بین زیست پذیری شهرها از این امر مستثنا نبوده و نیاز به برنامه ریزی نوین با رویکرد آینده نگاری برای روبه رو شدن مؤثر با تحولات آتی، به شدت احساس می شود.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت پژوهش حاضر و افقی که برای برنامه ریزی در نظر گرفته است نوع پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است. روش پژوهش مبتنی بر رویکرد آینده نگاری است. همچنین به لحاظ ماهیت داده ها، در زمره پژوهش های کیفی است. پژوهش حاضر بر اساس شیوه جمع آوری داده ها و اطلاعات، جز پژوهش های اسنادی- پیمایشی می باشد. در این تحقیق بر اساس روش دلفی تعداد ۲۴ نفر از متخصصین و مسئولان اجرایی شهر مرزی مهاباد شناسایی و پرسشنامه ها در دو مرحله در اختیار آن ها قرار داده و سپس نظرات آن ها در زمینه مؤلفه های تحقیق در محیط نرم افزار میک مک مورد بررسی قرار گرفته تا وضعیت تأثیر گذاری، تأثیر پذیری و مرکزیت عامل ها مشخص گردد. در این پژوهش پس از مطالعه و مرور چارچوب نظری، پیشران های تأثیر گذار زیست پذیری شامل شاخص های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی بازنشاسی شد. سپس به منظور سنجش اثرات از پرسشنامه محقق ساخته در ابعاد زیست پذیری شامل بعد اقتصادی، اجتماعی و کالبدی و.. با گویه های قابل تعریف استفاده گردید. برای تحلیل اثرات با نظرسنجی از کارشناسان حوزه اقدام به پیمایش خبرگان شد. از آنجایی که هیچ قانون قوی و صریحی در مورد نحوه انتخاب و تعداد

متخصصین وجود ندارد و تعداد آن‌ها وابسته به فاکتورهای هموزن یا هتروژن بودن نمونه، هدف یا وسعت مشکل، کیفیت تصمیم، توانایی تیم تحقیق در اداره مطالعه، اعتبار داخلی و خارجی، زمان جمع‌آوری داده‌ها و منابع در دسترس، دامنه مسئله و پذیرش پاسخ است. تعداد شرکت‌کنندگان معمولاً کمتر از ۵۰ نفر و اکثراً ۱۵ الی ۲۰ نفر و در گروه‌های هموزن معمولاً ۱۰ الی ۱۵ نفر است. بر این مبنای حجم نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس، از ۲۴ نفر متخصص با روش نمونه‌گیری هدفمند عموماً شامل دانشجویان دکتری، اساتید دانشگاه و کارشناسان رشته‌های تخصصی که دارای سابقه اجرایی یا پژوهشی در حوزه آینده‌پژوهی و مطالعه زیست‌پذیری شهری بوده‌اند استفاده شد. جدول شماره ۱ نحوه‌گزینش جامعه آماری هدف را نشان می‌دهد.

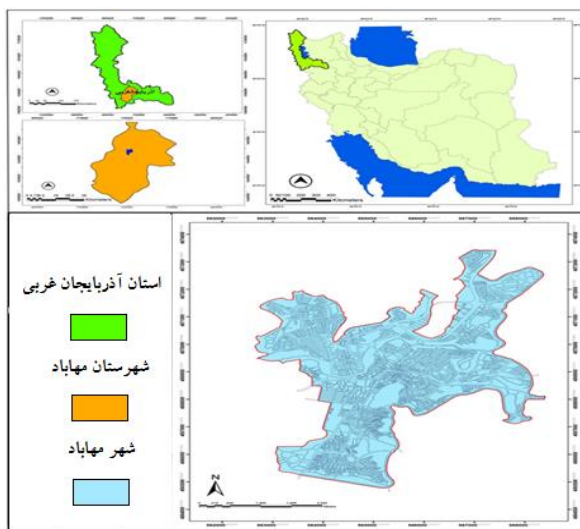
جدول شماره ۱. نحوه‌گزینش با انتخاب جامعه آماری خبره محور

ویژگی	ارزش یا امتیاز
تعداد مقالات علمی - پژوهشی داخلی یا خارجی مرتبط با حوزه آینده‌پژوهی	۳
تعداد کتاب (تألیفی یا ترجمه) یا مقالات مروری مرتبط با حوزه زیست‌پذیری	۴
تعداد طرح‌های پژوهشی یا علمی مصوب انجام شده با حوزه‌های مربوطه	۴
سابقه همکاری یا عضویت در انجمن، نهاد، گروه، شرکت یا تشکل مربوطه	۲
سابقه اجرایی تخصصی	۴

محدوده مورد مطالعه

شهر مرزی مهاباد یکی از شهرهای استان آذربایجان غربی است که با مرکز استان ۱۴۱ کیلومتر فاصله دارد، این شهر در جلگه و کوهستانی جنگلی قرار گرفته و ارتفاع جلگه از سطح دریا ۱۳۲۰ متر است. شهر مرزی مهاباد در ۴۵ درجه و ۴۳ دقیقه و ۳ ثانیه شرقی نصف‌النهار گرینویچ و ۳۶ درجه و ۴۶ دقیقه و ۳ ثانیه عرض شمالی واقع شده است (مهندسین مشاور پویا نقش شهر و جهان، ۱۳۸۸: ۷۲). وسعت شهر مرزی مهاباد ۲۵۹۲

کیلومتر مربع و بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای جمعیت ۱۶۸۳۹۳ نفری می باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل شماره ۲. موقعیت جغرافیایی شهر مرزی مهاباد

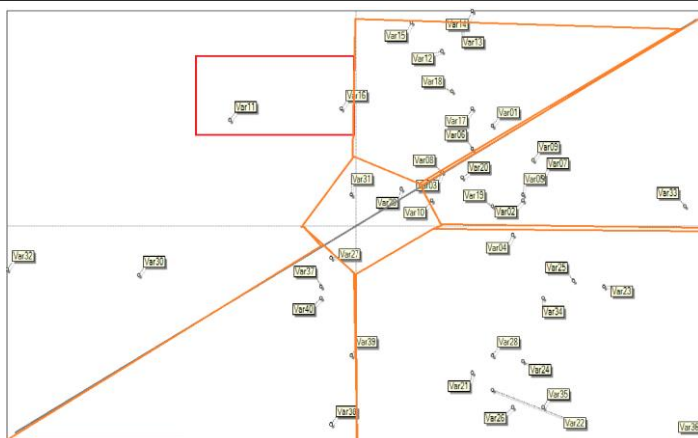
بحث و یافته‌ها

زیست‌پذیری در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی است و در واقع همان دستیابی به کیفیت برنامه‌ریزی شهری خوب یا مکان پایدار است (ساسان پور و همکاران، ۱۳۹۲) که هم از نظر شهروندان و هم مدیران شهری موضوع مهم است. بدین منظور نیز تحقیق حاضر سعی داشته با مشخص‌سازی چشم‌انداز آینده زیست‌پذیری در شهر مرزی مهاباد بستر تصمیم‌گیری مطلوبی را فراهم سازد. بدین جهت نیز بعد از شناسایی عوامل اولیه اثرگذار بر زیست‌پذیری شهر مهاباد اقدام به تحلیل در محیط نرم‌افزار MICMAC شده است. نرم‌افزار میک‌مک بر پایه نظرات خبرگان وضعیت، عملکرد، اثرات و جایگاه هر یک از شاخص‌ها را مشخص می‌سازد.

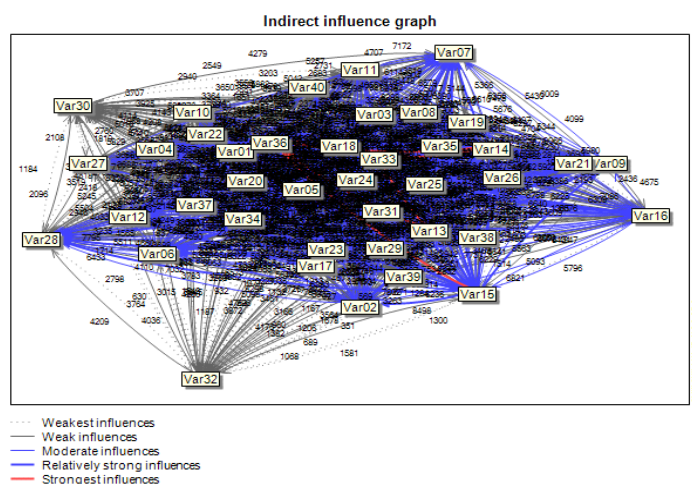
ارزیابی میزان تأثیر‌گذاری و تأثیر‌پذیری عوامل اصلی مؤثر بر زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد

پراکنش شاخص‌های در محیط میک‌مک بیانگر دو نوع پایدار و غیرپایدار است. در وضعیت پایدار شاخص‌ها از ضلع بالا، سمت چپ به طرف پایین، سمت راست به صورت L

کشیده شده‌اند؛ اما در وضعیت غیر پایدار شاخص‌ها در محدوده قطر نمودار کشیده شده‌اند (زالی، ۱۳۸۸: ۱۲۹). با مشاهده وضعیت پراکندگی شاخص‌های زیست‌پذیر شهر مرزی مهاباد در شکل (۳) مشخص می‌شود که تمایل پراکندگی شاخص‌ها به قطر نمودار بیشتر میل می‌کند، بنابراین در این گرو از الگو می‌توان ۵ نوع متغیر به شرح زیر شناسایی کرد. اولین گرو از متغیرها شامل متغیرهای تعیین‌کننده یا تأثیرگذار است. این متغیرها به‌عنوان متغیرهای ورودی، اصلی‌ترین متغیر تأثیرگذارند که میزان تأثیرپذیری آن‌ها به نسبت تأثیرگذاری‌شان بسیار کمتر است. این گرو در ناحیه شمال غرب صفحه پراکندگی قرار دارند و پایداری سیستم نیز به شدت به آن‌ها وابسته است. در این گرو دو متغیر مشارکت شهروندان و پیوستگی تعلق‌خاطر قرار گرفته‌اند. گرو دوم شامل متغیرهای دوجهی (اثرگذار و اثرپذیر) است، این شاخص‌ها هم بر دیگر شاخص‌ها اثر می‌گذارند و هم اثر می‌گیرند، بنابراین جهت رسیدن به تعادل در الگو نقش مهمی می‌توانند ایفا بکنند، متغیرهای دوجهی تحقیق حاضر شامل کیفیت دسترسی به مراکز اوقات فراغت، دسترسی به شغل مناسب، دسترسی به مراکز درمانی، کیفیت بصری، سرمایه‌گذاری دولتی، درآمد مناسب، سازگاری کاربری، روشنایی معابر، کیفیت جمع‌آوری معابر بوده است. گروه سوم متغیرهای تنظیمی اطراف مرکز ثقل (شکل ۴) هستند، این متغیرها قابل ارتقاء به متغیرهای تأثیرگذار و یا دوجهی هستند که شامل تعداد اتاق برای واحد مسکونی و میزان زمین‌های بایر بوده است. چهارمین گرو از متغیرها شامل متغیرهای وابسته است که در جنوب دیاگرام قرار گرفته است که ۱۲ شاخص (v25, v23, v34, v28, v24, v4, v.39, v21, v35, v22, v26) را شامل شده است. در نهایت گرو پنجم است که خود به دو گروه مستقل و اهرمی تقسیم می‌شود. گرو مستقل هیچ‌گونه اثر بر شاخص‌ها ندارند و هیچ اثر نمی‌گیرند، که تعداد ۳ شاخص (v37, 40, v38) در این گرو و شاخص‌های v30 و v32 در اهرم ثانوی جای گرفته‌اند.



شکل شماره ۳. پراکندگی متغیرها بر اساس میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن‌ها

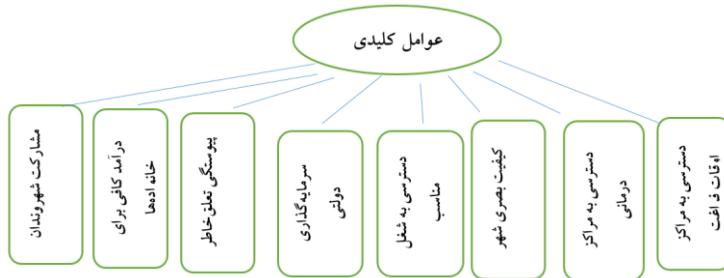


شکل شماره ۴. اثرات غیرمستقیم شاخص‌ها برهم

استخراج عوامل کلیدی زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد

برای شناسایی عوامل کلیدی زیست‌پذیری تحقیق حاضر ۴۰ شاخص موردبررسی کارشناسان قرار گرفته‌اند تا وضعیت، جایگاه عملکرد و اثرگذاری آن‌ها مشخص گردند و درنهایت بر اساس آن‌ها عوامل کلیدی شناسایی گردند. بر اساس یافته‌های تحقیق ۸ شاخص شناسایی شده‌اند که ۲ شاخص آن در گروه کنترل کنند و ۶ شاخص دیگر آن در گروه دوجهی بوده‌اند که به شرح (کیفیت دسترسی به مراکز اوقات فراغت (v14)،

دسترسی به شغل مناسب (v15)، دسترسی به مراکز درمانی (v13)، کیفیت بصری شهر (v12)، سرمایه گذاری دولتی (v18)، پیوستگی تعلق خاطر (v16)، درآمد کافی برای خانواده‌ها (v17)، مشارکت شهروندان (v11) بوده است.



شکل شماره ۵. عوامل کلیدی زیست پذیری شهر مهاباد

بعد از استخراج عوامل کلیدی زیست پذیری، لازم است این عوامل فرضیه بندی شوند تا وضعیت های احتمالی در آینده مشخص گردند.

تجزیه و تحلیل سناریوها

جدول شماره ۲. وضعیت های احتمال زیست پذیری شهر مهاباد

شاخص	وضعیت	فرضیه
دسترسی به مراکز اوقات فراغت	مطلوب	دسترسی مطلوب به مراکز اوقات فراغت
فراغت	/ایستا/نامطلوب	دسترسی ضعیف به مراکز اوقات فراغت
دسترسی به مراکز درمانی	مطلوب	دسترسی نامناسب به مراکز اوقات فراغت
مراکز درمانی	/ایستا/نامطلوب	مراکز درمانی در دسترسی هستند
کیفیت بصری شهر	مطلوب	مراکز درمانی به طور ناهماهنگ توزیع شده اند
شهر	/ایستا/نامطلوب	مراکز درمانی دارای کمبود هستند.
دسترسی به مراکز درمانی	مطلوب	وضعیت بصری شهر مطلوب است
اشتغال	/ایستا/نامطلوب	وضعیت بصری ناهماهنگ است
سرمایه گذاری	مطلوب	وضعیت بصری شهر نامطلوب و نامناسب است
	مطلوب	وضعیت اشتغال مطلوب برای ساکنان فراهم است
	/ایستا/نامطلوب	فرصت های شغلی نامرتبط به تخصص های افراد هستند
	مطلوب	سطح اشتغال در سطح نازلی قرار دارند
	مطلوب	سرمایه گذاری دولتی در سطح شهر مطلوب است

دولتی	/ایستا/نامطلوب	دولت در جریان تحریم‌ها میزان سرمایه‌گذاری را تا حد زیادی کاهش داده است. دولت تمایل به سرمایه‌گذاری در شهر ندارد
تعلق خاطر	مطلوب /ایستا/نامطلوب	تعلق خاطر شهروندان به شهر در وضعیت مطلوب است تعلق خاطر شهروندان به مکان زندگی در وضعیت شکننده است تعلق خاطر نسبت به مکان در شهروندان وجود ندارد
درآمد	مطلوب /ایستا/نامطلوب	درآمد شهروندان در وضعیت مطلوب است درآمد شهروندان در حد پس‌انداز نیست درآمد شهروندان در حد بسیار ناچیز است
مشارکت	مطلوب /ایستا/نامطلوب	مشارکت شهروندان در فرایند شهری بسیار خوب است توجه به مشارکت شهروندان در فرایند برنامه‌ریزی و مدیریت شهری کم است مشارکت شهروندان در سطح بسیار ناچیز است

در این بخش از پژوهش بعد از تعیین عوامل کلیدی مؤثر بر روند آینده زیست‌پذیری، وضعیت‌های احتمالی ماتریس مقاطع برای ۸ عامل کلیدی طراحی و به صورت پرسشنامه‌ای به همراه راهنمای نحوه پاسخگو در اختیار متخصصان قرار گرفت. آن‌ها با طرح این سؤال که «اگر هر یک از وضعیت‌های پیش روی عوامل کلیدی اتفاق بیفتد چه تأثیری بر وقوع یا عدم وقوع سایر وضعیت‌های پیشروی عوامل دیگر خواهد داشت؟» به تکمیل پرسشنامه بر اساس سه ویژگی توانمندساز، بی‌تأثیر و محدودیت‌ساز اقدام کردند و با درج ارقامی بین ۳- تا ۳+ میزان تأثیرگذاری هر کدام از وضعیت‌های پیشروی عوامل کلیدی را بر آینده شهر مشخص کردند. سپس با در نظر گرفتن میانگین ساده از آن‌ها، داده‌ها برای ورود به نرم‌افزار سناریو ویزارد آماده شدند وضعیت‌های استخراج شده پیشروی زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد عبارت‌اند از:

- سناریوهای قوی: ۴ سناریو

- سناریوهای با سازگاری بالا: ۱۱ سناریو

- سناریوهای ضعیف: ۲۳۷ سناریو

سناریوهای محتمل با سازگاری بالا (سناریوهای باور کردنی)

در مجموع 11 سناریوی باور کردنی پیشروی شهر مهاباد وجود دارد. این سناریوها از هم کنشی بین وضعیت های هر یک از عوامل در ارتباط با وضعیت های هر یک از عوامل دیگر استخراج شده اند که به سه صورت (مطلوب با رنگ سبز، ایستا به رنگ زرد، بحرانی با رنگ قرمز) در درجات مختلف نمایش داده شده اند، که در جدول (۳) قابل مشاهده است. ر مجموع ۸۸ وضعیت برای سناریوهای سازگار قابل تصور بوده اند، در این میان ۹ (معادل ۱۰/۲۳ درصد) وضعیت مطلوب، ۳۰ (وضعیت (معادل ۳۴/۲۳ درصد) ایستا و ۴۹ وضعیت (معادل ۵۵/۶۸ درصد) نامطلوب بوده اند. همان طور که مشاهده می گردد بیش از نیمی از وضعیت ها قابل تصور در وضعیت نامطلوب قرار گرفته اند.

جدول شماره ۳. سناریوهای محتمل زیست پذیر شهر مهاباد

یازدهم	دهم	نهم	هشتم	هفتم	ششم	پنجم	چهارم	سوم	دوم	اول	
نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	ایستا	نامطلوب	مطلوب	ایستا	ایستا	ایستا	ایستا	مطلوب	فضاهای خاطر هانگیز استفاده منطقی از فضاهای شهری فضای سبز طراحی فضاهای دلپذیر پاکیزگی محیط حسن آزادی احساس امنیت عناصر هویت بخش
نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	ایستا	دسترسی به مراکز درمانی
ایستا	ایستا	ایستا	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	ایستا	مطلوب	کیفیت بصری شهر
نامطلوب	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	ایستا	نامطلوب	ایستا	مطلوب	اشتغال
نامطلوب	نامطلوب	ایستا	ایستا	نامطلوب	ایستا	ایستا	ایستا	نامطلوب	ایستا	ایستا	سرمایه گذاری دولتی
نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	مطلوب	مطلوب	تعلق خاطر
نامطلوب	نامطلوب	ایستا	ایستا	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب	درآمد
نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	نامطلوب	ایستا	ایستا	ایستا	ایستا	ایستا	مطلوب	مطلوب	مشارکت

ضرایب تحقق سناریوها

سناریوهای سازگار زیست پذیری شهر مرزی مهاباد در افق آینده دارای ضریب تحقق در سه وضعیت مطلوب، ایستا و بحرانی به شرح زیر بوده است، برای احتمال تحقق وضعیت مطلوب با ضریب بیش از ۵۰ درصد باید اذعان داشت که فقط سناریو اول با ضریب ۷۵ درصد قرار داشته است که ۶ وضعیت آن از مجموع ۸ وضعیت احتمالی مطلوب بوده است، برای سناریوهای ایستا که بیانگر ادامه وضع موجود هستند وضعیت کمی بهتر بوده است، به طوری که ۴ سناریو (سناریو دوم، چهارم، پنجم و نهم) دارای ضرایب ۵۰ درصد بوده اند، که ضرایب تحقق آن در حد ۵۰ درصد قرار داشته است که با سناریوهای بحرانی

همپوشانی داشته‌اند. در نهایت سناریوهای بحرانی قرار گرفته‌اند که ۹ سناریو از ۱۱ سناریو احتمالی در وضعیت بحرانی قرار گرفته‌اند که بیشترین ضریب آن‌ها برای سناریو ۱۱ و ۷ با مقدار ۸۷/۵ درصد بوده است.

گروه‌بندی و تحلیل سناریوهای محتمل با سازگاری بالا (سناریوهای باور کردنی)

سناریوهای محتمل با سازگاری بالا را با توجه به قرابت آن‌ها می‌توان به سه گروه تقسیم کرد که هر یک از گروه‌ها شامل سناریوهایی با ویژگی‌های تقریباً مشترک و با اندکی تفاوت در یک یا چند فرض از میان ۸ عامل کلیدی هستند این گروه‌ها به شرح ذیل می‌باشند:

جدول شماره ۴. تحلیل و تفسیر پیامد و نتایج سناریو

سناریو	وضعیت	شرایط
گروه اول	وضعیت مطلوب	سناریو مطلوب بیانگر بهترین وضعیت پیش‌روی زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد بوده است، که دارای ویژگی‌های به شرح بوده است؛ وضعیت شغلی ساکنان شهر بهبود یافته است به طوری که امکان یافتن شغل مناسب برای شهروندان ممکن است
	وضعیت مطلوب زیست‌پذیری	در نتیجه وضعیت درآمدی آن‌ها بهبود پیدا کرد است، در نتیجه اهتمام بیشتری به سلامتی-بهداشت و درمان خود می‌دهند، همچنین سیمای شهر دارای وضعیت مطلوب بصری شده، در نتیجه شهروندان از تعلق بالا به مکان برخوردار بوده‌اند، اگرچه سیاست‌های سرمایه‌گذاری دولتی و ایجاد مراکز تفریحی همچنان در وضعیت ایستا قرار دارند.
گروه دوم	روند کند	سناریوهای ایستا زیست‌پذیری نمودار ادامه وضعیت موجود در آینده است. بنابراین در آینده نمی‌توان انتظار تغییر زیادی از زیست‌پذیری شهری داشت.
	ارتقای زیست‌پذیری	ویژگی‌های زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد دارای ویژگی‌های به شرح زیر بوده است؛ با ادامه روند تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا دولت سرمایه‌گذاری خود را در شهر کم کرده، در نتیجه شرایط شغلی همچنان در وضعیت موجود باقی می‌مانند و تا حدودی ممکن است منجر به تعطیلی شوند، در نتیجه درآمد شهروندان در وضعیت ایستا باقی مانده، بنابراین تلاشی برای بهبود وضعیت بهداشتی-درمانی، بهبود سیمای بصری شهر و بهبود وضعیت مراکز تفریحی وجود نخواهد شد، در نهایت تعلق خاطر شهروندان به مکان همچنان در وضعیت ایستا می‌ماند.
گروه سوم	وضعیت بحرانی تحقق	سناریوهای با وضعیت نامطلوب نمودار بدترین وضعیت ممکن برای زیست‌پذیری است، به طوری که با تحقق آن شهر مرزی مهاباد هر چه بیشتر از زیست‌پذیری دور شده و بستر نامطلوبی را برای شهروندان خود ایجاد می‌کند. ویژگی این گروه به
	زیست‌پذیری	

شرح زیر بوده است؛ سرمایه‌گذاری دولت به دلیل تحریم‌های آمریکا قطع شده است، بنابراین بسیار از شغل‌ها با تعطیلی مواجه می‌گردند، بنابراین درآمدها کاهش یافته است و شهروندان علاقه‌ای به ماندن در شهر و تعلق به آن ندارند در نتیجه توجه چندان به سیما، مراکز تفریحی، درمانی و بهداشتی ندارند.

نتیجه‌گیری

رشد شتابان شهرنشینی، هم‌زمان با ظهور مشکلات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در شهرهای امروزی منجر به کاهش استانداردهای زندگی و به تبع آن کاهش پایداری و افت زیست‌پذیری شهرها شده است. در همین ارتباط لزوم کاربست رویکردهایی چون زیست‌پذیری و توسعه پایدار برای شهرهای امروزی به عنوان مفاهیمی که در کاهش مشکلات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی شهرها نقشی حائز اهمیت دارند ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است چراکه زیست‌پذیری به یک سیستم شهری اطلاق می‌شود که در آن به ابعاد سلامت اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و روانی همه ساکنانش توجه می‌شود. از این منظر زیست‌پذیری شهری تمام زوایا و ابعاد ذهنی و عینی سکونتگاه‌های شهری سروکار دارد و در پی ایجاد محیط شهری سالم و زیست‌پذیرتر برای شهروندان کنونی نسل‌های آینده است به همین سبب زیست‌پذیری مفهوم و رویکردی جدید در پارادایم توسعه پایدار شهری است که برخی آن را از بزرگ‌ترین ایده‌های برنامه‌ریزی شهری در دوران معاصر می‌دانند. در همین راستا آنچه در این شرایط مورد نیاز است تجدیدنظر در رویکردها و به کارگیری ابزارهای جدید همچون روش‌های آینده‌پژوهی در برنامه‌ریزی می‌باشد. این پژوهش باهدف تبیین عوامل کلیدی و وضعیت‌های احتمالی زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد در قالب سناریو اقدام به شناسایی شاخص‌ها بر پایه پیشینه و مبانی نظری مطالعات، همچنین مطالعات میدانی شده است. در این راستا جهت تحلیل از تعداد ۲۴ نفر متخصص در امور شهری استفاده شده است، که با روش دلفی و از طریق پرسشنامه اقدام به شناسایی عوامل اثرگذار بر زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد شده است. نتایج حاصل از تحقیق بیانگر ۸ شاخص به‌عنوان عوامل کلیدی زیست‌پذیری شهر مرزی مهاباد به شرح زیر بوده است (دسترسی به مراکز اوقات فراغت، دسترسی به مراکز درمانی، کیفیت بصری شهر، اشتغال،

سرمایه گذاری دولتی، تعلق خاطر، درآمد و مشارکت). که سرمایه گذاری دولتی به عنوان اثرگذارترین فاکتور شناخته شده است چراکه عوامل تحریک کننده تمام بخش ها جهت زیست پذیری شهر مرزی مهاباد می باشد و اثرپذیری خیلی کمی از سایر عوامل داشته است، بنابراین باید اذعان داشت با ایجاد زمینه سرمایه گذاری دولتی در این شهر سایر بخش های مؤثر در زیست پذیری به طور مستقیم و غیرمستقیم فعال شده و جریان زیست پذیری در شهر تسهیل می گردد. در مرتبه بعدی درآمد و اشتغال به عنوان فاکتور اثرگذار-اثرپذیر شناخته شده اند که در زیست پذیری شهر مرزی مهاباد می توانند نقش کلیدی ایفا بکنند، چراکه با بهبود اشتغال و درآمد بنیه اقتصادی شهروندان بهبود پیدا کرده و سایر فاکتورها زیست پذیری را هم راستای خود دستخوش تغییر قرار می دهند، بنابراین جهت رسیدن به وضعیت مطلوب توجه به این فاکتورها کلیدی و اساسی است. اما تعلق خاطر و مشارکت به عنوان عوامل وابسته شناخته شده اند که بیشتر از دیگر عوامل اثر می گیرند و به عنوان خروجی حاصل از زیست پذیری شناخته می شوند، در نهایت وضعیت درمانی، مراکز اوقات فراغت، کیفیت بصری به عنوان عوامل مستقل عمل کرده اند، بنابراین توجه به این فاکتورها می تواند در اولویت آخر قرار بگیرد. در نهایت نتایج حاصل از سناریو ویزارد بیانگر ۱۱ سناریو در وضعیت سازگار بوده است که دارای سه وضعیت (مطلوب/ایستا/بحرانی) بوده است. در همین راستا سناریوهای مطلوب زیست پذیری شهر مرزی مهاباد نمودار وضعیت ایده آل و مطلوب برای زیست پذیری شهر مرزی مهاباد است که با توجه به نتایج، ضریب تحقق آن در رتبه دوم و به لحاظ فروانی در رتبه سوم قرار گرفته است. سناریوهای ایستا یا به بیان دیگر رشد کند ارتقای زیست پذیری شهر مرزی مهاباد در جایگاه سوم از لحاظ ضریب تحقق و جایگاه دوم از لحاظ فروانی قرار گرفته است، تحقق چنین سناریوهای برای شهر مرزی مهاباد هیچ تغییر مثبتی را در پی نداشته است، بلکه باعث کاهش زیست پذیری و مطلوبیت در آینده نیز می تواند باشد. در نهایت سناریوهای بحرانی قرار گرفته اند که نمودار بدترین وضعیت قابل تحقق برای زیست پذیری شهر مرزی مهاباد می باشند که ضریب احتمال تحقق آنها برای زیست پذیری شهر مرزی مهاباد بیشتر از دیگر وضعیت ها بوده است که دارای ویژگی های به شرح زیر بوده است: سرمایه گذاری دولت به دلیل

تحریم‌های آمریکا قطع شده است، بنابراین بسیار از شغل‌ها با تعطیلی مواجه می‌گردند، بنابراین درآمدها کاهش یافته است و شهروندان علاقه‌ای به ماندن در شهر و تعلق به آن ندارند، در نتیجه توجه چندان به سیما، مراکز تفریحی، درمانی و بهداشتی نمی‌شود. با توجه به اینکه برای آینده شهر مرزی مهاباد احتمال تحقق سناریوهای نامطلوب بیش از دیگر سناریوها بوده است، لازم است اقدامات هوشمندان جهت جلوگیری از تحقق چنین سناریوهای صورت گیرد و بستری جهت تحقق سناریوهای مطلوب فراهم گردد. برای این منظور نیز پیشنهادی به شرح زیر ارائه می‌گردند:

- ❖ سرمایه‌گذاری دولتی در بهبود وضعیت اشتغال و درآمد شهروندان، همچنین همکاری و هماهنگی بخش‌های خصوصی و عمومی جهت اشتغال‌زایی.
 - ❖ شکل‌گیری انجمن‌های مردمی جهت مشارکت بیشتر افراد و تعاملات بین آن‌ها در فرایند برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های شهرهای مرزی
 - ❖ توجه به سازگاری کاربری‌ها و انتقال صنایع آلاینده از فضای شهر به محدوده‌های بیرونی و توجه به پاکیزگی فضای شهری و در دسترس قرار دادن خدمات درمانی-بهداشتی
 - ❖ گسترش و ایجاد فضای سبز کمربندی در اطراف شهر و درون شهر مرزی مهاباد جهت تلطیف هوای شهر و جلوگیری از تخریب محیط
- بیشتر تحقیق‌های صورت گرفته زیست‌پذیری شهری را از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار داده‌اند و اهمیت زیست‌پذیری را در توسعه پایدار شهری عنوان داشته‌اند و در این زمینه نیز اقدام به تحلیل و بررسی شاخص‌های مختلف در جهت زیست‌پذیری شهری متناسب با موقعیت جغرافیای کرده‌اند، اما در تحقیق حاضر فارغ از بیان عوامل اولیه و مؤثر در زیست‌پذیری، اقدام به بیان جایگاه و عملکرد هریک از آن در زیست‌پذیری کرده تا در نهایت پیشران‌های کلیدی شناسایی شوند، در نهایت با رویکرد آینده‌نگاری اقدام به بیان وضعیت‌های احتمالی زیست‌پذیری در افق آینده شهری در قالب سناریو شده است، تا بر پایه آن چشم‌انداز زیست‌پذیری شهر مشخص گردد و بستر تصمیم‌گیری مناسب برای مسئولان و مدیران جهت تحقق آینده مطلوب و تحقق سناریوهای مطلوب ایجاد گردد.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) احدنژاد روشتی، محسن؛ سجادی، ژیلا؛ یارقلی، وحید (۱۳۹۷) بررسی جایگاه مفهوم زیست پذیری شهری در طرح توسعه شهری نمونه مطالعاتی: طرح جامع شهر زنجان، فصلنامه جغرافیا، دوره ۱۶، شماره ۵۹، صص. ۱۰۸-۹۵.
- ۲) آروین، محمود؛ فرهادی خواه، حسین؛ پوراحمد، احمد؛ منیری، الیاس (۱۳۹۷) ارزیابی شاخص های زیست پذیری شهری بر اساس ادراک ساکنان نمونه موردی: شهر اهواز، دانش شهرسازی، دوره ۲، شماره ۲، صص. ۱۷-۱.
- ۳) آسیابانی پور، الهام؛ پناهی، علی؛ احمدزاده، حسن (۱۴۰۰) سنجش و ارزیابی بُعد عینی زیست پذیری شهری در مناطق ده گانه کلان شهر تبریز، پژوهش های جغرافیای انسانی، دوره ۳۵، شماره ۲، صص. ۵۶۵-۵۴۵.
- ۴) برزگر، صادق؛ حیدری، تقی؛ انبارلو، علیرضا (۱۳۹۸) تحلیل سکونتگاه های غیررسمی با رویکرد زیست پذیری (مورد مطالعه: محلات غیررسمی شهر زنجان)، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، دوره ۹، شماره ۳۹، صص. ۱۵۲-۱۳۷.
- ۵) چشمی، محمد؛ حق زاد، آمنه؛ رضانی پور، مهرداد؛ ابراهیمی جمنانی، لیلا (۱۳۹۹) بررسی شاخص های زیست پذیری در بافت های فرسوده و تاریخی محلات شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۲ کلان شهر تهران، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۳، شماره ۳، صص. ۱۰۱-۸۷.
- ۶) حاتمى نژاد، حسین؛ مدانلو جویباری، مسعود؛ اخوان حیدری، کورش (۱۳۹۸) تحلیل فضایی زیست پذیری کالبدی کلان شهر اهواز، فصلنامه برنامه ریزی توسعه کالبدی، سال ۴، شماره ۱، صص. ۲۳-۱۱.
- ۷) حسن زاده، مرتضی (۱۳۹۵) سنجش و ارزیابی شاخص های مؤثر برنامه ریزی شهری در زیست پذیری شهری با رویکرد توسعه پایدار (مطالعه موردی: مناطق چهارگانه شهر کرمان)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان.

- ۸) حسین خانی، زهرا؛ صباغیان، مریم؛ فولادوند، ارسلان؛ کیلانی، نرگس؛ فتاحی، زهرا، مطهری فرد، مرتضی (۱۳۹۵) کیفیت زندگی بهورزان استان قزوین، مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی، دوره ۱۴، شماره ۱، صص. ۷۱-۸۰.
- ۹) حکمت نیا، حسن؛ موسوی، میرنجف؛ سبحانی، نوبخت؛ سلمانزاده، سینا (۱۴۰۰) تأثیر آسیب‌های اجتماعی بر زیست پذیری در فضاهای شهری مطالعه موردی: شاهین دژ، پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری، دوره ۹، شماره ۱، صص. ۲۹-۵۰.
- ۱۰) خراسانی، محمدامین و اکبریان رونیزی، سعید رضا (۱۳۹۹) ارزیابی زیست پذیری در نواحی روستایی پیراشهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱۰، شماره ۴۰، صص. ۱۴۶-۱۳۳.
- ۱۱) خزائی‌نژاد، فروغ (۱۳۹۴) تحلیل زیست پذیری در بخش مرکزی شهر تهران، رساله دکتری، به راهنمایی محمد سلیمانی و سیمین تولایی، دانشکده جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی.
- ۱۲) دلوند، هنگامه؛ شاطریان، محسن؛ حیدری، رسول (۱۴۰۰) مدل‌سازی تأثیر زیست پذیری بر کیفیت زندگی مبتنی بر نظرسنجی عمومی مطالعه موردی: شهر دورود، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۴، شماره ۱، صص. ۷۱-۸۶.
- ۱۳) دویران، اسماعیل (۱۳۹۹) به سنجش زیست پذیری بافت‌های شهری با تأکید بر پایداری اجتماعی (مطالعه موردی: محلات اسکان غیررسمی شهر همدان)، مجله جغرافیای اجتماعی شهری، دوره ۷، شماره ۱، صص. ۶۴-۴۷.
- ۱۴) رخشانی نسب، حمیدرضا و نیری، ناصر (۱۳۹۷) ارزیابی وضعیت شاخص‌های زیست پذیری شهری از دیدگاه شهروندان مورد شناسی: مناطق پنج‌گانه شهر زاهدان، جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، دوره ۸، شماره ۲۷، صص. ۷۴-۵۵.
- ۱۵) رستمی، روح‌الله؛ موسوی، سید یعقوب؛ قدیمی، بهرام؛ میرزایی، خلیل (۱۴۰۰) تبیین عوامل مؤثر بر میزان زیست پذیری شهری مطالعه موردی: شهر ایلام، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۴، شماره ۲، صص. ۱۲۴-۱۰۷.
- ۱۶) رسولی، محمد؛ سعیدپور، شراره؛ منصورزاده، علی محمد (۱۳۹۷) فرهنگ‌سازی ترافیک در کلان‌شهرها با رویکرد آینده‌پژوهی، انتشارات سخنوران، چاپ اول، تهران.

- (۱۷) رهنما، محمدرحیم؛ قبری، محمد؛ محمدی حمیدی، سمیه؛ حسینی، سید مصطفی (۱۳۹۸) ارزیابی و سنجش زیست پذیری شهری در کلان شهر اهواز، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۲، شماره ۲، صص. ۱۷-۱.
- (۱۸) سالاری مقدم، زهرا؛ زیاری، کرامت الله؛ حاتمی نژاد، حسین (۱۳۹۸) سنجش و ارزیابی زیست پذیری محلات شهری مطالعه موردی: منطقه ۱۵ کلان شهر تهران، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۲، شماره ۳، صص. ۴۱-۵۸.
- (۱۹) سلیمانی مهرنجانی، محمد؛ تولایی، سیمین؛ رفیعیان، مجتبی؛ زنگانه، احمد؛ خزاعی نژاد، فروغ (۱۳۹۵) زیست پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص ها، پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دوره ۴، شماره ۱، صص ۲۷-۵۰.
- (۲۰) شیدائی، منصور؛ طالب پور، علیرضا؛ رضائیان، علی (۱۳۹۶) آینده نگاری تحقیق و توسعه فناوری اطلاعات در ایران، فصلنامه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران، دوره ۳۲، شماره ۴، صص ۹۴۸-۹۲۷.
- (۲۱) طالشی انبوهی، مرضیه؛ آقائی زاده، اسماعیل؛ جعفری مهرآبادی، مریم (۱۳۹۸) ارزیابی زیست پذیری در بافت های فرسوده شهری، مطالعه موردی: منطقه یک شهر قزوین، فصلنامه شهر پایدار، دوره ۲، شماره ۳، صص. ۷۸-۵۹.
- (۲۲) علوی زاده، سید امیر محمد؛ کیومرث، سمانه؛ ابراهیمی، الهام (۱۳۹۹) ارزیابی زیست پذیری شهرهای کوچک از دیدگاه شهروندان مطالعه موردی شهر کاشمر، کاوش های جغرافیایی مناطق بیابانی، سال ۸، شماره ۱، صص. ۲۶۷-۲۴۳.
- (۲۳) قاسمی، جلیل (۱۳۹۷) ارزیابی شاخص های کیفیت زندگی با تأکید بر اصول شهر زیست پذیر (مطالعه موردی شهر لامرد)، پایان نامه ارشد جغرافیا، دانشگاه پیام نوری واحد مرکزی اصفهان.
- (۲۴) مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) سالنامه آماری استان آذربایجان غربی، مطالعات سرزمین و آب و هوا.
- (۲۵) ملک زاده، ندا؛ بزاززاده، مهدی؛ رفیعیان، مجتبی (۱۳۹۵) شناسایی و تحلیل عوامل کلیدی مؤثر بر توسعه شهری با رویکرد آینده نگاری (مطالعه موردی: کلان شهر کرج)، مجله جغرافیا و توسعه فضای شهری، دوره ۳، شماره ۲، صص. ۵۲-۳۵.

۲۶) موسوی نور، سید علی؛ وارثی، حمیدرضا؛ محمدی، جمال (۱۳۹۷) کاربرد مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره در سنجش زیست‌پذیری مناطق کلان‌شهر تهران، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، سال ۱۶، شماره ۳، صص. ۲۴۳-۲۶۹.

۲۷) مهره‌کش، ریحانه؛ صابری، حمید؛ مؤمنی، مهدی؛ اذانی، مهری (۱۳۹۸) تبیین عوامل مؤثر کالبدی بر میزان زیست‌پذیری مناطق شهری مطالعه موردی: مناطق شهر اصفهان، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، سال ۷، شماره ۲، صص. ۴۱۱-۴۲۹.

۲۸) مهندسین مشاور پویا نقش شهر و بنا (۱۳۸۸) طرح جامع شهر مهاباد.

29) Ahdenjad Roshti, Mohsen. & Sajjadi, Jila. & Yargholi, Vahid. (2018) A study of the position of the concept of urban livability in the urban development plan of the study sample: Zanjan city comprehensive plan, *Geography Quarterly*, Vol.16, No.59, pp. 95-108. [In Persian].

30) Alavizadeh, Seyed Amir Mohammad. & Kiomers, Samaneh. & Ebrahimi, Elham. (2020) Assessing the livability of small towns from the perspective of citizens Case study of Kashmar city, *Geographical explorations of desert areas*, Vol.8, No.1, pp. 243-267. [In Persian].

31) Arvin, Mahmoud. & Farhadikhah, Hossein. & Poorahmad, Ahmad. & Moniri, Elias. (2017) Evaluation of urban livability indicators based on residents' perceptions of a case study: Ahvaz city, *urban planning knowledge*, Vol.2, No.2, pp. 1-17. [In Persian].

32) Asyabanipour, Elham. & Panahi, Ali. & Ahmadzadeh, Hassan. (2021) Measuring and evaluating the objective dimension of urban livability in ten areas of Tabriz metropolis, *Human Geography Research*, Vol.35, No.2, pp. 545-565. [In Persian].

33) Barzegar, Sadegh. & Heydari, Taqi. & Anbarloo, Alireza. (2019) Analysis of informal settlements with a livability approach (Case study: Informal settlements in Zanjan), *Regional Planning Quarterly*, Vol.9, No.39, pp. 137-152. [In Persian].

34) Cheshmi, Mohammad. & Haqzad, Amina. & Ramezanipour, Mehrdad. & Ebrahimi Jamnani, Leila. (2020) Investigation of livability indices in worn and historical contexts of urban neighborhoods Case study: Tehran metropolitan area 12, *Journal of Sustainable City*, Vol.3, No.3, pp. 87-101. [In Persian].

- 35) Dalund, Hengameh. & Shaterian, Mohsen. & Heidari, Rasoul. (2021) Modeling the Impact of Liability on Quality of Life Based on General Survey Case Study: Doroud City, Journal of Sustainable City, Vol.4, No.1, pp.71-86. [In Persian].
- 36) Doiran, Esmaeil. (2016) to Measure the Viability of Urban Tissues with Emphasis on Social Stability (Case Study: Informal Settlements in Hamadan), Journal of Urban Social Geography, Vol.7, No.1, pp. 47-64. [In Persian].
- 37) Ghasemi, Jalil. (2015) Evaluation of quality of life indicators with emphasis on the principles of livable city (Case study of Lamerd city), Master Thesis in Geography, Payame Noori University, Isfahan Central Branch. [In Persian].
- 38) Hassanzadeh, Morteza. (2016) Measurement and evaluation of effective indicators of urban planning in urban livability with sustainable development approach (Case study: four regions of Kerman), M.Sc. Thesis, Faculty of Literature and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman. [In Persian].
- 39) Hatami Nejad, Hossein. & Madanlujubari, Massoud. & Akhavan Heydari, Kouros. (2019) Spatial analysis of physical livability of Ahvaz metropolis, Journal of Physical Development Planning, Vol.4, No.1, pp. 11-23. [In Persian].
- 40) Hekmatnia, Hassan. & Mousavi, Mir Najaf. & Sobhani, Nobakht. & Salmanzadeh, Sina. (2020) The effect of social harms on livability in urban spaces Case study: Shahindaj, Geographical Research on Urban Planning, Vol.9, No.1, pp. 29-50. [In Persian].
- 41) Hosseinkhani, Zahra. & Sabbaghian, Maryam. & Fooladvand, Arsalan. & Kilani, Narges. & Fattahi, Zahra. & Motahari Fard, Morteza. (2016) Quality of life of health workers in Qazvin province, Journal of the Faculty of Health and the Institute of Health Research, Vol.14, No.1, pp. 71-80. [In Persian].
- 42) Khazaeinejad, Forough. (2015) Viability analysis in the central part of Tehran, PhD thesis, under the guidance of Mohammad Soleimani and Simin Toulaei, Faculty of Geography, Kharazmi University. [In Persian].
- 43) Khorasani, Mohammad Amin. & Akbarian Ronizi, Saeed Reza. (2020) Viability assessment in rural areas of Pirashahri (Case study: Central part of Shiraz city), Regional Planning Quarterly, Vol.10, No.40, pp.133-146. [In Persian].

- 44) Malekzadeh, Neda. & Bazazzadeh, Mehdi. & Rafieian, Mojtaba. (2016) Identification and analysis of key factors affecting urban development with a futuristic approach (Case study: Karaj metropolis), *Journal of Geography and Urban Space Development*, Vol.3, No.2, pp. 35-52. [In Persian].
- 45) Mehrkish, Raehneh. & Saberi, Hamid. & Mo'meni, Mehdi. & Azani, Mehri. (2019) Explaining the physical factors affecting the livability of urban areas Case study: Isfahan city areas, *Geographical Research of Urban Planning*, Vol.7, No.2, pp. 411-429. [In Persian].
- 46) Mousavi Noor, Seyed Ali. & Waresi, Hamid Reza. & Mohammadi, Jamal. (2015) Application of Multi-Criteria Decision Making Models in Measuring the Viability of Tehran Metropolitan Areas, *Journal of Geography and Regional Development*, Vol.16, No.3, pp. 243-269. [In Persian].
- 47) Pouya Naghsh Shahr va Bana Consulting Engineers (2009) Mahabad city master plan. [In Persian].
- 48) Rahnama, Mohammad Rahim. & Ghanbari, Mohammad. & Mohammadi Hamidi, Somayeh. & Hosseini, Seyed Mostafa. (2019) Evaluation and measurement of urban viability in Ahvaz metropolis, *Journal of Sustainable City*, Vol.2, No.2, pp.1-17. [In Persian].
- 49) Rakhshani Nasab, Hamidreza. & Nairi, Nasser. (2015) Assessing the status of urban livability indicators from the perspective of citizens: Cognitive areas of Zahedan, geography and urban planning - Regional, Vol.8, No.27, pp. 55-74. [In Persian].
- 50) Rasooli, Mohammad. & Saeedpour, Sharareh. & Mansourzadeh, Ali Mohammad. (2015) Traffic Cultivation in Metropolises with a Future Research Approach, Sakhnooran Publications, First Edition, Tehran. [In Persian].
- 51) Rostami, Ruhollah. & Mousavi, Seyed Yaghoub. Gadimi, Bahram. & Mirzaei, Khalil. (2021) Explaining the factors affecting the rate of urban livability Case study: Ilam city, *Journal of Sustainable city*, Vol.4, No.2, pp. 107-124. [In Persian].
- 52) Salari Moghadam, Zahra. & Ziari, Keramatullah. & Hatami Nejad, Hossein. (2019) Measuring and evaluating the viability of urban neighborhoods Case study: Tehran 15 metropolitan area, *Journal of Sustainable City*, Vol.2, No.3, pp. 41-58. [In Persian].

- 53) Shidaee, Mansur. & Talibpour, Alireza. & Rezaian, Ali. (2017) Futurism of Information Technology Research and Development in Iran, Journal of Iran Institute of Information Science and Technology, Vol.32, No.4, pp. 927-948. [In Persian].
- 54) Soleimani Mehrnjani, Mohammad. & Tulai, Simin. & Rafieian, Mojtaba. & Zanganeh, Ahmad. & Khazaeinejad, Forough. (2016) Urban Liability: Concept, Principles, Dimensions and Indicators, Geographical Research on Urban Planning, Vol.4, No.1, pp. 27-50. [In Persian].
- 55) Statistics Center of Iran (2016) Statistical Yearbook of West Azerbaijan Province, Land and Climate Studies. [In Persian].
- 56) Taleshi Anbouhi, Marzieh. & Aghaizadeh, Ismail. & Jafari Mehrabadi, Maryam. (2019) Viability assessment in urban worn-out textures Case study: Qazvin city one region, Journal of Sustainable City, Vol.2, No.3, pp. 59-78. [In Persian].

The Cycle of Underdevelopment, Smuggling and Border Security Escalation in Sistan and Baluchistan Province

Yashar Zaki¹, Assistant Professor of Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran .

Javad Gholami, MA in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran.

Mohammad Yousefi Shatouri, MA in Political Geography, University of Tehran, Tehran, Iran

Received: 04, February, 2022

Accepted: 05, June, 2022

Abstract

Today, security and development are two unstable components in the development of border areas. So that Sistan and Baluchistan province has always been in the low rank from the point of view of growth and development in the country's development ranking indicators, and on the other hand, regional and spatial imbalances between the central and border areas of this province seem very evident. This lack of development has provided conditions for creating and the growth of the phenomenon of smuggling. In this way, instead of solving the problem of underdevelopment as one of the main causes of the province's problems, due to security problems, the government has considered the issue of border security as a short-term solution for these areas. In this regard, the present research, which is analytical-explanatory in nature and was obtained through the collection of documents and the latest reports of government organizations in 2020 and 2021, documents and information contained in scientific books and documents and their content interpretation, has made an effort to analyze the effective factors and indicators, as well as the relationship between the three components of underdevelopment, smuggling and border security intensification in Sistan and Baluchistan province. According to the findings of the research, it was found that things such as lack of social justice, instability of security, the phenomenon of goods smuggling, spatial and geographical imbalances, population and settlement instability, reduction of political participation and political development, increase in political violence and terrorist activities, neighborhood with underdeveloped and insecure countries have affected the development and security cycle of the region.

Keywords: Underdevelopment, Smuggling, Border security, Sistan and Baluchistan.

¹ * Corresponding author (yzaki@ut.ac.ir)

فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره یازدهم، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۱

صص ۱۱۷-۱۵۴

<http://dor.net/dor/20.1001.1.25384090.1401.11.2.6.0>

چرخه توسعه نیافتگی، قاچاق و تشدید امنیت مرزی در استان سیستان و بلوچستان

یاشار ذکی^۱ - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

جواد غلامی - کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

محمد یوسفی شاتوری - کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۵

چکیده

امروزه امنیت و توسعه دو مؤلفه ناپایدار در آمایش نواحی مرزی محسوب می‌شوند. به طوری که استان سیستان و بلوچستان از منظر رشد و توسعه یافتگی در شاخص‌های رتبه‌بندی توسعه کشور، همیشه در رده پائین بوده و از طرفی دیگر، عدم تعادل‌های ناحیه‌ای و فضایی بین نواحی مرکزی و مرزی این استان بسیار مشهود به نظر می‌رسد، این توسعه نیافتگی شرایطی را برای ایجاد و رشد پدیده قاچاق فراهم ساخته است. بدین ترتیب، دولت‌ها به جای حل مسئله توسعه نیافتگی به عنوان یکی از دلایل اصلی و زمینه‌ساز معضلات استان، به جهت مشکلات امنیتی به وجود آمده، مسئله تشدید امنیت مرزها را به عنوان راه‌حل کوتاه‌مدت برای این نواحی در نظر گرفته است. در این راستا، پژوهش حاضر که از نظر ماهیت موضوع از نوع تحلیلی-تبیینی بوده و از طریق گردآوری اسناد و آخرین گزارش‌ها سازمان‌های دولتی در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ ه.ش مدارک و اطلاعات موجود در کتب و اسناد علمی و تفسیر محتوای آن‌ها به دست آمده، تلاش نموده است در یافته‌های پژوهش عوامل و شاخص‌های موثر و همچنین ارتباط بین سه مؤلفه توسعه نیافتگی، قاچاق و تشدید امنیت مرزی در استان سیستان و بلوچستان را مورد واکاوی قرار دهد. مطابق یافته‌های تحقیق مشخص شد که مواردی همچون فقدان عدالت اجتماعی، عدم پایداری امنیت، پدیده قاچاق کالا، عدم تعادل‌های فضایی و جغرافیایی، ناپایداری سکونت و جمعیت، کاهش مشارکت‌های سیاسی و توسعه سیاسی، افزایش خشونت‌های سیاسی و فعالیت‌های تروریستی، همسایگی با کشورهای توسعه نیافته و ناامن بر چرخه توسعه و امنیت ناحیه تأثیر گذاشته‌اند.

واژگان کلیدی: توسعه نیافتگی، قاچاق، امنیت مرزی، سیستان و بلوچستان.

مقدمه

مرزها با توجه به اهمیت و نقشی که در جغرافیای سیاسی دارند، برای تأکید و تعریف بر تفاوت بین دولت‌ها، مردم و مفاهیم مختلف سیاسی، اقتصادی و نظم اجتماعی به کار گرفته می‌شوند. هیمن و سیمونز^۱ (۲۰۱۲) دریافتند؛ «چشم‌اندازهای ناشی از مرز، توجه به ظرافت‌های پیچیده و خاکستری نواحی در فرایندهای ایجاد مرز و عبور از مرزها دارند» (Walker & Winton, 2017: 1). بنابراین در راستای این توجه و در این رابطه، مفاهیمی همچون «نواحی مرزی»، «یکپارچگی اقتصادی» و در واقع «جریان آزاد کم‌خطر مردم و کالاها برای اهداف و منافع متقابل بر شباهت‌ها و مکمل‌های بین ملت‌ها و بین جوامع، افراد و سایر منافع اجتماعی که از آن‌ها تشکیل شده است، به کار گرفته می‌شوند» (Hale, 2009: 1). به ادعای جغرافیدانان سیاسی از جمله پاسی و نیومن، مرزها ممکن است نهادهایی باشند که عملکردهای آن‌ها به چالش کشیده شود. بر این اساس، دانشمندان و مورخان، مردم‌شناسان، اقتصاددانان و کارکردگرایان نقش حیاتی جوامع مرزی را به‌عنوان سیاست‌های سازمان‌یافته در وضعیت ساختار نهادی بزرگ‌تر شناسایی کرده و اهمیت زندگی محلی را مورد تأیید قرار داده‌اند (Brunet, 2005: 638). با این که مدیریت و کنترل مرزها و نواحی مرزی میان دو یا چند کشور و حفاظت از آن‌ها از مهم‌ترین پارامترها و شاخص‌های موثر در رابطه با امنیت مرزی و جلوگیری از چالش‌های موجود در نواحی مرزی می‌باشد و با توجه به این که امروزه نواحی مرزی به‌عنوان مهم‌ترین منادی فعالیت‌های پرخطر از جمله قاچاق و عبور و مرور غیرمجاز و غیره هستند و می‌توان دلیل عمده آن را در نقش توسعه‌نیافتگی یا کمتر توسعه‌یافتگی آن‌ها قلمداد نمود. در این بین، استان سیستان و بلوچستان در ناحیه جنوب شرقی کشور که از مهم‌ترین استان‌های مرزی در دوران تاریخی بوده و تاکنون تحولات سیاسی و قوم‌گرایانه‌ای متعددی را به خود دیده است، از لحاظ توسعه‌یافتگی جزو استان‌ها و نواحی کمتر توسعه‌یافته مرزی کشور محسوب می‌شود. از طرفی دیگر، عدم تعادل‌های ناحیه‌ای و فضایی بین نواحی مرکزی و مرزی این استان که

بسیار مشهود به نظر می‌رسد؛ حرکت توسعه را کند کرده و در جهتی دیگر بر گسترش نامنی‌ها در نواحی مرزی استان افزوده است. در همین راستا، نابرابری محیطی و توسعه نامتوازن فضاهای جغرافیایی کشور در این ناحیه باعث ظهور گسست وحدت و همبستگی ملی و واکنش‌های تحریک و اگرایانه در این نواحی قومی شده و به‌رغم تلاش‌هایی که پس از انقلاب اسلامی در جهت رفع محرومیت از نواحی کمتر توسعه‌یافته و نواحی مرزی جنوب شرقی انجام شده است، بنا به دلایلی از قبیل؛ انزوای جغرافیایی، افزایش احساس تبعیض و فاصله طبقاتی، وضع نامناسب اشتغال و بحران بیکاری، قاچاق مواد مخدر و کالا، مهاجرت و عوامل محدودکننده امنیت سرمایه‌گذاری، موجب شده تا این نواحی از چرخه توسعه بازمانده و شاخص‌های توسعه نیز در آن‌ها در سطح مطلوبی قرار نگیرد (بریمانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۱). به عبارت دیگر، همین عوامل باعث ظهور پدیده قاچاق شده که توسعه‌نیافتگی و همسایگی با کشورهای کمتر توسعه‌یافته‌ای نظیر پاکستان و افغانستان که در حال حاضر خود درگیر و دار جریان‌ها و گروهک‌های تروریستی القاعده، طالبان و داعش هستند و همچنین سقوط کشور افغانستان به دست گروه تروریستی طالبان شرایطی را برای گسترش فعالیت‌های نوظهور گروه‌های تندرو سلفی در مرزهای جنوب شرق ایران به‌ویژه استان سیستان و بلوچستان را فراهم آورده که به علت تحت تأثیر قرار گرفتن مولفه توسعه و امنیت در این خطه بر امنیت این ناحیه مرزی افزوده شده است.

با مدنظر قرار دادن این گزاره که «اگر به سمت مرزها نروید، مرزها به سمت شما خواهند آمد»، و با توجه به اهمیت نواحی مرزی و رخدادهای آن که می‌تواند تأثیر مستقیمی را بر کل حکومت داشته باشد، طی سال‌های اخیر توجه به تغییر در رویکرد نظام اسلامی که بر رفع محرومیت‌ها و توجه به ظرفیت بالای استان سیستان و بلوچستان تأکید داشته، متأسفانه گزارش‌ها سالانه از آمارها و داده‌های بنیادی استان حاکی از تغییرات اندکی در شاخصه‌های توسعه استان بوده و با صرف هزینه‌های هنگفت برای تأمین امنیت مرزی و وجود تهدیدات مداوم، نویسندگان را بر آن داشت تا به تبیین چرخه توسعه‌نیافتگی، قاچاق، تشدید امنیت مرز در نمونه موردی استان سیستان و بلوچستان پردازند و به‌صورت علمی این چرخه، مورد واکاوی و تبیین قرار داده شود.

هدف اصلی پژوهش شناسایی شاخص‌های تأثیرپذیر توسعه نیافتگی بر قاچاق و کاهش امنیت در مناطق مرزی استان سیستان و بلوچستان می‌باشد. در راستای هدف فرضیه پژوهش مبنی بر آن است که به نظر می‌رسد توسعه نیافتگی استان زمینه اصلی قاچاق و کاهش امنیت مناطق مرزی می‌باشد.

پیشینه پژوهش

در مورد مسائل مرزی، مطالعات بسیار گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف از جمله جغرافیای و سیاسی صورت پذیرفته است و هر کدام با توجه به دیدگاه‌های نظری، دلایلی را برای مشکلات متعدد نواحی مرزی ارائه نموده‌اند. در این بین، با بررسی دقیق پیشینه و تحقیقات صورت گرفته در رابطه با تبیین چرخه توسعه نیافتگی، قاچاق و تشدید امنیت مرزی در استان سیستان و بلوچستان مشخص می‌شود که تاکنون سابقه پژوهشی که بتواند به تبیین هم‌زمان این سه مؤلفه در قالب یک چرخه مرتبط با یکدیگر بپردازد، وجود نداشته و اساساً وجه تمایز این پژوهش با سایر تحقیقات دیگر هم در این زمینه است.

سیمبر و آذین (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان چالش‌های امنیتی سیستان و بلوچستان به دنبال حضور طالبان و داعش در افغانستان به این سؤال پرداخته‌اند که حضور طالبان و داعش در افغانستان، چه چالش‌های امنیتی برای استان سیستان و بلوچستان به دنبال خواهد داشت؟ بر این اساس آنان معتقدند که حضور گروه‌های تروریستی طالبان داعش در افغانستان می‌تواند منجر به تهدیدات اجتماعی همچون تغییر بافت جمعیتی، تحریک سنی‌های منطقه بلوچستان، تهدیدات اقتصادی شامل تجارت بین استان با کشورهای منطقه و قاچاق مواد مخدر و در بعد سیاسی ناامنی‌های در سطح کلان برای دولت ایران و در بُعد محیط زیستی موجب تشدید بحران آب برای این استان شود. بریمانی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و عوامل تهدیدکننده امنیت مورد مطالعه: سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان به دنبال تبیین عوامل تهدیدکننده امنیت در چارچوب رهیافت سرمایه اجتماعی و بررسی تفاوت‌های مکانی آن در سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان است. نویسندگان با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی به این نتیجه رسیدند که فقدان مدیریت کارآمد نواحی مرزی در این ناحیه و

فقدان نگاه فرصت‌زا و فرصت‌ساز به مرز و نواحی مرزی است که معیشت و سایر ابعاد زندگی مرزنشینان را در پیوند با امنیت و توسعه ناحیه‌ای و ملی تحت تاثیر قرار می‌دهد. ریگی و یآوری (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان ارزیابی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان با استفاده از مدل‌های AHP و TOPSIS با استفاده از سالنامه آمار (۱۳۹۰)، ۱۵ شاخص در بخش‌های کشاورزی، آموزشی و بهداشت و درمان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتایج بررسی حاکی از آن است که در بخش‌های آموزشی و بهداشت و درمان، زاهدان رتبه اول را به خود اختصاص داده است و در بخش کشاورزی نیز زابل در سطح اول قرار دارد. از همین روی شهرستان‌های چابهار و ایرانشهر به ترتیب در بخش‌های بهداشت و درمان و کشاورزی، آموزشی کمتر از دیگر شهرستان‌ها توسعه یافته‌اند. در نهایت، مهم‌ترین نکته و تحلیلی که برداشت شده آن است که امکانات و خدمات به صورت هماهنگ و متعادل در سطح استان پخش نشده و از پتانسیل‌های موجود در استان به خوبی استفاده کافی نمی‌شود. کریم‌زاده (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصاد شهرستان مرزی سراوان به این سؤال پرداخته است که مهم‌ترین عوامل شناسایی شده موثر بر تمایل و گسترش قاچاق کالا و تاثیر آن بر اقتصاد ناحیه کدام‌اند؟ نتایج پژوهش حاکی از آن است که عوامل جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی و عوامل اجرایی و مدیریتی در گسترش و گرایش به قاچاق کالا در شهرستان تاثیر گذار بوده و بدین ترتیب عوامل اقتصادی از نظر شهروندان دارای بالاترین و عامل فرهنگی - اجتماعی دارای کم‌ترین تاثیر بر گسترش قاچاق کالا هستند. شریف و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا در مرزهای دریایی سیستان و بلوچستان و راه‌حلی برای کاهش آن به بررسی عوامل تاثیر گذار بر قاچاق کالا از مرزهای دریایی بندر چابهار پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که عوامل مربوط به صنعت و تولیدات داخلی، عوامل مالی و اختلاف قیمت‌ها و عوامل قانونی - حقوقی بر گسترش قاچاق کالا از طریق مرزهای دریایی استان تاثیر گذارند؛ اما تاثیر عوامل محیطی - جغرافیایی و عوامل کنترلی و نظارتی بر گسترش قاچاق کالا تأیید نشده است. خادم‌الحسینی و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تحلیل عدم تعادل

فضایی توسعه در استان سیستان و بلوچستان (با استفاده از مدل اسکالوگرام) به این موضوع پرداخته و نتایج به دست آمده نشان داده است؛ ضمن محروم بودن کل استان، قطبی شدن جمعیت آن در ناحیه زاهدان و تمرکز انواع فعالیت‌های اقتصادی، خدماتی در شهر سبب نابرابری و عدم تعادل فضایی توسعه در سایه برنامه‌ریزی‌های قطبی و نوع سیاست‌گذاری‌ها در استان سیستان و بلوچستان شده است. ابراهیم‌زاده و عباسیان (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای رفع آن ضمن ارائه برخی راهکارها برای حل این معضل به بررسی اثر بازارچه‌های مرزی در حوزه اقتصادی و سایر شاخصه‌های اقتصادی، تأثیر اجرای طرح ساماندهی و کنترل مرز بر زندگی مرزنشینان و امنیت آنان را مورد بررسی قرار داده است. در این بین، آن‌ها بستن مرز و ایجاد امنیت در استان و رونق دادن به بازارچه‌های مرزی را به عنوان راهکار اصلی برای رشد و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی ناحیه و به تبع آن کاهش قاچاق می‌دانند.

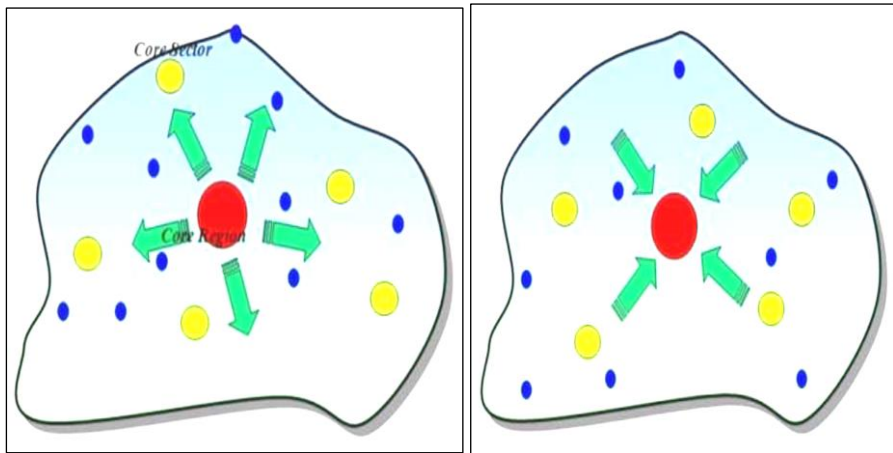
در اکثر پژوهش‌های قبلی عوامل موثر بر قاچاق مورد بررسی قرار گرفته است، اما جنبه نوآوری پژوهش حاضر در بررسی ارتباط بین مؤلفه امنیت و توسعه و تأثیر پدیده قاچاق بر این دو مؤلفه با نگاهی علمی می‌باشد و سعی شده است فقط موضوعات پیش‌زمینه شکل‌گیری قاچاق به تنهایی و به صورت تک‌بعدی به عنوان مشکل ناحیه تلقی نگردد، همچنین راهکارهایی را در جهت بهبود وضعیت حاضر و توسعه پایدار مبتنی بر امکانات و پتانسیل استان سیستان و بلوچستان ارائه داده است.

مبانی نظری

نظریه مرکز - پیرامون

این نظریه برای اولین بار در سال ۱۹۶۷ م. توسط شخصی به نام جان فریدمن ارائه شد. وی معتقد است که هر کشوری از چند بخش هسته‌ای و نواحی پیرامونی تشکیل شده است. به طوری که این نظام شهری است که نواحی هسته‌ای را تشکیل می‌دهند و نواحی پیرامونی را نیز بر اساس روابطی که با هسته مربوطه دارند، تعریف می‌کند. در نظریه فریدمن تسلط هسته بر پیرامون چندجانبه است و برتری خود را از راه‌های زیر بر آن‌ها اعمال می‌نماید. ۱- اثر سلطه ۲- اثر اطلاعاتی ۳- اثر روانی ۴- اثر مدرنیزاسیون ۵- اثر پیوند ۶- اثر تولیدی

(احمدی پور و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۹۸). لذا، همواره بحث مرکز- پیرامون در علوم جغرافیایی مطرح بوده است. از این دیدگاه، مرکز به هر کانون تأثیرگذار اطلاق می‌شود که بسته به نوع و درجه فعالیت روی شعاع خاصی از پیرامون (یا دامنه) اثر می‌گذارد. مرکز یا کانون هر فعالیت، دارای توانمندی‌های بالایی از عملکرد و قدرت است که قسمتی از آن را به نسبت عکس فاصله، در پیرامون توزیع می‌کند. بدین معنا که هر چه فاصله بیشتر تأثیر کمتر. ناحیه پیرامونی، حوزه خارج از مرکز یا حاشیه تلقی می‌شود که همواره جریانی از مبادله (کالا و سرمایه) و جابه‌جایی (انسان) را با مرکز در برداشته باشد و عموماً روابط به صورت متقابل یا کنش دوطرفه بین این ناحیه و مرکز عمل می‌شود (صرامی، ۱۳۸۴: ۱۰۲). بنابراین، با توجه به اشکال شماره ۱ و ۲ مرزها به دلیل قرار گرفتن در نواحی حاشیه‌ای کشور و دوری از مرکز ابتدا مورد بی‌توجهی کامل قرار گرفته‌اند و نیز به همین علت حداقل منابع موجود این نواحی به سوی نواحی مرکزی تمایل داده می‌شود (اثر قطبش)، (اثر پخش).



شکل شماره ۱- اثر قطبش مرکز بر پیرامون شکل شماره ۲- اثر پخش مرکز بر پیرامون
(ذکی، ۱۳۹۹: ۲۱)

توسعه

توسعه، پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است و تنها زمانی می‌توان آن را درک کرد که به طور هم‌زمان جنبه‌های مختلف آن مدنظر قرار گیرند. بدین معنا که توسعه از این منظر، مستلزم تغییرهای اساسی در ساخت اجتماعی، نگرش مردم و نهادهای محلی، کاهش نابرابری و

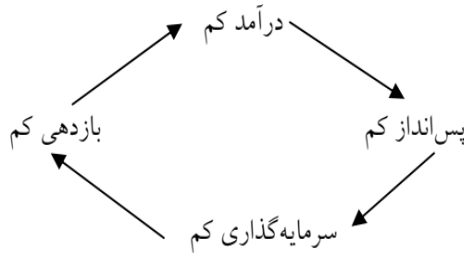
کاستن از فقر است. اصولاً توسعه باید مشخص کند که مجموعه نظام‌های اجتماعی هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و تقاضای اعضای جامعه و گروه‌های اجتماعی از وضعیت نامطلوب زندگی قبلی خارج شده و به سوی وضعیتی بهتر از نظر مادی و معنوی سوق می‌یابند. یکی از جنبه‌های توسعه را می‌توان جنبه «اجتماعی» آن دانست که برای سنجش آن نیز شاخص‌های متعددی از سوی صاحب‌نظران ارائه شده است (سرور و خلیجی، ۱۳۹۴: ۹۲). به بیان دیگر، توسعه را می‌توان فرایند دگرگونی و استحاله چندجانبه و دامنه‌داری دانست که وجوه گوناگون زندگی انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، زیست‌محیطی، رشد و گسترش منابع مادی، اخلاقی و فکری جامعه را در برمی‌گیرد. هرچند این فرآیند، در کشورهای جهان اعم از پیشرفته و در حال پیشرفت، هیچ‌گاه جریانی بی‌طرف نبوده و همواره از ابعاد مختلف، برخی گروه‌های انسانی از جمله زنان و کودکان را مورد غفلت قرار داده و به آن‌ها آسیب رسانده است؛ اما می‌توان توسعه را تغییر بنیادی در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه محسوب کرد و تحقق آن را مستلزم ایجاد هماهنگی بین ابعاد گوناگون آن دانست (امین‌بیدخت، ۱۳۸۵: ۱۷). در نهایت فرآیند توسعه^۱، فرآیندی عینی و قابل‌سنجش از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی است و برخلاف مفهوم رشد^۲ ماهیتی پیچیده و چندجانبه‌ای دارد، عمل یا فرآیندی که حاکی از حالت و چگونگی پیشرفت کردن است. در این راستا، می‌توان به انواع برنامه‌ریزی‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی، فضایی، فیزیکی - کالبدی و آمایش سرزمین اشاره نمود (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۵۸). امروزه یکی از جنبه‌های برجسته توسعه نیافتگی در سطح کشور، توزیع فضایی نامتعادل امکانات و خدمات مختلف است. این سطح نامتعادل توسعه نیافتگی در بین نواحی نشان می‌دهد که نابرابری در برخی از شاخص‌ها، روند رو به رشدی داشته است. این رویه در نواحی مرزی، ملموس‌تر می‌باشد تا جایی که به صورت سلسله‌مراتبی موجب رشد فزاینده نخست شهر و عقب‌ماندگی تدریجی سایر شهرها در نواحی مرزی شده است (مشکینی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱)

1. Development

2. Growth

رشد متوازن و نامتوازن^۱

برخی از اقتصاددانان توسعه در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ به منظور افزایش درآمد سرانه کشورهای در حال توسعه و در نهایت دستیابی آن‌ها به توسعه اقتصادی، روش‌ها و الگوهای مختلفی را ارائه کردند. نظریه‌های ارائه شده در این خصوص به دودسته کلی تحت عناوین نظریه رشد متوازن و نظریه رشد نامتوازن تقسیم شده است. این دو نظریه در شرایط مطرح شده‌اند که قدرت در دست دولت بود و اغلب بر این باور بودند که توسعه تنها توسط دولت امکان پذیر است. به همین دلیل (تأکید بر نقش دولت) از دهه ۱۹۸۰ م. به بعد دو نظریه رشد متوازن و نامتوازن به چالش کشیده شد (موسوی جهرمی، ۱۳۹۷: ۱۲۲). پرفسور راگنار نورکس^۲ از طرفداران نظریه رشد متوازن است. وی پدیده توسعه نیافتگی را از دیدگاه دوره‌های باطل فقر بررسی می‌کند. نورکس معتقد است که در کشورهای توسعه نیافته به علت پایین بودن سطح درآمد، پس اندازها ناچیز و در نتیجه میزان سرمایه کم است. کمبود سرمایه سبب کاهش قدرت تولیدی و بازدهی آن می‌شود و پایین بودن سطح تولید و بازدهی نیز به نوبه خود موجب پایین آمدن سطح درآمد می‌شود. در نتیجه دور باطل آغاز می‌شود (موسوی جهرمی، ۱۳۹۷: ۱۲۵).



شکل شماره ۳. دور تسلسل فقر، منبع: (موسوی جهرمی، ۱۳۹۷: ۱۲۶)

نظریه وابستگی

این نظریه بر این ایده قرار دارد که روابط میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه علت اصلی توسعه نیافتگی کشورهاست. شرایط توسعه نیافتگی بیش از آنکه به عنوان معلول

1 . Balanced & unbalanced Growth

2 . Ragnar Nurkse (1907 – 1959)

وضعیت و شرایط طبیعی و غیرقابل اجتناب جغرافیایی باشد، به‌عنوان پیامد عملکرد نظام اقتصاد جهانی دیده شده است. این دورنما یا چشم‌انداز توسعه در کشورهای توسعه‌نیافته که در تقابل با نظریه نوسازی توسعه قرار داشت، به‌خودی‌خود حاکی از رهیافت خوداتکایی در تفکر توسعه یعنی بومی‌تئوری توسعه بود (فنی، ۱۳۹۳: ۵۱).

به‌طور کلی در ادبیات توسعه سه مفهوم از آن برداشت می‌شود؛ ۱) توسعه به‌مثابه یک مجموعه اقدامات مشخص (۲) توسعه به‌مثابه فرآیندهای دگرگونی بنیادی و بالاخره توسعه به‌مثابه مجموعه‌ای از دستاوردها و اقدامات مشخص. اگرچه پیشرفت‌های اقتصادی یکی از عوامل مهم توسعه است؛ اما تنها عامل نیست و دلیل آن، این است که توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست. بنابراین، هدف اصلی توسعه پایدار ایجاد یک الگوی مطلوب رشد برای تمام اقشار جامعه است (تودارو، ۱۷:۱۹۹۰) و از جهتی دیگر توسعه زمانی پایدار است که بر شالوده اصول بوم‌شناسی استوار باشد (اطاعت و موسوی، ۱۳۸۷: ۶۱ به نقل از Bronman, 1996: 54). بنابراین توسعه پایدار به‌آسانی و بدون سرمایه‌گذاری کلان، آموزش‌های فرهنگی، شناخت درست مسئولان دیگر نهادهای مرتبط با شهر از مسائل، برنامه‌ریزی دقیق و مدیریتی مشخص، مشارکت‌های مردمی و غیره به دست نخواهد آمد. توسعه‌یافتگی اقتصادی مناطق مرزی و رفاه نسبی در این مناطق می‌تواند موجب کاهش برخی از مشکلات مرزی از قبیل قاچاق کالا، مواد مخدر و سرقت را فراهم آورده و از تخلیه جمعیتی مناطق مرزی جلوگیری نماید بنابراین توسعه مناطق مرزی و افزایش رفاه و درآمد اقتصادی مرزنیسان از طریق فعالیت‌های سالم اقتصادی و سرمایه‌گذاری دولت‌ها در مناطق مرزی، مشروط به عدم اختلاف فاحش اقتصادی در دو سوی مرز، بر کارکرد امنیتی مرز تأثیر مثبت دارد (اسدی فرد، ۱۳۹۳: ۵۷).

قاچاق

قاچاق، مشتق شده از واژه «قاچماق» است که معانی مختلفی برای این کلمه وجود دارد. بنابراین، با توجه به دیدگاه‌های متفاوت تعیین شده، در لغت‌نامه دهخدا، خود واژه قاچاق را مأخوذ از زبان ترکی دانسته و آن را به معنی آنچه ورود آن به کشور و یا معامله آن از طرف دولت ممنوع است، تعریف نموده است. فرهنگ معین معنی کلمه قاچاق را در

لغت نامه خود کاری می داند که برخلاف قانون به صورت پنهانی انجام می شود (جان پرور و قصری، ۱۳۹۳: ۵۹). در تعریفی دیگر؛ قاچاق عبارت است از مجموعه ای از فعالیت های اقتصادی در بخش های تولید و خدمات، توسط شهروندانی که کوشش می کنند، خارج از مقررات و چارچوب های تعیین شده اقتصاد رسمی به منظور کسب درآمد بیشتر، نیازهای خود را تأمین کنند (ابراهیم زاده و عباسیان، ۱۳۸۹: ۱۱۳). به طور کلی، قاچاق را می توان همان تخلف گمرکی قلمداد نمود که شامل جابه جایی کالا در طول یک مرز گمرکی به روش مخفیانه و به منظور فرار از نظارت گمرکی می شود (احمدی، ۱۳۸۲: ۳۱). در نهایت از دیدگاه نگارندگان، اصلی ترین تعبیر قاچاق را می توان به «ورود و خروج کالا به صورت غیرمجاز» اشاره نمود.

مطالعات و بررسی ها نشان می دهد که قاچاق هم معلول ناکارآمدی دولت است و هم دلیلی است برای ناکارآمد جلوه دادن آن که در حقیقت رابطه علی و معلولی میان مقبولیت حکومت و قاچاق وجود دارد (ریعی و نورمحمدی، ۱۳۹۵: ۱۵). رشد و گسترش آمارهای مربوط به قاچاق کالا در سطح جهان موجب شده تا مباحث نظری مرتبط با این پدیده نیز از سوی صاحب نظران و متخصصان ارائه گردد. غالب تئوری های و نظریه های قاچاق از سوی متخصصان رشته های اقتصاد ارائه گردیده که تئوری های تعرفه ای و از جمله تئوری بهاگواتی پدیده قاچاق را به عنوان موضوع مورد مطالعه در علم اقتصاد تقلیل می دهد از این رو قاچاق را یک پدیده کاملاً اقتصادی و در حیطه مطالعه این علم می دانند. مباحث مربوط به عرضه، تقاضا، میزان تعرفه واردات و صادرات، رفاه اجتماعی، متغیرهای تأثیرگذار و یا توسعه دهنده در قاچاق کالا می باشد که در حیطه علم اقتصاد قابل بررسی و مطالعه می باشند. لیکن منشأ شکل گیری قاچاق، نیازهای موجود در فضای کشتی، سطح تولید کالا در کشور، ساختار نظام سیاسی، ساختار اقتصادی متأثر از نظام سیاسی، متغیرهای تأثیرگذار بین المللی همچون تحریم یک واحد سیاسی، خود تحریمی یک واحد سیاسی و بسیاری از تغییرهای دیگر در حوزه مطالعات دیگر علوم مرتبط قرار دارند (رومینا، ۱۳۹۳: ۸۵).

امنیت مرزی^۱

آخرین حد قلمرو زمینی، هوایی و دریایی یک سرزمین مرز نامیده می‌شود که با خطوطی فرضی و قراردادی مشخص می‌شوند که یک واحد سیاسی را نشان می‌دهند (علیزاده، ۱۳۹۳: ۱۱). نواحی مرزی شرق کشور به لحاظ موقعیت خاص جغرافیایی، سیاسی و امنیتی از شرایط ویژه و حساسی برخوردار می‌باشد (اسدی‌فرد، ۱۳۹۳: ۴۳). در مطالعات مربوط به مرز، امنیت مرزی زمانی تحقق پیدا خواهد کرد که کشور با مدیریت یکپارچه مرزی به حفاظت و صیانت از خطوط قراردادی وضع شده پردازد و تهدیدات موجود را به حداقل ممکن کاهش دهد. در همین رابطه، بسیاری از کشورهای جهان در چند دهه اخیر با توجه به تحولات مهمی که در جهان رخ داده درصدد تقویت امنیت مرزهای خود برآمده‌اند و سیستم‌های کنترل مرزی خود را در جهت تأمین و تقویت امنیت ملی و امنیت مرزی به‌طور عمده به کار گرفته‌اند. تقویت امنیت مرزی در چارچوب تمامیت ارضی کشور یکی از لازمه‌های مهم و ضروری در مدیریت مرزها قلمداد می‌شود که شامل اقداماتی از قبیل به‌کارگیری نیروهای نظامی و امنیتی در مرز و یا استفاده از شبکه‌های اطلاعاتی و سایبری در مرزها می‌باشد که نه تنها خود جزئی از مدیریت و کنترل مرزها محسوب می‌شود؛ بلکه زمینه را برای امنیت مرزی در دو کشور هم‌مرز فراهم می‌نماید. به‌عبارت‌دیگر امنیت مرزی عبارت است از «صیانت از خطوط قراردادی وضع شده برای بخش پایانی پیرامون محیط‌زیست یک واحد سیاسی در مقابل تعارضات احتمالی که از سوی دیگر بازیگران طراحی و به اجرا گذارده می‌شود» (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۳۲-۳۱). بنابراین از مهم‌ترین نکات قابل توجه در مورد امنیت مرزی، کارکردهای امنیتی مرزی است که عمدتاً نقش بسزایی در شکل‌دهی به امنیت یا عدم امنیت مرز دارد. زیرا امنیت مرزی با الگوهای مرتبط کارکرد مرز که توسط دولت به کار گرفته شده است، یکسره رابطه مستقیمی دارد. به‌گونه‌ای که هر چه کارکرد مرز از نوع ارتباط‌دهنده باشد، امنیت مرزی در دو طرف کشور بهتر در جریان است، اما زمانی که کارکرد مرز خاصیت جداکنندگی داشته باشد و عمدتاً شرایط سختی

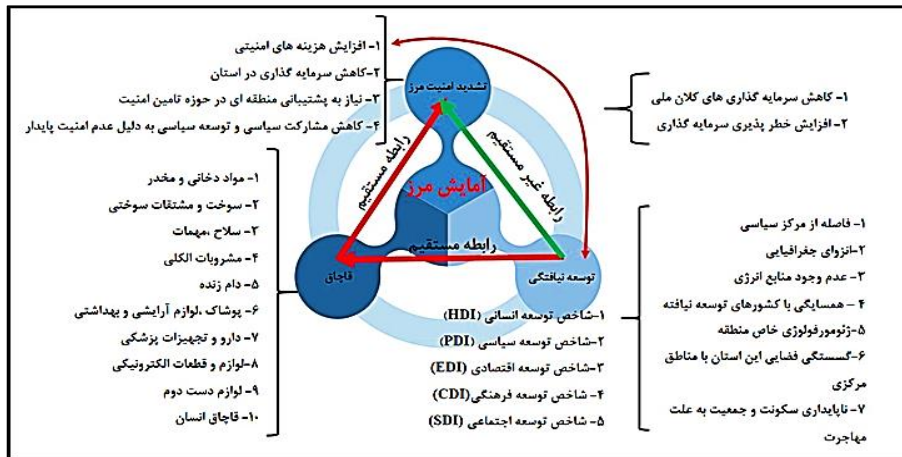
را برای کنترل و مدیریت مرز از سوی دولت به کار گرفته شود، عمدتاً امنیت مرزی در دو طرف ممکن است به خوبی صورت نگیرد و خواه‌ناخواه زمینه ایجاد تنش و درگیری را با اقلیت‌های حاشیه‌ای در مرز یا گروه‌هایی که قصد تزلزل مرز را دارند، فراهم می‌کند. بنابراین، مسائل مرتبط با امنیت مرزی که شامل تروریسم، جرم و مهاجرت، قاچاق و... هستند از عمده‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها در نواحی مرزی بوده و دستیابی و نظارت و همچنین مدیریت موثر مرز را برای اعمال شرایط حقوقی و نظامی، غالباً از سوی برخی از نهادها و سازمان‌های ذی‌ربط به کار گرفته می‌شود. در نهایت، تاکنون اقدامات متعددی از سوی برخی از کشورها برای فراهم نمودن امنیت مرزها در نواحی مرزی انجام شده است که در این رویکرد، می‌توان یک مدل یا الگویی را ارائه نمود که اشاره به بحث امنیت مرزها بر پایه مدیریت صحیح مرزی داشته باشد. در این الگو یک رابطه مستقیمی میان امنیت مرزی با مدیریت مرز وجود دارد که لازمه آن استراتژی‌های شکل گرفته یا در حال فعالیت بر روی نواحی مرزی می‌باشد که در نهایت منجر به عملکرد بهینه مرز در تقویت همکاری‌ها و روابط دوستانه میان دو کشور خواهد بود. از مهم‌ترین تعاریفی که می‌توان از امنیت مرزی داشت: «امنیت مرز به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل و نقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است» (زرقانی، اعظمی، لطفی ۱۳۹۲: ۸۸). به طور کلی، عوامل متعددی بر امنیت مرزها تأثیر می‌گذارند که از جمله آن‌ها می‌توان به ساختار نظام حکومتی و تضادهای ایدئولوژیک، وضعیت ژئوپلیتیکی و حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای، نوع نگرش و رفتار حکومت‌ها نسبت به مرز، ذخایر و منابع موجود در ناحیه مرزی و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حکومت‌ها و ملت‌ها در دو سوی مرز، نحوه پراکندگی اقلیت‌ها اشاره کرد (زرقانی و همکاران ۱۳۹۲: ۸۹).

آمایش نواحی مرزی

آمایش نواحی مرزی، نوعی برنامه‌ریزی است که توسعه را با امنیت و دفاع از نیازهای نواحی مرزی در چارچوب شرایطی که دارند، به یکدیگر پیوند می‌دهد و راهکارهایی را برای توسعه نواحی مرزی معرفی می‌کند که در آن امنیت و توسعه لازم و ملزوم یکدیگرند

(عندلیب، ۱۳۸۰: ۲). نواحی مرزی همواره با محدودیت‌ها و ضعف‌هایی همراه بوده که با بررسی اجمالی نواحی مرزی در مقایسه با نواحی مرکزی کشور، می‌توان به ضعف‌های عمده‌ای از جمله انزوای جغرافیایی نواحی مرزی، دوری از قطب‌های صنعتی - اقتصادی، قرار گرفتن در حاشیه و پیرامون و همچنین توسعه نیافتگی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نسبت به مراکز کشور دست یافت (قنبری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۶).

با توجه به هدف و رسالت پژوهش حاضر که مطالعه و شناسایی جامع مهم‌ترین شاخص‌های تأثیرپذیر از چرخه توسعه نیافتگی، قاچاق و تشدید امنیت مرزی در استان سیستان و بلوچستان را شامل می‌شود، مدل نظری پژوهش حاضر به صورت نمای کلی (شماتیک) در زیر ارائه شده است. این مدل، بیان‌گر وضعیت چرخه فوق به همراه عوامل گسترش برانگیز بر وجود قاچاق، توسعه نیافتگی استان و نیز تشدید امنیت مرز می‌باشد.



شکل شماره ۴. مدل تبیین چرخه توسعه نیافتگی، قاچاق و تشدید امنیت مرز در استان سیستان و بلوچستان

روش پژوهش

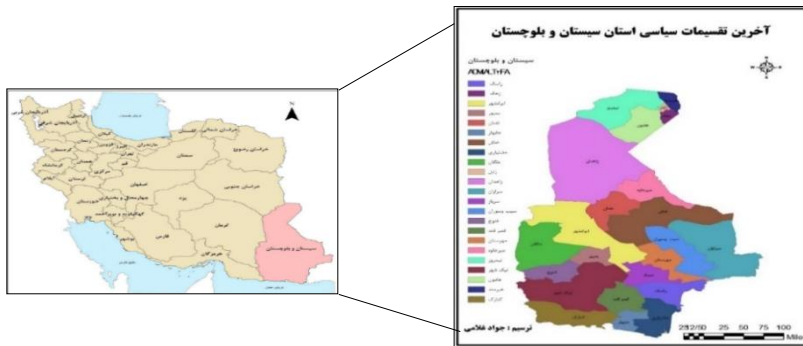
پژوهش حاضر با توجه به ماهیت موضوعی آن از نوع تحلیلی - تبیینی بوده و با مراجعه به گزارش نهادهای دولتی در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ و تفسیر آن‌ها و همچنین از طریق گردآوری اسناد، مدارک و اطلاعات موجود در کتب و اسناد علمی و با فیش‌برداری از

اسناد و طبقه‌بندی محتوایی آن‌ها به دست آمده است. این پژوهش بلحاظ هدف به دلیل کشف رابطه بین قاچاق، توسعه نیافتگی و تشدید امنیت مرزی در دسته‌بندی تحقیقات کاربردی قرار می‌گیرد. از نظر محتوا و روش، پژوهش حاضر به صورت تاریخی بوده تا از طریق جمع‌آوری اطلاعات و ارزشیابی و بررسی صحت و سقم آن‌ها و نیز با ترکیب دلایل مستدل و تجزیه و تحلیل آن‌ها به صورت منظم و عینی بتواند نتایج قابل دفاعی را در ارتباط با فرضیه تحقیق ارائه نماید. از نظر شیوه اجرای تحقیق به صورت فردی و نوع اجرا به صورت تحقیقات کتابخانه‌ای می‌باشد. شیوه تحلیل نیز در این پژوهش، از نوع کیفی و به صورت تحلیلی - تبیینی می‌باشد.

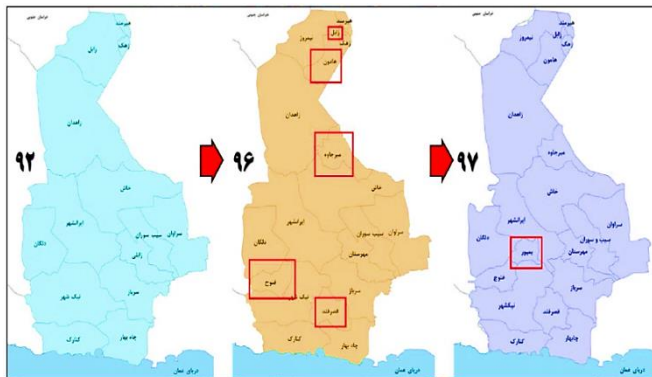
محدوده مورد مطالعه

استان سیستان و بلوچستان در ناحیه مرزی جنوب شرق ایران با وسعتی حدود ۱۸۱۷۸۵ کیلومتر به عنوان پهناورترین استان کشور به حساب می‌آید. این استان با قرار گرفته در ۲۵ درجه و ۳ دقیقه تا ۳ درجه و ۲۷ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۵۸ درجه و ۵۰ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۲۱ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ واقع شده است. این استان از شمال به استان خراسان جنوبی، از شرق به کشورهای پاکستان و افغانستان، از جنوب به دریای عمان و از غرب با استان‌های کرمان و هرمزگان محدود شده است. در جنوب این کشور حدود ۳۰۰ کیلومتر با نوار ساحلی دریای عمان هم‌مرز است (قربانی سپهر و همکاران، ۱۳۹۸: ۴۲). به لحاظ تاریخچه تقسیمات کشوری در این استان برای اولین بار قانون تقسیمات کشوری سال ۱۳۱۶ ه.ش آن را در محدوده استان مکران قرار داده بود. طوری که در تقسیمات بعدی که در نظام سیاسی ایران ایجاد شد، استان سیستان و بلوچستان جزو استان هشتم (ایالت کرمان و بلوچستان) قرار گرفت. لذا ایالت کرمان و بلوچستان در آن دوره شامل کرمان، بم، بندرعباس، خاش و زابل بود و سپس بعد از لغو نام گذاری استان‌ها بر اساس شماره گذاری، استان هشتم به استان کرمان تغییر یافت و بدین صورت استان سیستان و بلوچستان با مرکزیت زاهدان در سال ۱۳۳۶ ه.ش تشکیل شد (اطاعت و نیکزاد، ۱۳۹۵: ۲۳۲). در این ناحیه به دلایل مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی احزاب و گروهک‌های غیرقانونی فراوانی در حال فعالیت می‌باشند که می‌توان آن‌ها را در دو دسته

مسلحانه و غیرمسلحانه تقسیم کرد. برای مثال می توان به گروهک های تروریستی جیش العدل، جندالله (جنبش مقاومت مردمی ایران) در نسبت با گروهک های غیرمسلحانه نظیر حزب مردمان بلوچستان و جبهه متحد بلوچستان اشاره کرد (کاویانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۲۴ - ۱۲۳).



شکل شماره ۵. موقعیت جغرافیایی و تقسیمات سیاسی استان سیستان و بلوچستان تا پایان سال ۱۳۹۹



شکل شماره ۶. سیر تحولات تقسیمات سیاسی استان سیستان و بلوچستان

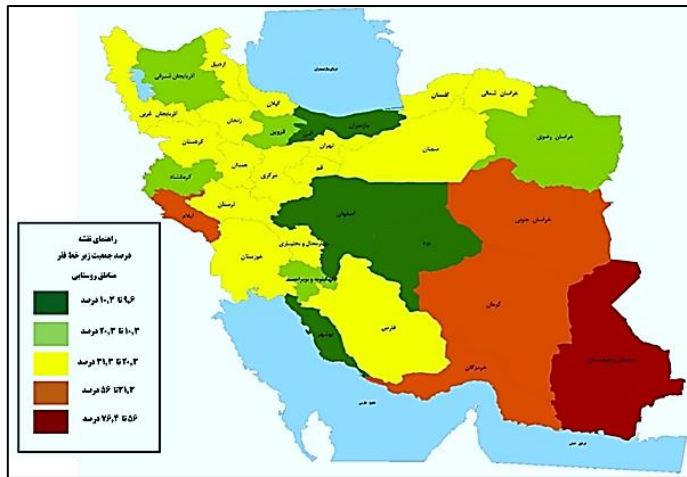
مأخذ: گزارش شماره ۳ معاونت امور اقتصادی و برنامه ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - خرداد ۱۳۹۹

بحث و یافته ها

عوامل و شاخص های موثر در چرخه محرومیت و توسعه نیافتگی استان

یکی از مهم ترین موارد بسیار کاربردی در پیشرفت و توسعه یک استان میزان تأثیرپذیری آن در دسترسی به امکانات و تسهیلات ارائه شده نسبت به دیگر استان ها می باشد که در

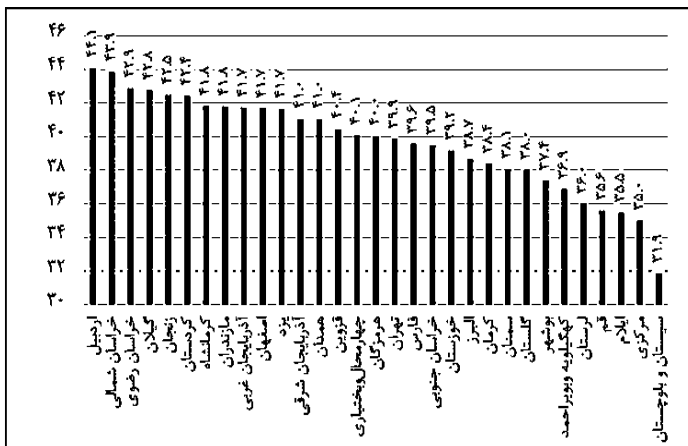
کشور ایران بسیاری از نواحی مرزی از جمله استان سیستان و بلوچستان به علت دوری از مرکزیت اداری - سیاسی، انزوای جغرافیایی با بدنه اصلی کشور، عدم وجود منابع انرژی، همسایگی با کشورهای توسعه نیافته ای مانند افغانستان و پاکستان، ژئومورفولوژی خاص منطقه، گسستگی فضایی این استان با نواحی مرکزی، ناپایداری سکونت و جمعیت به علت مهاجرت سبب شده تا این استان از برخی شاخص های رتبه بندی توسعه باز بماند. بنابراین، استان سیستان و بلوچستان علیرغم پتانسیل بسیار بالایی که در مجاورت با دریای عمان دارد و با دارا بودن سواحل مکران و قرارگیری در کریدور محور شرق و همچنین قرارگیری در مسیر ارتباطی شبه قاره هند و شرق آسیا از طریق اقیانوس هند، ظرفیت های بالقوه معدنی، صنایع دریایی و شیلات و کشاورزی در اغلب شاخص های اقتصادی و اجتماعی پایین ترین رتبه در بین استان های کشور را برای سال های متمادی در اختیار دارد. به عنوان مثال با توجه به شکل شماره ۷ که نسبت خانوارهای روستایی زیر خط فقر مطلق در سال ۱۳۹۶ ه.ش را نشان می دهد، وضعیت بسیار وحشتناک خط فقر در روستاهای استان سیستان و بلوچستان که این رقم بین ۵۶ تا ۷۴/۶ می باشد و هیچ استانی در کشور این وضعیت را ندارد، علیرغم وجود سند بالادستی توسعه محور شرق به عنوان راهبرد بلندمدت توسعه استان سیستان و بلوچستان که در سال ۱۳۶۷ ه.ش تصویب شده و در سال ۱۳۸۱ ه.ش نیز مورد بازنگری هیئت دولت قرار گرفته است؛ نه تنها وضعیت آمارهای توسعه استان هیچ رنگ تغییر و بهبودی به خود ندیده اند، بلکه کم توجهی و عدم نگرش به بعد فضایی و نتایج مکانی تصمیم گیری ها موجب تشدید عدم تعادل ناحیه ای شده و بر نابرابری های اجتماعی و اقتصادی در سطح استان به شدت دامن زده است (نامی، ۱۳۹۵: ۲۵).



شکل شماره ۷. درصد جمعیت زیر خط فقر نواحی روستایی ۱۳۹۶

منبع: گزارش شماره ۳ معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خرداد ۱۳۹۹

با توجه به شکل شماره ۸ شاهد نرخ مشارکت اقتصادی کل استان‌های کشور در بازه زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ هستیم که استان سیستان و بلوچستان در آخرین رتبه قرار گرفته است.



شکل شماره ۸. نرخ مشارکت اقتصادی در بازه سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۸

منبع: گزارش شماره ۱ معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی - شهریور ۱۳۹۹

در نهایت، با توجه به نظریه فریدمن، هر چند محرومیت و توسعه نیافتگی در سراسر استان سیستان و بلوچستان نسبت به هسته کشور قابل ارائه در این نظریه می‌باشد، اما تفاوت نواحی

مرزی در این استان با مرکز استان یعنی زاهدان نیز قابل بررسی و تأمل است؛ زیرا همین فاصله از مرکزیت اداری - سیاسی و دوری از هسته و قطب‌های صنعتی، اقتصادی، تجاری خود یکی از دلایل کمتر توسعه‌یافتگی استان سیستان و بلوچستان به حساب می‌آید. هنگامی که تصمیم‌گیران، ماتریس تصمیم‌گیری را برای مکان‌یابی یک صنعت، رسم می‌کنند، به دلیل این که بیشتر توجه به بازارهای داخلی است تا اولویت صادرات باشد، نواحی مرکزی کشور را برای مکان‌یابی برمی‌گزینند؛ طوری که اگر نگاه آنان صادرات محور باشد، استان سیستان و بلوچستان با توجه به قرارگیری در کریدور شرق یکی از بهترین گزینه‌های تبدیل شدن به قطب‌های صنعتی کشور است. به عبارت دیگر، نگاه بخشی به توسعه و سطحی‌نگری برنامه‌ریزان توسعه باعث شده تا کارخانه‌های تولید نظیر فولاد مبارکه و ذوب آهن در مرکز کشور سامان‌دهی شوند و بر بحران کم‌آبی در استان اصفهان دامن بزنند، اما همین توسعه‌نیافتگی و فاصله از مرکزیت اداری - سیاسی و غیره باعث شده تا مزیت سواحل مکران و سه شهرستان جنوبی استان سیستان و بلوچستان در کنار دریا نادیده انگاشته شود و این تنها یک نمونه از عدم توجه همه‌جانبه به ابعاد جغرافیای چرخه توسعه کشور می‌باشد که با توجه به عدم تعادل ناحیه‌ای و وجود نظام مرکز - پیرامون که بسیار در سطح توسعه‌نیافتگی استان مشهود به نظر می‌رسد، دست یافتن به یکپارچگی و تعادل ناحیه‌ای نیازمند برطرف کردن این نابرابری‌ها از طریق توجه بیشتر و ارائه خدمات و امکانات موردنیاز به مناطق کمتر توسعه‌یافته تر می‌باشد (میری و ترکمانی، ۱۳۹۷: ۱۳۳).

انزوای جغرافیایی

یکی از دلایل توسعه‌نیافتگی استان سیستان و بلوچستان انزوای جغرافیایی در فضای ملی می‌باشد؛ زیرا، کمبود منابع آب، عدم وجود زیرساخت‌های ارتباطی ریلی، جاده‌ها، کمبود قابل توجه منابع انرژی و فقدان زیرساخت‌های مناسب باعث شده تا معضل دوری از مرکز و انزوای جغرافیایی به علت همین موارد تشدید گردد. نتایج مطالعات انجام‌شده نشان می‌دهد که کشورهایی با مساحت گسترده و وسیع مانند ایران، دارای تفاوت‌ها و عدم تعادل ناحیه‌ای و فضایی مشهودی بین نواحی مرکزی و مرزی می‌باشند و این عدم تعادل‌ها، تأثیرات عمده‌ای در دو جهت برجای گذاشته است؛ یکی حرکت توسعه را با کندی مواجه

ساخته و در مرحله بعد نیز به گسترش ناامنی در نواحی مرزی منجر شده و کل نظام توسعه، امنیت و مدیریت این نواحی را تحت تأثیر قرار داده است. از جنبه عملی نیز کشورهایی که درگیر مسائل ناامنی در نواحی مرزی خود بوده‌اند، دریافته‌اند که عمده‌ترین مسائل مربوط به ناامنی‌ها، ناشی از وضعیت توسعه‌نیافتگی و پیامدهای تبعی آن بوده است. به عبارت دیگر، فقر و تنگدستی در این نواحی می‌تواند محیط نامناسبی را برای بروز ناامنی و تحریک دشمنان در بهره‌برداری از سرپل‌های به وجود آمده در این نواحی شود (عندلیب، ۱۳۸۰: ۲).

همسایگی با کشورهای توسعه‌نیافته

یکی دیگر از موارد و عوامل توسعه‌نیافتگی استان سیستان و بلوچستان که در روند کندی حرکت سرمایه‌گذاری‌های کلان ملی توسط دولت نقش داشته و اساساً حیات هزاران نفر را تحت تأثیر قرار داده است، هم‌مرز بودن استان با کشورهای توسعه‌نیافته و تروریست‌پرور افغانستان و پاکستان می‌باشد که باعث بروز برخی فعالیت‌های نامشروع از جمله عناصر تروریستی در نزدیکی مرزهای ایران شده و به دنبال آن حضور گسترده گروهک‌های تروریستی از جمله القاعده و طالبان که حضور نسبتاً فعالی را در کشور افغانستان طی چند سال اخیر داشته و هم‌چنین هراس دولت ایران برای جذب سرمایه در منطقه به علت تهدیدات امنیتی می‌باشد که در نهایت می‌تواند منجر به ایجاد تهدیدات مذکور شود (سیمبر و آذین، ۱۳۹۸: ۹۱).

گسستگی فضایی استان با نواحی مرکزی

گسستگی استان از بدنه اصلی کشور و وجود فضای کویری عاری از حیات فعال و فقدان شبکه ارتباطی گسترده باعث شده تا نتواند نقش مؤثری را در ایجاد این چنین وضعیت بد جغرافیایی و توسعه‌نیافتگی استان داشته باشد. به تعبیری دیگر، در میان مراکز استان‌ها، زاهدان دورترین فاصله را با تهران دارد (حدود ۱۶۰۵ کیلومتر). بعد مسافت، برهم‌کنش فضاها و حجم ارتباطات را تقلیل می‌دهد و در نتیجه فرایند ادغام اجتماعی اقوام مختلف ملت و نیز اتصال فضاها را با مشکل مواجه می‌سازد. دورافتادگی استان سیستان و بلوچستان از مرکز کشور موجب شده تا این استان کاملاً موقعیت حاشیه‌ای به خود بگیرد

و در کنار سایر عوامل متمایز کننده سبب گردد تا بلوچ‌ها خود را در سرنوشت ملی کمتر شریک بدانند و برخلاف دیگر اقوام ایرانی، در تحولات بزرگ درون جامعه ملی ایران، نقش قابل توجهی را به عهده نگیرند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۸۲).

عدم توجه به منابع انرژی‌های خورشیدی و بادی

استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر به عنوان یک قابلیت در نظر گرفته شده در برخی نواحی نظیر استان سیستان و بلوچستان به شمار رفته که این استان با توجه به پتانسیل‌های زیادی که در این زمینه دارد، می‌تواند در تأمین پیوسته و مطمئن برق کشور بسیار موثر عمل نماید. در این راستا، اولین گام برای به دست آوردن انرژی بادی، شناسایی نواحی با پتانسیل مناسب برای نصب توربین‌های بادی است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹). بدین ترتیب، با توجه به این که در شهرستان زابل هر ساله بادهای شدیدی می‌وزد و گاه سرعت آن به ۱۲۰ کیلومتر می‌رسد، با مبنا قرار دادن سرعت باد و تداوم سالانه باد و با در نظر قرار گرفتن روند زمانی افزایش سرعت وزش باد به ترتیب در ایستگاه‌های زابل، زهک و کنارک که قابلیت مناسبی را برای استقرار توربین‌های تجاری دارند (کهخامقدم و دلبری، ۱۳۹۶: ۴۵۴)، عدم توجه به شاخص توسعه زیست‌محیطی استان باعث شده تا با عدم سرمایه‌گذاری دولت برای بهره‌برداری از قابلیت‌های زیست‌محیطی شناخته‌شده ناحیه بر روند توسعه نیافتگی استان افزوده شود. به عبارت دیگر، با توجه به پتانسیل بالای استان در بهره‌گیری از انرژی خورشیدی و استقرار نیروگاه‌های آن و با توجه به معیارهای مناسب و تأثیرگذار در استان سیستان و بلوچستان و همچنین با توجه به ویژگی‌های اقلیمی در سراسر استان، برخی شهرستان‌ها نظیر نیک‌شهر، سراوان، سیب‌سوران، زابلی، لاشار برای احداث نیروگاه‌های خورشیدی بسیار مناسب هستند (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۴). در نهایت با توجه به این که در استان سیستان و بلوچستان قابلیت اجرایی بهره‌گیری از نیروهای تجدیدپذیر (خورشیدی و بادی) وجود دارد، متأسفانه در صورت کم‌توجهی دولت نسبت به توسعه استان، کمتر مورد استفاده قرار گرفته شده است.

ناپایداری سکونت و جمعیت

استان سیستان و بلوچستان با وجود کمتر توسعه‌یافتگی آن نسبت به سایر استان‌های کشور و عدم اشتغال مناسب در کنار سایر مشکلات عدیده آن، موجب شده تا جمعیت این استان طی یک دهه اخیر به علت مهاجرت‌های بی‌رویه به سمت نواحی و شهرهای بزرگ مرکز کشور نظیر استان‌های اصفهان و تهران و... ناپایدار گردد و به دلیل فقر منابع آب کافی و عدم مدیریت صحیح آن و همچنین وجود شرایط امنیتی نامناسب و تهدیدات اقلیمی نظیر گردوغبارهای ۱۲۰ روزه سیستان، بسیاری از روستاهای آن خالی از سکنه شده‌اند.

با توجه به شکل شماره ۶ به دلیل وسعت جغرافیای استان سیستان و بلوچستان، روند تقسیمات کشوری درون استان به علت نیاز ناتوانی اداره فضاهای جغرافیایی وسیع با تشکیلات اداری در حال حاضر، برای نمایندگان دولت‌ها (استانداران) کار بسیار دشواری بوده که به همین دلیل هر ساله این روند در حال تغییر بوده است و از ۱۴ شهرستان در سال ۱۳۹۲ به ۲۳ شهرستان در سال ۱۳۹۹ تغییر نموده است. شایان‌ذکر است که در همین سال نیز یک شهرستان جدید مورد تصویب قرار گرفته و در جدیدترین تقسیمات این استان به ۲۴ شهرستان ارتقاء خواهد یافت و دلیل اصلی این نوع سازمان‌دهی، نوعی اشتباه در سازمان‌دهی سیاسی فضای یک استان به‌عنوان بستر و زیربنای توزیع خدمات و عدم تعادل ناحیه‌ای استان سیستان و بلوچستان می‌باشد.

عوامل و شاخص‌های موثر در مرزهای رهاشده و چرخه پدیده قاچاق استان

قاچاق، پدیده‌ای است که کم‌وبیش تمام کشورهای جهان با آن مواجه هستند، ولی وسعت و عمق آن در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه‌یافته است. طوری که در کشورهای در حال توسعه، قاچاق بخش مهمی از فعالیت‌های اقتصادی جامعه را در برمی‌گیرد (حاجی‌نژاد، ۱۳۷۹: ۱۵۶). در بین مرزهای کشور نفوذپذیرترین مرز را جمهوری اسلامی ایران در شرق خود با افغانستان دارد (کریمی‌پور، ۱۳۸۰: ۱۳۸)، همین مسئله یکی از اصلی‌ترین مشکلات استان سیستان و بلوچستان است که با توجه به آن و در مجاورت با بزرگ‌ترین تولیدکننده مواد مخدر قرار گرفته و با توجه به این که کشور افغانستان از لحاظ امنیتی و دفاعی توان کنترل مرزهای سرزمینی خویش را ندارد، مرزهای ایران با این کشور

جزو مرزهای پرتنش برای جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و هزینه‌های کنترل این مرز به تنهایی بر عهده کشورمان می‌باشد. بدین ترتیب، چون دو کشور افغانستان و پاکستان با توجه به این که خطری از جانب کشور ایران آن‌ها را تهدید نمی‌کند و مرزبانی جمهوری اسلامی ایران به صورت دقیق و منظم بر تحرکات مرزی دقت دارند، خود را از کنترل مرز با ایران بی‌نیاز می‌بینند و همین مسئله موجب تحمیل هزینه‌های تأمین امنیت در مرز طولانی با این دو کشور شده که از طرفی این وادادگی باعث ایجاد و رشد گروهک‌های تروریستی، قاچاقچیان سازمان یافته در مرزهای ایران با این دو کشور شده است. در این خصوص می‌توان به شبکه‌های توزیع قاچاق اشاره کرد که می‌توان سه گروه عمده زیر را برای این مسئله طبقه‌بندی کرد:

الف) افرادی که سرمایه خود را از قاچاق می‌آورند و به دلیل سودآور بودن قاچاق به این فعالیت در نواحی مرزی می‌پردازند و از توسعه نیافتگی نواحی مرزی سوءاستفاده می‌کنند که با تشکیل باندهای سازمان یافته قاچاق از افراد محلی در جهت کسب منافع نامشروع در این مسیر بهره می‌برند. لکن یافتن این افراد و دسترسی به سرشاخه‌های این هرم نیازمند بررسی‌های نظامی و امنیتی می‌باشد که برخی از این افراد در خارج از کشور با مشارکت افراد داخلی اقدام به ترانزیت مواد مخدر از مبدأ افغانستان و پس از عبور از ایران به سمت اروپا می‌کنند.

ب) مرزنشینان، با توجه به توسعه نیافتگی نواحی مرزی و نیاز به امرارمعاش و عدم استقرار صنایع و عدم بهره‌برداری از معادن و رتبه پایین تولید استان (رتبه ۲۸ در سال ۱۳۸۰ و رتبه ۳۱ در سال ۱۳۹۹) و همچنین عدم وجود فرصت‌های شغلی مناسب علیرغم پتانسیل بسیار بالای استان و جمعیت جوان آماده به کار که پس از جست‌وجو برای شغل مناسب که در نهایت از این خواسته ناامید شدند، خود را مجبور به جذب شدن در باندهای قاچاق و یا قاچاق سوخت به صورت انفرادی می‌یابند که همین امر باعث ترویج روند قاچاق در استان شده است.

ج) گروه‌های معاند و تروریستی مستقر در حاشیه مرزها که به دلیل تأمین مالی برای مخمل امنیت در نواحی مرزی اقدام به قاچاق می‌نمایند. با توجه به سود سرشار قاچاق و تفاوت

قیمت در دو سوی مرز و همچنین نیروی کار ارزان برای مسئله قاچاق، صرف اقتصادی این موضوع را برای این گروه‌ها تقویت کرده است؛ زیرا این سازمان‌ها فعالیت‌های قاچاق را به منظور تأمین مالی عملیات‌های خود انجام می‌دهند (Dandurand & Chin, 2004: 25).

تولید، حمل و توزیع مواد مخدر، دارای چرخه اقتصادی است که حداقل مکانیزمی ۱۲ مرحله‌ای دارد که در مرحله آخر سود مناسبی نصیب گردانندگان آن می‌شود. بنابراین، عوامل تشکیل‌دهنده حرکت این چرخه عبارت‌اند از: دستگاه حکومتی طالبان، گروه‌ها و سازمان‌های مافیایی بین‌المللی، کشت کاران مواد مخدر، عوامل آزمایشگاهی تبدیل تریاک به مشتقات دیگر، خریداران کلان غایب در منطقه تولید و مرتبط با گروه‌ها و سازمان‌های مافیایی، عوامل ترانزیت از محل تولید و آزمایشگاه‌ها تا جدار مرزی ایران، عوامل عبور این مواد از خط مرزی تا نواحی امن و خلوت کویری و کوهستانی داخلی، نگهبان‌های مسلح کاروان‌ها، سرویس‌دهندگان بین راه شامل راهنماها و خبرنگارها، توزیع‌کنندگان کلان، توزیع‌کنندگان خرده‌پا در کشور و عواملی که ترانزیت مواد مخدر را تا مرزهای بین‌المللی ایران و ترکیه یا دیگر کشورها به عهده‌دارند و سپس عوامل عبور دهنده این مواد از جدار مرزی بالکان.

در یک ارزیابی که در سال ۱۳۹۵ در قالب یک پژوهش برای بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد مردم شهرستان مرزی سراوان انجام شد، نتایج حاکی از آن بودند که بالاترین عامل موثر در رشد قاچاق کالا در شهرستان سراوان، عامل اقتصادی و عدم اشتغال پایدار و پائین بودن سطح درآمد و معیشتی مردم بوده است. به گونه‌ای که آن‌ها اظهار داشتند؛ قاچاق کالا تأثیر مثبتی را بر وضعیت درآمدی، اشتغال (شغل‌های مرتبط با قاچاق کالا و مواد مخدر) و کاهش مهاجرت مرزنیسان به شهرها و حتی بازگشت مهاجران اولیه به دلیل نبود کار و سودآوری قاچاق به نواحی مرزی شده است (کریم‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۸-۲۷). بنابراین از دیگر عوامل موثر بر روند افزایش پدیده قاچاق، عدم رشد و تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی (توسعه‌نیافتگی استان) و همچنین کاهش نظارت دولت

مرکزی در این بخش از کشور و تبادلات مرزی غیرقانونی با کشورهای پاکستان و افغانستان می باشد.

به طور کلی، می توان اظهار داشت تا زمانی که افغانستان به عنوان کشوری فقیر، جنگ زده و محروم باقی بماند، تهدید ناشی از مواد مخدر و تنگناهای متعدد و پیچیده ناشی از آن بر ایران پایدار خواهد ماند (کریمی پور، ۱۳۸۰: ۹۹). به گونه ای که در بررسی قاچاق کالا بیان می شود که «وجود قاچاق کالا در یک کشور همانند وجود غده سرطانی در بدن است که به آهستگی، گسترش سراسری می یابد تا به زوال نهایی جامعه منجر شود. به عبارت دیگر، قاچاق می تواند اقتصاد پنهان تمامی سطوح یک جامعه از جمله سطح اقتصادی، سطح اجتماعی و سطح سیاسی را تحت تأثیر قرار دهد» (Uppla&Chugh, 1986:55).

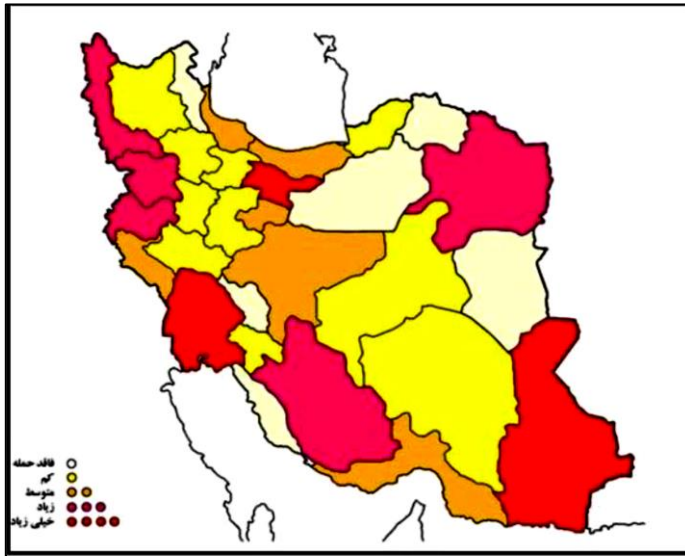
عوامل و شاخص های مؤثر در چرخه تشدید امنیت مرزی استان

با توجه به این که امنیت و توسعه در آمایش نواحی مرزی لازم و ملزوم یکدیگر هستند، توسعه در نواحی مرزی را نمی توان تحقق بخشید؛ مگر آن که امنیت در آنجا برقرار باشد و یا بالعکس (نامی، ۱۳۹۵: ۲۵). در این رویکرد، ضرورت دارد تا جهت تأمین امنیت در نواحی مرزی، تمام ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مرز مورد توجه قرار گیرند. اما می توان با نگاهی گذرا به نواحی روستایی مرزی شاهد آن باشیم که این نواحی هم زمان از بار فشار دو گانه توسعه نیافتگی و حاشیه ای بودن رنج می برند (افراخته، ۱۳۹۱: ۵۸). بر این مبنا توسعه، پدیده ای تاریخی، متنوع، پیچیده و متناقضی است که ویژگی اصلی آن توجه به شرایط انسانی است و تنزل آن به یک سری ویژگی های ضد اجتماعی و تعامل بین آنها ختم می شود تا تجارب واقعی جوامع و مبارزه مردم آن جوامع را برای تأمین معاش امری بی اهمیت جلوه داده شود (Johnston, 1986: 130).

افزایش هزینه های امنیتی

با توجه با حاشیه ای بودن استان سیستان و بلوچستان و نزدیکی با دو کشور افغانستان و پاکستان که طی دو دهه اخیر تاکنون تحولات سیاسی و امنیتی گوناگونی را به خود دیده اند، ایجاد چالش های مهمی در حوزه امنیت کشور ایران و همچنین فعالیت گروهک های تروریستی در استان سیستان و بلوچستان طی اقدامات گوناگونی نظیر

خرابکاری، دامن زدن به اختلافات مذهبی و نیز تقویت اندیشه‌های سلفی‌گری، نفوذ در بین نمایندگان مجلس، شورای شهر و غیره از مهم‌ترین فعالیت‌ها و سناریوهای گروهک‌های تروریستی در استان قلمداد می‌شود (کاویانی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۱). بنابراین، چنین فرایندی طی چند سال اخیر و ایجاد ناآرامی‌ها و بحران‌های سیاسی موجب شده تا حساسیت‌های مرزی و فرامرزی را در تأمین امنیت نواحی مرزی دوچندان کند. بدین ترتیب، همان‌گونه که برمی‌آید با توجه به عوامل موثر در محرک و انگیزه برای اقدامات تروریستی در ناحیه با استفاده از ابزار تروریسم، افزایش هزینه‌ای امنیتی در استان به‌منظور تشدید کنترل و امنیت مرزی ضروری به نظر می‌رسد.



شکل شماره ۹. پراکندگی حملات تروریستی در کشور

منبع: (سلیمی سبحان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱۷).

کاهش سرمایه‌گذاری‌های دولت در استان

در طی دو دهه اخیر با کاهش سرمایه‌گذاری‌های کلان دولت در ناحیه جنوب شرق کشور باعث عدم شکل‌گیری ظرفیت‌های توسعه در دورترین مکان‌های استان و وجود مراکز حساس و حیاتی (سازمان‌ها و نهادهای اداری و سیاسی مهم و کارساز) در بخش مرکزی استان شده است. طوری که این عدم تعادل و کاهش هزینه‌های اجرایی دولت در

بخش‌های خدماتی، کشاورزی و اقتصادی ناحیه و عدم بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌ها، عملاً واگرایی افزایش پیدا کرده است. بر این اساس، استان سیستان و بلوچستان علیرغم این‌که پهناورترین استان کشور و حدود ۱۱/۱۶ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص می‌دهد اما هر ساله درصد کمی از بودجه کل کشور به این استان اختصاص می‌یابد و به لحاظ نرخ مشارکت اقتصادی استان سیستان و بلوچستان در رتبه آخر قرار دارد. لذا، همین امر موجب تهدید امنیت ناحیه شده و از طرفی در کنار سایر عوامل منجر به خیزش جدایی‌خواهانه و مسلحانه قومی و حرکت‌های چریکی و نامنظم و زمینه‌ساز شروع ناامنی‌ها شده است.

نیاز به پشتیبانی منطقه‌ای در حوزه تأمین امنیت

با توجه به این‌که مرزهای جنوب شرق کشور دارای پتانسیل بالایی برای ایجاد ناامنی می‌باشند، در صورت عدم کنترل آن ممکن است به بحران امنیت ملی مبدل شود. در واقع، تأمین امنیت در مرزهای جنوب شرق کشور به‌منزله حفظ جمعیت بومی، کنترل قاچاق کالا و نیز از بین رفتن تهدیدهای سیاسی - امنیتی و اقتصادی خواهد بود (پولادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۵). در این راستا، پشتیبانی و حمایت دیگر ارگان‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای در جهت تأمین امنیت نواحی مرزی جنوب شرق کشور مهم است. بنابراین، با توجه به عدم کیفیت ثبات حکومت در کشور افغانستان و پاکستان که بر امنیت و نواحی مجاور خویش تأثیر گذاشته است، تنش‌ها و عدم ثبات منطقه‌ای در این نواحی موجب شده تا همواره بر امنیت شهرهای مرزی استان سیستان و بلوچستان تأثیرگذار باشد (ایستگلدی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۶). در نهایت، می‌توان چنین برداشت نمود که حراست از مرزها به‌منزله تأمین امنیت در رابطه با بدنه اصلی کشور است (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۸ - ۸۹).

کاهش مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی به دلیل عدم امنیت پایدار

با توجه به این‌که بین امنیت و توسعه رابطه متقابلی وجود دارد و امنیت پایدار معطوف به توسعه پایدار در مقیاس ناحیه‌ای، شهری و روستایی و تا مقیاس فردی است. استان سیستان و بلوچستان به دلیل موقعیت خاص جغرافیایی، از نظر امنیت آسیب‌پذیری زیادی دارد و در سال‌های اخیر شاهد افزایش خشونت و منازعات مسلحانه توسط گروه‌های ستیزه‌جو بوده

است (مختاری هشی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳). بر این اساس، امنیت پایدار مبتنی بر رعایت مشارکت مردمی، ملاحظات فرهنگی و مقتضیات بومی است (پولادی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲۷) و لازمه دستیابی به امنیت پایدار در استان کاهش آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی ناشی از مسائل فوق است. بدین ترتیب و با توجه به مشارکت سیاسی حداقلی اقلیت بلوچ در سرنوشت سیاسی کشور و عدم تحکیم استحکامات امنیت در ناحیه موجب شده تا وضعیت ارتباط و مشارکت سیاسی مردم استان با بدنه اصلی کشور به خوبی صورت نگیرد و آن‌ها را در یک انزوا فرو ببرد.

نتیجه گیری

در جمع بندی این پژوهش می توان اشاره کرد که با توجه به زمینه های جغرافیایی موجود در استان سیستان و بلوچستان و با مقایسه آمارها و ارقام گزارش ها موجود، در شاخص های توسعه این استان جایگاه مناسبی در میان سایر استان ها ندارد بر این مبنای امروزه استان سیستان و بلوچستان در ناحیه جنوب شرق ایران، یکی از نواحی و استان های مرزی کم برخوردار و کمتر توسعه یافته به شمار می رود که اصولاً بر پایه آمارها و اطلاعات موجود، اغلب شاخص های توسعه در این استان به حداقل ممکن کاهش یافته است. طوری که عواملی همچون فقدان عدالت اجتماعی، عدم پایداری امنیت، پدیده قاچاق کالا، عدم تعادل های فضایی و جغرافیایی، عدم مشارکت های سیاسی، افزایش خشونت های سیاسی و فعالیت های تروریستی، همسایگی با کشورهای توسعه نیافته و ناامن بر چرخه توسعه و امنیت ناحیه تأثیر گذاشته اند و عموماً با وجود محرومیت های شدید اقتصادی استان و بیکاری های فراوان در این ناحیه موجب شده تا اغلب مردم استان به قاچاق کالا روی آورند. علاوه بر این، فقدان زیرساخت های توسعه و عدم پیشرفت در بخش های ارتباطی، آموزشی، بهداشتی و زیست محیطی این استان را نسبت به سایر استان های مرزی کشور در انزوا کشانده است. این ناحیه مرزی با توجه به خشونت های سیاسی و عدم مشارکت مردم با بخش مرکزی و همچنین تقویت و رشد ناسیونالیسم قومی در کنار تحصیل رهبران مذهبی این ناحیه در کشورهای عربستان، پاکستان و هند و حمایت های مالی کشورهای منطقه از

افراد و گروه‌های مختلف این ناحیه موجب شده تا اندیشه‌هایی از قبیل ایجاد حرکت‌های سیاسی محلی‌گرایی، واگرایی‌های ناحیه‌ای در میان برخی نخبگان و رهبران قومی این ناحیه رشد کند. در ارتباط با چرخه توسعه‌نیافتگی، قاچاق و تشدید امنیت مرزی در استان سیستان و بلوچستان می‌توان گفت این موضوعات ریشه در برخی عوامل و شاخص‌های کمتر توسعه‌یافتگی استان دارد که منجر به ایجاد آسیب‌ها و تهدیدات شده است. به‌طور کلی، توسعه‌نیافتگی استان، زمینه اصلی قاچاق و از دلایل عمده تشدید امنیت مرزی می‌باشد. لذا در صورت بهبود شاخص‌های اصلی توسعه انسانی (HDI)، شاخص توسعه اقتصادی (EDI)، زمینه برای کاهش رشد قاچاق و همچنین افزایش امنیت پایدار فراهم خواهد شد.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است.

منابع

- ۱) ابراهیم‌زاده آسمین، حسین و عباسیان، مجتبی (۱۳۸۹) بررسی عوامل و دلایل قاچاق در استان سیستان و بلوچستان و راهکارهای رفع آن، دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس، سال ۷، شماره ۳۱، صص ۱۳۰-۱۰۹.
- ۲) احمدی، سید عباس (۱۳۸۲) پروانه گذر مرزی در مرز ایران و ترکمنستان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، به راهنمایی محمدرضا حافظ‌نیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- ۳) احمدی‌پور، زهرا؛ قنبری، قاسم؛ کرمی، قاسم (۱۳۹۲) سازمان‌دهی سیاسی فضا، چاپ دوم، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- ۴) اسدی‌فرد، محمد (۱۳۹۳) بررسی مؤلفه‌های ناامنی در مناطق مرزی شرق کشور، فصلنامه علوم و فنون مرزی، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۶۶-۴۳.
- ۵) اطاعت، جواد و موسوی، سیده زهرا (۱۳۸۷) تقسیمات کشوری و توسعه پایدار مطالعه موردی: ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ۴، شماره ۳، صص ۷۴-۵۷.

- ۶) اطاعت، جواد و نیکزاد، روح‌الله (۱۳۹۵) تأثیر تقسیم سیاسی فضا بر توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: استان‌های سواحل جنوبی ایران)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۸، شماره ۲، صص ۲۴۳-۲۲۷.
- ۷) افراخته، حسن (۱۳۹۱) مرز، سرمایه اجتماعی، توسعه و امنیت نواحی مرزی، همایش شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، ۳۱ فروردین ۱۳۹۱، دانشگاه سیستان و بلوچستان. صص ۱-۱۵
- ۸) امین‌بیدخت، علی‌اکبر (۱۳۸۵) رتبه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سمنان، مجله رشد آموزش جغرافیا، سال ۲۱ شماره ۱، صص ۲۳-۱۷.
- ۹) ایستگلدی، مصطفی و همکاران (۱۳۹۸) فرا تحلیل پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه شهرهای مرزی، نظم و امنیت در استان سیستان و بلوچستان، مجله پژوهش‌های جغرافیای سیاسی، سال ۴، شماره ۲، صص ۶۱-۳۳.
- ۱۰) بریمانی، فرامرز و همکاران (۱۳۹۷) تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و عوامل تهدیدکننده امنیت، مورد شناسی: سکونتگاه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری - منطقه‌ای، سال ۸، شماره ۲۶، صص ۱۷۸-۱۵۹.
- ۱۱) پولادی، حسن و همکاران (۱۳۹۵)، الگوسازی عوامل تأمین‌کننده امنیت پایدار مرزی؛ (مطالعه موردی مرزهای شرقی ایران)، فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال ۱۹، شماره ۷۲، صص ۱۴۹-۱۲۵.
- ۱۲) تودارو، مایکل (۱۹۹۰) توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ اول، تهران: نشر مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- ۱۳) جان‌پرور، محسن و قصری، محمد (۱۳۹۳) تبیین عوامل اثرگذار بر قاچاق کالا در طول مرزها راهبرد اولیه مدیریت مرزهای ایران، پژوهش‌نامه جغرافیای انتظامی، سال ۲، شماره ۷، صص ۸۶-۵۵.
- ۱۴) حاجی‌نژاد، علی (۱۳۷۹) بررسی پدیده قاچاق کالا و راه‌های پیشگیری از آن، سومین همایش قاچاق کالا ۱ دی ماه ۱۳۷۹، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۵) حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۲) جغرافیای سیاسی ایران، چاپ ششم، تهران: انتشارات سمت.
- ۱۶) خلیلی، محسن؛ منشادی، مرتضی؛ آزموده، فهیمه (۱۳۹۰) بایستگی‌های ژئواکونومیک توسعه منطقه جنوب شرق ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال ۳، شماره ۴، صص ۱۲۴-۸۱.

- (۱۷) ذکی، یاشار (۱۳۹۹)، جزوه کلاسی درس مدیریت و آمایش نواحی مرزی، کارشناسی ارشد جغرافیا، دانشگاه تهران.
- (۱۸) ربیعی، حسین و نورمحمدی، مهتاب (۱۳۹۵) تبیین رابطه قاچاق با کارایی حکومت‌ها و نقش آن در چرخه مقبولیت سیاسی، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، سال ۵، شماره ۱، صص. ۲۸-۱۵.
- (۱۹) رحیمی، محمد؛ پازند، فاطمه؛ عبداللهی، علی اصغر (۱۳۹۶)، پتانسیل سنجی استقرار نیروگاه‌های خورشیدی در استان سیستان و بلوچستان با استفاده از مدل AHP و منطق فازی، فصلنامه جغرافیا و توسعه، دوره ۱۵، شماره ۴۹، صص ۳۶-۲۳.
- (۲۰) رومینا، ابراهیم. (۱۳۹۳) تبیین نظری قاچاق کالای ورودی و مدیریت آن در کشورها، فصلنامه ژئوپلیتیک، دوره ۱۰، شماره ۳۳، صص. ۸۳-۱۰۵.
- (۲۱) زرقانی، سید هادی؛ اعظمی، هادی؛ لطفی، امین (۱۳۹۲) بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های مدیریت مرزها و نقش آن در امنیت مرز نمونه موردی: مرزهای شرقی ایران (خراسان رضوی - افغانستان)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۱۱، شماره ۲۰، صص. ۱۰۸-۸۳.
- (۲۲) سرور، رحیم و خلیجی، محمد (۱۳۹۴) سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان کهگیلویه و بویراحمد، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۶، شماره ۲۱، صص. ۱۰۲-۸۹.
- (۲۳) سعیدی، داوود؛ نعمت‌اللهی، امید؛ عالم‌رجبی، علی‌اکبر (۱۳۹۰) بررسی پتانسیل انرژی بادی در استان خراسان شمالی در ایران، نشریه علمی - پژوهشی مدیریت انرژی، سال ۱، شماره ۱، صص. ۴۹-۵۶.
- (۲۴) سلیمی سبحان، محمدرضا و همکاران (۱۳۹۶) تحلیل کار ویژه‌ها و نقش جغرافیای سیاسی شهرهای مرزی در رواج اقدامات تروریستی (مطالعه موردی: اقدامات تروریستی استان سیستان و بلوچستان)، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، سال ۵، شماره ۳، صص ۱۲۶-۸۵.
- (۲۵) سمیر، رضا و آذین، صدیقه (۱۳۹۸) چالش‌های امنیتی سیستان و بلوچستان به دنبال حضور طالبان و داعش در افغانستان، فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی، سال ۲، شماره ۸، صص ۹۱-۱۳۰.
- (۲۶) صرامی، حسین (۱۳۸۴) مرکز پیرامون و رابطه شهر و روستا، مجله تحقیقات جغرافیایی، دوره ۲۰، شماره ۲، صص ۱۱۲-۱۰۰.

- ۲۷) عزیزاده، حسین (۱۳۹۳) چالش‌های موجود در مرزهای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان، فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی، دوره ۳، شماره ۱۱، صص. ۱۹-۷
- ۲۸) عندلیب، علیرضا (۱۳۸۰) نظریه پایه و اصول آمایش مرزی جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: انتشارات دوره عالی جنگ.
- ۲۹) عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸) توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، مجله علمی باغ نظر، دوره ۶، شماره ۱۲، صص ۷۶-۵۷.
- ۳۰) غلامرضایی، یوسفعلی و حسن‌آبادی، داوود (۱۳۹۶) بررسی و تحلیل نظام تقسیمات کشوری در ایران با تأکید بر متغیرهای علمی و جغرافیایی: مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال ۸، شماره ۱، صص. ۲۷۷-۲۹۸.
- ۳۱) فنی، زهره (۱۳۹۳) توسعه، پایداری و جهانی‌شدن، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز ملی جهانی‌شدن.
- ۳۲) موسوی جهرمی، یگانه (۱۳۹۷) توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، چاپ دهم، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور
- ۳۳) قربانی سپهر، آرش و همکاران (۱۳۹۸) تحلیل تهدیدات طبیعی و انسانی سیستان و بلوچستان و پیامدهای امنیتی آن، پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال ۱۲، شماره ۱، صص ۶۰-۳۳.
- ۳۴) قبری، ابوالفضل و همکاران (۱۳۹۴) راهبرد آمایش مناطق مرزی بر اساس مدل‌های (AHP، SWOT-ANP، SWO) مطالعه موردی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه آمایش سرزمین، دوره ۷، شماره ۱، صص. ۱۶۴-۱۴۵.
- ۳۵) کاویانی، حسن و همکاران (۱۳۹۸) آینده‌پژوهی سناریوهای احتمالی گروهک‌های تروریستی در استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه علمی راهبرد دفاعی، سال ۱۷، شماره ۶۵، صص. ۱۳۹-۱۱۱.
- ۳۶) کریم‌زاده، مجید (۱۳۹۵) بررسی عوامل موثر بر قاچاق کالا و تأثیر آن بر اقتصاد شهرستان مرزی سراوان، فصلنامه انتظام اجتماعی، سال ۸، شماره ۲، صص. ۳۲-۱۷.
- ۳۷) کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان منابع تنش و تهدید، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت‌معلم.
- ۳۸) کهخامقدم، پریسا و دلبری، معصومه (۱۳۹۶) ارزیابی امکان بهره‌گیری از انرژی باد در استان سیستان و بلوچستان، پژوهش‌های جغرافیای طبیعی، دوره ۴۹، شماره ۳، صص. ۴۴۱-۴۵۵.

۳۹) مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۹) ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، چاپ اول، تهران: نشر نی.

۴۰) مختاری‌هشی، حسین؛ وزین، نرگس؛ قادری‌حاجت، مصطفی (۱۳۹۶) بررسی پایداری امنیت روستاهای مرزی استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، سال ۱۴، شماره ۵۴، صص. ۶۰-۴۳.

۴۱) مشکینی، ابوالفضل، تردست، زهرا، کرمی، احمد (۱۳۹۸) تبیین فضایی رتبه‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان مرزی ایلام، فصلنامه علمی علوم و فنون مرزی، دوره ۸ شماره ۱، صص. ۲۷ - ۱.

۴۲) میری، فریبا و ترکمانی، جواد (۱۳۹۷) ارزیابی درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان: کاربرد روش‌های چند معیاری، مجله اقتصاد کشاورزی، سال ۱۲، شماره ۱، صص. ۹۵-۱۱۹.

۴۳) نامی، محمدحسن (۱۳۹۵) آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر محور توسعه و امنیت، نهمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، ۱۱ آبان ۱۳۹۵، سیستان و بلوچستان، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۴۴) وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۹) بررسی مقایسه‌ای شناخت‌های اقتصادی استان‌ها، معاون امور اقتصادی و برنامه‌ریزی، نشریه شماره ۱۱.

www.mcls.gov.ir/fa/article/1620

۴۵) وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۹) نیم‌نگاهی به شاخص‌های توسعه استان سیستان و بلوچستان، معاونت امور اقتصادی و برنامه‌ریزی، گزارش شماره ۳.

www.mcls.gov.ir/fa/article/1536

46) Afrakhteh, Hassan. (2012) Border, Social Capital, Development and Security of Border Areas, Conference on Border Cities and Security, Challenges and Approaches, April 20, 2012, Sistan and Baluchestan University, pp. 15-1 [In persian]

47) Ahmadi, Seyed Abbas. (2003) Border Crossing License on the Border of Iran and Turkmenistan, Undergraduate Thesis in Political Geography, under the guidance of Mohammad Reza Hafeznia, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University, Tehran. [In persian]

48) Ahmadipour, Zahra. & Ghanbari, Qasim. & Karami, Ghasem. (2013) Political Organization of Space, Second Edition, Tehran: Geographical Organization of the Armed Forces Publications. [In persian]

- 49) Alizadeh, Hossein (2014), Challenges in the Borders of the Islamic Republic of Iran and the Republic of Azerbaijan, *Journal of Border Science and Technology*, Vol.3, No.11, pp. 19-7.[In persian].
- 50) Aminbidokht, Ali Akbar. (2006) Ranking the level of development of the cities of Semnan province, *Journal of Geography Education Development*, Vol.21, No.1, pp. 23-17. [In persian]
- 51) Andalib, Alireza. & Matouf, Sharif. (2009) Development and Security in the Management of Border Areas of Iran, *Scientific Journal of Baghe Nazar*, Vol.6, No.12, pp. 76-57. [In persian].
- 52) Andalib, Alireza. (2001) *Basic Theory and Principles of Border Management of the Islamic Republic of Iran*, First Edition, Tehran: High War Publishing. [In persian].
- 53) Asadi-Fard, Mohammad. (2014) Investigating the components of insecurity in the eastern border areas of the country, *Journal of Border Science and Technology*, Vol. 3, No.11, pp. 66-43. [In persian]
- 54) Berimani, Faramarz et al. (2015) Analysis of the Relationship between Social Capital and Security Threatening Factors, Case Study: Border Settlements of Sistan and Baluchestan Province, *Quarterly Journal of Geography and Urban-Regional Planning*, Vol.8, No.26, pp. 178-159. [In persian]
- 55) Brunet, J. (2005) *Theorizing Border: An Interdisciplinary Perspective*. Geopolitic-10. pp 633-649.
- 56) Chugh, R. L. & Uppal, J.S. (1986) *Black Economy in India*. New Dehli: Tata Mc Graw – hill pub.co
- 57) Dandurand, Y. & Chin, V. (2004) *links Between Terrorism and Other Form of Crime*. A report submitted to Forign Affairs Canada and The United Nation Office on Drugs and Crime.
- 58) Eastgoldi, Mostafa et al. (2018) A meta-analysis of research conducted in the field of border cities, order and security in Sistan and Baluchestan province, *Journal of Political Geography Research*, Vol.4, No.2, pp. 61-33. [In persian]
- 59) Ebrahimzadeh Asmin, Hossein. & Abbasian, Mojtaba. (2010) Investigating the causes and reasons of trafficking in Sistan and Baluchestan province and ways to eliminate it, *Bimonthly of Human Development of the Police*, Vol.7, No.31, pp. 130-109. [In persian]
- 60) Etaat, Javad. & Mousavi, Seyedeh Zahra. (2008),= *Country Divisions and Sustainable Development Case Study: Iran*, *Geopolitical Quarterly*, Vol.4, No. 3, pp. 74-57. [In persian]
- 61) Etaat, Javad. & Nikzad, Ruhollah. (2016) The effect of political division of space on regional development (Case study: Provinces of the southern coast of Iran), *Human Geography Research*, Vol.48, No. 2, pp. 243-227. [In persian]

- 62) fani, zohre. (2014), Development, Sustainability and Globalization, First Edition, Tehran: National Center for Globalization Publications. [In persian].
- 63) Ghanbari, Abolfazl et al. (2015) Border Management Plan Strategy Based on AHP, SWO .Models (SWOT-ANP Case Study of Sistan and Baluchestan Province), Land Management Quarterly, Vol.7, No.1, pp. 164-145. [In persian].
- 64) Gholamrezaei, Yousefali. & Hassanabadi, Davood. (2017) Study and analysis of the system of national divisions in Iran with emphasis on scientific and geographical variables: A case study of Sistan and Baluchestan province, Journal of Geography (Regional Planning), Vol.8, No.1, pp. 298-277. [In persian].
- 65) Ghorbani Sepehr, Arash. et al. (2019) Analysis of Natural and Human Threats in Sistan and Baluchestan and its Security Consequences, Journal of Law Enforcement and Security, Vol.12, No.1, pp. 60-33. [In persian].
- 66) Hafeznia, Mohammad Reza. (2013) Political Geography of Iran, sixth edition, Tehran: Samat Publications. [In persian].
- 67) Hajinejad, Ali. (2000), Investigation of the phenomenon of smuggling of goods and ways to prevent it, the third conference on smuggling of goods on January 22, Tehran, Tarbiat Modares University. [In persian]
- 68) Hale, G. (2009) IN SEARCH OF EFFECTIVE BORDER MANAGEMENT. A CHANGING WORLD: CANADIAN FOREIGN PPOLICY PRIORITIES. N.3.
- 69) Janaparvar, Mohsen. & Qasri, Mohammad. (2014) Explaining the factors affecting the smuggling of goods across borders. The initial strategy of border management in Iran, Journal of Disciplinary Geography, Vol. 2, No.7, pp. 86-55. [In persian]
- 70) Johnston, B.F. & John, Cownie. (1996) The seed- Fertilizer Revolution and Labor Force Absorption. American Economic Review.
- 71) Karimipour, Yadollah. (2001) An Introduction to Iran and Its Neighbors Sources of Tension and Threat, First Edition, Tehran: Tarbiat Moallem University Press. [In persian].
- 72) Karimzadeh, Majid. (2016) A Study of Factors Affecting Commodity Smuggling and Its Impact on the Economy of Saravan Border City, Social Order Quarterly, Vol.8, No.2, pp. 17-32[In persian].
- 73) Kaviani, Hassan. et al. (2019) The Future of Researching Possible Scenarios of Terrorist Groups in Sistan and Baluchestan Province, Scientific Quarterly of Defense Strategy, Vol.17, No.65, pp. 139-111. [In persian].
- 74) Khalili, Mohsen. & Manshadi, Morteza. & Azmoudeh, Fahimeh. (2011) Geoeconomic requirements of the development of the southeastern

- region of Iran, Journal of Foreign Relations, Vol.3, No.4, pp. 124-81. [In persian].
- 75) Khkha-moghadam, Parisa. & Delbari, Masoumeh. (2017) Assessing the possibility of using wind energy in Sistan and Baluchestan province, Natural Geography Research, Vol.49, No.3, pp. 455-441. [In persian].
- 76) Meshkini, Abolfazl. & Trudast, Zahra. & Karami, Ahmad. (2019) Spatial explanation of the development ranking of cities in the border province of Ilam, Journal of Border Science and Technology, Vol.8, No.1, pp. 27-1. [In persian].
- 77) Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare (2020) A Brief Look at the Development Indicators of Sistan and Baluchestan Province, Deputy for Economic Affairs and Planning, Report No. 3. www.mcls.gov.ir/en/article/1536 [In persian].
- 78) Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare (2020) A Comparative Study of Provincial Economic Cognitions, Deputy Minister of Economic Affairs and Planning, Journal No. 11. www.mcls.gov.ir/en/article/1620 [In persian].
- 79) Miri, Fariba. & Turkmani, Javad. (2018) Assessing the degree of development of cities in Sistan and Baluchestan province: application of multi-criteria methods, Journal of Agricultural Economics, Vol.12, No.1, pp. 119-95. [In persian].
- 80) Mojtahedzadeh, Pirooz. (2010), Geopolitical Ideas and Iranian Realities, First Edition, Tehran: Ney Publishing. [In persian].
- 81) Mokhtariyehshi, Hussein. & Wazin, Narges. & GhaderiHajat, Mostafa. (2017) A Survey of Security Sustainability in Border Villages of Sistan and Baluchestan Province, Sarzamin Geographical Quarterly, Vol.14, No.54, pp. 60-43. [In persian].
- 82) Mousavi Jahromi, Yeganeh. (2015) Economic Development and Planning, 10th Edition, Tehran, Payame Noor University Press. [In persian].
- 83) Nami, Mohammad Hassan. (2016) Planning the Border Areas of the Islamic Republic of Iran with Emphasis on Development and Security, 9th Congress of the Iranian Geopolitical Association, November 2, 2016, Sistan and Baluchestan, Sistan and Baluchestan University. [In persian].
- 84) Pouladi, Hassan. et al. (2016) Modeling Factors Providing Sustainable Border Security; (Case study of Iran's eastern borders), Basij Strategic Studies Quarterly, Vol.19, No.72, pp. 149-125. [In persian]
- 85) Rabiee, Hossein. & Noor Mohammadi, Mahtab. (2016) Explaining the relationship between trafficking and the efficiency of governments and its role in the cycle of political acceptance, Strategic Research in Security and Social Order, Vol.5, No.1, pp. 15-28. [In persian].

- 86) Rahimi, Mohammad. & Pazand, Fatemeh. & Abdollahi, Ali Asghar. (2017) Potential Assessment of Solar Power Plants in Sistan and Baluchestan Province Using AHP Model and Fuzzy Zone, *Journal of Geography and Development*, Vol.15, No.49, pp. 36-23. [In persian].
- 87) Romina, Ibrahim. (2014). Theoretical explanation of smuggling of imported goods and its management in countries, *Geopolitical Quarterly*, Vol.10, No.33, pp. 83-105. [In persian].
- 88) Saeedi, Davood. & Nematullah, Omid. & Alamorjabi, Ali Akbar. (2011) Investigation of wind energy potential in North Khorasan province in Iran, *Journal of Energy Management*, Vol.1, No.1, pp. 56-49. [In persian].
- 89) Salimi-Sobhan, Mohammad Reza et al. (2017), Analysis of the characteristics and role of political geography of border cities in the spread of terrorist acts (Case study: Terrorist acts in Sistan and Baluchestan province), *Journal of Border Studies*, Vol.5, No. 3, pp. 126-85. [In persian].
- 90) Sarami, Hossein. (2005) Center for Urban and Rural Relationships and Relations, *Journal of Geographical Research*, Vol.20, No.2, pp. 112-100. [In persian].
- 91) Sarvar, Rahim. & Khaliji, Mohammad. (2015) Assessing the degree of development of Kohkiluyeh and Boyer-Ahmad cities, *Journal of Urban Research and Planning*, Vol. 6, No. 21, pp. 102-89. [In persian].
- 92) Simbor, Reza. & Azin, Sedigheh. (2019) Security Challenges of Sistan and Baluchestan following the Presence of Taliban and ISIS in Afghanistan, *Journal of Southwest Asia Studies*, Vol.2, No. 8, pp. 130-91. [In persian]
- 93) Todaro, Michael. (1990) *Economic Development in the Third World*, translated by Gholam Ali Farjadi, first edition, Tehran: Publication of the Higher Institute for Research in Planning and Development. [In persian]
- 94) Walker, M. & Winton, A. (2017) *Towards a theory of the discordant border*. Singapore *Journal of Tropical Geography*. 2017 Department of Geography, National University of Singapore and John Wiley & Sons Australia, Ltd.
- 95) Zaki, Yashar. (2019) *Textbook of Border Area Management and Planning*, Master of Geography, University of Tehran. [In persian].
- 96) Zarghani, Seyed Hadi. & Azami, Hadi. & Lotfi, Amin. (2013) A Study of Border Management Methods and Policies and Its Role in Border Security Case Study: Eastern Borders of Iran (Khorasan Razavi-Afghanistan), *Journal of Geography and Regional Development*, Vol. 11, No.20, pp. 108-83. [In persian].

<http://dor.net/dor/20.1001.1.25384090.1401.11.2.8.2>

Designing a Sustainable Border Security Management Model in Ardabil Province

Ahad Nowruzzadeh¹ -Assistant Professor, Department of Management,
Garmi Branch, Islamic Azad University, Germe, Iran.

Received: 18, March, 2022

Accepted: 19, June, 2022

Abstract

Today, security and development are two unstable components in the development of border areas. So that Sistan and Baluchistan province has always been in the low rank from the point of view of growth and development in the country's development ranking indicators, and on the other hand, regional and spatial imbalances between the central and border areas of this province seem very evident. This lack of development has provided conditions for creating and the growth of the phenomenon of smuggling. In this way, instead of solving the problem of underdevelopment as one of the main causes of the province's problems, due to security problems, the government has considered the issue of border security as a short-term solution for these areas. In this regard, the present research, which is analytical-explanatory in nature and was obtained through the collection of documents and the latest reports of government organizations in 2020 and 2021, documents and information contained in scientific books and documents and their content interpretation, has made an effort to analyze the effective factors and indicators, as well as the relationship between the three components of underdevelopment, smuggling and border security intensification in Sistan and Baluchistan province. According to the findings of the research, it was found that things such as lack of social justice, instability of security, the phenomenon of goods smuggling, spatial and geographical imbalances, population and settlement instability, reduction of political participation and political development, increase in political violence and terrorist activities, neighborhood with underdeveloped and insecure countries have affected the development and security cycle of the region.

Keywords: Sustainable border security, Smuggling, Production of Iranian goods, Ardabil province.

¹ - Corresponding author (Ahad.Norouzzadeh@iau.ac.ir)

طراحی الگوی مدیریت امنیت پایدار مرزی در استان اردبیلاحمد نوروززاده^۱ - استادیار گروه مدیریت، واحد گرمی، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمی، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۷

چکیده

مرزها سَمْبُلِ هویت و فرهنگ ملی افراد هستند و حفاظت از آن رابطه مستقیمی با توسعه پایدار دارد. سازوکارهای مدیریت امنیت مرزی پایدار در کشور باید به گونه‌ای طراحی شوند که در راستای حمایت از تولید داخل قرار گرفته و از بروز قاچاق جلوگیری گردد. با توجه به نقش اساسی و مهم امنیت در توسعه مناطق روستایی و شهری، بخصوص استان‌ها و نواحی مرزی کشور، شناسایی و ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر مقوله امنیت مرزی پایدار از اهمیت زیادی برخوردار است. در همین راستا این پژوهش باهدف طراحی الگویی برای مدیریت امنیت مرزی پایدار در دو مرحله کیفی و کمی انجام گرفته است. در بخش کیفی، از مصاحبه نیمه ساختاریافته و نظریه داده بنیاد استفاده شده است. جامعه آماری بخش کیفی ۳۰ نفر از مدیران استانداری و هنگ مرزی استان اردبیل بودند که به صورت هدفمند انتخاب شدند. جامعه آماری در بخش کمی نیز کلیه کارکنان استانداری اردبیل به تعداد ۲۸۰ نفر که مطابق جدول مورگان تعداد ۱۶۲ نفر و بر اساس روش نمونه گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات در این مرحله پرسشنامه محقق ساخته منتج از مرحله اول بوده است. مجموعه داده‌های به دست آمده بعد از طی فرآیند مستمر کدگذاری های باز، محوری و انتخابی در قالب ۹۰ کدباز، ۶۰ مفهوم، ۱۵ مقوله و ۶ طبقه بر اساس رویکرد سامان‌مند سازمان‌دهی شدند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد گسترش عوامل اقتصادی، از بین بردن فقر اقتصادی، افزایش توان نیروهای هنگ مرزی و ایجاد مشاغل پایدار در روستاها (با توجه به تعدد روستاهای مرزی) از مهم‌ترین عوامل ایجاد امنیت پایدار و جلوگیری از قاچاق کالا در مرزهای استان هست.

واژگان کلیدی: امنیت مرزی پایدار، قاچاق، تولید کالای ایرانی، استان اردبیل.

مقدمه

حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در یک دوراندیشی خردمندانه و مقابله با دشمنان انقلاب در حوزه اقتصادی و در راستای حمایت از تولید کالای داخلی، گفتمان اقتصاد مقاومتی و لزوم توجه به داخل را مطرح نمودند و فرمودند: "اگر تولید ملی با همت و پیگیری همگانی شتاب بگیرد، بسیاری از مشکلات معیشتی مردم و مسائل اشتغال و سرمایه‌گذاری حل خواهد شد و آسیب‌های اجتماعی کاهش زیادی خواهد یافت، بر همین اساس، نام و شعار امسال را «حمایت از کالای ایرانی» قرار داده‌ام" (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱/۱). رهبر معظم انقلاب در بیانات مختلفی راهکارهایی را برای مقابله با مشکلاتی از این دست در کشور و همچنین بهبود شرایط معیشتی مردم ارائه نموده‌اند. ایشان حل مشکلات کنونی کشور، از جمله مشکلات اقتصادی را در گرو تقویت تولید داخلی و لزوم مصرف این تولیدات در مقابل محصولات خارجی و عمل به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی عنوان کرده‌اند. مطمئناً با توجه به وضعیت کنونی کشور و با توجه به فشارهای بین‌المللی، حمایت مستمر از تولید داخلی و حمایت از کالای ایرانی و نگاه به اقتصاد درون‌محور بیشتر از گذشته در کشور احساس می‌شود. بر همین اساس و در راستای منویات مقام معظم رهبری حفظ امنیت مرزی و مدیریت آن در جهت جلوگیری از قاچاق کالا از ضروری‌ترین اقداماتی است که در این حوزه باید انجام گردد.

کنترل مرزها و محافظت از آن و ایجاد امنیت و آسایش در مرزها از وظایف اصلی مرزبانی کشور است و دست‌یافتن به چنین امنیتی به نظارتی دائمی در منطقه‌های مرزی نیاز دارد. نظارت دائمی برخلاف مأموریت‌های اطلاعاتی، نظارتی و شناسایی گذشته، مستلزم مشارکت نظام‌مند، مداوم و واقعی عناصر متعددی از جمله افراد، مناطق و مکان‌ها است (رسولی، ۱۳۹۵: ۱۸۸). امنیت مرزی به معنای جلوگیری از هرگونه کار خلاف قانون در طول مرزهای یک کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل‌ونقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. آشکار است هرگونه ناامنی در مرز قادر است در سیستم‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی

داخل کشور اخلاص ایجاد کند در مقابل امنیت مطلوب قادر است در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد. از این رو سعی کشورها بر این است که تا حد امکان مرزهای آن‌ها جز در برخی گذرگاه‌های توافق شده و مجاز غیرقابل نفوذ باشد تا به این وسیله حاکمیت آن‌ها بر سرزمین خود دچار خدشه نشود و امنیت کشور در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی آسیب نبیند. در میان کشورها تنها دولت‌هایی مانند اتحاد جماهیر شوروی سابق یوگسلاوی، کوبا و چند دولت اروپایی و آمریکای شمالی قادر به ایجاد سیستم و مدیریت موثر برای اداره مرزها شده‌اند. زیرا کنترل مؤثر بر مرز نیاز به هزینه‌های سنگین، سیستم‌های کنترلی منطبق بر نوع مرز، نیروهای سازمان‌یافته ویژه مرزی، تفاهم و همکاری موثر دولت‌های همسایه و حمایت سازمان‌های رسمی بین‌المللی دارد. به همین دلیل دولت‌های ایران نیز مانند بیشتر دولت‌های جهان از عهده تهیه و تنظیم سازگاری مناسب و کارآمد برای اداره مرزهای کشور بر نیامده‌اند (زرقانی و رضوی‌نژاد، ۱۳۹۲: ۴).

متأسفانه با وجود اینکه کشور ما از منابع و امکانات بسیاری در حوزه‌های مختلف بخصوص منابع طبیعی (نفت و گاز و ...) برخوردار است، با این حال با مسائل و مشکلات فراوانی از جمله مسائل اقتصادی و قاچاق روبه‌رو است. قاچاق کالا تا سال‌های نه‌چندان دور به شکل کنونی و به عنوان یک مسئله «امنیتی» مطرح نبود، اما به تدریج، با افزایش روزافزون آن و تسری به انواع کالاها و نیز تغییر سیاست‌های تجاری و اقتصادی دولت، رفته‌رفته به یک تهدید مبدل شد (وطن‌پور، ۱۳۸۷: ۷۰). پدیده قاچاق از جمله عوامل بی‌ثبات‌کننده اوضاع کشور بوده که امنیت ملی کشور را نیز مختل می‌کند که علل و عوامل ایجادکننده آن و همچنین پیامدها و نتایج آن نیز برحسب مورد، متفاوت خواهد بود (مجتهدزاده و عسگری، ۱۳۹۲). توسعه و امنیت پایدار از جنبه‌های مهم در مطالعات نوین هستند که اهمیت آن‌ها در مناطق مرزی با توجه به گره خوردن این دو مقوله به هم دوچندان می‌شود، به گونه‌ای که اگر کارگزاران در برنامه‌ریزی‌های راهبردی با یک دیدگاه عادلانه و شناخت

آینده‌نگرانه نسبت به این مناطق در زمینه تحقق توسعه پایدار و آن روی سکه یعنی امنیت پایدار ننگرند، در این مناطق، شاهد تهدیداتی علیه منافع ملی خواهیم بود.

از سوی دیگر با توجه به نقش اساسی و مهم امنیت در توسعه مناطق روستایی و شهری، بخصوص استان‌ها و نواحی مرزی کشور، شناسایی و ارزیابی عوامل تأثیرگذار بر مقوله امنیت مرزی پایدار از اهمیت زیادی برخوردار است. گما اینکه دیدگاه‌ها و نظریه‌های جدید در حوزه امنیت مناطق مرزی نیز بر استراتژی توسعه پایدار محور برای این‌گونه مناطق تأکید دارند. استان اردبیل، یکی از مهم‌ترین استان‌های منطقه شمال غرب کشور است که یک منطقه مرزی محسوب می‌شود. این استان با ۳۶۹ کیلومتر مرز مشترک با کشور تازه تأسیس جمهوری آذربایجان و با برخورداری از محیط طبیعی (منطقه‌ای کشاورزی با زمستان‌های سرد) و انسانی ویژه (استقرار اقوام آذری‌زبان) در کنار کمبود زیرساخت‌های توسعه و ضعف بنیان‌های اقتصادی، نیازمند برنامه‌های توسعه و آمایش سرزمین با ملاحظات خاص دفاعی و امنیتی است. کارکرد مرزهای جمهوری اسلامی ایران و کشور آذربایجان در محدوده استان اردبیل به دلیل کنترل مؤثر ناکافی از موضوعات قابل بحث و بررسی است. تردهای غیرقانونی مرزی، قاچاق کالا، مواد مخدر، مشروبات الکلی و برخی تحرکات امنیتی در شمار کارکردهای روزمره دو کشور است. استمرار چنین وضعی به ویژه هنگام حاد شدن مسائلی مثل مسئله قره‌باغ ممکن است در دو سوی مرز (با توجه به ترکیب جمعیتی این دو ناحیه) به اختلال اجتماعی منجر شود. همچنین جمهوری آذربایجان با موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی خود در منطقه قفقاز، می‌تواند با همکاری کشورهای آمریکا، رژیم صهیونیستی و پیمان ناتو، در آینده تهدیدهایی را برای جمهوری اسلامی ایران از سوی شمال به وجود آورد. جمهوری آذربایجان برای رسیدن به اهداف خود با دشمنان جمهوری اسلامی ایران همکاری و زمینه‌های نفوذ آن‌ها را فراهم می‌کند. حضور ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در کشورهای پیرامون جمهوری اسلامی ایران برای به چالش کشیدن امنیت ملی ایران همواره یکی از سیاست‌های اصلی این کشورها در قبال ایران به‌ویژه در سال‌های اخیر بوده است. گفتنی است مناطق مرزی

استان اردبیل و جمهوری آذربایجان از جنبه های مختلف واجد ویژگی هایی خاص است که در آمایش دفاعی و امنیتی استان اردبیل نقشی تعیین کننده دارد. نکته مهم در بررسی مرزهای جمهوری اسلامی ایران در استان اردبیل، پیدایش و تطبیق مرزها با گسترش و پراکندگی گروه های قومی و زبانی است. از این دیدگاه، مرزهای این منطقه از نوع تحمیلی است و خطوط مرزی بدون توجه به سیمای فرهنگی منطقه به وجود آمده است و مردم استان اردبیل و جمهوری آذربایجان به رغم اشتراکات فرهنگی و ریشه های نژادی یکسان، از هم جدا شده اند. امروزه همین تحمیلی بودن مرز پیامدهای امنیتی خاص خود را دارد که نیازمند بررسی است. همچنین مرزهای این استان بیشتر از نوع مرزهای طبیعی است. موضوع مهم دیگری که در بررسی مکانی مناطق مرزی استان اردبیل باید به آن توجه کرد، محل استقرار پاسگاه های مرزی است که در دوره جنگ سرد ایجاد شده اند و نیازمند ساماندهی دوباره با ملاحظات آمایش دفاعی - امنیتی هستند (سعیدی و کفاش جمشید، ۱۳۹۲: ۴۳).

برای تحقق توسعه و امنیت پایدار این استان در برنامه ریزی های راهبردی نیازمند شناخت تنگناها و پتانسیل های توسعه ای آن در چارچوب رویکرد آمایشی هستیم؛ به گونه ای که با ساماندهی فعالیت ها، امکانات و زیرساخت ها، اهداف متفاوت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی - امنیتی دنبال شود. این اقدامات بسته به اولویت دهی در برنامه ریزی ها می تواند توسعه و امنیت را برای استان ایجاد کند و یا اینکه با پیوند ندادن دو مقوله توسعه و امنیت پایدار با طرح ها و رهیافت های آمایشی، زمینه بروز تهدیدهای مختلف را در آینده برای این استان رقم زد. بررسی تحقیقات پیشین در حوزه امنیت پایدار نشان دهنده این امر است که تا به حال در هیچ یک از پژوهش های انجام یافته عوامل مؤثر در امنیت مرزی پایدار در استان اردبیل بررسی نگردیده و خلأ مطالعات تجربی در این حوزه در استان اردبیل وجود دارد و این استان به سبب تشابهات فراوان با کشور آذربایجان دارای موقعیت استراتژیک مهمی در منطقه هست که تقویت مؤلفه های مؤثر بر امنیت پایدار می تواند متضمن دوستی بیشتر و روابط هر چه بهتر با این کشور باشد. از این رو برای رسیدن و بهبود امنیت پایدار نیازمند مشارکت اساسی مردم منطقه بخصوص مرزنشینان هستیم. برای این منظور ابتدا باید لوازم

این مشارکت را فراهم آورد. از جمله ملزومات آن می‌توان به اعتماد و رضایت مردم اشاره داشت که این موضوع نیز خود در سایه رفع محرومیت‌ها و واگذاری بخشی از امور به دست مردم میسر می‌شود. ضمن اینکه حمایت از کالای ایرانی باعث بهبود بازار داخلی و اشتغال پایدار در نهایت امنیت مرزی پایدار می‌گردد. در مجموع استان اردبیل به دلیل رتبه پایین در شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی، ضعف ارتباطات و تجارت، تنوع جغرافیایی مرزی، همسایگی با کشور آذربایجان و مواردی از این دست نیازمند بازطراحی الگوها و مدل‌های موجود برای تقویت امنیت پایدار مرزی خود هست. در همین راستا اهداف این پژوهش نیز طراحی الگوی مدیریت امنیت پایدار مرزی با در نظر گرفتن ملاحظات دفاعی و امنیتی در راستای کاهش تهدیدهای نظامی و امنیتی احتمالی در آینده است. لذا در این پژوهش در طرح سؤالاتی از جمله؛ ۱- شاخص‌های مؤثر در مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل کدام‌اند؟ ۲- عوامل مؤثر در مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل کدام‌اند؟ ۳- مدل بهینه برای تبیین عوامل مؤثر در مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل چگونه هست؟ و ۴- اعتبارسنجی مدل ارائه شده چگونه امکان‌پذیر است؟ الگویی برای مدیریت امنیت مرزی پایدار طراحی شده تا با استفاده از آن شاخص‌های مؤثر در ایجاد این الگو شناسایی، زمینه برای ایجاد امنیت پایدار در مرزهای استان تقویت گردد.

پیشینه پژوهش

مودودی آرخودی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد امنیت پایدار در روستاهای مرزی برحسب فاصله از مرز (مورد مطالعه: روستاهای مرزی خراسان رضوی) به این موضوع پرداخته است. نویسنده با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به این نتیجه رسید که میزان رضایت از شاخص اقتصادی کمتر از سایر شاخص‌ها اجتماعی و سیاسی است و با توجه به آزمون رگرسیون و تحلیل مسیر، این شاخص نقش بسیار مهمی در ایجاد و احساس امنیت روستاهای مرزی دارد. حسین‌بر و انوری (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان آمایش مناطق مرزی با تأکید بر امنیت پایدار در جهت تحقق توسعه پایدار شهری از

دیدگاه کارشناسان (مورد مطالعه: شهر گشت) باهدف بررسی تأثیر امنیت پایدار و عوامل مرتبط مرزی بر توسعه پایدار شهری از دیدگاه کارشناسان در منطقه مرزی گشت با معادلات ساختاری نشان داد، سطح معنی داری برای فرضیات در پرسشنامه از ۰/۰۵ کوچک تر و میانگین هم از ۳ بزرگ تر است. لذا امنیت پایدار مناطق مرزی می تواند موجب تحقق توسعه پایدار شهرهای مرزی (شهر گشت) گردد. محمدی فر و مرادی (۱۳۹۹) در مطالعه ای با عنوان مؤلفه های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه باهدف مطالعه مؤلفه های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه در میان صاحب نظران و متخصصین آگاه به موضوع پژوهش و شهروندان مناطق مرزی استان کرمانشاه نشان داد که امنیت پایدار مرزی از دیدگاه پاسخگویان دارای ۱۹ شاخص هست که در شش مقوله مشترک؛ امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی، امنیت زیست محیطی، امنیت نظامی و امنیت فرهنگی قرار گرفتند. شهری ثانی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بررسی وضعیت جمعیتی مناطق مرزی ایران و اثر آن بر امنیت پایدار مطالعه موردی: استان خوزستان با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل تحولات جمعیتی در استان خوزستان پرداخته و آسیب ها و مسائل امنیتی متأثر از این تحولات را شناسایی نمودند. نتایج به دست آمده، بیانگر کاهش رشد جمعیت و افزایش مهاجر فرستی این استان در دو دهه اخیر بوده است. خالص مهاجرتی منفی در رشد جمعیت، درصد جمعیت فعال، ساختار سنی، میانگین سن ازدواج و بعد خانوار این استان تأثیر بسزای داشته و به عنوان یک تهدید جدی برای امنیت پایدار در منطقه و کشور مطرح است. از این رو در برنامه ریزی های کلان ملی و منطقه ای توجه جدی به این مسئله باید در دستور کار قرار گیرد.

مبانی نظری

جهانی شدن از بسیاری جهات، گفتمان مربوط به مرزها را بازتعریف کرده است. در حالی که برخی از کشورها از مرکزگرایی دولتی حمایت می کنند و عملکرد مرزها را به عنوان موانعی برای ورود "دیگران" می بینند، برخی دیگر از کشورها مرزها را به عنوان

پل‌هایی برای ارتباط نزدیک‌تر انسانی و ابزاری کاربردی برای مبارزه با نژادپرستی می‌دانند. مرزها اکنون به‌عنوان فیلترهایی عمل می‌کنند که اجازه می‌دهد ارتباطات قابل توجهی بین افراد برقرار شود و درعین حال تهدیدها را دور نگه می‌دارد. مرزها به‌عنوان ابزاری برای مدیریت بازار کار یک دولت استفاده می‌شود و همچنین مرزها معرف مسائل امور خارجی و چالش‌های امنیتی نیز هستند. درعین حال مرزها به‌طور مساوی هویت تعلق و عدم تعلق ایجاد می‌کنند (Ikotun et al, 2021: 298).

امنیت از کلمه امن به معنای بیمناک نبودن و نترسیدن گرفته شده است و به‌عنوان دستیابی به اطمینان و آرامش و رهایی از ترس نام برده می‌شود. امنیت در فرهنگ معین به معنای ایمن شدن در امان بودن تعریف شده است. امنیت وجود تصمیم برای توسعه اقتصادی اجتماعی و روانی و بازتاب ترقی و پیشرفت آدمی است. امنیت آزادی از عدم امنیت است. در کل باید گفت که امنیت مرزی کشور عبارت است از داشتن یا به دست آوردن اطمینان نسبت به سلامت موجودیت و مالکیت اعتبار و موقعیت و نسبت به هر چیز که زیر سطح منافع ملی قرار می‌گیرد. ناامنی زمانی بروز پیدا می‌کند که سلامت موجودیت و مالکیت و اعتبار و موقعیت یا منافع کشور یا منابع ملی کشور از سوی دولت‌های دیگر تهدید می‌شود. ریشه بخش عمده‌ای از مشکلاتی که در داخل کشور بروز پیدا می‌کند را بایستی در مرزها جستجو کرد. امنیت مرز به معنای جلوگیری از هرگونه اعمال خلاف قانون در طول مرزهای کشور و قانونی کردن تردد اشخاص و حمل‌ونقل کالا و حیوانات اهلی با رعایت ضوابط قانونی و از طریق دروازه‌های مجاز مرزی است. بدیهی است که هرگونه ناامنی در مرز قادر است که در سامانه‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی داخل کشور اختلال ایجاد کند و در مقابل امنیت مطلوب قادر است در امنیت مرزی و داخلی کشور سهم بسیار برجسته‌ای را به خود اختصاص دهد. منظور از بیشتر رعایت کردن قوانین و مقررات مرزی در تردهای مرزی و ورود و خروج کالا و وسایل موردنیاز، عدم گرایش مرزبانان و مرزنشینان به کشورهای همسایه یا ملحق شدن به گروه‌های معارض است (قاسمی و صفی‌پور، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

رویکردهای مختلف توسعه امنیت در مناطق مرزی: با توجه به نتایج حاصل از مطالعه و تحلیل تجربیات جهانی و مرور دیدگاه و نظریه‌های توسعه و امنیت در مناطق مرزی می‌توان به طور کلی نگرش‌های حاکم را بر اساس نوع ساختارهای نظام سیاسی اقتصادی به چهار گروه به شرح زیر تقسیم کرد:

الف: نگرش قائل به تقدم امنیت بر توسعه: این نگرش قائل به انجام توسعه در بستر امنیت در مناطق مرزی است. در این دیدگاه نخست باید امنیت برقرار باشد تا در مرحله دوم توسعه صورت بگیرد. به عبارت دیگر معتقدان به این دیدگاه تحقق امنیت را شرط لازم و مقدم بر تحقق توسعه می‌دانند.

ب: نظرش قائل به تقدم توسعه بر امنیت: این نگرش معتقد به تحقق امنیت از طریق توسعه است. محور این اعتقاد بر این نظریه استوار است که از طریق توسعه مناطق مرزی می‌توان به استقرار امنیت رسید. از این رو در این نگرش اولویت اول به توسعه و اولویت دوم به امنیت داده می‌شود.

ج: نگرش قائل به درک متقابل توسعه و امنیت: در این نگرش عقیده غالب بر آن نیست که امنیت و توسعه بر یکدیگر مقدم‌اند بلکه ارتباط هم‌ارز و هم‌سنگ توسعه و امنیت برای آن‌ها حائز اهمیت است. امنیت در کشورهایی که به این دیدگاه معتقد هستند توسعه هم‌سنگ و در ارتباط با یکدیگر است. به عبارت دیگر در این کشورها درک متقابلی از توسعه و امنیت دیده می‌شود و آن‌ها را لازم و ملزوم یکدیگر می‌دانند.

د: نگرش قائل به تفکیک توسعه و امنیت در عرصه عمل: در این دیدگاه ارتباط بین توسعه و امنیت نادیده گرفته شده و درک متقابل از دست‌اندرکاران توسعه و امنیت نسبت به یکدیگر برقرار نشده است و توسعه و امنیت بدون هماهنگی هر یک راه خود را می‌پیماید. بنابراین بحث اولویت نیز به طور جداگانه در هر دو میدان توسعه و امنیت، توسط مسئولان آن‌ها مطرح می‌شود و مورد توجه قرار می‌گیرد (سعادت‌ی جعفرآبادی، ۱۳۹۱: ۱۲۸۲).

از سوی دیگر با افزایش مبادلات مرزی بین دو کشور همسایه بخصوص کشورهای که مرز طولانی و صعب‌العبور مشترک زیادی با یکدیگر دارند، انگیزه زیادی برای قاچاق کالا

بین افراد ایجاد می‌شود. در صورتی که دو کشور همسایه مدیریت امنیتی و حفاظتی از مرزها را به درستی انجام ندهند این نوع فعالیت‌ها به اشکال مختلف و تحت عناوین مختلف از جمله زیرزمینی، خاکستری، سیاه و غیررسمی صورت خواهد گرفت؛ اقتصاد هر دو کشور تحت تأثیر قرار خواهد گرفت چرا که سازوکارهای مدیریت امنیت مرزی به‌طور مؤثر نتوانسته از ورود غیرقانونی کالا به داخل کشور ممانعت کند (Hung & Ngo, 2019: 242). بنابراین مدیریت هماهنگ مرزها، اگر به درستی اجرا شود، می‌تواند مزایای قابل توجهی را برای هر دو کشور فراهم کند، کشورها می‌توانند منابع خود را بهینه کنند و مرزها را به‌طور مؤثر و کارآمد مدیریت کنند که لازمه آن همکاری دو کشور با یکدیگر و همچنین همکاری همه‌جانبه دولت با افرادی است که در مرزها ساکن هستند که در این صورت ریسک ناشی از اجرای برنامه‌های مدیریت امنیت مرزها کاهش خواهد یافت (Polner, 2011: 60).

به عبارت دیگر یکی از اولویت‌های اصلی هر کشوری داشتن امنیتی مؤثر و پایدار، بهبود تبادل اطلاعات در مرزها، تقویت سیستم‌های اطلاعاتی مرزی و افزایش امنیت در مرزهای خارجی خود است که می‌تواند با وضع قوانین و مقرراتی جامع و کامل، آرامش اقتصادی و اجتماعی و سیاسی را در کشور به همراه داشته باشد (Cica & Filipoaia, 2017: 1). تحقیقات در مورد وضعیت و توسعه و امنیت مناطق مرزی به دلیل تغییرات قابل توجه در ژئوپلیتیک و اقتصاد کشورها و ارتباط آن با امنیت ملی، در حال حاضر مهم‌ترین چالش کشورها بشمار می‌رود (Bobrovskaya et al, 2019: 293). همچنین یکی از حوزه‌های جدید در مطالعات علوم انسانی و حوزه نیازسنجی و برنامه‌ریزی برای توسعه کشور، مطالعه مناطق مرزی است که ابعاد و ویژگی‌ها، مدل‌ها و آسیب‌های احتمالی در آن کمتر مورد توجه و ارزیابی قرار گرفته است (عندلیب و مطوف، ۱۳۸۸: ۵۸). موضوع امنیت و تأثیرات آن بر دیگر ابعاد کلان اجتماع از جمله بر اقتصاد، فرهنگ، علم و فناوری بر کسی پوشیده نیست. بی‌شک در جوامعی که ضریب امنیتی بالایی دارند می‌توان سنگ بنای اقدامات مهم اقتصادی و فرهنگی را بنا نمود. اما در صورت فقدان امنیت، پایه‌های اقتصادی

و فرهنگی جامعه از هم خواهد پاشید (پولادی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۶). از نگاه آرنولد ولفرز^۱، امنیت درجه‌ای از حفاظت از ارزش‌های کسب‌شده تعریف می‌شود. امنیت تا قبل از سال ۱۹۹۱ یعنی فروپاشی نظام دو قطبی و پایان جنگ سرد بیشتر مفهومی نظامی داشت و بر بُعد نظامی آن بیشتر تأکید می‌شد و سایر ابعاد امنیت در حاشیه قرار می‌گرفتند و این تصور شکل گرفته بود که امنیت فقط یک بُعد دارد و آن هم بُعد نظامی است اما به مرور زمان این مهم مشخص گردید که با تأکید بر یک جنبه امنیت نمی‌توان به توسعه همه‌جانبه و یکپارچه دست یافت و برای دستیابی به توسعه باید به سایر جنبه‌های آن نیز توجه نمود (ویسی، ۱۳۹۵: ۱۷۲). امروزه وقتی از مفهوم امنیت سخن به میان می‌آید دیگر تنها جنبه نظامی آن مورد توجه نیست، بلکه این مفهوم ابعاد بسیار گسترده‌ای را شامل می‌شود و دیگر نمی‌توان گفت که امنیت فقط یک بُعد دارد و آن هم بُعد نظامی است. امنیت پایدار دارای ابعاد اجتماعی، اقتصادی و حتی زیست‌محیطی هست و در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور امنیت پایدار به مفهوم توسعه شاخص‌های امنیتی در جهت جلوگیری از ناپایداری و اختلالات مهم اجتماعی است (قیصری، ۱۳۹۲: ۴۷). در هر صورت امنیت در مرزهای کشور پشتوانه و عاملی محکم و باثبات برای حفظ امنیت انسانی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی با ابعاد مختلف در داخل کشور بوده و بروز اختلال و هرگونه ناامنی در مرزهای کشور می‌تواند سیستم‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و نظامی کشور را تحت تأثیر قرار دهد (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۶۹).

روش پژوهش

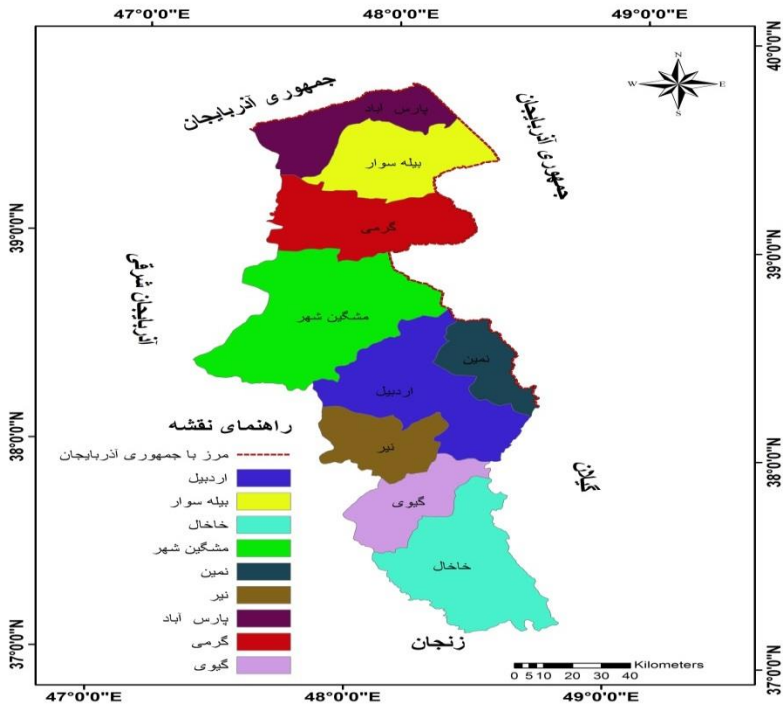
این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از جهت روش گردآوری داده‌ها، توصیفی و به‌طور مشخص ترکیبی از نوع توصیفی-اکتشافی و پیمایشی است که با دو رویکرد کیفی و کمی انجام شده است. روش‌شناسی پژوهش در مرحله اول کیفی از نوع مصاحبه عمیق توسط محقق و اجرای روش داده‌بنیاد هست. روش‌شناسی تحقیق در مرحله دوم کمی هست و به شیوه پیمایشی اجرا گردیده است. جامعه آماری برای بخش کیفی به جهت استفاده از روش

داده بنیاد تعداد ۳۰ نفر از مدیران استانداری و فرماندهی هنگ مرزی استان اردبیل می‌باشند که به صورت هدفمند انتخاب شدند و بعد از اشباع نظری در مصاحبه، فرآیند کدگذاری انجام گرفت. جامعه آماری در بخش کمی نیز کلیه کارکنان استانداری اردبیل به تعداد ۲۸۰ نفر بودند که بر اساس جدول مورگان تعداد ۱۶۲ نفر و بر اساس روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای و به صورت نسبی انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل سؤالات در مرحله اول، کدهای ساختاری به سه روش کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی جمع‌آوری شدند و در مرحله دوم نیز به دلیل بررسی برازش مدل به دست آمده از مرحله اول، از روش حداقل مربعات تعمیم یافته و بوت استرپینگ در نرم‌افزار Smart PLS استفاده شده است.

محدوده مورد مطالعه

استان اردبیل، دارای حدود ۳۶۹ کیلومتر مرز مشترک با کشور جمهوری آذربایجان هست، که از علامت مرزی ۵۰/۲ دریاچه سد میل مغان، بخش اصلاندوز شهرستان پارس آباد، آغاز و در امتداد رودخانه مرزی ارس ادامه یافته، تا در علامت مرزی ۶۴ مرز از رودخانه جدا و رودخانه وارد خاک آذربایجان می‌گردد. از محل علامت مرزی در منطقه پارس آباد مرز به طور مستقیم از میان جلگه مغان عبور نموده تا شهرستان بیله‌سوار ادامه پیدا می‌کند. در این قسمت خط مرز رودخانه بالهارود را قطع کرده و در بخشی از آن، مسیر این رودخانه را طی می‌کند و به ارتفاعات تالش می‌رسد. در علامت مرزی ۱۳۰ اصلی و در گردنه حیران و بالای تونل محور مواصلاتی اصلی آستارا به اردبیل در شهرستان نمین خاتمه می‌پذیرد. از مجموع نوار مرزی ذکر شده، وضعیت نوار مرزی در نمین، رضی، گرمی و بیله‌سوار تا حدودی کوهستانی، صعب‌العبور، خشن و برف‌گیر هست و بدین ترتیب از اصلاندوز تا علامت مرزی ۶۴ رودخانه مرزی پرآب و فعال ارس و از علامت مرزی ۶۷ اصلی (شهر بیله‌سوار)، تا علامت ۹۳ اصلی (سرچشمه بالهارود)، مرز مورد بحث را رودخانه فصلی بالهارود تشکیل می‌دهد که این رودخانه به جز در زمستان و ماه‌هایی از بهار و پاییز، معمولاً آب چندانی ندارد. از مجموع مرز خشکی توصیف شده، فقط ۳۵

کیلومتر آن در دشت هموار مغان و در حد واسط شهرستان پارس آباد به بیله سوار واقع گردیده است (ستاره و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۶). لازم به توضیح است که استان اردبیل دارای ۱۹ بخش و ۶۹ دهستان و ۱۸۵۵ آبادی است (غفاری گیلانده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۸). بیشتر این نواحی نیز در مناطق مرزی قرار دارد که در شکل شماره ۱ ارائه شده است.



شکل شماره ۱. موقعیت استان اردبیل، شهرستان‌ها و بخش‌ها و دهستان‌های تابعه

بحث و یافته‌ها

بعد از تحلیل کیفی صورت گرفته که منجر به شناسایی کدهای اولیه شد، این کدها با توجه به شباهت و سنخیت داده‌ها، در چند مقوله دسته‌بندی شدند و در نهایت مقوله‌ها نیز در طبقات ویژه‌ای قرار گرفتند. داده‌ها بعد از تحلیل مستمر و کدگذاری‌های باز، محوری و انتخابی، در قالب ۹۰ کد باز، ۶۰ مفهوم، ۱۵ مقوله و ۶ طبقه (شرایط مداخله‌گر، شرایط علی، شرایط محوری، پیامدها، راهبردها و شرایط زمینه‌ای) سازمان‌دهی شدند. در واقع این

داده‌ها، معیارهای مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل را نمایان کرده و کم‌وکاستی‌ها و معایب و عوامل مداخله‌گر و شرایط علی و پیامدهای مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل را بر اساس معیارهای موجود بیان کردند و الگوی جدیدی برای مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل پدیدار شد.

مرحله اول: کدگذاری باز

نتایج حاصل از بررسی داده‌ها و مفهوم‌یابی عبارات در جدول شماره ۱ ارائه شده است. این جدول خلاصه‌ای از تمامی کدهای اولیه‌ای است که در پژوهش مشاهده شده و سعی شده است از درج کدهای تکراری و یا کدهایی که مفاهیم مشترک بسیار نزدیکی با یکدیگر دارند پرهیز گردد. در طول فرآیند کدگذاری باز سعی شده است تا از مفهیمی که توسط خود مصاحبه‌شوندگان مطرح گردیده استفاده شود و در مواردی که امکان این کار وجود نداشته از مفاهیم فنی ادبیات و مرور سوابق و تحقیقات گذشته استفاده شده است.

جدول شماره ۱. فهرست مجموعه کدهای اولیه مستخرج از داده‌ها

ردیف	کدهای اولیه	ردیف	کدهای اولیه
۱	افزایش سرمایه اجتماعی به افزایش قدرت نرم و درنهایت تأمین امنیت پایدار مرزی	۴۶	استفاده از امکانات موجود مردم
۲	تهیه برنامه‌های آموزش خلاقیت و نوآوری در امنیت مرزی پایدار	۴۷	تقویت هویت ملی در مناطق مرزی در راستای حمایت از کالای ایرانی
۳	توسعه تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی با کشور جمهوری آذربایجان	۴۸	بهبود هویت ملی در منطقه
۴	شناسایی و برطرف نمودن مسائل و مشکلات مرزنشینان	۴۹	جلوگیری از تفرقه‌افکنی در مناطق مرزی
۵	تهیه و ارائه طرح‌های توسعه‌ای جهت کنترل مرزهای استان اردبیل	۵۰	تفاوت قومی و مذهبی با حکومت مرکزی در مناطق مرزی
۶	استفاده از تجهیزات فنی و الکترونیکی در مناطق مرزی	۵۱	افزایش درآمد مرزنشینان با تکیه بر تولیدات داخلی
۷	شناسایی و ایجاد فرصت‌های کارآفرینانه	۵۲	رونق دادن به بازارچه‌های مرزی در استان

ردیف	کدهای اولیه	ردیف	کدهای اولیه
			اردبیل
۸	توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های مرزنشینان	۵۳	تدوین قوانینی در راستای افزایش عدالت اقتصادی
۹	بی‌سوادی و عدم شناخت در حمایت از کالای ایرانی	۵۴	احداث جاده و فراهم کردن امکانات حمل و نقل ریلی
۱۰	تشریح فعالیت‌های دولت و سازمان‌های مرتبط در مناطق مرزی برای حمایت از کالای ایرانی	۵۵	گسترش مناطق آزاد تجاری و رونق کسب و کارها در مناطق مرزی استان
۱۱	فقدان زیرساخت‌های حمل و نقل و اقتصادی	۵۶	تبدیل مناطق مرزی به منابع درآمدی پایدار دولت
۱۲	توسعه نیافتگی مناطق مرزی در استان اردبیل و خالی از سکنه شدن روستاهای مرزی	۵۷	رفاه مرزنشینان و افزایش تولید کالای ایرانی
۱۳	تفاوت فاحش قیمت کالاها بین دو کشور ایران و آذربایجان	۵۸	تهیه و تدوین برنامه مناسب برای جذب سرمایه‌گذار در مناطق مرزی استان اردبیل
۱۴	وجود عوارض جغرافیایی وسیع در مناطق مرزی استان اردبیل	۵۹	جابجایی دیدگاه‌های توسعه محور با دیدگاه‌های رفاه محور در مناطق مرزی
۱۵	عدم کنترل دقیق مناطق مرزی و فاصله از مرکز کشور	۶۰	واردات برخی از کالاهای غیر ضروری
۱۶	تنوع انواع مختلف مرز آبی و کوهستانی در استان اردبیل	۶۱	فرهنگ خرید کالاهای خارجی
۱۷	واپایش تردهای غیرمجاز در مناطق مرزی	۶۲	نبود کالای خارجی در وسعت موجود جهت حمایت کالای ایرانی
۱۸	وجود منابع مشترک با کشور آذربایجان	۶۳	نشان دادن نابودی فرصت‌های شغلی و کاهش تولیدات داخلی
۱۹	جلوگیری از خروج تولیدات داخلی در مناطق مرزی	۶۴	تهیه برنامه‌هایی جهت معرفی مزایای استفاده از کالای ایرانی
۲۰	رخنه عوامل دشمن در خاک کشور	۶۵	ایجاد و تقویت ناسیونالیسم قومی

ردیف	کدهای اولیه	ردیف	کدهای اولیه
آذربایجان			
۲۱	استقرار و توسعه هنگ‌های مرزی در استان اردبیل	۶۶	عدم آموزش گسترده نیروهای انسانی در ابعاد مختلف نظامی، امنیتی، سیاسی و ...
۲۲	تقویت کارایی نیروهای امنیتی در مناطق مرزی	۶۷	حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای
۲۳	اطلاع‌رسانی کافی در مورد مقررات مناطق مرزی	۶۸	وجود قاچاقچیان و اشرار
۲۴	افزایش توان نظامی داخلی با تکیه بر تولیدات داخلی	۶۹	اهمیت یافتن هویت‌های مذهبی به‌جای ملی
۲۵	مدیریت ترکیبی و یکپارچه مناطق مرزی	۷۰	بازنگری در تعاریف حریم قرمز و زرد مرزی باهدف تأمین منافع مرز نشینان
۲۶	استفاده از حمایت مردم منطقه	۷۱	تجمع تعدادی از روستاهای کم‌جمعیت واقع در نقطه صفر مرزی باهدف خدمات‌رسانی مناسب
۲۷	بهره‌مندی از منابع و پتانسیل‌های بالقوه موجود در مرزهای استان	۷۲	ایجاد طرح‌های عمرانی رودخانه‌های مرزی شامل ساحل بندی برای جلوگیری خسارت سیل رودخانه‌های مرزی
۲۸	گسترش توسعه سیاسی در تصمیمات و تصمیم‌سازی‌ها	۷۳	توسعه روابط فرهنگی و آموزشی اقتصادی با کشور مقابل
۲۹	بسترسازی برای تثبیت هنجارهای امنیت بخش در مناطق مرزی	۷۴	هدایت واحدهای صنعتی بزرگ به جوار مرزی
۳۰	برقراری آرامش روانی فردی و اجتماعی	۷۵	توسعه مراکز فرهنگی و دانشگاهی و آموزشی مناطق مرزی
۳۱	بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در بخش معدن و صنایع جنبی آن	۷۶	جلب مشارکت در انتظام بخشی در مرزها
۳۲	گسترش زیرساخت‌های دفاعی و پدافند عامل و غیرعامل	۷۷	ایجاد شهرک صنعتی مشترک مرزی
۳۳	گسترش زیرساخت‌های فرهنگی و	۷۸	برآورد مأموریت‌ها وظایف دستگاه‌های

ردیف	کدهای اولیه	ردیف	کدهای اولیه	ردیف
	اجرائی در هدایت فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی آنان به مناطق حاشیه‌های مرز		اجتماعی در حمایت از کالای ایرانی	
۳۴	گسترش استقرار عوامل انسانی در مرز به‌عنوان اصلی‌ترین مؤلفه برقراری امنیت در مرزهای استان	۷۹	استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی و توسعه زیرساخت‌های گردشگری مناطق مرزی استان	
۳۵	شناخت روش‌های حمایتی برای مرزنشینان باهدف بهره‌مندی آنان از مزایای مرزنشینی بودن	۸۰	نبود مراکز اشتغال پایدار و بالا بودن نرخ بیکاری در مناطق مرزی	
۳۶	توسعه روزافزون مناطق مرزی کشور مقابل و افزایش نگاه به بیرون مرزنشینان برخلاف دو دهه قبل	۸۱	توسعه زیرساخت‌های در حمایت از کالای ایرانی	
۳۷	جاده‌های مرزی نامناسب در استان و افزایش آسیب‌های امنیتی	۸۲	عقب‌ماندگی اقتصادی استان اردبیل در مقایسه با سایر استان‌ها	
۳۸	توسعه مسیرها و محورهای ارتباطی مرزی در استان اردبیل	۸۳	ایجاد رابطه دوطرفه اثربخش بین مردم و دولت	
۳۹	حقوق ناکافی مرزبانان در مقایسه با سایر سازمان‌ها و سختی کار	۸۴	توجه به نیازها و حمایت‌های موجود در حوزه کالای ایرانی	
۴۰	افزایش خلاء امنیتی در مرز	۸۵	ایجاد درک ضرورت مشارکت سیاسی	
۴۱	جانمایی نامناسب پاسگاه‌های مرزی	۸۶	تأکید تبلیغ کالای ایرانی در شبکه استانی	
۴۲	فروودگی تأسیسات و ابنیه مرزبانی‌ها	۸۷	جریان سازی، اطلاع‌رسانی و تبلیغات هوشمندانه برای اصلاح و تقویت شناخت و ایجاد حساسیت و نقش آفرینی و مشارکت مؤثر دولتی و مردم‌نهاد مدیران و افکار عمومی نسبت به قاچاق	
۴۳	تشابهات و اشتراکات مذهبی مرزنشینان استان اردبیل	۸۸	بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی مرزها در توسعه بوم‌گردی	
۴۴	کنترل مرزی بهینه‌تر با استفاده از نفرات و استعداد نیروها	۸۹	ارتقاء توانمندی‌های مأمورین مرزی و اطلاع‌رسانی به آنان	

ردیف	کدهای اولیه	ردیف	کدهای اولیه
۴۵	استفاده از ظرفیت‌های دیپلماسی مرزی	۹۰	توسعه مسیرهای دسترسی به پاسگاه‌های مرزی
	به‌منظور پیشگیری جهت کاهش قاچاق		مرزی

مرحله دوم کدگذاری محوری

هدف از این مرحله تعیین ارتباط بین مقوله‌های ایجادشده در مرحله کدگذاری باز است. در این مرحله تمام مقوله‌ها حول یک محور متمرکز می‌شود، شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، پیامدها و راهبردها تشریح می‌شود. کدگذاری محوری مطالعه الگوی عوامل مؤثر در مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲. کدگذاری محوری الگوی مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل

کدگذاری محوری	مفاهیم
تأمین امنیت پایدار مرز	افزایش سرمایه اجتماعی به افزایش قدرت نرم و درنهایت تأمین امنیت پایدار مرزی تهیه برنامه‌های آموزش خلاقیت و نوآوری در امنیت مرزی پایدار توسعه تفاهم‌نامه‌های بین‌المللی با کشور جمهوری آذربایجان شناسایی و برطرف نمودن مسائل و مشکلات مرزنشینان تهیه و ارائه طرح‌های توسعه‌ای جهت کنترل مرزهای استان اردبیل استفاده از تجهیزات فنی و الکترونیکی در مناطق مرزی
کارآفرینی	شناسایی و ایجاد فرصت‌های کارآفرینانه حمایت مالی از طرح‌های کارآفرینانه پایدار روستایی توسعه مهارت‌ها و شایستگی‌های مرزنشینان
محرومیت‌ها	بی‌سوادی و عدم شناخت در حمایت از کالای ایرانی عقب‌ماندگی اقتصادی استان اردبیل در مقایسه با سایر استان‌ها فقدان زیرساخت‌های حمل‌ونقل و اقتصادی توسعه‌نیافتگی مناطق مرزی در استان اردبیل و خالی از سکنه شدن روستاهای مرزی تفاوت فاحش قیمت کالاها بین دو کشور ایران و آذربایجان
عوامل	وجود عوارض جغرافیایی وسیع در مناطق مرزی استان اردبیل

مفاهیم	کدگذاری محوری
<p>عدم کنترل دقیق مناطق مرزی و فاصله از مرکز کشور تنوع انواع مختلف مرز آبی و کوهستانی در استان اردبیل</p>	<p>جغرافیایی</p>
<p>واپایش تردهای غیرمجاز در مناطق مرزی وجود منابع مشترک با کشور آذربایجان جلوگیری از خروج تولیدات داخلی در مناطق مرزی رخنه عوامل دشمن در خاک کشور آذربایجان</p>	<p>عوامل بیرونی</p>
<p>استقرار و توسعه هنگ‌های مرزی در استان اردبیل تقویت کارایی نیروهای امنیتی در مناطق مرزی اطلاع‌رسانی کافی در مورد مقررات مناطق مرزی افزایش توان نظامی داخلی با تکیه بر تولیدات داخلی مدیریت ترکیبی و یکپارچه مناطق مرزی</p>	<p>هماهنگی</p>
<p>استفاده از حمایت مردم منطقه بهره‌مندی از منابع و پتانسیل‌های بالقوه موجود در مرزهای استان گسترش توسعه سیاسی در تصمیمات و تصمیم‌سازی‌ها</p>	<p>بهره‌وری</p>
<p>بسترسازی برای تثبیت هنجارهای امنیت بخش در مناطق مرزی برقراری آرامش روانی فردی و اجتماعی</p>	<p>سرمایه ساختاری</p>
<p>بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در بخش معدن و صنایع جنبی آن گسترش زیرساخت‌های دفاعی و پدافند عامل و غیرعامل گسترش زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی در حمایت از کالای ایرانی استفاده از ظرفیت‌های ترانزیتی و توسعه زیرساخت‌های گردشگری مناطق مرزی استان احداث جاده و فراهم کردن امکانات حمل‌ونقل ریلی توسعه زیرساخت‌ها در حمایت از کالای ایرانی</p>	<p>زیرساخت‌ها</p>
<p>تشریح فعالیت‌های دولت و سازمان‌های مرتبط در مناطق مرزی برای حمایت از کالای ایرانی ایجاد رابطه دوطرفه اثربخش بین مردم و دولت توجه به نیازها و حمایت‌های موجود در حوزه کالای ایرانی ایجاد درک ضرورت مشارکت سیاسی</p>	<p>سرمایه ارتباطی</p>

مفاهیم	کدگذاری محوری
تأکید تبلیغ کالای ایرانی در شبکه استانی جریان سازی، اطلاع رسانی و تبلیغات هوشمندانه برای اصلاح و تقویت شناخت و ایجاد حساسیت و نقش آفرینی و مشارکت مؤثر دولتی و مردم نهاد مدیران و افکار عمومی نسبت به پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز آثار و مضرات قاچاق	تبلیغات
بهره گیری از ظرفیت های بومی مرزها در توسعه بوم گردی ارتقاء توانمندی های مأمورین مرزی و اطلاع رسانی به آنان استفاده از ظرفیت های دیپلماسی مرزی به منظور پیشگیری جهت کاهش قاچاق استفاده از امکانات موجود مردم تقویت هویت ملی در مناطق مرزی در راستای حمایت از کالای ایرانی	ظرفیت ها
بهبود هویت ملی در منطقه جلوگیری از تفرقه افکنی در مناطق مرزی تفاوت قومی و مذهبی با حکومت مرکزی در مناطق مرزی	عامل فرهنگی
افزایش درآمد مرزنشینان با تکیه بر تولیدات داخلی رونق دادن به بازارچه های مرزی در استان اردبیل	عامل درآمدی
تدوین قوانینی در راستای افزایش عدالت اقتصادی نبود مراکز اشتغال پایدار و بالا بودن نرخ بیکاری در مناطق مرزی گسترش مناطق آزاد تجاری و رونق کسب و کارها در مناطق مرزی استان تبدیل مناطق مرزی به منابع درآمدی پایدار دولت ایجاد شهرک های صنعتی در نوار مرزی جهت اشتغال رفاه مرزنشینان و افزایش تولید کالای ایرانی تهیه و تدوین برنامه مناسب برای جذب سرمایه گذار در مناطق مرزی استان اردبیل جایجایی دیدگاه های توسعه محور با دیدگاه های رفاه محور در مناطق مرزی	منافع اقتصادی

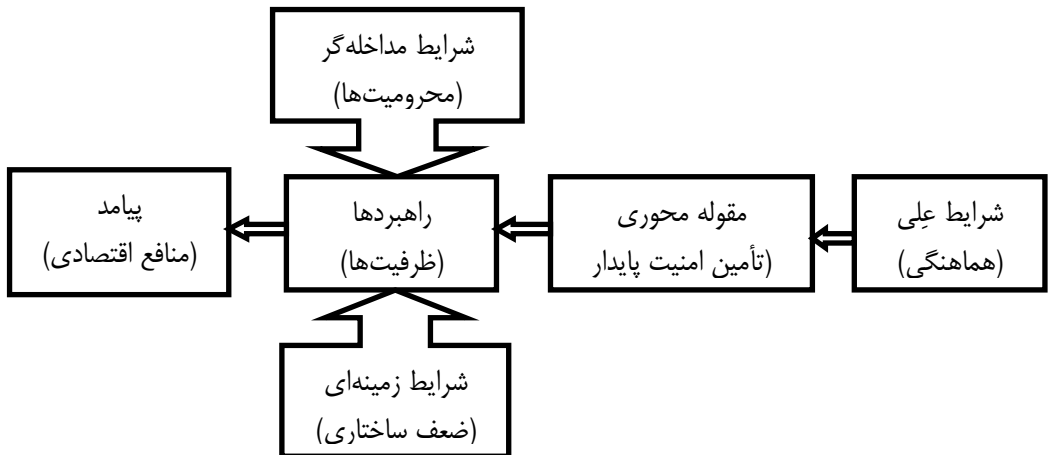
مرحله سوم: کدگذاری گزینشی

در نهایت و در مرحله کدگذاری انتخابی با توجه به نتایج گام های قبلی کدگذاری، مقوله اصلی انتخاب شده و به شکلی نظام مند به سایر مقوله ها مرتبط شد. برای یکپارچه سازی و ارائه مدل نهایی مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل پس از شناسایی

مقوله محوری و ربط دادن سایر مقوله‌ها در قالب پارادایم نظام‌مند نظریه‌سازی داده بنیاد،

به

پالایش الگوی طراحی شده و پروراندن عوامل اصلی اقدام و مدل نهایی پژوهش به صورت شکل شماره ۲ به دست آمد.



شکل شماره ۲. مدل پارادایمی ارائه الگوی مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل

بررسی نرمال بودن داده‌ها با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف: آزمون نرمال بودن یکی از شایع‌ترین آزمون‌ها برای نمونه‌های کوچک است که در این پژوهش برای این منظور از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. مقدار این آماره برای متغیر مداخله‌گر (محرومیت‌ها) ۲/۱۲۴، شرایط علی (هماهنگی) ۲/۱۰۹، محوری (تأمین امنیت مرزی) ۲/۱۶۸، پیامد (منافع اقتصادی) ۲/۱۵۱، راهبرد (ظرفیت‌ها) ۲/۰۱۴ و متغیر زمینه‌ای (ضعف زیرساخت) ۲/۱۰۲ هست که نشان می‌دهد همه متغیرهای تحقیق از توزیع غیر نرمال (بیشتر از ۱/۳۵) برخوردار هستند. لذا می‌توان برای بررسی روابط بین متغیرهای تحقیق از نرم‌افزارهای مبتنی بر واریانس (Smart PLS) استفاده کرد. برای سنجش روایی و پایایی پرسشنامه نیز از آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، میانگین واریانس و پایایی اشتراکی و همچنین از روایی واگرا و همگرا نیز استفاده شده است. همچنین برای ابعاد موجود در پژوهش مقدار شاخص AVE برای هر شش بُعد (شرایط مداخله‌گر، شرایط

علی، شرایط محوری، پیامدها، راهبردها و شرایط زمینه‌ای) بیشتر از ۰/۵ به دست آمده است. بنابراین روایی همگرا برای هر شش بُعد مورد تأیید قرار می‌گیرد. همچنین مقدار شاخص AVE برای هر شش بُعد متغیر بیشتر از مقدار شاخص MSV هست که در نتیجه آن، روایی واگرا برای هر شش بُعد متغیر نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. در این پژوهش پایایی شاخص‌ها نیز توسط سه معیار مورد سنجش قرار می‌گیرد: (۱) ضرایب بار عاملی (۲) آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی (CR). برای برازش الگوی مفهومی نیز از شاخص‌های اندازه اثر F^2 ، ضریب تعیین R^2 ، شاخص Q^2 و شاخص GOF استفاده شده است که نتیجه در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳. شاخص‌های مورد استفاده برای متغیرهای پژوهش

R^2	مقادیر اشتراکی	شاخص‌های	شاخص‌های	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی (C.R)	MSV	AVE	متغیرهای پژوهش
		افزونگی (CV Red)	اشتراک (CV Com)					
۰/۲۸۵	۰/۶۰۱	۰/۲۰۱	۰/۴۶۵	۰/۸۸۲	۰/۸۴۲	۰/۳۱۴	۰/۵۴۲	مداخله‌گر (محرومیت‌ها)
-	۰/۵۵۹	۰/۴۴۱	۰/۴۴۱	۰/۹۰۱	۰/۸۱۲	۰/۲۰۱	۰/۵۸۰	شرایط علی (هماهنگی)
۰/۸۱۲	۰/۵۴۲	۰/۴۱۲	۰/۴۰۹	۰/۸۹۱	۰/۸۶۰	۰/۲۹۸	۰/۵۷۹	مقوله محوری (تأمین امنیت پایدار مرز)
-	۰/۵۱۸	۰/۳۷۸	۰/۴۰۶	۰/۸۰۱	۰/۸۱۹	۰/۱۲۴	۰/۵۶۴	پیامدها (منافع اقتصادی)
۰/۲۴۹	۰/۵۲۹	۰/۲۰۸	۰/۴۲۹	۰/۹۰۲	۰/۸۸۰	۰/۳۵۱	۰/۵۱۹	راهبردها (ظرفیت‌ها)
-	۰/۶۹۷	۰/۴۹۸	۰/۴۸۱	۰/۸۹۲	۰/۸۸۱	۰/۲۷۸	۰/۵۲۱	زمینه‌ای (ضعف ساختاری)

با توجه به جدول ۳ مقدار پایایی مرکب (CR) برای ابعاد متغیرهای مورد مطالعه از آستانه ۰/۷ بزرگ‌تر است بنابراین پایایی مرکب پرسشنامه‌ها تأیید می‌شود. مقدار آلفای کرونباخ نیز در تمامی موارد از آستانه ۰/۷ بزرگ‌تر است. بنابراین پایایی پرسشنامه‌ها نیز تأیید می‌شود. همچنین با توجه به جدول فوق مقدار ضریب تعیین R^2 تنها برای متغیرهای

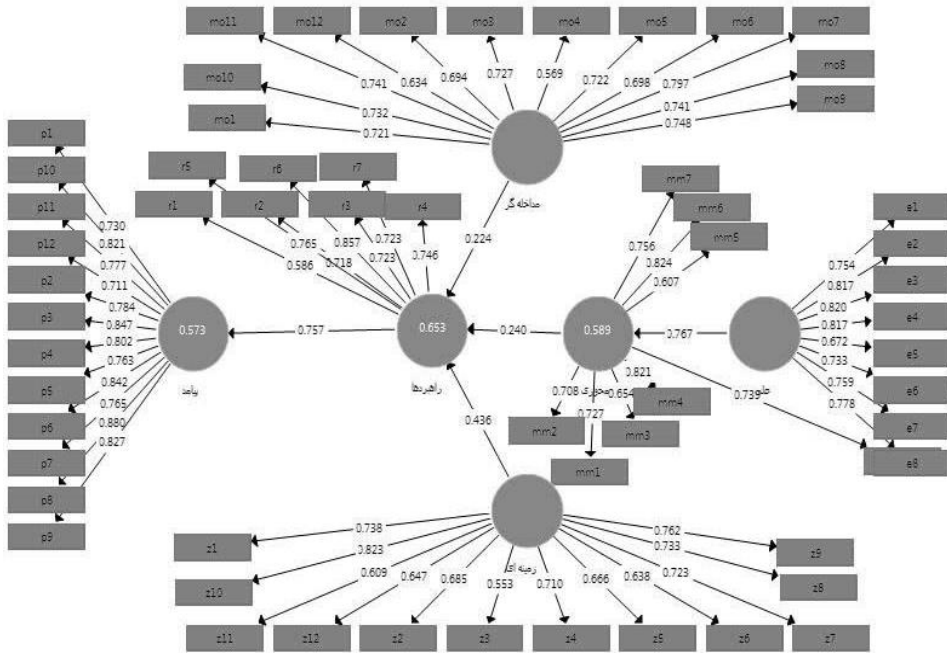
درون‌زای موجود ارائه شده است. درحالی که در مورد متغیرهای برون‌زا مقدار آن صفر است که نشان از برازش مطلوب مدل دارد.

دومین شاخص مورد استفاده، شاخص استون-گیسر (Q^2) است که قدرت پیش‌بینی مدل را مشخص می‌کند. اگر مقدار شاخص Q^2 مثبت باشد نشان می‌دهد که برازش مدل مطلوب است و مدل از قدرت پیش‌بینی کنندگی مناسبی برخوردار است. برای محاسبه شاخص Q^2 نیز از تکنیک بلائیند فولدینگ استفاده شده است که به صورت CV-Com و CV-Red در جدول مشخص شده است. در نهایت شاخص نیکویی برازش GOF برای برازش بخش ساختاری و اندازه‌گیری به صورت هم‌زمان مورد استفاده قرار گرفته است.

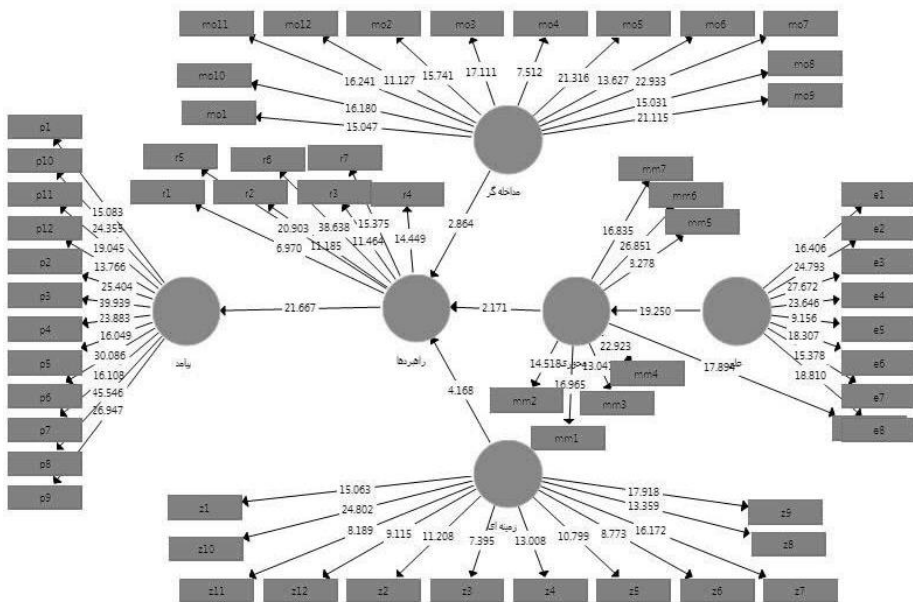
$$GOF = \sqrt{\text{average (AVE)} \times \text{average (R}^2\text{)}}$$

که پس از انجام محاسبات، مقدار شاخص GOF عددی برابر با ۰/۵۲۷ به دست آمده که کیفیت مدل ارائه شده در حد قوی ارزیابی می‌شود که بر این اساس می‌توان به نتایج حاصل از آن اتکا نمود.

در ادامه و در شکل شماره ۳، ارتباط متغیرهای پژوهش با استفاده از تکنیک حداقل مربعات جزئی و با نرم‌افزار Smart PLS و همچنین در شکل شماره ۴، مقدار آماره T برای مدل کلی پژوهش با استفاده از تکنیک بوت استرایپینگ نشان داده می‌شود.



شکل شماره ۳. مدل کلی پژوهش با تکنیک حداقل مربعات جزئی



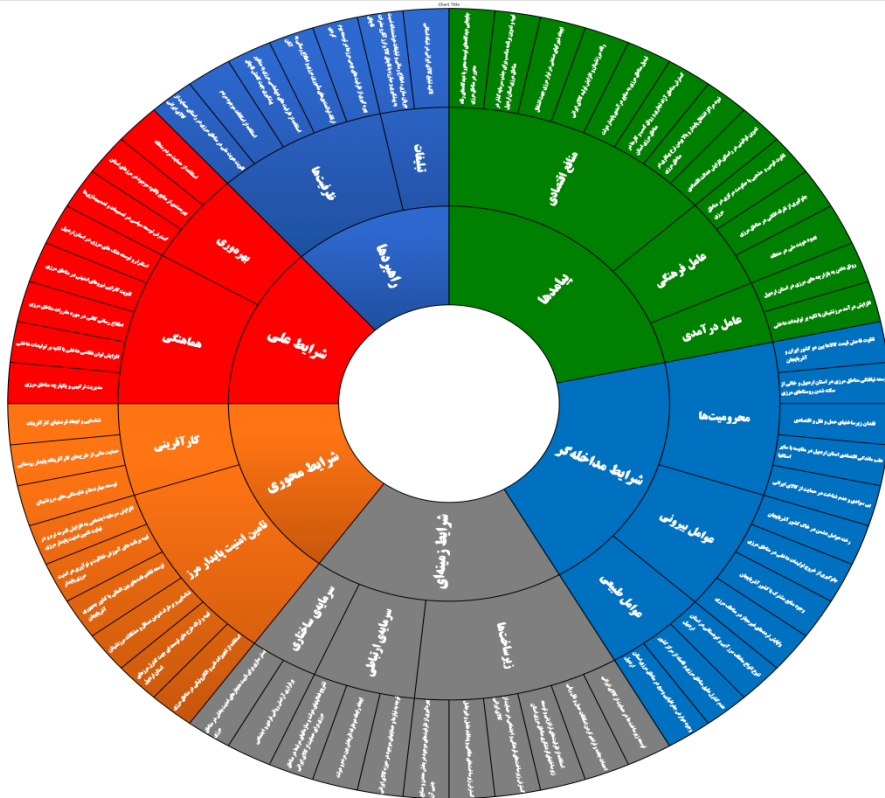
شکل شماره ۴. آماره T مدل کلی پژوهش با تکنیک بوت استرپینگ

با توجه به نتایج به دست آمده از دو نمودار، تمامی مسیرها معنی دار می باشند (تمامی مسیرها بیشتر از مقدار بحرانی ۰/۱۶ است) و مقادیر T Value نیز در بازه بحرانی $\pm 1/962$ قرار نگرفته است. پس تمامی مسیرها معنی دار بوده و مدل پژوهش دارای برازش مناسبی است خلاصه آن در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۴. ضرایب مسیر در دو حالت استاندارد و T Value

t	مقدار استاندارد	ابعاد
۱۹/۲۵۰	۰/۷۶۷	شرایط محوری → شرایط علی
۲/۱۷۱	۰/۲۴۰	راهبردها → شرایط محوری
۴/۱۶۸	۰/۴۳۶	راهبردها → شرایط زمینه‌ای
۲/۸۶۴	۰/۲۲۴	راهبردها → شرایط مداخله‌گر
۲۱/۶۶۷	۰/۷۵۷	پیامد → راهبردها

در نهایت الگوی ارائه شده برای مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل به صورت شکل شماره ۵ قابل ارائه است.



شکل شماره ۵. مدل شبکه مدیریت امنیت مرزی پایدار استان اردبیل

نتیجه گیری

در این پژوهش تلاش گردید در چارچوبی یکپارچه، نحوه مدیریت امنیت مرزی پایدار در مرزهای استان اردبیل مورد مطالعه قرار گرفته و این روابط در قالب الگویی تبیین گردند. نتایج حاصل از کدگذاری‌ها بیانگر این است که به‌طور کلی عوامل دخیل در این الگو در ۶ طبقه اصلی جایگیری می‌شود: (۱) مقوله محوری، (۲) شرایط مداخله گر، (۳) شرایط علی، (۴) شرایط زمینه‌ای، (۵) راهبردها، (۶) پیامدها.

بر اساس یافته‌های پژوهش و مدل کلی آن و بر اساس آماره T که با تکنیک بوت استرپینگ محاسبه گردید، در بین عوامل مداخله گر، عامل "محرومیت‌ها" به‌عنوان مهم‌ترین عامل در مدیریت امنیت مرزی پایدار در استان اردبیل شناسایی گردید. همچنین

در بین شرایط علی، عامل "هماهنگی" به عنوان مؤثرترین عامل؛ در بین شرایط محوری، عامل "تأمین امنیت مرزی پایدار"؛ در بین عوامل مربوط به راهبردها، عامل "ظرفیت‌ها"؛ در بین عوامل مربوط به پیامدها، "منافع اقتصادی" و در نهایت در بین عوامل مربوط به شرایط زمینه‌ای، عامل "ضعف ساختاری" مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در مدیریت امنیت مرزی پایدار در استان اردبیل شناسایی شدند.

بر همین اساس و بر مبنای یافته‌های پژوهش، به ترتیب برای عامل محرومیت‌ها؛ شاخص "عقب‌ماندگی اقتصادی استان در مقایسه با سایر استان‌ها"؛ برای عامل هماهنگی؛ شاخص "استقرار و توسعه هنگ‌های مرزی در استان اردبیل"؛ برای عامل تأمین امنیت پایدار؛ شاخص "شناسایی و برطرف نمودن مسائل و مشکلات مرزنیسان"؛ برای عامل ظرفیت‌ها؛ شاخص "بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی مرزها در توسعه بوم‌گردی"؛ برای عامل منافع اقتصادی؛ شاخص "گسترش مناطق آزاد تجاری و رونق کسب و کارها در مناطق مرزی استان" و در نهایت برای عامل ضعف ساختاری؛ شاخص "بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود در بخش معدن و صنایع جنبی آن" به عنوان مؤثرترین شاخص‌های مدیریت امنیت مرزی پایدار استان اردبیل شناسایی شدند.

نتایج حاصل از این پژوهش در ارتباط با "محرومیت‌ها" با نتایج پژوهش مسعودی و میرزایی (۱۳۹۳)؛ در عامل "هماهنگی" با نتایج پژوهش شرفی، شکور و درازهی (۱۳۹۹)؛ در "تأمین امنیت مرزی پایدار" با نتایج پژوهش پولادی و همکاران (۱۳۹۵)؛ در عامل ظرفیت‌ها با نتایج پژوهش سهرابی (۱۳۹۱)؛ در عامل منافع اقتصادی با نتایج پژوهش سهرابی (۱۳۹۱) و کهنه‌پوش و شایان (۱۳۹۲) و در عامل "ضعف ساختاری" با نتایج پژوهش مسعودی و میرزایی (۱۳۹۳) و ماندگار (۱۳۹۶) همسو و هم‌راستا است.

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادهای زیر نیز ارائه می‌گردد:

- با توجه به اینکه عوامل اقتصادی در امنیت مرزی پایدار و مدیریت بهینه آن نقش داشتند، پیشنهاد می‌گردد که دولت با ایجاد شرایط درآمدی مناسب و توسعه کارخانه‌ها و کارگاه‌ها در مناطق مختلف به خصوص در روستاها و مناطق مرزی باعث شود که مردم

برای کسب درآمد به داخل کشور متکی شوند و به فکر قاچاق و کسب درآمد از خارج را از ذهن خود دور کنند. در این بین مردم ساکن این مناطق از کالای تولید داخلی به صورت هدفمند حمایت نمایند.

- با توجه به اینکه عوامل فرهنگی اجتماعی نیز در امنیت مرزی پایدار استان تأثیر داشتند، پیشنهاد می‌گردد که دولت و مسئولین با ترویج تفکرات فرهنگی به دور از تعصبات دینی و قومیتی در مناطق مختلف کشور به خصوص مرزها از طریق کاهش حساسیت‌های قومی و فرهنگی و تقویت هویت ملی آن‌ها، مانع از دل‌زدگی فرهنگی در کشور شده و باعث شوند مردم به خصوص جوانان برای کسب دل‌خوشی‌های خود روبه‌داخل کشور بیاورند و به کشورهای دیگر نرفته و اقدام به قاچاق ننمایند.

- پیشنهاد می‌شود که با ایجاد طرح‌های هادی روستایی در تمامی مناطق باعث توسعه کمی و کیفی روستاها شده و با این کار باعث گردد مردم در داخل کشور به راحتی به امکانات موردنیاز خود برای یک زندگی درست را به دست آورده و برای فرار از شرایط روستاهای خود رو به کشورهای خارج و قاچاق نیاورند.

- با توجه به اینکه عوامل طبیعی نیز در امنیت مرزی پایدار نقش داشتند، پیشنهاد می‌گردد که دولت و مسئولین استانی با بررسی وضعیت روستاها مختلف با ایجاد تغییرات لازم در راه‌ها و مناطق مختلف روستایی باعث دسترسی راحت مردم به داخل کشور را برای روستاییان فراهم آوردند و همچنین با بررسی مناطق مرزی از ایجاد دالان‌های مخصوص قاچاق جلوگیری نموده و مانع از توسعه قاچاق با به خطر انداختن جان روستاییان شوند.

- تقویت و توسعه زیرساخت‌های اقتصادی مانند گردشگری، بازارچه‌های مرزی استان و همچنین ایجاد منطقه آزاد تجاری مغان که در سالیان گذشته تصویب شده اما مغفول مانده است؛ افزایش نظارت و بازرسی مرزی در استان اردبیل به دلیل داشتن مرزهای کوهستانی و صعب‌العبور؛

برنامه‌ریزی در جهت اشتغال پایدار در مناطق مرزی؛ به کارگیری از همه ظرفیت بومی استان بخصوص روستاییان منطقه جهت برقراری امنیت پایدار؛ تقویت و تأکید بر هویت و

فرهنگ محلی در مناطق مرزی بخصوص مناطق ترک‌زبان از دیگر مواردی است که در ارتباط با تأمین امنیت پایدار مرزی در مرزهای استان اردبیل می‌توان به آن‌ها اشاره کرد.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نویسنده مسئول، این مقاله حامی مالی نداشته است

منابع

- ۱) پولادی، حسن؛ کشاورزبان، محمد مهدی؛ خان محمدی، هادی و اصلی‌پور، حسین (۱۳۹۵) الگوسازی عوامل تأمین کننده امنیت پایدار مرزی؛ مطالعه موردی: مرزهای شرقی ایران، مطالعات راهبردی بسیج، دوره ۱۹، شماره ۷۲، صص. ۱۴۹-۱۲۵.
- ۲) حسین‌بر، خدابخش و انوری، محمود رضا (۱۴۰۰) آمایش مناطق مرزی با تأکید بر امنیت پایدار در جهت تحقق توسعه پایدار شهری از دیدگاه کارشناسان (مورد مطالعه: شهر گشت)، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، دوره ۱۳، شماره ۲، صص. ۳۶۴-۳۴۱.
- ۳) رسولی، اکبر (۱۳۹۵) نقش سیستم‌های بدون سرنشین در کنترل و امنیت مرز، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، دوره ۴، شماره ۱، صص. ۲۰۶-۱۸۵.
- ۴) زرقانی، سید هادی و رضوی‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۲) ژئوپلیتیک مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت مرز و مناطق مرزی شرقی (نمونه موردی: مرز خراسان رضوی با افغانستان)، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، دوره ۱۳۹۲، شماره ۱، صص. ۲۸-۱.
- ۵) ستاره، جلال؛ اسماعیلی، سید شاهین و علیپور، حسین (۱۳۹۲) بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت مرزها (مورد مطالعه: منطقه مرزی گرمی)، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، دوره ۱، شماره ۱، صص. ۱۶۹-۱۴۹.
- ۶) سعادت‌ی جعفرآبادی، حسن (۱۳۹۲) مبانی نظری و دیدگاه‌های تئوریک در امنیت و توسعه شهرهای مرزی، دوره ۱، همایش ملی شهرهای مرزی و امنیت، چالش‌ها و رهیافت‌ها، دانشگاه سیستان و بلوچستان، صص. ۱۲۸۶-۱۲۷۷.
- ۷) سعیدی، علی و کفاش جمشید، محمدرضا (۱۳۹۵) ملاحظات دفاعی امنیتی در آمایش سرزمینی استان اردبیل، فصلنامه آفاق امنیت، دوره ۶، شماره ۱، صص. ۵۹-۲۷.

- ۸) شهپری ثانی، داود؛ صادقی، حبیب‌الله؛ حسینی، محمدرضا و محمودیان، حسین (۱۳۹۹) بررسی وضعیت جمعیتی مناطق مرزی ایران و اثر آن بر امنیت پایدار مطالعه موردی: استان خوزستان، پژوهش‌نامه مطالعات مرزی، دوره ۸، شماره ۳، صص. ۳۹-۵۳.
- ۹) عندلیب، علیرضا و مطوف، شریف (۱۳۸۸) توسعه و امنیت در آمایش مناطق مرزی ایران، مجله باغ نظر، دوره ۶، شماره ۱۲، صص. ۵۷-۷۶.
- ۱۰) غفاری گیلانده، عطا؛ پادروندی، بهزاد؛ حیدری ساریان، وکیل و هاشمی معصوم‌آباد، رضا (۱۳۹۶) تحلیل سطح برخورداری نواحی روستایی استان اردبیل از امکانات توسعه، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۷، شماره ۲۸، صص. ۲۵-۳۸.
- ۱۱) قاسمی، محمد و صفی‌پور، محسن (۱۳۹۲) بررسی اقدامات انسدادی مرز استان سیستان و بلوچستان بر امنیت استان از دیدگاه صاحب‌نظران، پژوهشنامه جغرافیای انتظامی، دوره ۱۳۹۲، شماره ۴، صص. ۱۰۵-۱۲۸.
- ۱۲) قیصری، نورالله (۱۳۹۲) امنیت پایدار نظام جمهوری اسلامی ایران؛ الگویی برای تبیین و اجرای سیاست‌های کلان، فصلنامه دانش سیاسی، دوره ۹، شماره ۱، صص. ۴۵-۶۲.
- ۱۳) مجتهدزاده، پیروز و عسگری، سهراب (۱۳۹۲) جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، چاپ پنجم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ۱۴) محمدی‌فر، نجات و مرادی، علی (۱۳۹۹) مؤلفه‌های فرهنگی مرزنشینان و نقش آن در امنیت پایدار مناطق مرزی کرمانشاه، اولین همایش ملی ابعاد نظری و کاربردی توسعه و امنیت پایدار مناطق مرزی با رویکرد آمایشی، ۷ آبان ماه ۱۳۹۹، دانشگاه فردوسی مشهد، صص. ۱-۱۹.
- ۱۵) مودودی ارخودی، مهدی (۱۳۹۷) شناسایی عوامل مؤثر بر ایجاد امنیت پایدار در روستاهای مرزی برحسب فاصله از مرز، فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱۱، شماره ۲۱، صص. ۹۳-۱۰۸.
- ۱۶) وطن‌پور، علیرضا (۱۳۸۷) قاچاق کالا و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی کشور، فصلنامه علمی کارآگاه، دوره ۲، شماره ۳، صص. ۶۹-۹۳.
- ۱۷) ویسی، هادی (۱۳۹۵) بررسی تأثیر عوامل جغرافیایی بر امنیت اجتماعی (مطالعه موردی استان کرمان)، فصلنامه مطالعات جغرافیایی، دوره ۳۱، شماره ۱، صص. ۱۷۰-۱۸۵.

- ۱۸) هاشمی، سید مصطفی؛ حکمت‌نیا، حسن و اسماعیل زاده، عبدالسلام (۱۳۹۸) سطح‌بندی پایداری امنیتی شهرستان‌های مرزی با استفاده از تحلیل خوشه‌ای. نمونه موردی: شهرستان‌های استان خراسان شمالی، مجله آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۹، شماره ۳۲، صص. ۱۸۰-۱۶۳.
- 19) Andalib, A. & Motavaf, S. (2009) Development and Security in Spatial Strategic Planing in Border Regions, The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar, Vol. 6, No. 12, pp. 57-76. [In Persian].
- 20) Cică, C. & Filipoaia, L. (2017) Sustainability enabling research methods for development of integrated border security systems, 9th International Conference on Electronics, Computers and Artificial Intelligence (ECAI), Targoviste, Romania, pp.1-13.
- 21) Gafari Gilandeh, A. & Padervandi, B. & Heidari Sareban, V. & Hashemi Masoomabad, R. (2017) S Analysis of the Enjoyment Level of Development Facilities of Rural Areas in Ardebil Province, Regional Planning, Vol. 7, No. 28, pp. 25-38. [In Persian].
- 22) Geysari, N. (2012) Stable Security of the Islamic Republic of Iran system; A model for explaining and implementing macro policies, Political Knowledge Quarterly, Vol. 9, No. 1, pp. 45-62. [In Persian].
- 23) Ghasemi, M.& Safipor, M. (2014) The Study of the Obstructive Border Measures' Effect in Sistan-Baluchistan Security based on Experts View Point, journal of police Geography, Vol. 1392, No. 4, pp. 105-128. [In Persian].
- 24) Hashemi, S.M.& Hekmatnia, H. & Ismailzadeh, A. (2019) Leveling the security stability of border cities using cluster analysis. Case example: the cities of North Khorasan province, Journal of Geographical Survey of Space, Vol. 9, No. 32, pp. 163-180. [In Persian].
- 25) Hossein Bar, K. & Anuri, M. (2021) Alignment of border areas with emphasis on stable security in order to achieve sustainable urban development from the experts' point of view (Study case: Gosht city), Scientific and Research Quarterly of New Approaches in Human Geography, Vol. 13, No. 2, pp. 341-364. [In Persian].
- 26) Hung, E. & Ngo, T. (2019) Organized informality and suitcase trading in the Pearl River Delta Region, Journal of Contemporary Asia, Vol. 49, No. 2, pp. 233-253.

- 27) Mododi Arkhodi, M. (2021) Identify the factors affecting the establishment of sustainable security in border villages in terms of distance from the border, *Regional Planning*, Vol. 11, No. 21, pp. 93-108. [In Persian].
- 28) Mohammadifar, N. & Moradi, A. (2019) Cultural components of the border residents and its role in the sustainable security of the border areas of Kermanshah, the first national conference on theoretical and practical aspects of the development and sustainable security of border areas with an experimental approach, Ferdowsi University of Mashhad, pp. 1-19. [In Persian].
- 29) Mojtahedzadeh, P. & Asgari, S. (2012) Political geography and geopolitics, fifth edition, Tehran, Payam Noor University Press. [In Persian].
- 30) Omotomilola, I. & Allwell, A. & Samuel, O. (2021) Sustainability of Borders in a Post-COVID-19 World, *Politikon (South African Journal of Political Studies)*, Vol. 48, No. 2, pp. 297-311.
- 31) Polner, M. (2011) Coordinated border management: from theory to practice, *World Customs Journal*, Vol. 5, No. 2, pp. 49-64.
- 32) Puladi, H. & Keshvarzian, M. & Khanmohammadi, H. & Aslipur, H. (2016) Modeling factors providing sustainable border security; Case study: Eastern borders of Iran, *Basij Strategic Studies*, Vol. 19, No. 72, pp. 125-149. [In Persian].
- 33) Rasouli, A. (2016) The role of passenger-less systems in Control and Security of Border, *journal of border studies*, Vol. 4, No. 1, pp. 185-206. [In Persian].
- 34) Saadati-Jafarabadi, H. (2012) Theoretical foundations and theoretical perspectives in the security and development of border cities, period 1, National conference on border cities and security, challenges and approaches, University of Sistan and Baluchistan, pp. 1277-1286. [In Persian].
- 35) Saidi, A. & Kaffash Jamshid, M. (2016) Defense and security considerations in the territory of Ardabil province, *Scientific Journal of Security Horizons*, Vol. 6, No. 21, pp 27-59. [In Persian].
- 36) Setareh, J. & Shahin Esmaili, S. & Alipour, H. (2013) The Investigation of the Effect of Geographic Factors on Borders Security (Case Study: Germei Border Region), *Journal of Border Studies*, Vol. 1, No.1, pp. 149-169. [In Persian].

- 37) Shahpari Sani, D. & Sadeghi, H. & Hosseini, M. & Mahmoudian, H. (2020) Investigating the Demographic Situation of Iran's Border Areas and its Effect on Sustainable Security Case Study: Khuzestan Province, Journal of Border Studies, Vol. 8, No. 3, pp. 39-53. [In Persian].
- 38) Vatanpour, A. (2008) Smuggling of goods and its effect on the economic security of the country, Detective Scientific Quarterly, Vol. 2, No. 3, pp. 69-93. [In Persian].
- 39) Veysi, H. (2015) Investigating the influence of geographical factors on social security (Kerman province case study), Geographical Studies Quarterly, Vol. 31, No. 1, pp. 170-185. [In Persian].
- 40) Zarghani, S.H. & Razavinejad, M. (2013) Narcotics Geopolitics and its impact on Iran's eastern borders, journal of police Geography, Vol. 1392, No. 1, pp. 1-28. [In Persian].

**An Analysis of Changes in the Spatial Structure of the Border City of Khoy
from 1967 to 2016**

Aram Khezerloo, PhD student in Urban Planning, International Campus, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Akbar Abdollahzadeh*, Assistant Professor in Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Tarf Arash Saghafi, Assistant Professor in Urban Planning, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Mohammad Reza Pakdelfard, Assistant Professor in Architecture, Tabriz Branch, Islamic Azad University, Tabriz, Iran

Received: 1 May 2022

Accepted: 13 August 2022

Abstract

With the sudden growth of population in the last century and as a result of the scattered and unorganized development of cities, the pattern of urban spatial organization and its main structure has changed and the increase in size has enlarged the physical-spatial complexities of cities. Cities are formed by physical, social, and natural components that determine the morphological diversity of cities. Accordingly, the purpose of this study is to investigate the changes in the spatial structure of the border city of Khoy from 1967 to 2016. This study is of an applied research type and the approach to the research atmosphere is descriptive-analytical. Based on the census of 2016, the statistical population of Khoy border city is 198845 people. Therefore, based on Cochran's formula the sample size is determined as 383 city residents. Data collection tools in the field studies are questionnaires and observations. First, the effective factors in changing the spatial structure of the city were identified, and then maps of different periods of the city (1967 to 2016) were extracted. Then, the results of spatial arrangement analysis are reviewed and SPSS is used to analyze the data. The results showed that in 1967 the central part, in 1974 the western part, in 1995 the continuation of the western part and in 2005 and 2016 the southern part of the border city of Khoy have undergone more changes due to road development, transportation and migration. Also, based on the factor analysis test, in the first pillar of impact, the laws related to the use of land, water and buildings; comprehensive plan of the city; population growth and migration (0.770, 0.737, 0.730 and 0.726", in the second pillar of the impact, the means of transportation; the role of government and technical plans (0.811, 801 and 0.772, respectively), and finally in the third pillar of the impact of land ownership, private sector activity and bank facilities with numerical values of 0.849, 0.844 and 0.776, respectively have had the greatest impact with the changes in the spatial structure of the border city of Khoy.

Keywords: Morphology, Spatial structure, Border city, Khoy city

* . Corresponding author (taraffarat@yahoo.com)

تحلیلی بر تغییرات ساختار فضایی شهر مرزی خوی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵*

آرام خضولو - دانشجوی دکتری شهرسازی، پردیس بین‌الملل، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

اکبر عبدالله‌زاده طرف^۱ - استادیار شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

آرش ثقفی اصل - استادیار شهرسازی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

محمد رضا پاکدل فرد - استادیار معماری، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

چکیده

با رشد یک‌باره جمعیت در قرن گذشته و در نتیجه توسعه پراکنده و بی‌سامان شهرها، الگوی سازمان فضایی شهری و ساختار اصلی آن دگرگون شده و افزایش وسعت، پیچیدگی‌های کالبدی - فضایی شهرها را بیشتر نموده است. شهرها توسط اجزای فیزیکی، اجتماعی و طبیعی شکل می‌گیرند که تنوع ریخت‌شناسانه شهرها را تعیین می‌کند. بر این اساس هدف این تحقیق واکاوی تغییرات ساختار فضایی شهر مرزی خوی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ می‌باشد. نوع تحقیق کاربردی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری، ساکنین شهر مرزی خوی بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵، ۱۹۸۸۴۵ نفر می‌باشد. لذا حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر از ساکنان شهر تعیین شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در مطالعات میدانی، پرسشنامه و مشاهده می‌باشد. ابتدا عوامل مؤثر در تغییرات ساختار فضایی شهر شناسایی شده سپس نقشه‌های دوره‌های مختلف شهر (۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵) استخراج شد. سپس نتایج تحلیل‌های چیدمان فضایی بررسی می‌شود و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که در سال ۱۳۴۵ قسمت مرکزی، در سال ۱۳۵۲ بخش غربی، در سال ۱۳۷۳ ادامه بخش غربی و در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ بخش جنوبی شهر مرزی خوی به دلایل توسعه راه و حمل‌ونقل و مهاجرت بیشتر دستخوش تحولات شده‌اند. همچنین بر اساس آزمون تحلیل عاملی، در ستون اول تأثیرگذاری، قوانین مربوط به استفاده از زمین، آب و ساختمان؛ طرح جامع شهر؛ افزایش جمعیت و مهاجرت «۰/۷۷۰»، «۰/۷۳۷»، «۰/۷۳۰» و «۰/۷۲۶»، در ستون دوم تأثیرگذاری وسایل حمل‌ونقل؛ نقش دولت و طرح‌های فنی به ترتیب «۰/۸۱۱»، «۰/۸۰۱» و «۰/۷۷۲» و در نهایت در ستون سوم تأثیرگذاری مالکیت زمین، فعالیت بخش خصوصی و تسهیلات بانک‌ها به ترتیب با ارزش عددی «۰/۸۴۹»، «۰/۸۴۴» و «۰/۷۷۶» بیشترین تأثیر را با تغییرات ساختار فضایی شهر مرزی خوی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: ریخت‌شناسی، ساختار فضایی، شهر مرزی خوی.

*. این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای آرام خضولو در رشته شهرسازی به راهنمایی نویسنده دوم و سوم و مشاوره نویسنده چهارم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز می‌باشد.

مقدمه

رشد و توسعه، بخش اجتناب‌ناپذیری از مکانیسم تحول در یک سیستم زنده شهری است که پیوستگی و فراگیر بودن این فرآیند، سبب توسعه کالبدی و تغییرات عملکردی در شهر می‌شود. این دگرگونی‌ها، می‌تواند طیف وسیعی از تغییرات در فضا و ساختار شهر را تحت تأثیر قرار دهد، به گونه‌ای که شهر کنونی بدون ارتباط و توجه به ساخت و سازمان اولیه خود، مظهر ازهم‌گسیختگی، توسعه ناموزون و نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی است. نمونه‌ای قابل توجه از این تحولات را می‌توان در تحولات شهرنشینی ایران مشاهده کرد. دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی و سیاسی جامعه ایران از دهه ۱۳۰۰ شمسی تاکنون و تبلور کالبدی - فضایی آن در شهرها، به مفاهیم و شکل‌بندی جدیدی در عرصه شهر و شهرنشینی منجر شده است، که نتوانسته در تداومی همگون و پیوسته با منشأ و ریشه‌های اصیل شهر ایرانی قرار گیرد (صحرایان، ۱۳۹۶: ۱۱). در نتیجه در فرآیند شهرنشینی، الگوی رشد و گسترش فضایی شهرها مسئله‌ای است که نباید در این فرآیند نادیده گرفته شود، الگوی رشد شهر از آنجاکه با یکی از محدودترین منابع در دسترس انسان یعنی زمین سروکار دارد، از موضوع‌های مهم در برنامه‌ریزی شهری و یکی از معیارهای اساسی در توسعه پایدار شهری است. به این ترتیب با گذشت زمان و ورود فناوری جدید، بافت سنتی شهرها دیگر قادر به پاسخگویی مناسب با شرایط پیچیده و گسترده امروزی نیستند. با این ناکارایی بخش‌های مختلف شهر در مسیر تحولات کالبدی قرار گرفته و دست‌خوش تغییراتی گاه سطحی و یا بنیادین شده‌اند. با این وجود در روندی معکوس و در فرایند تغییرات در تخصیص فضایی شهری، یک ساختار فضایی شهری خوب می‌تواند، موجب توسعه هماهنگ و پایدار رابطه انسانی با کاربری شهری گردد (Zhang et al, 2017: 70). با این وجود توسعه سریع یک شهر به مسائل متعددی از قبیل گسترش بی‌برنامه مقیاس شهری و ایجاد ساختار فضایی سست منجر می‌شود. و این مسئله نیز به‌نوبه خود می‌تواند بر موضوعات مهم دیگری مانند، عملکرد شهر تأثیر گذاشته و مانع توسعه پایدار یک شهر شود (Lu et al, 2020: 3). با این وجود در طول دهه گذشته آگاهی فزاینده‌ای نیز در

زمینه اهمیت شکل شهر برای ابعاد اجتماعی، اقتصادی، و زیست محیطی زندگی ما در شهرها ایجاد شده است. در نتیجه ریخت شناسی شهری نقشی اساسی در بحث های مرتبط با گذشته، حال و آینده شهرها به دست آورده است. با این وجود هنوز هم در مباحث شهری، ریخت شناسی شهری و نحوه کمک گرفتن از آن برای تحلیل پدیده های شهری برای بخش بزرگی از محققین حوزه شهری مبهم باقی مانده است (Kropf, 2017:9; Koc & Kubat, 2019: 27). بنابراین ساختار فضایی هر شهر، به گذشته آن و عوامل و حوادثی مربوط می شود که شرایط محیط را طی زمان برای ایجاد و برقراری آن به وجود آورده است. در واقع تحلیل ساختار فضایی شهرهایی تاریخی مانند شهری مرزی خوی، در ارتباط با شناخت توزیع امکانات و خدمات و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی - اقتصادی بافت های مختلف شهر نیاز به روش هایی دارد که بتواند به این پیچیدگی ها پاسخ دهد (عباس زادگان و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۴). شهر مرزی خوی یکی از شهرهای تاریخی ایران است که مناطق شهری با ارزش و کهنی در آن وجود دارد. هسته تاریخی این شهر نیز همانند بسیاری از شهرهای ایرانی تحت تأثیر اقدامات شتاب زده حاصل از توسعه صنعتی و مدرنیسم، دستخوش مشکلات عدیده ای شده است. بافت های مرکزی این شهر به لحاظ مورفولوژیکی از پیچیدگی ها و مشکلات کالبدی - فضایی برخوردار بوده است که موجب پایین آمدن کیفیت زندگی در آن شده است. در این شهر هم به مانند سایر شهرهای تاریخی ایران ساخت اصلی شهر از میدان ها، بازار، گذر و دروازه ها تشکیل شده است. اما در دوران پهلوی بعد از خیابان کشی های شریعتی و طالقانی این عناصر نقش شهری مرزی خوی را در ساختار اصلی شهر از دست داده و با گذر زمان ساختار اصلی شهر به خیابان شریعتی و سامان میدانی و خیابان طالقانی تبدیل شد. با این وجود با توجه به موجودیت پویای شهری مرزی خوی، تحول و توسعه آن در گذر زمان امری اجتناب ناپذیر محسوب می شود. بر اساس این خصوصیات بنیادی بافت شهر مدام در حال تحول و دگرگونی است. جریان رشد و توسعه شهر در گذر زمان موجب توسعه هسته های اولیه شهری و مبدل شدن آن ها به محدوده های شهری کنونی شده است. بر همین اساس این تحقیق در پی پاسخگویی به این سؤال ها است:

❖ تغییرات ریخت‌شناسانه ساختار فضایی شهر مرزی خوی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ چگونه بوده است؟

❖ کدام عوامل بیشترین تأثیر را بر تغییرات ریخت‌شناسانه ساختار فضایی شهر مرزی خوی داشته‌اند؟

پیشینه پژوهش

در ادامه به تعدادی از تحقیقات صورت گرفته مرتبط با عنوان این پژوهش اشاره می‌شود. ابراهیمی‌پور و اردلان (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان بررسی تطبیقی تأثیر گونه‌شناسی قطعات مسکونی بر مورفولوژی بافت شهری (مورد مطالعه: محله عباسقلی خان، دروازه رشت و یدی بورورغ در شهر زنجان) به این نتایج دست یافتند که گونه‌های مختلف مسکن در تعیین و شکل‌دهی حوزه‌های مورفولوژیک سطح شهر نقشی مؤثر داشته و انتظام فضایی بافت‌های شهری را تحت تأثیر قرار می‌دهند، به طوری که با تغییر گونه بناهای مسکونی شکل بافت شهری دچار دگرگونی می‌شود و در صورتی که نحوه این تأثیر مورد توجه قرار گیرد، شکل محیط مصنوع تا حدود زیادی قابل کنترل خواهد بود. عبدالمی‌ترکمانی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان بررسی و تحلیل هسته‌های عملکردی و تأثیر آن بر تعادل ساختار فضایی شهر (مورد مطالعه: کلان‌شهر تبریز) به نتایجی دست یافتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که الگوهای فضایی هسته‌های عملکردی به صورت تک‌هسته‌ای می‌باشد و ساختار فضایی شهر تبریز به صورت تک‌قطبی و تمایل به مرکز شهر می‌باشد. شهر تبریز در سیر تحول خود هنوز با شکل‌گیری کلان‌شهر چند هسته‌ای فاصله زیادی دارد و هسته‌های فرعی هنوز نتوانسته‌اند در جذب فعالیت‌ها و جمعیت موفق عمل کنند. نتایج همبستگی فضایی نیز نشان می‌دهد که ارتباط مثبتی بین هسته‌های عملکردی و توزیع جمعیت وجود دارد و تقویت هسته‌های عملکردی باعث تمرکز جمعیت به ویژه در مرکز شهر خواهد شد. حسینی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان تحلیل ساختار فضایی شهری با تأکید بر بعد جمعیتی رویکرد ریخت‌شناسی شهر چند هسته‌ای (مطالعه مورد: شهر تهران) به این نتایج دست یافتند. نتایج حاصل از ارزش شاخص موران برای سه دوره مقادیر

مثبت و نزدیک به یک (۱) است می توان نتیجه گرفت که توزیع فضایی جمعیت تهران دارای خودهمبستگی فضایی است و توزیع خوشه‌ای دارد. نتایج تجربی تحلیل cut-off، شیب‌های تراکمی و آمار فضایی نشان داد شهر تهران از الگوی تک‌هسته‌ای فاصله گرفته و در حال تبدیل شدن به یک ساختار چندهسته‌ای است. حیدری و شکوهی (۱۳۹۵) طی تحقیقی با عنوان مطالعه تطبیقی مورفولوژی بافت‌های قدیم و جدید شهری بر اساس مدل فراکتالی (مطالعه موردی: محلات منتخب از بافت قدیم و جدید شهر زنجان) به نتایجی دست یافتند. یافته‌های پژوهش مبین آن بود که مدل فراکتالی (سازمان‌دهی فضا)، ابزاری واقعی و دقیق در شناخت فرم شهرها است و همچنین نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که بافت قدیم شهر زنجان در قیاس با بافت جدید آن، فراکتال تر می‌باشد. در تحقیق «واردانی و بهری»^۱ (۲۰۲۱) الگوها و ویژگی‌های ریخت‌شناسی شهری، شهرهای قدیمی بنگولو و سنگاپور مورد مطالعه قرار گرفت. آنان در تحقیق خود شباهت‌ها و تفاوت‌هایی موجود در الگوها و خصوصیات ریخت‌شناسی هر دو شهر را ارائه داده و برنامه‌ریزی برای توسعه شهر پیشرفته‌تر بنگولو بر اساس نتایج تحقیق را مرور کلی نمودند. در تحقیقی «ژو و گائو»^۲ (۲۰۲۰) تأثیر مورفولوژی شهری در حالت حمل‌ونقل شهر توکیو را مورد بررسی قرار دادند. آنان در تحقیق خود عنوان کردند که به‌عنوان یک منطقه معمول آسیای شرقی، منطقه توکیو با چالش‌های تراکم بالای جمعیت و فشار ترافیک روبرو شده است، بنابراین تحت تحولات گسترده شهری و توسعه سریع ترافیک قرار گرفته است. این مطالعه با استفاده از مجموعه گسترده‌ای از داده‌ها در مورد عوامل اقتصادی، جمعیت، سیاست‌های استفاده از زمین و حالت‌های ترافیک شهری، دیدگاه مرور تاریخی منطقه بزرگ توکیو را فراهم می‌کند. در این تحقیق نحوه تغییر شکل شهری با تعامل حالت ترافیکی بررسی شده و به مراحل مختلف در حال تکامل تقسیم‌شده و ارتباطات بین شکل شهری و حالت ترافیک بر اساس آن در هر فاز مورد مطالعه قرار گرفت. در تحقیق «پیکارد و زنو»^۳ (۲۰۱۸) ساختار

1. Wardhani & Bahri
2. Zhou and Gao
3. Picard & Zenou

فضایی شهری، اشتغال و روابط اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. آنان در تحقیق خود مدلی را توسعه دادند که در آن کارگران هر دو مکان مسکونی (فضای جغرافیایی) و تعاملات اجتماعی (فضای اجتماعی) خود را انتخاب می کنند. و به صورت متعادل نشان دادند که در اکثر شرایط گروه اکثریت در نزدیکی مرکز شغلی اقامت دارند در حالی که گروه اقلیت دور از آن زندگی می کنند. در مطالعه دیگری که توسط «تاپکو^۱ و همکاران» (۲۰۱۴) با عنوان مقایسه ویژگی های مورفولوژیکی مناطق مسکونی در سانفرانسیسکو انجام گرفت؛ با پرداختن به مقایسه مناطق مسکونی از نظر برخی معیارها با الگوهای مختلف مربوط به خواص مورفولوژیکی مورد ارزیابی قرار گرفت این معیارها شامل دسترسی، هم پیوندی محلی و فراگیر، خوانایی، تراکم، شاخص های زیست پذیری بود. اندازه گیری این معیارها به کمک GIS با تکیه بر روابط فضایی موجود در خیابان و بلوک ها انجام پذیرفت.

مبانی نظری

ریخت شناسی و ریخت شناسی شهری

اندیشیدن درباره فرایند ساخت شهر در بستری تاریخی نیازمند رویکردی خاص است. با توجه به تعاریف و نظریه های موجود می توان گفت مورفولوژی شهری مطالعه طرح ترکیب فرم و فضای شهری است که به طراحان شهری کمک می کند با الگوهای محلی توسعه و روندهای تغییر آشنا شوند (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸). فرایند ساخت شهرها با مطالعه ساختار و سازمان فضایی شهرها، از روی سیر تاریخی و با مبنا قرار دادن گونه شناسی بناها و همچنین بررسی هم زمان ابعاد معماری، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قابل درک است (Whitehand, 2007: 63). واژه ریخت شناسی برای اولین بار توسط «جان وولف گانگ گوته» در پایان قرن ۱۹ پیشنهاد شده و او از این واژه برای اشاره به علمی که با جوهره و ماهیت اشکال سروکار دارد، استفاده نمود. با وجود اینکه به عنوان شاخه ای از علم بیولوژی پیشنهاد شد، اما ماهیت عام و انتزاعی ریخت شناسی کاربرد آن در

بسیاری از رشته‌های متفاوت را ممکن ساخته و در پایان قرن ۱۹ در اروپای مرکزی، استفاده از آن برای مطالعه شهرها نیز شروع شد. ریخت‌شناسی به معنی علم فرم است. در چهارچوب شهری ریخت‌شناسی به معنی مطالعه فرم و شکل محیط مسکونی است. فرم به معنی یک‌شکل قابل مشاهده بوده و پیکربندی چندین جسم است، درحالی که شکل یک ویژگی هندسی یا یک‌شکل خارجی و طرح کلی جسم است (Wardani & Bahri, 2021: 560). ریخت‌شناسی شهری می‌تواند شامل تحلیل ساختار فیزیکی در مقیاس‌های مختلف و نیز الگوهای حرکت، کاربری زمین، مالکیت و اشتغال باشد. تحلیل فرم‌های فیزیکی معمولاً بر بررسی الگوی خیابان‌ها، قطعات زمین و ساختمان‌ها که در مجموع به آن‌ها دانه‌بندی شهری گفته می‌شود؛ می‌باشد (Batty, 2009: 45). دراین‌بین نقش شبکه معابر در شکل دهی مورفولوژی شهرها با توجه به قدرت عوامل طبیعی و انسانی و عکس این عمل کاملاً مشهود است. یعنی همچنان که شبکه معابر در شکل دهی و ساخت مورفولوژی شهرها تأثیر دارد. گاهی اوقات این مورفولوژی شهری است که با کمک عوامل و عناصر طبیعی نحوه شکل‌گیری مسیرها و معابر و خصوصاً دسترسی‌ها را تعیین می‌کند (شاه‌علی، ۱۳۸۹: ۱۴۰). به‌طور کلی، مکاتب ریخت‌شناسی شهری دارای سه رویکرد می‌باشد:

(۱) محیط و رفتار: تمرکز بر محیط انسان‌ساخت در ارتباط با استفاده، رفتار و ادراک انسانی؛

(۲) مکان و تصویر آن: تمرکز بر محیط انسان‌ساخت در رابطه با تجربه‌ها، معانی و ارزش‌های انسانی؛

(۳) ساختار و روند: تمرکز بر محیط انسان‌ساخت در حال تحول، از طریق تحلیل عناصر گونه‌بندی شده مطرح در شکل‌شناسی شهری (Owens, 2005: 12).

بااین‌حال گاهی این شکل شهر است که با کمک عناصر و عوامل طبیعی، نحوه شکل‌گیری مسیرها و معابر و به‌ویژه دسترسی‌ها را تعیین می‌کند؛ از سوی دیگر در بررسی زمین‌شناسی شهری، یکی از عوامل تأثیرگذار بر کاربری زمین است و درواقع ساختار شبکه معابر و

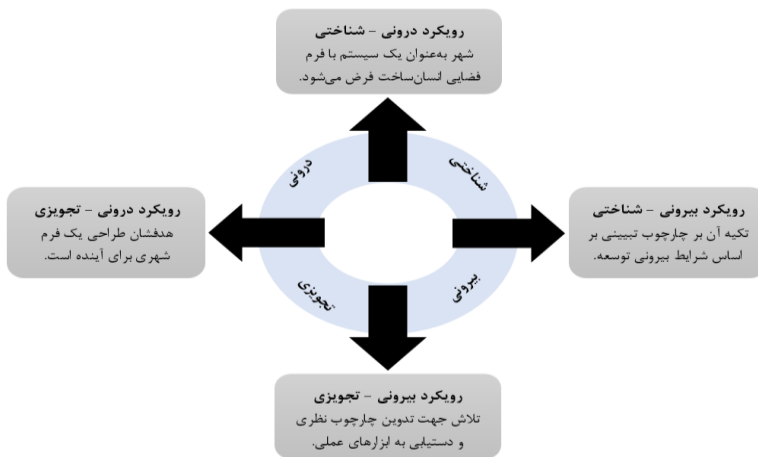
کاربری زمین، پایه‌های شکل شهر را تشکیل می‌دهند. بررسی ساختار شبکه شهری برای شناسایی و قابلیت‌های آن در ارتباط با کاربری زمین و عوامل ترافیکی، گزینه سودمندی را در اختیار تصمیم‌سازان قرار می‌دهد. این نوع مطالعه شامل سه محور اساسی است:

❖ مطالعه بخشایش سطوح کاربری و نحوه توزیع کاربری‌ها در مقیاس‌های مختلف فضایی و عملکردی؛

❖ مطالعه ویژگی‌های کالبدی درون شبکه شهر؛

❖ مطالعه ارتباط متقابل شبکه و کاربری (سلطانی و پناهی، ۱۳۹۳: ۲۵).

چون ریخت‌شناسی شهری به بررسی شکل سکونتگاه‌های انسانی و فرآیندهای شکل‌گیری و دگرگونی آن‌ها می‌پردازد. ریشه در جغرافیا و جامعه‌شناسی شهری دارد، جایی که محققان با بررسی الگوهای اجزای تشکیل‌دهنده آن و مالکیت و استفاده از سکونتگاه‌ها به دنبال در ساختار مکانی و شخصیت یک منطقه شهری هستند (Lehner & Blaschke, 2019:173) ریخت‌شناسی و گونه‌شناسی شهری مبتنی بر مکاتبی هستند که اواسط قرن بیستم در کشورهای انگلستان، فرانسه و ایتالیا شکل گرفتند و در دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی در قالب یک مجمع جهانی معروف به سمینار بین‌المللی شکل شهری به هم پیوستند (ابراهیمی پور و اردلان، ۱۳۹۹: ۴۰). ریخت‌شناسی را می‌توان به صورت «مطالعه و بررسی فرم شهرها بر اساس مطالعه گونه‌های فضا و بنا» تعریف کرد (جمالی، ۱۳۹۴: ۱۰۵).



شکل شماره ۱. طبقه‌بندی مورفولوژی شهری (ریخت‌شناسی شهری)

ساختار فضایی شهر

واژه ساختار فضایی اگرچه ظاهراً هیچ وقت به صورت صریح و واضح تعریف نشده است اما به صورت ضمنی به روش های متفاوتی توسط محققین بیان شده است. بعضی از پژوهشگران ساختار فضایی را توصیفی مختصر از مفاهیم ژئومتریک مرتبط با الگو، فاصله و مورفولوژی تعریف می کنند اما پژوهشگران دیگر ساختار فضایی را به عنوان مترادفی برای مدیریت فضایی یا مرتبط با مکان به کار می برند (رفعیان و زاهد، ۱۳۹۹: ۲۲۰). لوپز و همکاران ساختار فضایی شهر را درجه ای از تمرکز فضایی جمعیت و فعالیت شهری مانند تعداد و اهمیت مراکز درون یک شهر تعریف کرده اند (Garcia Lopez et al, 2020: 165) ساختار فضایی هر شهر، به گذشته آن و عوامل و حوادثی مربوط می شود که شرایط محیط را طی زمان برای ایجاد و برقراری آن به وجود آورده است (زیاری و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۷). بر اساس تعاریف ذکر شده می توان گفت که ساختار فضایی یک شهر بسیار پیچیده است. برآیند فیزیکی فعل و انفعالات دقیق چندین قرن بین بازارهای زمین و توپوگرافی، زیرساخت ها، مقررات و مالیات است (Burger, 2018: 770). ساختار فضایی شهر در حقیقت ترتیب قرار گرفتن عناصر شهر و نحوه ارتباط آن ها در چارچوب محورهای ارتباطی، در عرصه با حوزه معین جغرافیایی در رابطه با یکدیگر است (بلیلان اصل، ۱۳۹۵). به عبارت دیگر، ساختار فضایی به مجموعه ای از ارتباطات ناشی از فرم شهر و تجمع مردم، حمل و نقل و جابه جایی با جریان کالا و اطلاعات اشاره دارد (Rodrique et al, 2013: 80). ساختار فضایی شهری را می توان به ساختار فضایی داخلی و ساختار فضایی خارجی تقسیم کرد (Pichard & Zenou, 2018: 106; Hu et al, 2018: 15).

جدول شماره ۱. بررسی نظریه های موجود پیرامون ساخت اصلی شهر

اندیشمند	بررسی نظریه ساخت اصلی شهر	عوامل تشکیل دهنده ساخت اصلی شهر
تیما تن	ساخت اصلی شهر به شهر هویت می بخشد.	عوامل اصلی شهر از جمله عناصر تغییرناپذیر و با مقیاس بزرگ، رودخانه ها، کانال ها و یا بعضی از ترکیب های شکلی منحصر به فرد عواملی هستند که ساخت اصلی یک مجتمع زیستی را قابل درک می کند.

الکساندر و دوشی	ساخت اصلی شهر (Main Structure) در مقابل Filler یا پرکننده‌ها قرار دارد.	عوامل یا عناصر سازنده ساخت اصلی شهر عبارت‌اند از: شبکه‌های اصلی دسترسی، مراکز عمده فعالیتی و عناصر اصلی شهر.
ادموند بیکن	شهر از دو قسمت اصلی (Essential) و قسمت غیر اصلی (NonEssential) تشکیل شده است.	شبکه‌های ارتباطی و ساختمان‌های اصلی، ساخت اصلی شهر را تشکیل داده و نیروی سازمان‌دهی شهر محسوب می‌شوند.
فومیهیکو ماکی	در هر شهری می‌توان یک بدنه اصلی و فرعی یافت.	نظام حرکتی شهر، فضاهای شهری، خدمات عمومی و تأسیسات زیربنایی، ساخت اصلی شهر را می‌سازند.
دیوید کرین	شهر از قسمت اصلی (Basic) و بخش‌های فرعی (Non Basic) تشکیل شده است.	نظام حرکتی شهر، فضاهای شهری، خدمات عمومی و تأسیسات زیربنایی، ساخت اصلی شهر را می‌سازند.
آلدوروسی	شهر دارای یک ساخت اصلی است که به عناصر فرعی هم‌معنی و مفهوم می‌دهد.	مجموعه‌ای از عناصر اصلی و پیوند میان آن‌ها ساخت اصلی شهر را پدید می‌آورند.
کونین لینچ	شهر دارای یک شالوده نمادین است، که باید با شناخت عوامل و عناصر اصلی آن به این شالوده وحدت بخشید و آن را سازمان داد.	عناصر اصلی سیمای شهر از نظر وی راه، لبه، محله، گره و نشانه هستند. تمایز عناصر اصلی شهر از عناصر غیر اصلی امری ضروری است.
لوکوربوزیه	بخش مرکزی شهر پاسخگوی مناسبی جهت جابجایی مردم است.	با توجه به سیستم ترافیک سه نوع راه برای تمرکز ترافیک سنگین و پخش کالا، شبکه‌ای از خیابان‌های اصلی، پله‌ای محکم.
رابرت پارک	ساختار شهر در طبیعت انسان است و آن را نمایش می‌دهد.	ساخت شهر با پیچیدگی خود، اولین چیزی که ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد.
کنزو تانگه	سیستم حمل‌ونقل، شالوده کالبدی و عملکردی یک شهر است و استراکچر یک شهر را می‌سازد.	ساماندهی استخوان‌بندی موجود، هم‌زمان با توسعه جدید مدنظر قرار گرفته است.
امس راپاپورت	سازمان‌دهی مجتمع‌های زیستی بر اساس هدفی خاص که همان نظم بخشیدن به یک منطقه و ایجاد فضاهای مفید باشد، صورت می‌گیرد.	سازمان محیط شهری را متشکل از سازمان فضایی محیط، سازمان مفاهیم، سازمان زمانی محیط، سازمان ارتباطی محیط.
کامیلیوسیت	نظرات وی جنبه‌های بصری و زیبایی‌شناختی دارد.	خیابان عنصر اساسی شهر و تجلی‌گاه زندگی اجتماعی و عملکردهای حیاتی شهر است.

از دید جامعه‌شناسی ساختار شهر و در برقراری نظم و ساماندهی، جامعیت، قابلیت انعطاف، جین جیکوبز فضاهای عمومی آن را تحلیل می‌کند. ریتم، توانایی سنجش و اندازه‌گیری را مورد نظر قرار داده است.

بافت شهری از درهم آمیختگی کلیه در مقابل طراحی شهری مدرن، نظم مطلوب را در راب کریر فعالیت‌ها هنگامی که محمل کالبدی الگوی انتظام بخش گذشته شهرها جستجو می‌کند. می‌باید شکل می‌گیرد.

ساختار فضایی داخلی به‌عنوان ساختار منطقه شهری شناخته می‌شود، که تجسم فضایی از فعالیت‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و سازمان‌های عملکردی انسان‌ها در یک منطقه خاص است (Zhang & Tong, 2018: 3). از سوی دیگر تغییرات در ساختار فضایی ممکن است با توجه به روندها و فرایندهای جمعیتی در دو گونه مختلف رخ دهد که هر یک ساختار فضایی ویژه خود را می‌طلبند. (اقبال کورائیم و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۱۱). این فرایند به تقویت و تشدید قدرت یک یا چند مرکز مسلط در منطقه منجر می‌شود. در نوع دیگر، تحت تأثیر نیروهای مرکز گریز، جمعیت بارها کردن شهرهای بزرگ به نواحی حومه‌ای و پیرامونی آن‌ها مهاجرت می‌کند که ناشی از پدیده حومه‌نشینی با تمرکززدایی جمعیت است و به تغییرات بسیاری در ساختار فضایی منطقه منجر می‌شود این تغییر از طریق ظهور مرکز فرعی حومه‌ای متنوع و به‌طور فزاینده بزرگ که در رقابت مستقیم با مرکز قدیمی شهر قرار دارند و به بیان دیگر از طریق تمرکززدایی مداوم جمعیت و اشتغال که به‌طور عمیق موجب تغییر ساختار فضایی مناطق کلان‌شهری معاصر می‌شود، به ظهور فرم شهری چندمرکزی و پراکنده‌تر منجر می‌شود (داداش‌پور و ولاشی، ۱۳۹۶: ۲۰۷).



شکل شماره ۲. خصوصیت‌های عمده ساختار فضایی شهرها (Meijer et al, 2011: 539)

بنابراین به منظور تسهیل شناسایی ساختار فضایی می توان آن را در قالب ترتیب قرار گرفتن عناصر شهر و نحوه ارتباط آن ها در چارچوب محورهای ارتباطی، در عرصه یا حوزه معین و در تعامل با یکدیگر تصور نمود. این ساختار به عنوان یک نظام دارای اجزائی است که همچون اندام هایی که موجود زنده با یکدیگر ارتباطی ارگانیکی دارند. از این رو مسئله اصلی در بررسی تحولات ساختار فضایی شهری بررسی تغییرات اعمال شده بر ساختار فضایی محورهای ارتباطی آن در بستر تاریخ شهر است (علی آبادی و محمدی، ۱۳۹۸).

ساختار فضایی شهرهای تاریخی ایران

در شهرهای قبل از اسلام ایران تلاش بر آن بود تا فرم شهر در تبعیت کامل از ساختار اجتماعی آن سامان پذیرد. به عبارت دیگر، سازمان فضایی این شهرها به گونه ای بود که بتواند پاسخگوی سازمان اجتماعی مردمان ایران در این دوران باشد. متعاقب سقوط ساسانیان و تغییر در سازمان اجتماعی مردمان ایران تصور بر آن بود تا فضاهاى شهری نیز دست خوش تغییرات بنیادین شوند، لیکن پس از مدتی فرمانروایان اسلامی نیز شیوه های شهرسازی ایرانیان را مورد تقلید قرار دادند. در نتیجه، شهر اسلامی نیز با شباهت به شهرهای ساسانی از بخش های متمایز از هم فرم یافتند. با این تفاوت که در پاره ای از شهرهای دوره اسلامی، اهمیت بخش های سه گانه (شارستان، کهن دژ و ربض) نسبت به یکدیگر تغییر نمود و چه بسا ربض (بخش بیرونی شهر)، به دلایل توسعه و تغییر روابط اجتماعی و اقتصادی شهر، بر شارستان رجحان می یابد (کریمیان و رحیم نژاد، ۱۳۹۵: ۳۷). همچنین در شهرهای ایرانی فرم، به تبع معنا تعریف می شود و کالبد، هویت خود را از محتوی اخذ می کند و این متأثر از بنیان های نظری هنر معماری ایرانی است که نسبت قالب و محتوی همچون نسبت روح و کالبد در بنیادهای جهان بینی آن نیز آشکار است (پوراحمد و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۴). در این میان، شهرهای ایرانی در ساختار خود دارای عناصر گوناگونی هستند که هرچند کالبد شهر را شکل می دهند، اما در ورای آن با تکرار نقش آفرینی در زندگی روزمره ساکنان و نقش آفرینی در حافظه جمعی بلندمدت آنان، به عناصری هویت بخش تبدیل می شوند که تغییر و تحول در این ساختارها می تواند تغییرات

اساسی را در بنیان‌های هویتی شهر ایجاد نمایند (کلانتری خلیل آباد و ملاحسینی اردکانی، ۱۳۹۱: ۴۳). در این شهرها، فضاها به گونه‌ای استقرار یافته بودند که هیچ‌یک از نیازها و موقعیت‌ها نقش اخلاقی، معنوی و الهی را خدشه‌دار نمی‌ساختند و روابط بنیادی در شهر به گونه‌ای بود که انسانیت و معنویت را در میان ساکنان آن به وجود می‌آورد و هرگونه تبعیض فضایی، اقلیمی که با روح عدالت و تقسیم منابع و امکانات مغایرت داشت، از بین می‌رفت (صفایی پور و سعیدی، ۱۳۹۶: ۹۷). اگرچه در بیشتر شهرهای ایران و به‌ویژه شهرهای حاشیه کویر، ارتباط قوی فضایی میان عناصر مجموعه مرکز شهر وجود داشته، لیکن گسستگی فضایی به وجود آمده در طول زمان مانع از درکت کامل آن است. علی‌رغم پاشیدگی سازمان محله‌ای شهرهای کویری ایران، مراکز محلات آن‌ها اغلب به‌طور مشخص با نام قابل‌شناسایی است. در این شهرها، هر محله خود به‌مثابه شهر کوچکی بوده که بیش‌تر عناصر اصلی مانند مسجد، بازارچه، حمام، میدانچه و آب‌انبار در مرکز آن قرار داشته است. به‌علاوه، هر محله دارای یک مرکز بوده که بنا بر وضعیت اجتماعی اقتصادی ساکنین محله فضاهای آن شکل می‌بافته است. استقرار فضایی مرکز محله در مسیر یا تقاطع دو گذر اصلی در محله بوده است. در کنار این استقلال، هر محله به نوبه خود یک جزء اقتصادی و با اداری شهر به شمار می‌آمد (کریمیان و رحیم‌نژاد، ۱۳۹۵: ۳۸).

ساختار فضایی شهرهای مرزی

مروری بر ادبیات نظری و کاربردی در زمینه توسعه شهرهای مرزی نشان می‌دهد که توسعه این شهرها در قالب سه رویکرد اساسی تحت عنوان "رویکرد سنتی مکان"، "رویکرد همکاری‌های بین مرزی" و "رویکرد مردمی" مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. در رویکرد اول می‌توان به نظریه‌های کریستالر، الوش، گریش، فرانسوا پرو و جان فریدمن اشاره کرد که در نظریه کریستالر، شهرهای مرزی با توجه به مناطق مرزی موارد ویژه‌ای قلمداد می‌شوند، زیرا این شهرها در کناره‌های استان به‌صورت منفرد و منزوی به لحاظ اقتصادی و فضایی قرار گرفته‌اند (sermak, 2007: 82). این شهرها به لحاظ اقتصادی ضعیف و شکننده خواهند بود زیرا مرزهای ملی و کشوری سبب قطع شدن

و حذف مناطق وابسته خواهند بود. البته رشد و رونق فعالیت‌های تجاری در مرزها تأثیرات مثبتی در توسعه این شهرها خواهند داشت. «لوش» با بررسی اقتصاد فضایی مناطق مرزی معتقد است مرزهای ملی سبب ایجاد خلاء فاصله در شبکه اقتصادی و بازار می‌شود و موجب عقب ماندگی و رکود شهرهای مناطق مرزی خواهند بود. در مدل گیرش، مرزهای ملی، سدی در برابر تجارت‌های بین‌المللی می‌باشند. به اعتقاد وی هر چه میزان تولیدات داخل یک کشور بیشتر باشد، در نتیجه مناطق اقتصادی بزرگ‌تر خواهند بود، در آن صورت تعداد کمتری از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران گرایش به مناطق نزدیک مرز را خواهند داشت، که در آن صورت تنها حذف عامل مرز در راستای یکسان‌سازی اقتصادی سبب گرایش به فعالیت‌های اقتصادی در مناطق مرزی می‌شود (موسوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۹). نظریه مرکز - پیرامون نیز، مرزهای بین‌المللی کشورها را یکی از موانع در برابر بهبود مناطق مرزی می‌داند. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران این نظریه فرآیند یکپارچگی اقتصادی و همکاری‌های بین مرزی، نظم اقتصادی و توسعه فضایی مناطق مرزی و پیرامونی را تغییر خواهد داد و موجب رونق و جمعیت‌پذیری و اهمیت استراتژیکی این شهرها خواهد گشت (Copus, 2001: 548). همکاری‌های بین مرزی، نظم اقتصادی و توسعه فضایی مناطق مرزی و پیرامونی را تغییر خواهد داد و موجب رونق و جمعیت‌پذیری و اهمیت استراتژیکی این شهرها خواهد گشت. دومین رویکرد اساسی که از دهه ۹۰ میلادی وارد ادبیات جغرافیای اقتصادی گردید، با اشاره به نظریه سیستم‌های جهانی شهر، جهانی‌شدن، اعتماد، تعاون و اتحاد به تحلیل مناطق مرزی می‌پردازد. این رویکرد مناطق مرزی بین دو کشور را از نظر بالقوه بودن در زمینه‌های مختلف، ویژگی‌های جغرافیایی، تاریخ، گروه‌های قومی و فرصت‌های اقتصادی شبیه هم می‌داند و معتقد است این تنها مسائل حکومتی و قلمرو سیاسی دو کشور است که دو طرف مرز را از هم جدا ساخته است. یکسان‌سازی و همکاری‌های بین مرزی که به صورت تعامل سازمان‌یافته میان دو کشور برای توسعه این مناطق ضروری است. از دیدگاه طرفداران این رویکرد پراکندگی مناطق مرزی دیگر قابل قبول نیست و مرزها می‌توانند در اثر توافق‌ها از بین بروند

(Niebuhe & Stiller,2003:3). در رویکرد سوم، مرزها به محوریت یکپارچه‌سازی است. نظریه پردازان این گروه به تحلیل مرزها از نظر تولید نسل و افزایش جمعیت به‌عنوان عاملی تأثیرگذار در ثبات مرزها و روند یکپارچه‌سازی می‌پردازند. مهم‌ترین عامل در این تحلیل‌ها، ایجاد فکر، شکل دهی نمادین به آن و درنهایت شکل‌دهی به مرزها توسط عوامل انسانی با کمک سیاست‌مداران، شرکت‌ها، مصرف‌کنندگان و شهروندان است. در واقع در این رویکرد محوریت عوامل انسانی جایگزین و همکاری‌های بین مرزی توسط افراد و مجموعه افراد می‌گردد. در واقع در این رویکرد، مرزها، عامل اصلی جدایی سیاسی نیستند بلکه فرآیندهای انسانی با مشخصات و ملیت‌های گوناگون هستند که موجب جدایی مناطق می‌شوند (Van Houtum,2000:67). این رویکرد در قالب نظریه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در نظریه روانشناسی، مرزها همانند موجودات انسانی و ساختار اجتماعی تحت تأثیر ادراک و نگرش انسانی نسبت به فضا می‌باشند، هستند. این نظریه موجب افزوده شدن وجه ادراکی، وجه تأثیرگذاری و وجه ذهنی و روانی به مرزها شده است که این سه بعد هیچ ارتباط مستقیمی نسبت به یکدیگر ندارند. یعنی فاصله میان مناطق یک فاصله نسبی بوده است. آنچه مهم است فاصله ادراکی به فضا است (Cadwallader,2010:565).

روش پژوهش

نوع تحقیق کاربردی و رویکرد حاکم بر فضای تحقیق توصیفی - تحلیلی می‌باشد. روش تحقیق بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری منابع مرتبط موضوعی با استناد به کتب، مقالات علمی پژوهشی، رساله‌ها و اسناد به سایت‌های معتبر علمی جهانی به‌عنوان مطالعات مبانی نظری و استخراج چارچوب نظری تدوین گشته است. در این پژوهش با توجه به اینکه جامعه آماری شهر شهری مرزی خوی با جمعیت ۱۹۸۸۴۵ نفر در سال ۱۳۹۵ می‌باشد لذا حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر شده است یعنی باید این مقدار پرسشنامه بین مردم بافت مرکزی شهر با روش نمونه‌گیری تصادفی توزیع گردید تا بتوان به پرسش‌های مربوطه به‌درستی پاسخ داده و مورد آزمایش و ارزیابی قرار داد. ابزار

گردآوری اطلاعات در مطالعات میدانی، پرسشنامه و مشاهده می‌باشد، همچنین ابزار گردآوری اطلاعات در مطالعات کتابخانه‌ای، شامل مطالعات ساختار تاریخی شهری مرزی خوی، ساختار معاصر، مبانی نظری و نظرات اندیشمندان و فیش‌برداری و... صورت می‌گیرد. ابتدا عوامل مؤثر در تغییرات ساختار فضایی شهر شناسایی شده سپس نقشه‌های دوره‌های مختلف شهر شهری مرزی خوی (۱۳۴۵، ۱۳۵۲، ۱۳۷۳، ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵) استخراج شده و برای تحلیل آماده‌سازی می‌شود. بر اساس مهم‌ترین عوامل تحلیل‌های چیدمان فضا برای شهر شهری مرزی خوی طی دوره‌های مختلف انجام می‌گردد (شامل تحلیل عمق) سپس نتایج این تحلیل‌های چیدمان فضایی بررسی می‌شود و علل این تغییرات طی دوره‌های مختلف بر اساس پرسشنامه و آزمون‌های آماری و SPSS مورد تحلیل قرار می‌گیرد. با توجه به جداول شماره ۲، مشاهده می‌شود که پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار است. برای این منظور از آلفای کرونباخ استفاده کردیم. از آنجایی تمام اعداد (ارزش عددی) به‌دست آمده از ۰.۵ بالاتر است، بنابراین پرسشنامه از پایایی مطلوبی برخوردار است.

جدول شماره ۲. پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ

ردیف	ابعاد	تعداد شاخص	Cronbach`s Alpha
۱	حقوقی	۳	۰/۶۹۴
۲	قانونی	۲	۰/۶۵۱
۳	فرهنگی - اجتماعی	۴	۰/۷۴۹
۴	اقتصادی	۹	۰/۸۰۳
۵	محیطی و جغرافیایی	۳	۰/۷۱۱
۶	فنی	۴	۰/۶۲۶
۷	کالبدی	۴	۰/۷۸۵
	جمع	۳۰	

برای سنجش روایی (اعتبار)، با استفاده از روایی صوری، نظرات افراد مرتبط بررسی و جمع بندی گردید. به این منظور، پرسشنامه به تأیید اساتید و افراد آگاه در این زمینه رسید.

جدول شماره ۳. شاخص‌ها و زیرشاخص‌های تحقیق

عامل یا معیار	شاخص‌ها
	قطعه‌بندی زمین
عوامل حقوقی	مالکیت اراضی و عادات محلی
	قوانین مربوط به استفاده از آب، زمین و ساختمان
عوامل قانونی	نقش دولت
	طرح جامع شهر
	جمعیت
عوامل فرهنگی و اجتماعی	مهاجرت
	گروه‌های اجتماعی
	سنت‌ها و علائق
	نقش اقتصادی شهر
	درآمد خانوارها
	بودجه‌های دولت در عمران شهری
	قیمت زمین
عوامل اقتصادی	مالکیت زمین
	فعالیت‌های بخش خصوصی
	بانک‌ها
	قیمت مصالح ساختمانی
	رشد و توسعه اقتصادی
	توپوگرافی
عوامل محیطی و جغرافیایی	خاک و آب
	اقلیم

وسایل حمل و نقل	عوامل فنی
تجهیزات زیربنایی	
طرح‌های فنی	
نحوه استفاده از فنون شهرسازی	
شبکه راه‌ها	عوامل کالبدی
آیین‌نامه‌های تفکیک زمین و مقررات ساختمانی	
نحوه استفاده از زمین	
وجود تأسیسات عمومی	
مراکز شهری، فضاها و مسکونی	

محدوده مورد مطالعه

شهر مرزی خوی یکی از شهرستان‌های آذربایجان غربی است که از شمال به شهرستان ماکو و چالدران، از شرق به شهرستان مرند واقع در آذربایجان شرقی، از جنوب شرقی به شهرستان شبستر، از جنوب به شهرستان سلماس و از غرب به کشور ترکیه محدود می‌گردد. حداکثر ارتفاع در غرب به ۱۱۵۰ متر و حداقل آن در شرق به ۱۰۸۰ متر می‌رسد و به همین مناسبت، جلگه خوی را در قدیم (خوی چوخوری) به معنای گودال و دره می‌نامیدند. مرکز شهرستان خوی، در ۱۳۰ کیلومتری شمال ارومیه و در مسیر راه آسفالت درجه یک اصلی مهاباد - مرز بازرگان قرار گرفته است. این مرکز شهرستان در جلگه‌ای قرار گرفته که رودخانه قطور چای نواحی جنوبی و رودخانه الوند نواحی باختری آن را آبیاری می‌کند. بافت مرکزی شهر با توجه به شکل‌گیری اولیه و سپس نفوذ اتومبیل و همچنین نقش خدمات، با معابر و خیابان‌های پر ازدحام و حرکت کند اتومبیل مواجه است. در بررسی بافت تا میزانی معین می‌توان بافت قدیم و تازه‌ساز و جدید را نشان داد. به طوری که نه تنها وجود خیابان‌ها و کوچه‌های تنگ و پیچ‌وخم دار و یا کوچه‌باغی منطبق بر عوارض طبیعی زمین و یا برعکس خیابان‌ها و کوچه‌های مستقیم و شطرنجی، بلکه تراکم ساختمان‌ها و فشردگی آن‌ها نسبت به هم نیز بر نوع بافت در مواردی مصور

است که به صورت نکات زیر قابل مطالعه می‌باشد. از این رو شناسایی و تشخیص عملکردی و هویتی بافت قسمت‌های مختلف شهر که احتمالاً تداعی دو بعدی آن است، بر مبنای تجزیه و تحلیل نوع ترکیب (دانه‌بندی) و تراکم (فشرده‌گی) داخل بافت جهت ارزیابی عملکرد به عنوان مهم‌ترین خصوصیات آن، به صورت زیر مورد ارزیابی قرار گرفته است. در منابع جغرافیایی - تاریخی قدیم، به کرات از خصوصیات جغرافیایی شهر شهری مرزی خوی، بعد مسافت و فواصل آبادی‌های آن از یکدیگر، اهمیت کشاورزی و اشتهار پاره‌ای از صنایع آن، خلق و شهری مرزی خوی و مذهب ساکنان آن یاد شده است. شهر شهری مرزی خوی به دلیل دارا بودن استعدادهای طبیعی از قبیل استقرار در کنار شاهراه تجاری و عبوری شمال غربی ایران (که از شهرهای مهمی چون تبریز می‌گذرد)، نزدیکی به مرز ترکیه و موقعیت نظامی و مرزی آن، برخورد فرهنگ‌های محیطی متفاوت و در چند سال اخیر پیدایش و ایجاد مرز رازی که راه ارتباطی با کشور ترکیه بوده و همچنین بحث منطقه آزاد تجاری، یکی از سکونتگاه‌های ایرانیان باستان بوده است که علاوه بر موقعیت کشاورزی، وضع مرزی و نظامی آن موجب تأثیر در تاریخ شهر بوده است. شهر مرزی خوی در اولین قرن‌های اسلامی رو به آبادی نهاده، در دوران مغول دچار خرابی شده و رو به انحطاط رفته است. در دوره صفویه به علت موقعیت سرحدی بار دیگر مورد توجه قرار گرفته و دورانی از آبادانی پرشکوه و سپس انحطاط تدریجی را گذرانده است. در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ تا سال ۱۳۷۰ بخش مهمی از اراضی اطراف شهری مرزی خوی به سطح شهر اضافه شده است. بدین معنی که بعضی از محلات قدیمی توسعه یافته و بعضی از محلات جدید نیز مسکن گاه مهاجرین شده است. محلاتی که از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۰ احداث شده‌اند عبارت‌اند از: محلات مشهور پشت دخانیات، علی آباد، چمن و قدیم‌زاده در مشرق که البته محله علی آباد از قبل بوده و در این دوره توسعه یافته است و محلات نعیمی و ناخرشهری مرزی خویی و جمشیدآباد از سمت شمال که قسمتی از آن‌ها در خارج از محدوده شهر واقع است و محلات کامران، قمسال و شهانق سفلی از سمت مشرق و جنوب شرقی به سطح شهر اضافه شده است. در دوره پهلوی با خیابان‌کشی‌های شریعتی و طالقانی،

در محل تلاقی این دو خیابان میدان سامان ایجاد گردیده است، همچنین دروازه‌های چورس و خیابان هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهند. اما با وجود این خیابان‌کشی‌ها ارتباط برخی از عناصر ساختار اصلی با مجموعه کاهش یافته و به تدریج کیفیت فضایی‌شان نیز با افول مواجه شده است. عناصر اصلی ساختار شهری از بالا، دروازه چورس، میدان مشق، محور فرمانداری، سامان میدانی محور طالقانی، برخی از راسته‌های بازار و دروازه خیابان. با توجه به نقشه استخوان‌بندی شهر در سال ۱۳۵۲ محدوده شهر از بخش قدیمی و تاریخی فراتر رفته و در بخش شمال و شمال غربی و غربی توسعه یافته است.



شکل شماره ۳. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

بحث و یافته‌ها

با توجه به یافته‌های تحقیق، افراد در سنین ۳۱ - ۴۰ سال، با ۳۴ درصد فراوانی بیشترین افراد پرسش‌شونده را شامل می‌شوند. سنین «۴۱ - ۵۰، ۲۰ - ۳۰، ۵۱ - ۶۰ و ۶۰+» به ترتیب با «۲۷، ۱۷، ۱۵ و ۷ درصد» فراوانی در رده‌های بعدی قرار دارند. ۶۳ درصد افراد پاسخگو مرد و ۳۷ درصد نیز زن بودند. از این تعداد افراد پاسخگو؛ ۱۳ درصد بی‌سواد، ۱۶ درصد ابتدایی، ۱۸ درصد راهنمایی، ۲۱ درصد دیپلم، ۷ درصد فوق‌دیپلم و ۲۵ درصد دارای تحصیلات لیسانس و بالاتر بودند. همچنین از مجموع ۳۸۳ نفر افراد پرسش‌شونده، ۱۱ درصد بیکار، ۱۷ درصد دارای شغل آزاد، ۱۹ درصد کارمند (کار دولتی)، ۱۰ درصد کارگر، ۱۳ درصد بازنشسته، ۱۲ درصد خانه‌دار و ۱۸ درصد دانشجو بودند. همچنین این افراد به ترتیب فراوانی ۱۵ درصد کمتر از یک سال، ۲۴ درصد ۱ - ۱۰ سال، ۲۳ درصد ۱۱ - ۲۰ سال، ۲۵ درصد ۲۱ - ۳۰ سال و در نهایت ۱۳ درصد افراد بیشتر از ۳۰ سال در شهر مرزی خوی اقامت داشته‌اند.

پیش‌نیازهای انجام تحلیل عاملی

- روش KMO

مقدار ضریب KMO همواره بین «۰ و ۱» در نوسان است؛ در صورتی که KMO کمتر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب نخواهند بود و اگر مقدار آن بین ۰/۵ و ۰/۶ باشد، داده‌ها متوسط بوده و اگر مقدار این شاخص، بزرگ‌تر از ۰/۷ باشد، همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب خواهند بود.

- روش بارتلت (Bartlett's)

یکی دیگر از روش‌های تشخیص مناسب بودن داده‌ها، روش بارتلت می‌باشد. آزمون بارتلت، این فرضیه را که ماتریس همبستگی مشاهده‌شده متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای وابسته است، می‌آزماید. برای اینکه یک مدل عاملی، مفید و دارای معنا باشد، لازم است متغیرها همبسته باشند. پس فرض آزمون بارتلت به صورت زیر است:

H₀: داده‌ها نا همبسته‌اند.

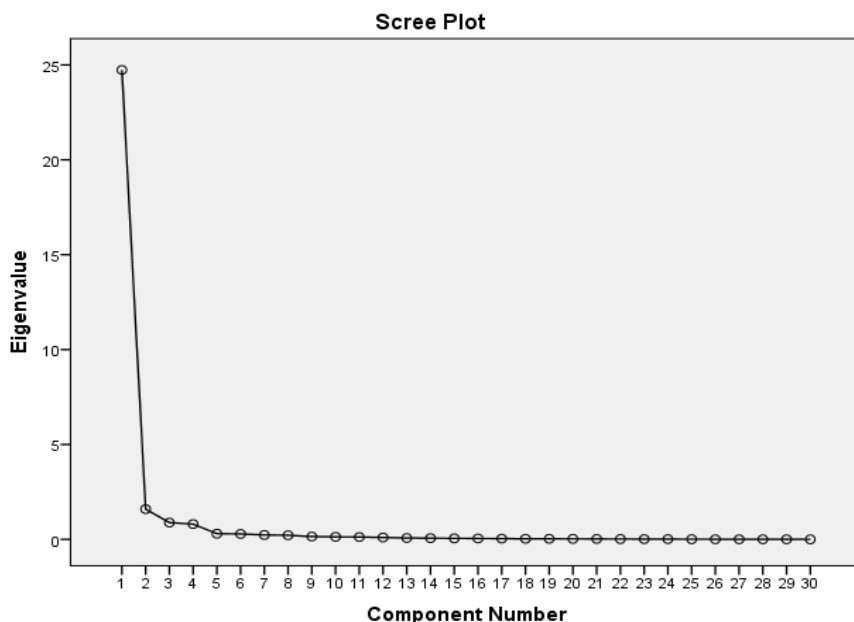
H1: داده‌ها همبسته‌اند.

پس مطلوب آن است که فرض صفر رد شود. اگر فرض صفر رد نشود، مطلوبیت تحلیل عاملی زیر سؤال می‌رود و باید درباره انجام آن تجدیدنظر کرد. به همین دلیل است که قبل از تحلیل عاملی باید به تشکیل ماتریس همبستگی بین متغیرها اقدام نمود. در جدول شماره (۴)، شاخص KMO با مقدار «۰/۸۱۴» در قسمت اول جدول آمده است. چون مقدار آن نزدیک به «۱» است؛ تعداد نمونه برای تحلیل عاملی کافی می‌باشد. در ادامه، نتیجه آزمون بارتلت که تقریبی از آماره کای دو است، نشان داده شده است. مقدار «Sig.» آزمون بارتلت، کوچک‌تر از (۰/۰۵) است (۰/۰۰۰)، که نشان می‌دهد تحلیل عاملی برای شناسایی ساختار مدل عاملی مناسب است، و فرض شناخته شده بودن ماتریس همبستگی رد می‌شود.

جدول شماره ۴. شاخص KMO و آزمون بارتلت برای کفایت شاخص‌های مربوط به پایداری اجتماعی

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.	۰/۸۱۴
Approx. Chi-Square	۵۷۳.۰۹۹
Bartlett's Test of Sphericity	df
	۳۸۳
	Sig.
	۰/۰۰۰

خروجی زیر (شکل شماره ۴)، نمودار Scree است که برای متغیرها محاسبه شده است. این نمودار، تصویر گرافیکی «مقدار ویژه» در هر یک از عامل‌های استخراج شده است. مقدار واریانس توجیه شده (مقدار ویژه)، با استخراج عامل‌های بعد از عامل هفتم، افت می‌کند. مقادیر ویژه عامل‌های اول تا پنجم بیشتر از «۰/۳» است که به صورت پیش فرض تعریف شده است، به همین دلیل در خروجی باقی مانده‌اند.



شکل ۴. تصویر گرافیکی مقدار ویژه هر یک از عامل‌های استخراج‌شده

- خروجی زیر (جدول شماره ۵)، ماتریس چرخیده شده اجزا را که شامل بارهای عاملی هر یک از متغیرها را در ۵ عامل باقی‌مانده پس از چرخش می‌باشد را نشان می‌دهد. هرچقدر مقدار قدر مطلق این ضرایب بیشتر باشد، عامل مربوطه نقش بیشتری در کل تغییرات (واریانس) متغیر مورد نظر دارد.

با توجه به جدول ۵ شاخص‌های تأثیرگذار بر ساختار فضایی شهر تاریخی شهری مرزی خوی به سه دسته تقسیم می‌شوند. در دسته اول شاخص‌های «قوانین مربوط به استفاده از آب، زمین و ساختمان، طرح جامع شهر، جمعیت، مهاجرت، بودجه‌های دولت در عمران شهری، رشد و توسعه اقتصادی، تجهیزات زیربنایی، شبکه راه‌ها، آیین‌نامه‌های تفکیک زمین و مقررات ساختمانی، نحوه استفاده از زمین، وجود تأسیسات عمومی، قطعه‌بندی زمین، قیمت زمین و گروه‌های اجتماعی» قرار دارند. در دسته دوم شاخص‌های «وسایل حمل و نقل، نقش دولت، طرح‌های فنی، نحوه استفاده از فنون شهرسازی، سنت‌ها و علایق، نقش اقتصادی شهر، درآمد خانوارها، توپوگرافی، مالکیت اراضی و عادات محلی و

مالکیت زمین قرار دارند و در نهایت در دسته سوم شاخص‌های «فعالیت‌های بخش خصوصی، بانک‌ها، قیمت مصالح ساختمانی، خاک و آب، اقلیم و مراکز شهری، فضاهای مسکونی» قرار دارند. "و در خاتمه ذکر این نکته ضروری است که، گروه‌ها (گروه‌های سه‌گانه) بر اساس تأثیراتی که بر مبنای تأثیرات بیشتر و کمتر می‌گذارند، دسته‌بندی شده‌اند، بدین صورت که گروه اول، بیشترین تأثیر را بر ساختار فضایی شهر شهری مرزی خوی دارد، و گروه سوم، کمترین تأثیر را دارد".

جدول شماره ۵. ماتریس چرخیده شده اجزا

شاخص‌ها	Component		
	۱	۲	۳
قوانین مربوط به استفاده از آب، زمین و ساختمان	۰/۷۷۰	۰/۴۰۷	۰/۳۶۷
طرح جامع شهر	۰/۷۳۷	۰/۴۲۳	۰/۳۵۳
جمعیت	۰/۷۳۰	۰/۳۷۶	۰/۳۹۴
مهاجرت	۰/۷۲۶	۰/۳۹۰	۰/۴۳۱
بودجه‌های دولت در عمران شهری	۰/۷۲۵	۰/۴۰۳	۰/۴۰۲
رشد و توسعه اقتصادی	۰/۷۲۲	۰/۴۱۶	۰/۳۱۵
تجهیزات زیربنایی	۰/۷۰۰	۰/۴۷۷	۰/۲۹۳
شبکه راه‌ها	۰/۶۸۳	۰/۳۵۱	۰/۵۴۳
آیین‌نامه‌های تفکیک زمین و مقررات ساختمانی	۰/۶۶۳	۰/۵۱۱	۰/۲۲۵
نحوه استفاده از زمین	۰/۶۵۲	۰/۴۳۹	۰/۳۹۹
وجود تأسیسات عمومی	۰/۶۳۳	۰/۴۴۷	۰/۴۸۹
قطعه‌بندی زمین	۰/۵۹۲	۰/۵۶۳	۰/۴۳۱
قیمت زمین	۰/۵۶۳	۰/۴۸۳	۰/۵۳۳
گروه‌های اجتماعی	۰/۵۵۳	۰/۴۹۰	۰/۵۲۴
وسایل حمل و نقل	۰/۳۵۱	۰/۸۱۱	۰/۳۰۱
نقش دولت	۰/۳۹۴	۰/۸۰۱	۰/۳۰۱
طرح‌های فنی	۰/۴۱۲	۰/۷۷۲	۰/۳۴۲
نحوه استفاده از فنون شهرسازی	۰/۵۴۷	۰/۶۷۵	۰/۳۳۶
سنت‌ها و علائق	۰/۵۵۳	۰/۶۲۸	۰/۴۵۶
نقش اقتصادی شهر	۰/۵۰۲	۰/۶۲۱	۰/۵۰۱

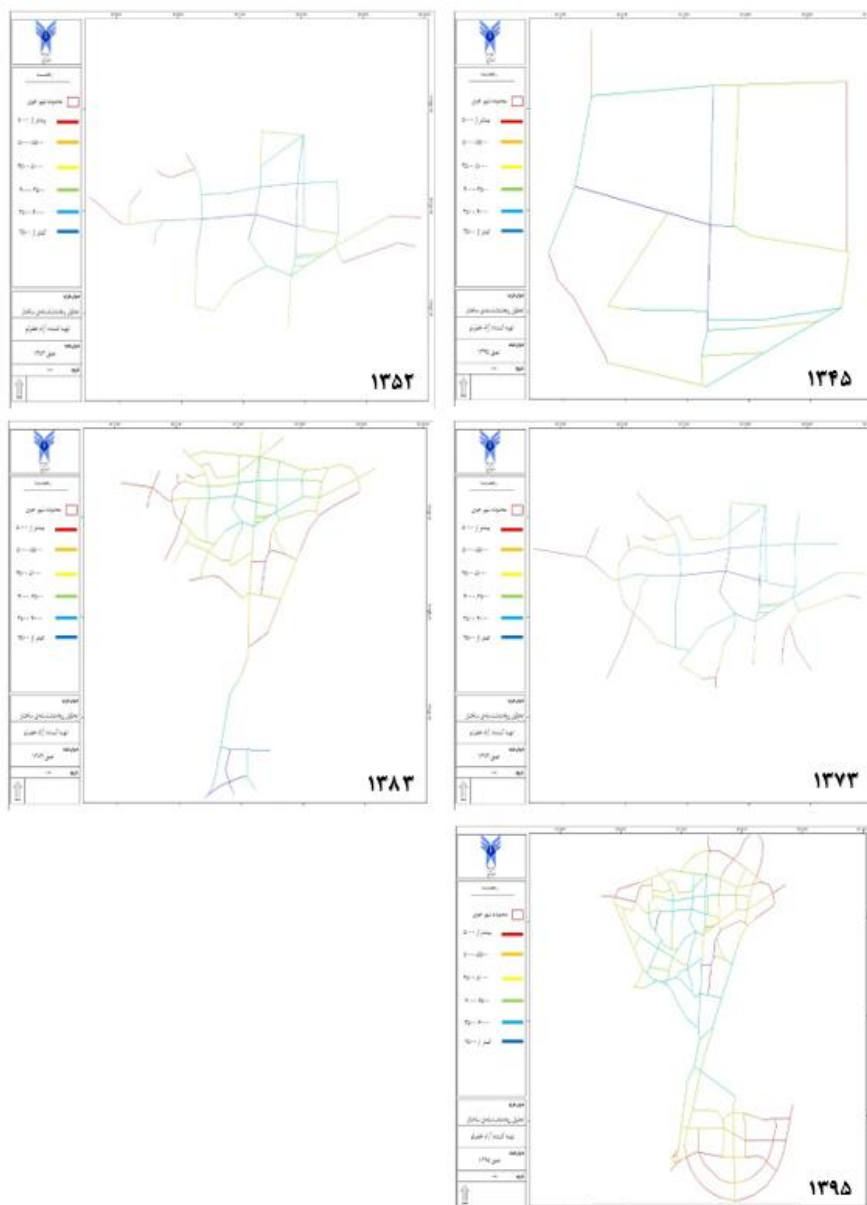
۰/۴۲۵	۰/۶۰۳	۰/۵۸۶	درآمد خانوارها
۰/۲۵۵	۰/۵۹۹	۰/۳۲۶	توپوگرافی
۰/۵۷۲	۰/۵۹۴	۰/۴۲۴	مالکیت اراضی و عادات محلی
۰/۵۰۵	۰/۵۹۲	۰/۵۱۲	مالکیت زمین
۰/۸۴۹	۰/۲۹۴	۰/۳۰۸	فعالیت‌های بخش خصوصی
۰/۸۴۴	۰/۲۹۳	۰/۳۲۴	بانک‌ها
۰/۷۷۶	۰/۳۱۴	۰/۳۴۹	قیمت مصالح ساختمانی
۰/۵۸۸	۰/۳۸۷	۰/۳۸۹	خاک و آب
۰/۵۸۰	۰/۵۷۸	۰/۴۲۱	اقلیم
۰/۵۷۸	۰/۴۶۶	۰/۳۸۸	مراکز شهری، فضاهای مسکونی

– تحلیل ۵ دوره متوالی با روش چیدمان فضا (Space Syntax)

در روش چیدمان فضا از نرم‌افزار Depth map برای تحلیل و خروجی داده‌ها استفاده می‌شود. در این نرم‌افزار نقشه ارتباطات و سازمان فضایی موردنیاز بوده به طوری که بر اساس میزان ارتباطات موجود در نقشه شبکه ارتباطی و اتصالات موجود در آن و همچنین سازمان فضایی موجود تحلیل‌های هم پیوندی، انتخاب، عمق و ... را در سطح محلی و فرامحلی ارائه می‌دهد؛ اما با توجه به موضوع پژوهش موردنظر (تحلیل ریخت‌شناسانه ساختار فضایی شهر شهری مرزی خوی) تحلیل‌های فرامحلی شامل هم پیوندی، انتخاب، عمق، اتصال و کنترل برای ۵ دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ موردبررسی و تحلیل قرار گرفته است.

تحلیل میزان عمق در ۵ دوره متوالی

مفهوم کاربری عمق در ارتباط با فضاها، منطبق بر جدایی‌گزینی یک فضای خاص از کلیت پیکربندی فضایی است. بدین معنا که فضاهایی که دارای مقدار عمق بیشتر هستند، خود را از پیکربندی فضایی جدا می‌کنند. فضاهایی که در تحلیل چیدمان فضا دارای بیشترین مقادیر عمق هستند در مطالعات تحلیل فضای چیدمان فضا، فضاهای مجزا گشته خوانده می‌شوند. با توجه به نقشه میزان عمق در دوره‌های ۵ گانه زیر می‌توان مشاهده نمود که از رنگ آبی به قرمز میزان عمق افزایش می‌یابد که نشان‌دهنده افزایش جدایی‌گزینی فضایی در بخش‌های قرمز رنگ می‌باشد.



شکل شماره ۵. نقشه میزان عمق شهری مرزی خوی در سال های ۱۳۵۲، ۱۳۷۳، ۱۳۸۳، ۱۳۹۵

با توجه به شکل ۵؛ در سال ۱۳۴۵، شهر شامل بخش مرکزی می‌شد معابر مرکزی هم پیوندی و عمق بیشتری دارند که در نقشه ۱۳۵۲ معابر و محدوده شهر افزایش پیدا کرده و میزان عمق از بخش مرکزی به بخش غربی شهر منتقل شده که این امر نشان‌دهنده افزایش مهاجرت مردمی به سمت خارج از بافت مرکزی و قدیمی بوده است. دلیل مهاجرت در این منطقه گسترش بخش صنعت و خدمات در نقاط شهری و سایر نقاط دارای بافت جدید و کاهش یا عدم گسترش بخش کشاورزی و نیز بیکاری و فقر در بافت مرکزی و قدیمی شهر شهری مرزی خوی در این سال (۱۳۴۵) می‌باشد. از سال ۱۳۵۲ تا ۱۳۷۳ محدوده شهر شهری مرزی خوی افزایش پیدا کرده و هم پیوندی و عمق در بخش غربی شهر بیشتر شده که نشان‌دهنده افزایش مهاجرت و سکونت در این بخش غربی شهر بوده که از بخش مرکزی رفته‌رفته فاصله گرفته است. بررسی وضعیت توزیع نسبی شاغلان در سه بخش عمده اقتصادی نشان می‌دهد که بیشترین میزان شاغلان منطقه در بخش خدمات شاغل هستند که ۴۲/۲ درصد کل شاغلین را شامل می‌شود. شهرستان خوی در بین شهرستان‌های استان رتبه هشتم را از نظر بالا بودن میزان شاغلین در بخش خدمات دارا می‌باشد. (طرح جامع شهری مرزی خوی، ۱۳۹۰). از سال ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳ طی ده سال توسعه شهر به صورت منفصل در بخش جنوبی شهر رخ داده و میزان عمق علاوه بر بخش مرکزی شهر تا حدودی به بخش جنوبی منفصل شهری مرزی خوی منتقل شده است و نشان‌دهنده توسعه شبکه ارتباطی و حمل‌ونقل و افزایش مهاجرت افراد به بخش منفصل شهر شهری مرزی خوی بوده است. شهرستان خوی به‌طور کلی ۱۰ درصد از راه‌های تحت پوشش اداره راه و ترابری را در بر گرفته و از طرفی در حدود ۲۰ درصد از راه‌های اصلی موجود در استان نیز در شهرستان خوی قرار گرفته و این بیانگر نقش ارتباطی بالایی است که این شهرستان در ارتباطات منطقه‌ای ایفا می‌نماید. در ارتباط با شهر خوی، با توجه به فرم کشیده استان و قرارگیری شهر خوی در مرکزیت تقریبی بخش شمالی نقش ارتباطی که شهر خوی در استان و ارتباطات منطقه‌ای ایفا می‌کند بسیار مهم و حائز اهمیت می‌باشد. از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۵ توسعه شهر به صورت منفصل در بخش جنوبی شهر افزایش پیدا کرده و میزان عمق

علاوه بر بخش مرکزی شهر به بخش جنوبی شهر شهری مرزی خوی منتقل شده است و نشان‌دهنده توسعه شبکه ارتباطی و حمل و نقل و افزایش مهاجرت افراد به بخش جنوبی متصل و منفصل شهر شهری مرزی خوی بوده است. بررسی وضعیت اشتغال و بیکاری منطقه و شهر خوی نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ از مجموع جمعیت ده‌ساله و بیشتر منطقه آذربایجان غربی ۹۱/۱۴ درصد از کل، ۹۲/۰۷ درصد از مردان و ۸۴/۵۸ درصد از زنان شاغل بوده‌اند. میزان اشتغال در بین مردان بیشتر از زنان در این منطقه بوده است. در سال ۱۳۸۵ تعداد ۲۶۶۳۱ نفر به شهر خوی وارد شده‌اند که اکثریت آن‌ها از نقاط روستایی شهرستان خوی بوده‌اند. برخی از مهاجران از نقاط روستایی و آبادی‌هایی این شهرستان جهت ادامه تحصیل، یافتن کار و کسب درآمد بیشتر به شهر خوی مهاجرت نموده‌اند. این افراد می‌توانند بر روند توسعه و رشد شهر، میزان اشتغال و فعالیت، میزان باروری و سایر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی تأثیرگذار باشند. علاوه بر این برخی از این افراد مهاجر، از وضعیت درآمدی خوبی برخوردار نبوده و باعث گسترش حاشیه‌نشینی و سکونتگاه‌های خودرو و غیررسمی در اطراف و حاشیه شهر می‌گردند. از بین مهاجران وارد شده به شهر خوی ۵۰/۵ درصد از شهرستان خوی بوده‌اند، ۲۶/۷ درصد از سایر شهرستان‌های استان آذربایجان غربی و ۲۲ درصد از سایر استان‌های کشور بوده‌اند.

شواهد نشان می‌دهد که شهر خوی از دهه ۱۳۳۰ ه.ق. دارای شهرداری بوده است. در ۸۰ ساله اخیر نیز به تبعیت از تحولات جهانی و منطقه‌ای اقداماتی در جهت تغییر سیمای شهرها و مناطق روستایی به وجود آمده است که شهر خوی از این قاعده مستثنی نبوده است. نتایجی که از تحلیل وقایع این منطقه از خاک ایران زمین به دست می‌آید به شرح زیر قابل طبقه‌بندی است:

سؤال اول: تغییرات ریخت‌شناسانه ساختار فضایی شهر شهری مرزی خوی از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ چگونه بوده است؟

جمعیت شهر مرزی خوی طی ۳۵ سال مذکور یعنی بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰؛ ۴/۲ برابر گردیده است و از ۳۴۴۹۱ نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۴۴۹۴۵ نفر در سال ۱۳۷۰ رسیده است، در فاصله بین هر یک از دهه‌های سرشماری علاوه بر رشد طبیعی جمعیت تعدادی مهاجر نیز

به ساکنان شهر اضافه شده است. طی ۲۰ سال بین ۱۳۷۰ - ۱۳۵۰ آهنگ رشد سریع تر بوده به طوری که شهر خوی در فاصله سال‌های ۱۳۵۰ آخرین بازمانده برج و باروی خود را ازدست داده و یکی از دروازه‌های آن که در جنوب بازار واقع است به‌عنوان یک اثر تاریخی محافظت می‌شود.

از سال ۱۳۷۰ به بعد باید بیان داشت به‌واسطه قرارگیری شهر خوی در موقعیت دشتی و پهنه‌ای بدون عوارض محدودکننده جغرافیایی، محدودیتی برای توسعه آتی شهر از نظر جغرافیایی وجود ندارد. نکته حائز اهمیت در توسعه شهر، اراضی کشاورزی باقابلیت بالا در اطراف شهر می‌باشد. با توجه به این عامل محدودکننده توسعه ناپیوسته در قسمت جنوبی در اراضی مرتعی و باقابلیت پایین صورت گرفته است.

درمجموع می‌توان گفت طی سال‌های گذشته جمعیت این شهر همواره با افزایش روبرو بوده که عواملی چون بالا بودن میزان باروری، بالا رفتن سطح بهداشت عمومی، کاهش میزان مرگ و میر و بالا بودن مهاجرپذیری از مناطق روستایی شهرستان از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در این زمینه بوده‌اند. این وضعیت باعث شده تا جمعیت شهر خوی طی نیم‌قرن به بیش از ۱۰ برابر (۱۰/۱۶ برابر) برسد.

جدول شماره ۶. روند تغییرات تعداد جمعیت شهر خوی طی سال‌های ۱۳۳۵ - ۱۳۹۵

سال سرشماری	جمعیت	نسبت تغییرات
۱۳۳۵	۳۴۴۴۹	
۱۳۴۵	۴۷۶۴۸	
۱۳۵۵	۷۰۳۵۷	
۱۳۶۵	۱۱۵۳۴۳	۱۰/۱۶
۱۳۷۵	۱۴۸۹۴۴	
۱۳۸۵	۱۸۱۴۶۵	
۱۳۹۵	۳۴۸۶۶۴	

سؤال دوم: کدام عوامل بیشترین تأثیر را بر تغییرات ریخت‌شناسانه ساختار فضایی شهر شهری مرزی خوی داشته‌اند؟

- علت ایجاد و گسترش شهر مرزی خوی

- ❖ دارا بودن موقعیت سرحدی: موقعیت استراتژیک این شهر در یکی از کانون‌های مهم مرزی که طی تاریخ همیشه به‌عنوان مرکز حمله دشمن از اهمیت برخوردار بوده است.
- ❖ وجود استعدادهای طبیعی: وجود سرزمین حاصلخیز و منابع بالقوه آب‌و‌خاک که خود در حد پتانسیل‌های موجود جذب جمعیت بوده است چه بعد از هر بار تخریب در نتیجه زلزله و قتل‌عام در جنگ و جدال منطقه‌ای به دلیل وجود استعدادهای خداداد بار دیگر شهر قد راست کرده و غبار ملال را از چهره زدوده است.
- ❖ قرارگیری بر سر راه‌های تجاری: استقرار این شهر بر سر راه ابریشم که یکی از بزرگ‌ترین شریان‌های ارتباطی شرق و غرب بوده و شهر خوی به‌عنوان مرکز تجمع و توزیع کالا عملکرد دوسویه داشته است.

آخرین سال‌های پلائی خوی در دوره کریم‌خان زند بود که امیران دنبلی (احمدخان و حسین‌خان) در خوی امارت داشتند و شهرهای مجاور را تابع خوی کردند و آن را به‌صورت یکی از شهرهای مهم و معروف آن عصر درآوردند، از یک‌سو با برقراری عدالت اجتماعی و تأمین امنیت کاروان‌ها و جمع‌آوری مالیات از شهرهای مجاور، اقتصاد خوی را رونق بخشیدند و از دگر سو با جلب شاعران و ادیبان و دانشمندان به این شهر و حمایت از آن‌ها یک کانون مهم فرهنگی به وجود آوردند. در دوران دنبلیان خوی را ترکستان ایران نامیدند. شهر خوی به دلیل دارا بودن استعدادهای طبیعی یکی از سکونتگاه‌های ایرانیان باستان بوده است. موقعیت استقرار آن در این نقطه از ایران‌زمین که با مرزهای بیگانه بخصوص روم باستان نزدیکی داشته است به‌طور یقین در همه ادوار تاریخی یکی از نقاط سرحدی ایران به‌شمار می‌رفته است. از وجود برج و باروی مستحکم این شهر چه در زمان‌های گذشته و چه در قرون معاصر مکرر در سیاحت‌نامه‌ها و متون تاریخی یاد گردیده است که خود مؤید مقام و موقعیت خاص شهر در ادوار تاریخی است. منطقه خوی و سلماس به دلیل دارا بودن موقعیت سرحدی دارای نیروی مستقل جنگ و

دفاع بوده‌اند. راجع به شهرهای سرحدی این موضوع مسلم است که بارها این‌گونه شهرها میدان تاخت‌وتاز با دشمن بوده و در معرض غارت‌ها و کشت و کشتارها قرار می‌گرفتند و ساکنان آن‌ها کمتر روی آرامش می‌دیدند. خوی از دوره‌های قبل از اسلام سرحد بین ایران و ارمنستان بوده و پادشاهان ارمنی که دین مسیحی داشتند و در حمایت پادشاهان روم به سر می‌بردند، در مواقع مناسب به سرحدات ایران تجاوز می‌کردند و بدیهی است که خوی نیز از این دستبردها بی‌بهره نمی‌مانده است. صرف‌نظر از دو قرن اولیه اسلامی که لشکریان مسلمان تمام منطقه ایران و ارمنستان را در تصرف خود درآوردند، در بقیه موارد باز خوی به‌صورت یک شهر سرحدی دارای تاریخ پرحادثه و پرنشیب و فراز بوده است. ایرانیان با قبول دیانت اسلام و ارمنیان با پابرجائی بر کیش مسیحیت مرزی را بین خود حائل داشته‌اند که خوی در کانون این مرز از مقام و موقعیت خاصی برخوردار بوده است. در کلیه جنگ‌های ایرانیان با دول غربی و شمال غربی بخصوص در کشمش‌های شهریاران محلی آذربایجان با دول متخاصم سرزمین خوی مرکز این لشکرکشی‌ها بوده است. به نوشته بلاذری در کتاب فتوح البلدان خوی جزء اولین مناطق ایران است که حدود سال ۲۰ هجری به دست سپاهیان اسلام فتح گردیده و مردم آن دیانت اسلام را پذیرا گشته‌اند. جنگ ملازگرد بین آلب ارسلان و امپراتور روم (در سال ۴۶۳ هـ ق) برای آذربایجان مخصوصاً برای شهر خوی حائز اهمیت بسیار بود. زیرا این جنگ به تجاوزات و تاخت‌وتازهای روزمره ارامنه و رومیان در آذربایجان پایان داد و آرامش را در این سرزمین پدید آورد و اوضاع اجتماعی تثبیت گردید و به‌جز چند واقعه کوچک این آرامش تا زمان سلطنت سلطان محمد جلال‌الدین ملک‌شاه سلجوقی نیز ادامه یافت. خوی در دوره حکمرانی حکومت اتابکان آذربایجان در پرتو امنیت و آرامش از لحاظ اقتصاد و علم و صنعت ترقی و پیشرفت زیادی کرد و از این جهت در آذربایجان یکی از شهرهای آباد و کم‌نظیر گردید. علاوه بر آن شهر خوی یکی از مراکز مهم تجارتنی به شمار می‌رفت و به داشتن سکه‌های زر و سیم کامل عیار معروف شد و صنعت پارچه‌بافی آن تا حدی پیشرفت کرد که سیاحان این شهر را به داشتن پارچه‌های نفیس ستوده‌اند. در سال ۶۲۸ هـ ق. در نبرد بین مغولان و

سلطان جلال الدین، وی کشته شد و بساط سلسله خوارزمشاهی برچیده شده و خوی به تصرف مغولان درآمد، در لشکرکشی‌های مغول شهر خوی نیز صدمات فراوان دید. در زمان ابوسعید بهادر خان (سال ۷۴۰ ه. ق) خوی دارای چهار شهر به نام‌های خوی، سلماس، ارومیه و اشنویه بوده است. بنابراین در این دوران تمام منطقه وسیعی که شهرهای چهارگانه آن زمان را در بر داشته خوی نامیده شده است که این امر مبین اهمیت منطقه خوی بوده است.

نتیجه‌گیری

فروپاشی بنیان‌های زندگی شهری هنگامی رخ می‌دهد که کالبد شهر ناعملکرد شود و از پاسخگویی به نیازهای آبی و آبی ساکنان خود بازایستد. این امر که محصول تقابل فضا با زمان است عملاً در بافت‌های قدیمی شهرهای کشور ما تحقق یافته و منجر به گسسته شدن فضاهای شهری شده است. در واقع قانون‌مندی‌های موجود در ساخت اصلی شهرهای کهن ایرانی مانند شهر مرزی خوی، می‌تواند در زمان حال در جهت ساماندهی و توسعه ساخت اصلی شهرها به کار گرفته شود. همچنین با توجه به رشد شتابان و بی‌رویه شهرها و بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به بافت‌های قدیمی منجر به رشد و گسترش فیزیکی بی‌رویه شهر شده است. این امر موجب بی‌توجهی به بخش‌های مرکزی شهر و تخلیه بافت‌های قدیمی از جمعیت شده و در نهایت موجب از بین رفتن بافت‌های قدیمی که در درون خود بخشی از هویت فرهنگی و اندیشه‌های اعصار مختلف تاریخی را دارند، گردیده است. همچنین از نظر اجتماعی و فرهنگی، بافت‌های قدیمی و یا بخش‌های مرکزی شهرهای قدیمی مظهر فرهنگ و رفتارهای اصیل ایرانی هستند و همانند آینه‌هایی فرهنگ و اجتماعات فرهنگ‌های محلی ایران‌زمین را نشان می‌دهند. بنابراین برای جلوگیری از بی‌نظمی و اغتشاش در بافت قدیم شهرها، لازم است به اصول تحول و تکامل منطقی آن‌ها توجه شود. در واقع همراه با رشد جمعیت، توسعه زیستگاه‌های مسکونی گریزناپذیر است، اما این توسعه در صورتی که ناموزون و به گونه‌ای شتاب‌زده صورت پذیرد، منجر به ناهماهنگی و مخدوش شدن بافت قدیم می‌گردد. عدم توجه به گذشته شهرها و روند

شکل‌گیری و توسعه تاریخی آن‌ها، سبب شده تا توسعه امروزی آن‌ها به گونه‌ای نامتناسب با شکل و هنجارهای شهر تاریخی صورت بگیرد. آنچه مسلم است، تغییر، جزء جدایی‌ناپذیر جهان ماده است و این چیزی است که نتیجه مستقیم گذشت زمان است. بافت یک شهر نه تنها سند تاریخ ساخت آن، بلکه سند زندگی انسان‌هایی است که آن را ساخته‌اند. مطالعه جنبه کالبدی شهر مناسب‌ترین مبنایی است که می‌توان تصویر کلی شخصیت را بر آن بنا نمود. زیرا جوهر کالبدی و سازمان آن محسوس‌ترین و پایدارترین جنبه‌ها هستند. از طرفی این تحقیق تفاوت‌هایی را با تحقیقات مذکور (پیشینه تحقیق) دارد. در همین راستا برخی پژوهشگران جدایی‌گزینی، برخی دیگر عامل زمان، برخی نیز الگوهای شهری، برخی دیگر از محققان اشتغال و روابط اجتماعی، برخی دیگر نیز الگوهای سفر و فضاها، باز عمومی و خصوصی را در تحلیل ساختار فضایی شهری مورد بررسی قرار دادند. در صورتی که این تحقیق سعی کرده است به نحوی تمام عوامل تأثیرگذار بر ساختار فضایی شهری مرزی خوی را مورد بررسی قرار دهد. نتایج این تحقیق نشان داد که در سال ۱۳۴۵ مهاجرت در قسمت‌های جنوبی، شرقی و مرکزی بیشترین تغییرات و هم‌پیوندی و عمق فضایی را ایجاد کرده است. در سال ۱۳۵۲ عمق و حرکت از بخش مرکزی به بخش غربی منتقل شده است که این امر نشان‌دهنده افزایش مهاجرت مردمی به سمت خارج از بافت مرکزی و قدیمی بوده است. در سال ۱۳۷۳ عمق در بخش غربی بیشتر شده است و در سال‌های ۱۳۸۳ و ۱۳۹۵ توسعه شهر به صورت منفصل در بخش جنوبی شهر رخ داده است که نشان‌دهنده توسعه شبکه ارتباطی و حمل‌ونقل می‌باشد. همچنین بر اساس آزمون تحلیل عاملی (SPSS)، در ستون اول تأثیرگذاری قوانین مربوط به استفاده از زمین، آب و ساختمان؛ طرح جامع شه؛ افزایش جمعیت و مهاجرت به ترتیب با ارزش عددی «۰/۷۷۰، ۰/۷۳۷، ۰/۷۳۰ و ۰/۷۲۶»، در ستون دوم تأثیرگذاری وسایل حمل‌ونقل؛ نقش دولت و طرح‌های فنی به ترتیب با ارزش عددی «۰/۸۱۱، ۰/۸۰۱ و ۰/۷۷۲» و در نهایت در ستون سوم تأثیرگذاری مالکیت زمین، فعالیت بخش خصوصی و تسهیلات

بانك‌ها به ترتيب با ارزش عددي «۰/۸۴۹، ۰/۸۴۴ و ۰/۷۷۶» بيشترين تأثير را با تغييرات ساختار فضايي شهر شهري مرزي خوي داشته‌اند.

تقدیر و تشکر

بنا به اظهار نويسنده مسئول اين مقاله كه برگرفته از رساله دكتري مي‌باشد حامي مالي نداشته است.

منابع

- ۱) ابراهيمي پور، مرضيه و اردلان، داريوش (۱۳۹۹) بررسي تطبيقي تأثير گونه‌شناسي قطعات مسكوني بر مورفولوژي بافت شهري (مورد مطالعه: محله عباسقلي خان، دروازه رشت و يدي بورورخ در شهر زنجان)، مهندسي جغرافيايي سرزمين، دوره ۴، شماره ۷، صص. ۳۷-۵۵.
- ۲) اقبال كورائيم، محمدرضا؛ سليماني مهرنجاني، محمد؛ كمانرودي كجوري، موسي؛ زنگانه، احمد (۱۳۹۷) تبیین ساختار فضايي شهر و شكل گيري مراكز فرعي در شهر اردبيل، مديريت شهري و روستايي، دوره ۱۷، شماره ۵۰، صص. ۳۲۲-۳۰۵.
- ۳) بليان اصل، ليدا (۱۳۹۵) ساختار فضايي شهر تبريز در دوره صفوي با مقايسه تطبيقي سفرنامه‌ها و اسناد تصويري، باغ نظر، دوره ۱۳، شماره ۳۸، صص. ۴۷-۶۰.
- ۴) پوراحمد، احمد؛ فرجي، امين؛ منوچهری میاندوآب، ايوب؛ عظيمي، آزاده (۱۳۹۰) تأثير مدرنيسم بر توسعه فضايي - كالبدی شهرهای ایرانی - اسلامي، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامي، دوره ۲، شماره ۶، صص. ۴۷-۶۱.
- ۵) پورمحمدي، محمدرضا؛ صدرموسوي، ميرستار؛ جمالي، سيروس (۱۳۹۰) واكاي مکتب‌های مورفولوژي شهري، فصلنامه مطالعات جغرافيايي مناطق خشك، دوره ۲، شماره ۵، صص. ۱-۱۶.
- ۶) جمالي، سيروس (۱۳۹۴) بررسي جايگاه گونه ريخت شناسي شهري در طرح‌های توسعه كالبدی ایران (مطالعه موردی كلان شهر تبريز)، مطالعات جغرافيايي مناطق خشك، دوره ۵، شماره ۱۹، صص. ۸۵-۱۰۲.

- (۷) داداش پور، هاشم و ولاشی، مریم (۱۳۹۶) تحلیل ساختار فضایی جمعیت در شهر منطقه مرکزی مازندران در دوره زمانی ۱۳۶۵-۱۳۹۰، پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۲، صص. ۱۹۹-۲۲۲.
- (۸) رفیعیان، مجتبی و زاهد، نفیسه (۱۳۹۹) سنجش جدایی گزینی فضایی شهر قم و ارتباط آن با ساختار فضایی شهر، مجله آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۱۰، شماره ۳۵، صص. ۲۳۸-۲۱۷.
- (۹) زیاری، کرامت اله؛ پوراحمد، احمد؛ محمدی، روح الله (۱۳۸۹) الگوی توزیع فضایی کاربری های شهری در شهرهای نفت خیز (مطالعه موردی: شهر دو گنبدان)، فصلنامه تحقیقاتی جغرافیا، سال ۲۵، شماره ۹۶، صص. ۵۰-۲۱.
- (۱۰) سلطانی، علی و پناهی، نیلوفر (۱۳۹۳) ظرفیت سنجی معابر درون شهری بر مبنای ویژگی های ساختاری و پیوند با فعالیت های مجاور (مطالعه موردی: منطقه ۶ شهرداری شیراز)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال ۵، شماره ۱۹، صص. ۳۸-۲۱.
- (۱۱) شاه علی، جعفر (۱۳۸۹) بررسی شبکه معابر شهری در ارتباط با مورفولوژی شهری، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی، سال ۲، شماره ۳، صص. ۱۵۲-۱۳۷.
- (۱۲) صحرائیان، زهرا (۱۳۹۶) تبیین نقش پراکنده رویی در ساختار فضایی - کالبدی کلان شهر شیراز، رساله دکتری، به راهنمایی محمد سلیمانی مهنجاتی و علی موحد، دانشگاه خوارزمی.
- (۱۳) صفایی پور، مسعود و سعیدی، جعفر (۱۳۹۶) تحلیلی تاریخی بر عناصر و ساختار کالبدی فضایی شهرهای ایرانی - اسلامی، اسلام و مطالعات اجتماعی، دوره ۵، شماره ۳، صص. ۹۵-۱۲۵.
- (۱۴) عباس زادگان، مصطفی؛ مختارزاده، صفورا؛ پیدرام، رسول (۱۳۹۱) تحلیل ارتباط میان ساختار فضایی و توسعه یافتگی محلات شهری به روش چیدمان فضا (مورد مطالعه: شهر مشهد)، مطالعات و پژوهش های شهری و منطقه ای، سال ۴، شماره ۱۴، صص. ۶۲-۴۳.
- (۱۵) علی آبادی، زینب و محمدی، محمود (۱۳۹۸) بررسی تحولات ساختار فضایی در مورفولوژی شهر طی ادوار تاریخی (نمونه موردی: شهر زنجان)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، دوره ۹، شماره ۳۲، صص. ۷۰-۵۱.

۱۶) کریمیان، حسن و رحیم‌نژاد، مریم (۱۳۹۵) بازیابی ساختار فضایی شهر تاریخی ساوه با اتکای به آثار معماری و شواهد باستان‌شناسانه، مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۲۵، شماره ۱۴، صص. ۲۹-۴۲.

۱۷) کلانتری خلیل‌آباد، حسین و ملاحسینی اردکانی، رضا (۱۳۹۱) تفاوت الگوی شهرسازی در میزان محله‌گرایی نواحی فرهنگی و جغرافیایی مشابه (مطالعه تطبیقی: شهرهای اردکان و میبد)، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، دوره ۲، شماره ۷، صص. ۳۹-۵۲.

- 18) Abbaszadegan, M. & Mokhtarzadeh, S. & Pedram, R. (2012) Analysis of the relationship between spatial structure and development of urban neighborhoods by spatial arrangement method (Case study: Mashhad), Urban and Regional Studies and Research, Vol.4, No.14, pp. 43-62. [In Persian].
- 19) Aliabadi, Z. & Mohammadi, M. (2019) Investigation of spatial structure changes in the morphology of the city during historical periods (Case study: Zanjan city), Journal of Spatial Planning, Vol.9, No.32, pp. 51-70. [In Persian].
- 20) Batty, M. (2009) Cities as Complex Systems: Scaling, Interaction, Networks, Dynamics and Urban Morphologies.
- 21) Bilalan Asl, L. (2016) The spatial structure of Tabriz in the Safavid period with a comparative comparison of travelogues and visual documents, Bagh-e Nazar, Vol.13, No.38, pp.47-60. [In Persian].
- 22) Burger, M. J. & de Goei, B. & Van der Laan, L. & Huisman, F. J. (2011) Heterogeneous development of metropolitan spatial structure: Evidence from commuting patterns in English and Welsh city-regions 1981–2001, Cities, Vol.28, No.2, pp.160-170.
- 23) Copus, K A. (2001) From Core - Periphery to Polycentric Development Concept of Spatial and A spatial Perpherality, European Planning Studies, Vol.9, No.4, Car fax Publishing.
- 24) Dadashpour, H. & Velashi, M. (2017) Analysis of the spatial structure of the population in the city of the central region of Mazandaran in the period 1365-1390, Geographical Studies of Urban Planning, Vol.5, No.2, pp. 199-222. [In Persian].
- 25) Ebrahimipour, M. & Ardalan, D. (2020) A Comparative Study of the Typology of Residential Plots on the Morphology of Urban Texture (Case Study: Abbasgholikhaneh Neighborhood, Rasht Gate and Yedi Borourgh in Zanjan), Geographical Engineering of the Land, Vol.4, No.7, pp.37-55. [In Persian].

- 26) Garcia-Lopez, M. À. & Nicolini, R. & Roig, J. L. (2020) Segregation and urban spatial structure in Barcelona, *Papers in Regional Science*, Vol.99, No.3, pp.749-772.
- 27) Hu, L. & Sun, T. & Wang, L. (2018) Evolving urban spatial structure and commuting patterns: A case study of Beijing, China, *Transportation Research Part D: Transport and Environment*, Vol.59, pp.11-22
- 28) Iqbal Koraim, M. R. & Soleimani Mehrnjani, M. & Kamanroudi Kojouri, M. & Zanganeh, A. (2018) Explaining the spatial structure of the city and the formation of sub-centers in the city of Ardabil, *Urban and Rural Management*, Vol.17, No.50, pp.305-322. [In Persian].
- 29) Jamali, S. (2015) Investigation of the position of urban morphological species in the physical development plans of Iran (Case study of Tabriz metropolis), *Geographical studies of arid regions*, Vol.5, No.19, pp. 85-102. [In Persian].
- 30) Karimian, H. & Rahimnejad, M. (2016) Recovery of the spatial structure of the historical city of Saveh based on architectural works and archaeological evidence, *Studies of the Iranian Islamic City*, Vol.25, No.14, pp.29-42. [In Persian].
- 31) Klantri Khalilabad, H. & Mollahosseini Ardakani, R. (2012) Difference of urban planning model in the degree of neighborhoodism of similar cultural and geographical areas (Comparative study: Ardakan and Meybod cities), *Iranian Islamic City Studies Quarterly*, Vol.2, No.7, pp.39-52. [In Persian].
- 32) Koc, A. & Kubat, A. S. (2019) morphological techniques for assessing urban form of Assessing Urban form of Istanbul's Historical Peninsula, Conference: XXV International Seminar on Urban Form 2018At: Krasnoyarsk, Russia
- 33) Kropf, S. (2017) *Handbook of urban morphology*, Wiley, Chichester.
- 34) Lehner, A. & Blaschke, T. (2019) A generic classification scheme for urban structure types, *Remote Sensing*, Vol.11, No.2, pp.173.
- 35) Lu, C. & Pang, M. & Zhang, Y. & Li, H. & Lu, C. & Tang, X. & Cheng, W. (2020) Mapping Urban Spatial Structure Based on POI (Point of Interest) Data: A Case Study of the Central City of Lanzhou, China, *ISPRS International Journal of Geo-Information*, Vol.9, No.2, pp.80-92.
- 36) Meijer, M. & Adriaens, F. & van der Linden, O. & Schik, W. (2011) a next step for sustainable urban design in the Netherlands, *Cities*, Vol.28, No.6, pp. 536-544.
- 37) Owens, P. M. (2005) *Beyond Density: Measuring Neighborhood Form in New England's Upper Connecticut River Valley*, PhD dissertation: University of California.

- 38) Picard, P. M. & Zenou, Y. (2018) Urban spatial structure, employment and social ties, *Journal of Urban Economics*, Vol.104, pp.77-93.
- 39) Pour Mohammadi, M. R. & Sadr Mousavi, M. & Jamali, S. (2011) Analysis of urban morphology schools, *Journal of Geographical Studies of Arid Areas*, Vol.2, No.5, pp.1-16. [In Persian].
- 40) PurAhmad, A. & Faraji, A. & Manouchehri Miandoab, A. & Azimi, A. (2011) The Impact of Modernism on the Spatial-Physical Development of Iranian-Islamic Cities, *Iranian Islamic City Studies Quarterly*, Vol.2, No.6, pp. 47-61. [In Persian].
- 41) Rafieian, M. & Zahed, N. (2020) Assessing the spatial separation of Qom city and its relationship with the spatial structure of the city, *Journal of Space Geographical Planning*, Vol.10, No.35, pp.217-238. [In Persian].
- 42) Rodrigue, J. P. & Comtois, C. & Slack, B. (2013) *the geography of transport systems*, Routledge.
- 43) Safaeipour, M. & Saeedi, J. (2017) A Historical Analysis of the Spatial Elements and Physical Structure of Iranian-Islamic Cities, *Islam and Social Studies*, Vol.5, No.3, pp.95-125. [In Persian].
- 44) Sahraeian, Z. (2017) Explaining the Scattered Role of Surface in the Spatial-Physical Structure of Shiraz Metropolis, PhD Thesis, Supervised by Mohammad Soleimani Mehrnjati and Ali Movahed, Kharazmi University. [In Persian].
- 45) Sermak, Agnieszku Brzosko. (2007) Theoretical Deliberations on Frontier location of Cities, *Bulletin of Geography (Socio-Economic Sires)*, No.7, pp.73-869.
- 46) Shah Ali, J. (2010) A study of urban road network in relation to urban morphology, *Quarterly Journal of Human Geography Research*, Volume 2, Number 3, pp.152-137. [In Persian].
- 47) Soltani, A. & Panahi, N. (2014) Capacity assessment of inner city thoroughfares based on structural features and connection with adjacent activities (Case study: District 6 of Shiraz Municipality), *Journal of Urban Research and Planning*, Vol.5, No.19, pp.21-38. [In Persian].
- 48) Topcu, M. & Southworth, M. (2014) A comparative study of the morphological characteristics of residential areas in San Francisco, *A/Z Itu Journal of the Faculty of Architecture*, Vol.11, No.2, pp.173-189.
- 49) Van Houtum, Henk. (2000) an Overview of European Geographical Research on Border Region, *Journal of Borderlands Studies*, Vol. xv, No.1, pp.56-83.
- 50) Wardhani, F. & Bahri, S. (2021) Comparative Study of the Patterns and Characteristics Urban Morphology of the Old City, Bengkulu, and Singapore that Has Relation to Historical Background. In *AUC 2019* (pp. 553-570), Springer, Singapore.

- 51) Whitehand, J.W.R. (2007) Conezenian Urban Morphology and Urban Landscapes, In Proceedings, 6th Internathional Space Syntax Symposium, Istanbul, 2007.
- 52) Zhang, L. & Yue, W. & Liu, Y. (2017) Multidimensional analysis of the polycentric urban spatial structure A case of Hangzhou. *Econ. Geogr*, Vol.37, pp. 67-75.
- 53) Zhang, Q. & Tong, Q. (2018) Specialization and Regional Spacial Integration: A Case Study of Yangtze River Delta. In 2018 5th International Conference on Industrial Economics System and Industrial Security Engineering (IEIS) (pp. 1-6). IEEE.
- 54) Zhou, H. & Gao, H. (2020) The impact of urban morphology on urban transportation mode: A case study of Tokyo. *Case Studies on Transport Policy*, Vol.8, No.1, pp.197-205.
- 55) Ziari, K. & PurAhmad, A. & Mohammadi, R. (2010) The model of spatial distribution of urban land uses in oil-rich cities (Case study: Dogonbadan city), *Geography Research Quarterly*, Vol.25, No.96, pp. 21-50. [In Persian].

◆Articles

- ❖ **Peace Stabilization Solutions in the Northwestern Borders of the Islamic Republic of Iran with an Emphasis on the Karabakh Crisis**
Javad Kiani, Mahdi Zakerian , Hamid Ahmadi
- ❖ **Countering Terrorist Crimes Due to Immigration in the Realm of International Law Looking at the Requirements of the Iranian Police to Ensure Border Security**
Nejat Amiri, Peyman Namamian
- ❖ **Pathology of serving Conscripts in I.R.I. Border Guard Units**
Mehdi Yektai , Bahman Sohrabi, Mehdi Kazemi Kalor, Mohammad Mirzaei
- ❖ **Investigating Urban Livability Scenarios with Future Developmental Approach Case Study: The border city of Mahabad**
Shadi Amini, Hassan Ahmadzadeh, Hassan Hooshyar, Reza Valizadeh
- ❖ **The Cycle of Underdevelopment, Smuggling and Border Security Escalation in Sistan and Baluchistan Province**
Yashar Zaki , Javad Gholami, Mohammad Yousefi Shatouri
- ❖ **Designing a Sustainable Border Security Management Model in Ardabil Province**
Ahad Nowruzzadeh
- ❖ **An Analysis of Changes in the Spatial Structure of the Border City of Khoy from 1967 to 2016**
Aram Khezerloo, Akbar Abdollahzadeh Tarf, Arash Saghafiasl, Mohammad Reza Pakdelfard

Journal of Border Science and Technology
Vol. 11, No.2, Summer 2022



Concessionaire: Faculty of Borders Science and Technology -
Amin Police University

Director-in-Charge : Reza Kazemi

Editor-in-Chief : Mohammad Akbari. PhD

Deputy Editor : Ruhollah Salar. PhD

Managing Editorial : Mohammad Asdifard

Managing Editor : Javad Kiani

Executive Director : Mohammad Waysian

Farsi Editor: PhD Mohammad Nayebpour and Mohammad
Waysian.

English Editor : Ali Mohammadi Dorabad

Evaluators :

Dr. Ali Ebadinejad, Assistant Professor Geomorphology Amin Police University.

Dr. Mohammad Akbari, Associate Professor of Political Geography Islamic Azad
university.

Dr. Mohammad Nayebpour, Associate Professor History Amin Police University.

Dr. Mohammadamir Sheikhnoori, Assistant Professor of History at the University of Al-
Zahra.

Dr. Mohammadhosen Zolfagari, Assistant Professor Internal Security Amin Police
University.

Dr. Mohammadkazem Sajadpoor, Associate Professor, Faculty of International Relations.

Dr. Mojtaba Maghsudi, Assistant Professor political science Islamic Azad university.

Addresses of Journal Office :

Quarterly Office, Research Deputy, Faculty of Borders Science and
Technology, Amin Police University

Hemmat West Expressway, Tehran, IRAN.

Tel : +98(21)48931680

Tel-Fax : +98(21)48931683



Journal of Border Science and Technology

Vol. 11, No.2, Summer 2022

ISSN (Print): 2538 -4090
ISSN (ON LINE):2538 -4101

Peace Stabilization Solutions in the Northwestern Borders of the Islamic Republic of Iran
with an Emphasis on the Karabakh Crisis

Javad Kiani, Mahdi Zakerian , Hamid Ahmadi

Countering Terrorist Crimes Due to Immigration in the Realm of International Law
Looking at the Requirements of the Iranian Police to Ensure Border Security

Nejat Amiri, Peyman Namamian

Pathology of serving Conscripts in I.R.I. Border Guard Units

Mehdi Yektai , Bahman Sohrabi, Mehdi Kazemi Kalor, Mohammad Mirzaei

Investigating Urban Livability Scenarios with Future Developmental Approach
Case Study: The border city of Mahabad

Shadi Amini, Hassan Ahmadzadeh, Hassan Hooshyar, Reza Valizadeh

The Cycle of Underdevelopment, Smuggling and Border Security Escalation
in Sistan and Baluchistan Province

Yashar Zaki , Javad Gholami, Mohammad Yousefi Shatouri

Designing a Sustainable Border Security Management Model in Ardabil Province

Ahad Nowruzzadeh

An Analysis of Changes in the Spatial Structure
of the Border City of Khoy from 1967 to 2016

*Aram Khezerloo, Akbar Abdollahzadeh Tarf, Arash Saghafiasl,
Mohammad Reza Pakdelfard*